



آنچه برای شما واجب است

ط

Collection of Prof. Muhammad Iqbal Mujaddidi
Preserved in Punjab University Library.

پروفیسر محمد اقبال مجددی کا مجموعہ
پنجاب یونیورسٹی لائبریری میں محفوظ شدہ







ط

و روانشناسی

از ابراهیم میکسیر

حق چاپ محفوظ و نقل در روزنامه‌ها موقوف
باجازه کتبی نویسنده است

چاپ دوم

بها: با جلد زر کوب ۶۵ ریال با جلد شمیز ۵۰ ریال

محل کل پخش: تهران میدان شاهپور جنب مسجد مهدیخان
الکتریکی نیک

۱۳۳۵ هجری

چاپ اتحاد

چاپ اتحاد

فهرست مندرجات کتاب ابتکاری طب 38998

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
	فصل دوم	۱	پنج اصل ابتکاری و تازه
۶۶	تأثیر هوا در بدن	۲	توضیحات لازم بخش اول
۶۶	ترکیبات هوا	۸	« « « دوم
۶۶	هواهای مختلف	۱۴	طب و روانشناسی مقدمه
۶۶	اکسیژن و کربن نباتات	۱۵	اولین شپش تیفوس
۶۸	فصول مختلف	۱۶	دو نظر مخالف
۶۸	موقعیت های مختلف هوایی		فصل یکم
۶۹	ارتباط هواهای مختلف بدن	۲۰	غذاها و ماکولات
۷۲	تأثیر هوا در روحیه	۲۱	سلول
۷۴	تطبیق غذا با هوا	۲۴	خون
	چند عارضه که از هوا پدید	۲۷	نیرو یا خاصیت غذائی
۷۵	میآید	۲۹	تأثیر نیرو و خاصیت غذائی در بدن
	امراضی که از تأثیر هوا در بدن	۳۱	سرد، گرم، حاد، مرطوب
۷۶	پیدا میشود	۴۴	بدن از چند طریق تغذیه میکند
	فصل سوم	۴۶	مطلب مهم، مرکز کسالتها
۷۷	آبهای مختلف	۴۷	موقعیت مزاجی
۷۷	تأثیر آب بهادر بدن	۴۷	مزاجهای مختلف
۷۸	استفاده مختلف بدن از آب		بچه هائیکه رنگهای مختلف
۷۸	تورم و تعرق سلولها	۴۸	دارند
۷۹	امراضیکه از آب پدید میآیند	۴۹	تغییر رنگ در انسان
	فصل چهارم	۵۱	که زنگی بشستن بگرد سفید
۸۰	حرارتها و برودتها	۵۳	چاقی و لاغری و قد و روحیه
۸۰	اثر حرارتها و برودتها در بدن	۵۶	چند آزمایش
۸۰	تماس بدن با حرارتهای مختلف		آیا میشود در بدن اعضاء جدیدی
۸۱	عکس العمل حرارتها	۵۸	ایجاد و یا کم و زیاد و کوچک
۸۱	برودت		و بزرگ شود.
۸۲	تأثیر حرارت و برودت در اعضا	۶۰	پیدایش امراض و معالجه آنها
	فصل پنجم	۶۲	اشتباهات طبی و پیدایش امراض
۸۳	بوها	۶۵	عمده بدن
			نتیجه

	وجود روح یا فعالیت سلسله	۸۳	حساسیت اعصاب
۱۰۱	اعصاب	۸۳	شدت تأثر اعصاب دماغ
	انقلاب مساعد و نامساعد روحی	۸۴	تأثیر هوا و بو و آب در اعصاب
۱۰۳	در بدن	۸۶	بوها
۱۰۴	کلمات و اخبار		فصل ششم
	موقفیت ها و مغلوبیت های	۸۷	نورها
۱۰۵	خیالی	۸۷	اثر نورها
۱۰۵	مکالمات عمومی	۸۸	دو مثال جالب توجه
۱۰۵	ترس		فصل هفتم
۱۰۶	قوت فکر یا روح	۹۰	صداها
۱۰۶	توجه روحی	۹۱	محیط های آرام
۱۰۷	تعلیم و تربیت و عقاید	۹۱	قدرت تحمل اعصاب
۱۰۹	صبر و بردباری	۹۲	تأثیر صداها در اعصاب
۱۱۱	نوش و نیش یا تشویق و تنبیه	۹۲	باقی ماندن اثر صداها در اعصاب
۱۱۱	روحیه مریض	۹۳	تأثیر صداها در هیجانات عصبی
۱۱۲	بیدار کردن شعور باطنی	۹۳	تأثیر محیط های آرام در بدن
۱۱۷	گوشت و پیه		امراضیکه از صداها ایجاد
۱۱۹	گوشت خوک	۹۴	میشود
۱۲۱	نتیجه توضیحات ده گانه		فصل هشتم
	فصل یازدهم	۹۵	رنگها
۱۲۲	میکرب و اشتباه پاستور		فصل نهم
۱۲۲	میکرب	۹۶	حرکات
	نظر تازه راجع به پیدایش-		ورزش باید بفواصل مختلف
۱۲۵	میکرب	۹۷	باشد
۱۲۹	زرد آب		غذا باید مناسب با حرکت
۱۳۱	سه قسمت لازم	۹۷	باشد
۱۳۳	یک آزمایش تازه		فصل دهم
	آیا میکرب خطرناک و مهیب	۹۸	تأثیرات مهم روحی در بدن
۱۳۵	است		علل مهمی که عقیده ببقاء روح را
۱۳۶	تخم یا نطفه اول	۹۸	ایجاد نموده
	آیا در مرد های بدون نطفه میشود	۹۹	عقاید مختلف راجع بروح

۱۸۰	میکرب سیفلیس از آمریکا آمده	۱۳۹	ایجاد نطفه کرد
۱۸۳	سرایب امراض مسری	۱۴۵	کشت یا زراعت میکرب
۱۸۳	فصل دوازدهم - نیروهای ناپیدا	۱۴۷	آزمایش روی آزمایش پاستور
۱۸۳	قوا و نیروهای ناپیدا	۱۴۹	زور و قوت میکرب
۱۸۴	نیروهای دیگری که در روح ما نفوذ دارند	۱۵۰	تغییر نیرو و در گازهای هوایی
	تقویت روح بوسیله تعلیم و تربیت	۱۵۳	عقاید دیروز و نظریات امروز
۱۸۵	تاثیر اعمال خوب و بد در روح و قلب	۱۵۴	حیات قبلی
۱۷۷	نتیجه تیفوس	۱۵۵	آب-خاک-هوا-حرارت
۱۸۸	علت پیدایش تیفوس	۱۵۸	هوا چطور بوجود میآید
۱۹۷	ظهور تیفوس	۱۶۲	وجود میکرب در هوا
۱۹۷	معالجه تیفوس		میکربها چطور تکوین میشوند
۱۹۹	تیفوس و شپش	۱۶۶	نتیجه
۲۰۰	خطرناکتر از میکرب تیفوس ضعف روحیه است	۱۷۱	احتمال اشتباه
۲۰۰	اختلاف نظری و عملی طب جدید	۱۷۲	چند موضوع غلط طبی امروز
۲۰۶	آیا احتیاجی بطب قدیم داریم	۱۷۳	دور و تسلسل امراض
۲۰۹	چند تذکر مفید طبی	۱۷۴	تجزیه ادرار یا مدفوع
۲۱۳	سه تذکر لازم	۱۷۴	یک مریض سیفلیسی
		۱۷۵	وراثت
			پیدایش موجودات از نسلهای قبل
		۱۷۶	میکربها تکوین میشوند یا قبلا بوده اند
		۱۸۰	

پنج اصل ابتکاری و تازه مندرج در این کتاب

- ۱ - امراض در درجه اول از غذاها پدید می آیند و با غذا هم میشود امراض را معالجه کرد و آبها و حرارتها و برودتها و نورها و صداها و بوها و حرکات و تأثیرات مهم روحی هم در سلامتی و مرض مؤثرند
- ۲ - پاستور دانشمند عالی مقام فرانسوی در توضیحات خود راجع بوجود میکرب در هوا اشتباه کرده یعنی میکربی در هوا نیست بلکه در اثر اصطکاک گازهای موجود در هوا که موقعیتهای مختلفی پیدا میکنند با مواد آلی میکرب بوجود می آید
- ۳ - برخلاف آنچه مشهور شده شپش یگانه عامل ایجاد کننده تیفوس نیست و شپش بنسبت يك درصد در ایجاد تیفوس مؤثر است
- ۴ - کلیه سلولها و گلبولهای سفید و قرمز خون از غذا بوجود می آیند و با غذا هم میتوان آنها را کم و زیاد کرد و تغییراتی که در افراد پیدا میشود در درجه اول مربوط بموقعیت مزاجی پدر و مادر آنان و بعد بموقعیت مزاجی خودشان است
- ۶ - کلیه دیدنیها و شنیدنیها و خواندنیها و موضوعات مهم روحی و معتقدات دینی و اجتماعی و سیاسی بطور کلی همه چیز حتی حرف و خیال در تشکیل شخصیت و تقویت و تضعیف روح و اعصاب خلاصه در سلامتی و مرض مؤثر میباشند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ توضیحات لازم بخش اول:

برای کشف حقایق و ترقی اجتماع باید باشهامت و رعایت ادب و نزاکت گفتنی هارا گفت و از احتیاط های بیمورد خودداری کرد بهمین علت منهم باضعف معلومات و مشکلات بسیار و عدم وسایل و وجود مخالفت های گوناگون بنوشتن این کتاب مبادرت نموده و با اینکه اهمیت بحث در موضوع های مندرج در کتاب حاضر بیش از حد توانائی و قدرت علمی و روحی من بوده با اینحال برای چاپ اول کتاب حاضرده سال مبارزه و استقامت کردم تا بالاخره باراهنمائی و همت رفقای محترم گمر کی خود دردی ماه ۱۳۳۱۰ بچاپ اول این کتاب مبادرت و اینک هم چاپ دوم آن را با اصلاحات زیادی تقدیم دوستداران کتاب مینمایم و از عموم همسکاران محترم اداری خود که با خرید و یا فروش قبوض پیش فروش و سیله چاپ و نشر آن را فراهم فرموده اند صمیمانه سپاسگذاری و تشکر میکنم و برای اینکه معلوم گردد کمک و مساعدت رفقای اداری ماچه نتیجه نیکوئی بار آورده و چه موفقیت بزرگی حاصل شده و ضمناً اهمیت مطالعات ابتکاری اینجانب از چه قرار بوده و مندرجات کتاب از نظر اساتید فن و دانشکده پزشکی چه ارزش و موقعیتی دارد مراتب زیر باستحضار میرسد :

۱- جنابان آقایان دکتر علی فلاتی و دکتر محمد مجلل اساتید محترم دانشکده پزشکی و دکتر مومتمنی رئیس بنگاه حمایت مادران و پرفسور قوام صدوقی قبل از چاپ مندرجات کتاب را مطالعه و شفاهاً تعریف و تمجید بسیاری از آن فرموده اند و جناب آقای دکتر علی فلاتی بنام اینکه در طب گنج کشف شده موفقیت اینجانب را تبریک گفته اند.

۲ - جناب آقای دکتر خسرو بسیطی رئیس تبلیغات و جناب آقای دکتر کاظم وزیری رئیس اداره انتشارات وزارت بهداری کتاب را مطالعه و آقای دکتر بسیطی تعریف و تمجید زیادی از کتاب کرده و آقای دکتر وزیری کتباً اجازه سخنرانی در رادیو تهران را روی مقاله ای که در مورد کتاب و خلاصه نظریات اینجانب تهیه شده بود داده اند که متأسفانه اداره رادیو با همه تعریف و تمجید مقدماتی که از متن سخنرانی نموده چون اهمیتی برای این قبیل موضوعات!!! قائل نبود ساعت ۹ صبح را برای سخنرانی معین کرده بودند لذا از سخنرانی در رادیو تهران در سال ۱۳۳۲ خودداری شد.

۳ - جنابان آقایان دکتر اعتمادیان استاد و دکتر حسن میر دامادی رئیس اداره سرم شناسی دانشکده پزشکی بنا بر ارجعه و دستور دانشکده پزشکی کتاب را مطالعه و شرح مفید و مؤثری بدانشکده مرقوم فرموده اند که منجر بصدور گواهی نامه کتبی شماره ۴۴۹۷ مورخ ۱۳/۷/۳۲ دانشکده شده و اینجانب از احساسات حق دوستی و محبت جنابان آقایان دکتر اعتمادیان و دکتر میر دامادی تشکر مینمایم.

۴ - گواهیهای کتبی:

الف - اینجانب دکتر محمد کوثری مقالاتی را که آقای ابراهیم نیک سیر کارمند اداره گمرک راجح بچند موضوع طبی مرقوم فرموده اند مطالعه کرده ام بجز قسمتی از آن که اصلاح مختصری لازم دارد بقیه کاملاً صحیح و از لحاظ درج در جراید اشکالی ندارد.

۱۳۲۴/۱۱/۲۱ دکتر محمد کوثری

(اصلاحات موصوف اصلاحات عبارتی بوده که بعداً اصلاح شده)

ب - کتابیکه تحت عنوان چند موضوع طبی و روانشناسی بقلم جناب آقای ابراهیم نیک سیر تألیف و بچاپ رسیده است مورد مطالعه اینجانب نیز قرار گرفت باید تصدیق کرد که مطالعه این کتاب برای عموم بالاخص جوانان فوق العاده مفید و مطالعه آن از غالب کتب طبی برای تیب جوان مفیدتر بنظر میرسد.

۱۳۳۲/۲/۲۸ دکتر عبدالکریم فقیهی شیرازی

ج - مورخ ۲۵/۲/۳۲ اینجانب دکتر حسن خیام کتابی را که حضرت آقای نیک سیر تصنیف فرموده اند بدقت مطالعه نموده از نظر اصول و کلیات فوق العاده جالب میباشد و در صورتی که توده مردم بتوانند از نظریات ایشان

استفاده نمایند کمک موثری بپهداشت و سلامتی خود نموده و نسل نیر و مندی بوجود خواهد آمد زیرا که مطالعات ایشان با اصول کلی پزشکی هیچگونه منافاتی نداشته و ندارد و بایستی بوجود چنین افرادی که علاقمند بسلامتی هموعان خود بوده و میباشند حقیقتاً افتخار نموده و هر گونه تسهیلات لازمه را جهت تکمیل معلومات و پیشرفت بخدمات صادقانه ای که بعهده گرفته اند در راه مقاصد ایشان فراهم نمود و اینجانب شخصاً زحمات جنات آقای نیکسیر را تقدیس مینمایم.

دکتر حسن خیام

د - دانشگاه تهران - اداره کل دانشگده پزشکی و بیمارستانها

شماره ۴۴۹۷ تاریخ ۱۳۳۲/۷/۱۳

آقای نیک سیر - کتاب سرکار در باره (چند موضوع طبیبی و روانشناسی) که برای اظهار نظر بدانشگده پزشکی ارسال داشته اید مورد بررسی واقع شد کتاب مذکور دارای نکات تازه است که مطالعه آن قابل استفاده و جالب توجه میباشد بدیهی است نظریاتی که در آن ابراز شده است باید تحت آزمایشهای علمی قرار گیرد تا بتوان آن را با موازین علوم جدید منطبق نمود.

معاون دانشگده پزشکی - دکتر سهراب

توضیح - چون کتاب مزبور شش ماه مورد مطالعه دانشگده پزشکی بوده و استادان محترم جنابان آقایان دکتر اعتمادیان استاد دانشگده و دکتر میر دامادی رئیس اداره سرم شناسی دانشگده از طرف دانشگده پزشکی آنرا مطالعه فرموده خطاب بدانشگده زحمات و خدمات اینجانب را کتباً تقدیر فرموده اند و یک جلسه بحث و انتقاد هم در حضور جناب آقای دکتر جهانشاه صالح رئیس محترم دانشگده پزشکی و وزیر بهداشتی با حضور عده ای از اساتید دانشگده و اینجانب تشکیل و جناب آقای دکتر اعتمادیان استاد محترم دانشگده پزشکی تهران نظر بنده را سه مرتبه با کلمات (بسیار خوب صحیح است) تایید فرموده اند لذا گواهی دانشگده پزشکی کافی نبوده و در این مورد هم شرحی بدانشگده نوشته شده است.

۵ - گواهی جناب آقای دکتر محمد علی حفیظی دانشیار و سردبیر دانشگده پزشکی، جناب آقای نیکسیر، کتاب جناب عالی در باب (چند موضوع طبیبی و روانشناسی) بانهایت اشتیاق مورد مطالعه واقع شد مندرجات این کتاب از هر جهت قابل استفاده و حاوی نکات دقیق علمی و فنی است که برای

هموم مردم مخصوصاً اهل فن تازگی دارد و در خور تعمق و توجه است بنده
بسهام خود انجام این خدمت را بجناب عالی تبریک عرض کرده و توفیق سرکار
را در ادامه خدمات فرهنگی و اجتماعی از خداوند خواهانم با تقدیم
ارادت .

۱۳۳۲ ر ۷ ر ۱۹ دکتر حفیظی

استخراج از روزنامه کیهان شماره ۲۱۳۵-۲۶ ر ۸ ر ۳۲ صفحه ۹

چند موضوع طبی و روانشناسی

و- اخیراً کتابی تحت عنوان (چند موضوع طبی و روانشناسی) بوسیله
آقای نیکسیر بازرس کل گمرک تألیف و منتشر شده است کتاب مزبور علاوه
بر سلاست و روانیکه برای عالم و عامی قابل فهم است دارای مطالب سودمند
بهداشتی است که نتیجه سالها تحقیق و بهره یک عمر آزمایش در آب و هوای
نقاط مختلف کشور است این کتاب بوسیله دانشگده تهران مورد بررسی
قرار گرفته و گواهینامه ای نیز بامضاء آقایان دکتر سهراب استاد دانشگاه
دکتر حفیظی سردبیر دانشگده پزشکی و چند تن از اساتید فن مبنی بر اینکه
دارای مطالب سودمند بهداشتی است برای آن صادر شده است زحمات آقای
نیکسیر در تألیف کتاب مزبور قابل تحسین است برای تقویت قوه ابتکار و
تحقیق در جامعه و تشویق اشخاصیکه رای تألیفات سودمندی مانند کتاب (چند
موضوع طبی و روانشناسی) متحمل زحمت میشوند بر طبقات تحصیل کرده
کشور فرض است که از آثار آنها استقبال نمایند ما خواندن این کتاب
را بعموم هموطنان توصیه میکنیم .

روزنامه کیهان

ز- جناب آقای نیکسیر کتاب جناب عالی را که زیر عنوان چند موضوع طبی
و روانشناسی بطبع رسیده است با کمال دقت مطالعه نموده و بعقیده اینجانب
خواندن این کتاب بر هر کس لازم است زیرا که آنچه در خصوص اهمیت
غذا در بهداشت و مقاومت بدن در مقابل امراض و اهمیت حرارت و رطوبت
و نور و صداها مرقوم فرموده اید کمال اهمیت را دارند و اهمیت این نوع
چیزها بقدری زیاد است که در اطراف هر یک از آنها باید کما بپا نوشته شود
و در حقیقت تجارب و تحقیقات عمیقی که جناب عالی در خصوص آب و هوا و
سایر عوامل طبیعی فرموده اید قابل همه نوع تعریف و تمجید است و برای
شخصی که آشنائی بفن طب نداشته است توانسته است از روی هوش و فراست
و مطالعات دقیق حقایق را که در درجه اول از اهمیت است مکشوف سازد

باعث افتخار و مباحث است البته بعضی از اشتباهات کوچک علمی هم در بین بعضی از جملات دیده میشود و آنها هم بعلمت اینکه جناب عالی طیب نبوده اید و از علم طب بهره کافی نداشته اید قابل تصحیح میباشد لذا برای اینکه اگر بخواهید در موقع تجدید طبع آنها را تصحیح فرمائید نظریه خود را در ورقه جداگانه باز کر شماره هر صفحه بطور اختصار نوشته و تقدیم میدارم و در صورت لزوم حاضرم هر وقت که لازم بشود و یا در صدد تجدید طبع بر آئید کمک فکری نموده و جملات فنی را بصورت بهتری که از انتقادات مغرضین مصون بماند در آوریم با تقدیم احترامات فائقه.

نظریات آقای دکتر زندگی بعداً چاپ میشود

دکتر ناصر زندگی

ج - جناب آقای دکتر حامد سیادت رئیس بخش عفونی بیمارستان فیروز آبادی و متخصص وزارت بهداشتی بنا بدستور کتبی وزارت بهداشتی در مدت ۱۶ ماه کتاب مذکور را مطالعه فرموده و بشرح زیر اظهار نظر کرده اند.

جزء یک - در پشت صفحه اول یک جلد کتاب که در نزد اینجانب موجود است مرقوم فرموده اند (اینجانب کتاب آقای نیکسیر را مطالعه نمودم و من حیث المجموع کتاب سودمندی است)

۴۴۱۱۷۷ دکتر حامد سیادت امضاء

جزء دو - یادداشتی بشرح زیر نوشته که بوسیله خود اینجانب تسلیم وزارت بهداشتی، اداره کل معاونت عمومی شده است، بازگشت بنامه شماره ۱۴۳۹ مورخ ۱۳/۷/۳۳ اینجانب کتاب آقای نیکسیر را مطالعه نمودم گرچه اغلب قسمت های آن با اصول مسلمه مطابقت ندارد ولی از این جهت که محتوی بعضی نظریات نوین میباشد من حیث المجموع کتاب سودمندی است.

۴۴۱۱۷۷ دکتر حامد سیادت امضاء

ط - گواهی جناب آقای دکتر عبدالله احمدیه ۱۳۳۵/۷/۳۳ جناب آقای ابراهیم نیکسیر، کتاب جناب عالی را مطالعه کردم بنظر من بسیار مفید و سودمند آمد و مطالعه آن برای جوانان پرفایده میباشد از این لحاظ شما تبریک میگویم زیرا که تنها عشق و علاقه سرشار شما را باین کار مهم و سودمند واداشته است.

دکتر عبدالله احمدیه

صمیمانه از جناب آقای دکتر محمد کوثری که گوش به حرفهای مغرضانه مخالفین نداده و با شهامت و رشادت اخلاقی و روحی در سال ۱۳۲۴

مبادرت بنوشتن گواهینامه مورد بحث فرموده تشکر کرده و امیدوارم خداوند متعال بایشان و مردان روشن فکر دیگرمانند ایشان توفیق زیادتری عنایت فرماید تا در مقابل اقدامهای ناجوانمردانه‌ای که سایرین برای خفه کردن افکار و ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه مینمایند بتوانند مقاومت زیادتری نموده بمبارزه با فساد که سراسر محیط ما را فرا گرفته ادامه دهند همچنین از اساتید محترم و سروران گرام دیگر که با گواهینامه های کتبی وسیله تشویق و تقویت اینجانب را فراهم فرموده صمیمانه سپاسگذاری نموده و توفیق آنان را از خالق متعال خواهانم.



بخش دوم

چون ثابت و مسلم مییاشد که :

۱- قبلا علم طبی در دنیا وجود نداشته تدریجاً تجربه‌ها و آزمایشها و طرز معالجات اتفاقی را باهم جمع کرده و پایه برای طب قرار داده‌اند و تمام وسایل طبی امروزهم یکروزی نبوده و کم کم بوجود آمده و تکمیل شده و مسلماً بازهم جلو تر رفته و کشفیات و اختراعات زیادتری در این رشته خواهد شد .

۲- موضوع طب برای هر فرد و هر اجتماعی اهمیت حیاتی دارد و باید گفت که از مهمترین مسائل اجتماعی و فردی روزاست و هیچ فردی از افراد بشر بی نیاز از آن نبوده و نباید نسبت باین قبیل مطالب یعنی موضوع های طبی و روانشناسی که ارتباط مهمی با سلامت بدن و روح دارد سهل انگار و بی اعتنا باشد زیرا یا غفلت و یا بی اعتنائی نمیتوان عظمت و اهمیت آن را از بین برد بلکه عدم توجه ما بموضوع سبب میشود که در موقعیکه میتوانیم با اقدام مختصری جلوی کسالت های بزرگی را بگیریم بعلت بی اطلاعی از انجام آن عاجز بوده و دچار خسارت زیاد و خطر مرگ جسمی یا روحی شده و گرفتار عواقب وخیم و ندامت و پشیمانی میشویم .

۳- مطلب بسیار مهم اینست که طب واقعی باندازه سهل و ساده می باشد که برای عموم قابل فهم است در صورتیکه همین بی اعتنائی و عدم توجه ما بآن سبب شده که مقالات طبی مندرج در مجلات طبی امروزهم برای بسیاری از تحصیل کرده ها قابل فهم نیست چه رسد بمردمان عادی و دلیل منہم به ساده بودن طب اینست که بسا اینکه بزرگترین پیغمبران جهان حضرت محمد بن عبدالله (ص) پیغمبر ما از جانب خدا برای ابلاغ دین اسلام آمده بود و وظیفه اولیہ اش تبلیغ دین مقدس اسلام و توحید بود باز برای اثبات عظمت طب و بدنشناسی و برخلاف عقیده و نظر علماء مادی بدون اینکه تحت تاثیر

احساسات و منافع شخصی خود واقع شده و مرام و عقیده خود را بر هر چیز مقدم داشته و دچار حب و بغض شود در تعریف علم‌های مهم و مفید و ضروری بشر علم بدن شناسی یعنی طب را بر آنچه که خود ادعا داشت مقدم قرار داده و میفرماید:

(العلم علمان علم الابدان و علم الاديان)

یعنی علم دو علم است اول علم بدن‌ها یعنی طب دوم علم شناختن دین‌ها یعنی معارف و فرهنگ بدیهی است منظور اصلی علم‌های لازم و ضروری درجه اول و مورد احتیاج عمومی بشر بوده و سایر علوم مفیده را نیز بشر باید فرا گیرد و دلیل هم اینست که حد فرا گرفتن علم از برای ما مسلمین از گهواره تا گور معین شده مضافاً باینکه قسمت اعظم از علوم هم‌چیزهائی است که در علم طب ریشه و سابقه دارد.

بهر حال با توجه باینکه پیغمبر ما مسلمین علم بدن‌شناسی را مقدم بر دین‌شناسی قرار داده ما هم باید بآن توجه خاص داشته و آن را سر سلسله اطلاعات فردی و اجتماعی خود قرار دهیم زیرا گذشته از منافع زیاد دیگر بوسیله پزشکیارانی که در منازل پیدا میشوند کمک بزرگی ببهداشت شده و کمی دکترووسایل طبی بنسبت زیادی جبران می‌گردد مثل اینکه ایرانیان در گذشته کم و زیاد اطلاعاتی از طب و دواجات داشته و همین موضوع کمک بزرگی برای آنان بوده و ثروتشان هم برای وارد کردن داروهاییکه اغلب فاسد و مضر و بیفایده است مثل سیل از مملکت خارج نمیشد و در نتیجه وضع اقتصادی آنان هم با نداشتن علماء علم اقتصاد مثل وضع فلاکت‌بار امروز ما نبود.

۴- همه میدانیم حفظ بدن بر همه واجب است و بزرگترین صدمه‌ایکه در دوره زندگی بر جسم و روح ما وارد میشود اثر مرگ‌های ناگهانی عزیزان ما میباشد البته مرگ یکی از قوانین طبیعی است و سبب انتظام امور دنیا است و اگر مرگی در بین نبود بواسطه کثرت جمعیت و یساعت عوارض و زحمات غیر قابل توصیفی که اشخاص پیر برای خود و بستگان خویش ایجاد مینمودند برای رهایی از مشقت زیاد افراد بشر مجبور بکشتن خود و اشخاص پیرو مسن میشدند و بجای محسنات وضع فعلی اوضاع نامساعد دیگری در جریان بود بهر حال منظور ما جلوگیری از مرگ‌های غیر طبیعی است که در اثر اشتباهات یا مجهولات طبی بوجود می‌آیند.

۵- چون عقل سالم در بدن سالم است و برای بدید آوردن محیط اجتماعی خوب هم با افراد سالم و نیرومند نیازمندیم لذا برای ایجاد افراد

سالم و محیط خوب باید بموضوع های طبی بیشتر توجه شده و اطلاعات عام
المنفعه طبی را که آنهم باید خیلی ساده و عوام فهم باشد و اکثریت مردم از
آن بهره مند گردند در دسترس عموم بگذاریم تا با توسعه معلومات طبی
همگانی سلامتی عمومی تأمین و اجتماع نیرومندی پدید آید.

۶ - موضوع مهم دیگر اینست که شارع مقدس اسلام میفرماید خودت
را بشناس تا خدا را بشناسی لذا هر فرد عاقل باید از خصوصیات و عملیات
حیرت آور و بسیار عجیبی که در محیط کوچک بدنش صورت میگیرد و علل و
موجباتیکه در تقویت و تضعیف جسم و روحش موثر است با اطلاع گردد تا
بواسطه آشنائی با ساختمان بدن بمظمت خالق که ایجاد کننده موجودات و
اداره کننده و نظم دهنده عالم وجود است پی برده و خدا را بشناسد. و همین
توجه بخدا سبب میگردد که:

اولاد را مورفردی و اجتماعی اصلاحات زیادتیری شده و تسهیلات قابل
توجهی در روابط افراد و اجتماعات بوجود آید.

ثانیاً از خیانت ها و جنایت های بسیاری جلوگیری شده و اختلافات
غیر قابل حل که اکثر باعث کشتارهای فردی و دسته جمعی زیاد میشود مرتفع
گردد و وحدت نظری در اجتماع بوجود آمده و محیط برای اصلاح و ترقی
و پیشرفت آماده میگردد.

ثالثاً علاوه بر مراتب بالا و گذشته از اینکه امور مربوط بطب از لحاظ اهمیت
فوق العاده ای که دارد باید مورد توجه عمومی و مطالعه اجتماعی هر ملت و
جامعه فهمیده و علاقمند بمصالح و منافع خود بوده و بموضوع های طبی توجه
خاصی شود باید بتجربیات و نظریات اشخاص متفرق و غیر متخصص هم بهر اندازه
که سطحی و عامیانه باشد توجه دقیق گردد تا شاید باستناد (گاه باشد که کودک
نادان - بغلط بر هدف زندگی) موضوع تاریکی روشن و معمای لاینحلی
حل و برای حفظ جان و سلامتی افراد جامعه خدمتی انجام گردد توجه
بامور طبی و مطالعه آن باندازه مهم و قابل توجه بوده و اهمیت حیاتی و استفاده
اقتصادی دارد که مدتها است موسسات طبی و روشنفکر ممالک متمدن جهان
بمنظور استفاده های طبی و حل مجهولات خود بمیسو نه های علمی مأموریت
میدهند که بممالک خارجی و میان کوهها و بیابانها مسافرت نموده و با تحمل
خسارت های سنگین و گاهی بخطر انداختن جان خود در میان طوایف و
ایلات و چادر نشین هائیکه دور از شهر بدون داشتن پزشک و بیمارستان و
داروخانه و سایر وسایل پزشکی زندگی میکنند رفته و تحقیق و مطالعه
کنند که با اینکه مطابق عقیده علماء جدید و طرفداران پاستور انواع میکروبها

ذره‌های همه‌جا!! موجود است چه سبب شده که این قبیل مردم با نداشتن هیچگونه وسایل طبیی بیماران خود را معالجه کرده و تا حال در مقابل کلیه امراض مقاومت نموده و نسل آنان منقرض نشده است.

این میسیونها مخصوصاً بگفتار این قبیل مردم که بدون داشتن وسایل بهداشت و بهداری زندگی میکنند توجه زیادی نموده و کوچکترین گفتار عامیانه آنان را بفکر اینکه شاید از آن استفاده شود از نظر دور نمی‌دارند متأسفانه در مملکت ما گذشته از اینکه مطالعه زیادی در اطراف طب نشده و سابقه و مطالعات عمیق اطباء قدیم و آنهمه کتبی که در طب تألیف شده مورد توجه قرار نگرفته برای بچاپ رساندن کتاب حاضر و یادرج مطالب آن در یکی از روزنامه‌های تهران متجاوز از ده سال زحمت کشیده و بجائی نرسیده‌ام. لذا بقصد اینکه شاید بوسیله من خدمتی در طب شده باشد و روی این عقیده که برای ترقی و تعالی افراد يك ملت بجای انتشارات ناصحیح و خطرناك و مضری که اغلب مطبوعات ما بنام غذای روح بخورد افراد جامعه میدهند و بجای اینکه سطح فهم عمومی را بالا ببرند و بانشر مقالات مفید افکار مردم را روشن بکنند بانشر مقالات عشقی و تحریک احساسات شهوانی پسرها و دخترها سبب میشوند فساد اخلاق و اوهام و خرافات و افکار خراب در جامعه تقویت و ترویج شده و در عوض ترقی سیر قهقهرائی در جامعه پدید آید باید موضوعات و تجربیات و مباحث طبیی و روانشناسی سرسلسله اطلاعات و مباحث عمومی هر اجتماع و هر ملتی قرار گیرد تا راه ترقی آن باز شود لذا منم بخود حق میدهم با اینکه دانشگده پزشکی ندیده و وسایل مطالعه هم در دسترس نداشته‌ام و بعلمت گرفتاری‌های زیاد هم موفق بمراجعه بهیچ کتاب-خانه شخصی یا عمومی نشده‌ام مطالعات فکری خود را برشته تحریر در آورده و در دسترس اساتید محترم و متخصصین فن و مورد توجه و بحث افکار عمومی قرار دهم شاید مورد استفاده واقع شود.

امیدوارم استادان محترم دانشگده پزشکی و متخصصین طب و میکروب شناسی بر عایت احترام مباحث آزاد علمی که سبب ترقی هر قوم و ملتی میشود موافقت داشته باشند که اینجانب پس از قریب ۱۴ سال صبری که برای نشر این کتاب نموده‌ام مطالعاتی را که در آب و هواهای مختلف بعمل آورده‌ام بمنظور خدمت عمومی منتشر نمایم و این عمل دو صورت دارد یا اینکه نظریه بنده صحیح و مفید بوده مورد توجه و استفاده قرار خواهد گرفت یا نشر نظریه اینجانب وسیله میشود که موضوع مورد بحث عمومی

واقع و در نتیجه نکات تازه تری کشف شود و در هر دو صورت نظر من هم
که خدمت بجامعه و میهن میباید تأمین و از نفع عمومی که در امور بهداشت
نصیب جامعه ایرانی و غیر ایرانی خواهد شد مسرور و مفتخر گردم
برای مزید اطلاع خوانندگان محترم ناگزیرم چند موضوع را هم قبلاً
توضیح دهم.

الف - مطالب این کتاب غیر از بخش تیپوس آن در سال ۱۳۲۲
نوشته شده و پس از یک ماه مطالعه هیئت تحریریه روزنامه ستاره دو
صفحه از آن در تاریخ ۱۴ ر ۷ ر ۱۳۲۲ در یک صفحه بزرگ روزنامه ستاره
چاپ شده است.

ب - ۱۲ صفحه از سالنامه نوردانش سال ۱۳۲۵ بنشر مختصری از این
کتاب اختصاص یافته است.

پ - از قارئین محترم تمنا دارم که پیش از اینکه تمام کتاب را مطالعه
فرموده و بتوضیحات کامل و دلایل و شواهد آشنا شوند در قضاوت عجله نفرموده
و پس از مطالعه کامل اظهار نظر فرمایند.

ت - اینجانب در نشر این کتاب ابدأ قصد توهین و اهانتی به هیچ مقامی
نداشته و ندارم و منظورم اینست که شاید مجهولات طبی حل و حقایق بیشتری
کشف شده و مخصوصاً موقعیت طبی مهم و صحیح از دست رفته ایران دو
بار زنده شود.

لذا امیدوارم اگر اشتباهی کرده و یا قلم زیاده روی نموده باشد
اساتید فن مرا معذور داشته و لطفاً باشتباهات خود متوجه ام فرمایند.

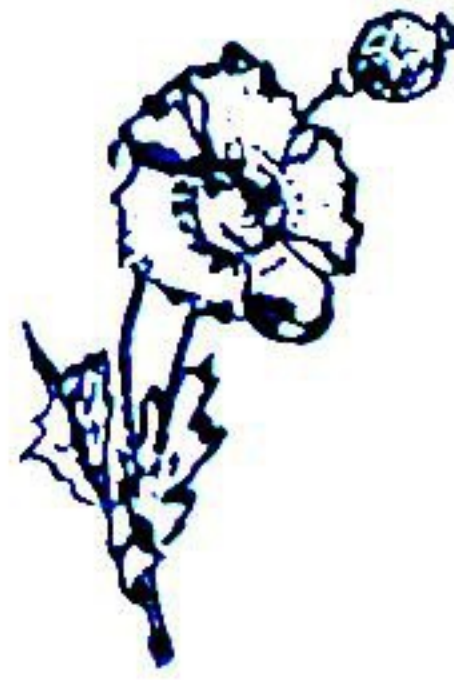
ث - من دانشگده پزشکی ندیده ام و مستقیم و غیر مستقیم درس طب
نخوانده ام استاد با اطلاع یساری اطلاعی هم نداشته ام که نزد او طب بیاموزم
فقط در مسافرتها و امور یتیمائی که داشته ام بجای اینکه وقت های بیکاری خود را
صرف مجامع و تفریحات شبانه یا روزانه نموده و عمری را بیطالت بگذرانم
در آب و هوای مختلف که بوده ام بمطالعه پرداخته در نتیجه موفق بنوشتن
کتاب حاضر شده ام.

ج - اگر کسانی خواسته باشند بوسیله نامه باینجانب مراجعه نمایند
میتوانند از آدرس های زیر استفاده فرمایند.

۱- تهران کل گمرک ابراهیم نیکسیر رئیس دفتر محرمانه و رمز

۲- تهران خیابان شاهپور جنب چهارراه گمرک کوچه رشیدی ثانی
دست راست در دوم کاشی ۷
چ - امید وارم وزارت بهداری ودانشگده پزشکی بساین موضوع
حیاتی واجتماعی توجه کامل فرموده واقدام موثری فرمایند تا پس از ۱۴
سال که پرونده در وزارت بهداری در جریان است بتوان از بعضی اشتباه
کاریهای احتمالی جلوگیری نمود.

دیماه ۱۳۳۵ ابراهیم نیک سیر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طب و روانشناسی

مقدمه

الف - بطور خلاصه طب از بدنشناسی و امراض جسمی گفتگو میکند و علم النفس یا روانشناسی از اعصاب و پی یاروح و قوای روحی بحث مینماید و این دو قسمت یعنی طب و روانشناسی چیزی نیست که از هم تفکیک شوند و کسانی که بحث طبی را از مباحث روانی جدا ساخته اند مرتکب اشتباه بزرگی شده اند و چون قرار ما در کتاب حاضر با عدم وسایل و مشکلات زیاد بر پایه اختصار میباشد لذا از بحث در اطراف موضوع چشم پوشی نموده و بی بحث در ماهیت موضوع وارد میشویم.

ب - قبل از ورود در مباحث کلی طب و روانشناسی و آنچه باید بنام اصول طبی و پایه های اساسی بدنشناسی و علم النفس نامبرده شود بد نیست که مختصری بحاشیه رفته اشاره کوتاهی به تیفوس و شپش آن و نظریات تکوین و تکاملی نموده و بعد بتشریح اصول و کلیات طب و روانشناسی پردازیم.

ج - وقتی که مرض تیفوس در تهران پدید آمد مقالات زیادی در روزنامه ها منتشر گردید و عموم نویسندگان یگانه عامل ایجاد کننده تیفوس را شپش دانستند و در انتشارات رسمی و آگهی های مصوری هم که متأسفانه از طرف وزارت بهداشتی منتشر شد رسماً اعلام گردید که (یگانه عامل ایجاد کننده تیفوس شپش است) و برای جلوگیری از سرایت مرض دستور داده شد که باید از معاشرت با خودداری و نسل شپش (دشمن خونخوار!!!) را هم ناپود و رشکهای آنرا هم با اطوی داغ از بین برد و بدن و لباس و حتی کلاه

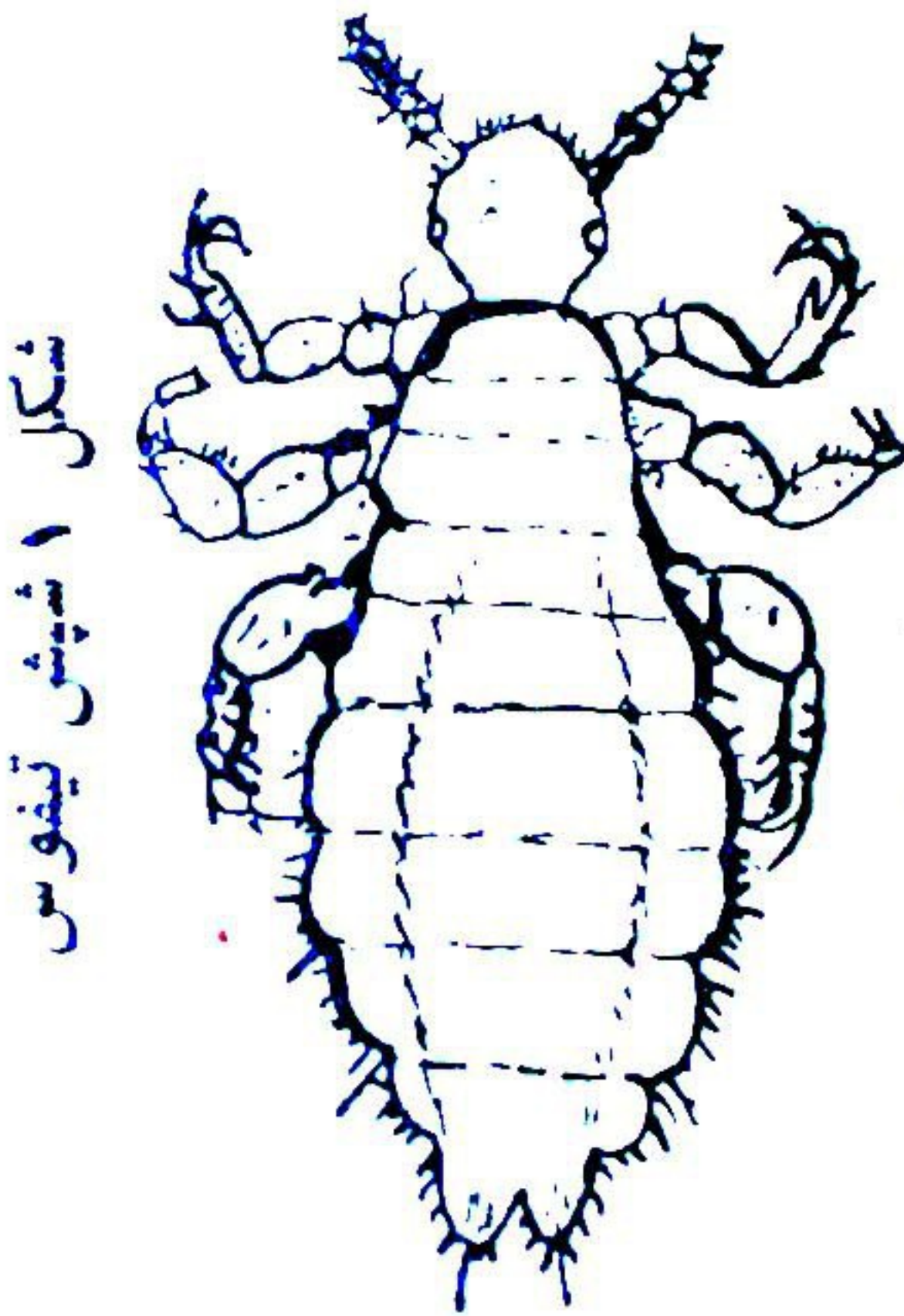
وشانه و ماهوت پاك كن راهم بوسايل گوناگون تميز كرد در صورتی كه شپش يگانه عامل ايجاد كننده تيفوس نبوده و شايد كمتر از يك درصد در پديد آوردن تيفوس موثر باشد و تميز كردن كلاه و شانه و ماهوت پاك كن و لباس هم تأثير مهمی در جلو گیری از پيدایش و سرایت مرض ندارند .

(بدیهی است اين نظر فقط از نظر پيدایش مرض میباشد و الا نظافت و پاکی یکی از موضوعات بی اندازه مفید و واجب هر فرد متدين و هر اجتماع فهیده ای میباشد و در اهمیت آن همینقدر بس كه پیغمبر ما مسلمین میفرماید (النظافة من الايمان) نظافت از ايمان است .

اينك از لحاظ ارتباط موضوع با مقدمه كتاب شرح مختصری راجع به شپش تيفوس بيان داشته و توضیحات زياد تری را بموقع بحث تيفوس مو كول مینمایم .

اولین شپش تيفوس

در مورد تيفوس بفرض اينكه طبق نظر رسمی وزارت بهداشتی شپش



را يگانه عامل ايجاد كننده تيفوس بدانيم و يا برخلاف نظریه مذکور شپش را وسیله انتقال ميكرب فرض كنيم اين سؤال پيش می آید كه اولين شپش تيفوس از كجا آمده و ميكرب اوليه در كجانشو و نما کرده و آیا ابتداء بساكن پيدا شده و بسا موجبات و وسائلی آنرا پديد آورده و بالاخره اولين فعاليت حياتی ميكرب تيفوس از كجا سرچشمه گرفته است فعلا ما باين اشكال كه اولين شپش تيفوس و يا ميكرب اوليه از كجا پيداشده و اگر شپش وسیله سرایت مرض است مرض اوليه از چه محلی

آمده و چطور ايجاد شده و ميكرب آن از كجا حرکت کرده كار نداريم زیرا تصور می رود اشتباه وقتی شروع شده كه باستور دانشمند عالی مقام فرانسوی و طرفداران او معتقد شده اند كه ميكرب كه يك حيوان جاندار سپار ریز ذره بینی می باشد در هوا زندگی میکند سبب پيدایش امراض

بوده و گاهی از هوا و زمانی بوسائل دیگر بیدن ما وارد و ما را مریض مینماید و بعد این نظر عقیده رسمی تمام محافل طبی شد که امراض موجود میان جامعه بشر از میکربها که انواع مختلفی دارند پدید میآیند .

بطوری که در توضیحات زیر شرح داده میشود من بامیکرب و طرز زندگی و خصوصیات مربوط بآن و موجباتی که سبب انتقال میکرب میشوند و محیط فعالیت و عملیاتی که میکربها انجام میدهند کاری نداشته و مخالفتی با وجود میکرب ندارم و میگویم باستور دانشمند عالیمقام فرانسوی با اینکه از لحاظ توجه بمیکرب خدمت بزرگی بعالم بشریت نموده در تعیین محل سکونت و یا تشریح علت پیدایش (تکوین) میکرب اشتباه بزرگی کرده که اثرات نامساعد عظیمی برای بشر داشته و در نتیجه آن تا کنون تلفات و خسارتهای زیادی بعالم بشریت تحمیل شده و روی این اشتباه اشتباهات دیگری هم بوجود آمده که تلفات و صدمات و خسارت های عمومی آن برای بشر بسیار زیاد بوده است اینک تا آنجا که فهم بنده اجازه میدهد بشرح موضوع مبادرت و قبل از آن که وارد توضیح شوم ناچارم قبل از نظر مخالف را خاطر نشان سازم .

(دو نظر مخالف در تکوین)

اول - تکامل :

۱- علمای مادی معتقدند که زمین قبلاً متصل بخورشید بوده و خود بخود از خورشید جدا شده و با سرعت زیادی از آن دور گردیده تا بمحل فعلی رسیده و متوقف شده و تدریجاً زمین سرد و محیط آن برای زندگی مساعد شده و موجودات ریز ذره بینی در هوای زمین پدید آمده و کم کم از هوا با بهای زمین وارد و شروع بتغذیه کرده و تدریجاً راه تکامل پیموده و بزرگ شده و بالاخره بدو دسته تقسیم یکدسته در آب مانده و حیوانات دریائی را تشکیل داده و قسمت دیگر بخشکی آمده و مرتب بزرگ شده تا تدریجاً تبدیل بمیمون و از میمون هم جلوتر آمده و بصورت انسان در آمده اند و تمام این جریان و تحویل و تغییرها خود بخود انجام گرفته و در کلیه این امور صانع و خالق و یا وجود مراقبی دخالت نداشته است گذشته از ایرادات بسیار که وارد است وقتی گفته میشود که در تبدیل شدن میمون بانسان دم جناب میمون کجا رفته جواب اینست که دوره ای که جناب میمون طی کرده و دمش افتاده و انسان شده بدوره (حلقه مفقوده) معروف است و از آن دوره خبری نیست.

باید توجه داشت که علماء طبیعی معتقدند هزار ها سال گذشته تا موجودات یکدوره را گذرانیده و بدوره عالیتری ارتقاء یافته‌اند با این حال از حلقه مفقوده خبری ندارند و چون منظور ما هم این نیست که وارد این بحث شویم لذا باختصار کوشیده و از توضیحات مفصل‌تر و ایراداتی که وارد است صرف نظر مینمائیم و فقط بسه قسمت از عقاید علماء مادی که مربوط به بحث ما است اشاره میکنیم .

الف - پس از معروفیتی که میکرب بوسیله پاستور پیدا کرد پاستور و عده از اطباء معتقد شدند میکربها که با وسایل مختلفی بدن مسا وارد و مارا مریض میکنند و موجود امراض میباشدند در هوا زندگی میکنند .
ب - علماء مادی معتقدند که ذره یا تخم اولیه کلیه موجوداتی که تا حال پدید آمده و یا بعد بوجود آیند در هوا بوده و میباشدند .

ج - میکربها و امراض و موجودات حتی نباتات از تخم نسل‌های قبلی بوجود می آیند و هیچ جاندار و موجود و نباتی بدون سابقه قبلی بوجود نمی آید .

۲ - جمعی از اطباء جدید در مقابل این ایراد که میکربهای موجود در هوا از کجا آمده‌اند جواب داده‌اند که میکربها در کرات آسمانی تولد و تناسل نموده!!! و بعد به‌هوای زمین ما وارد شده‌اند و چون اگر کسی نخواسته باشد زور گی باور کند که میکربها در کرات آسمانی تولد و تناسل نموده!!! و بعد به‌هوای کره زمین ما وارد شده و میشوند باید خودش با آسمان رفته و در کرات آسمانی جریان را با چشم ببیند و قطعاً با این طرز استدلال دیگر برای کسی جرأت باقی نمیماند که سوال کند ذرات جاندار یا موجودات ذره بینی چطور در کرات آسمانی تکوین میشوند لذا فعلاً ما هم برای اینکه مجبور نشویم بکرات آسمانی مسافرت نمائیم از ایراد باین موضوع هم فعلاً صرف نظر مینمائیم .

ولی باید بیک نکته و ایراد اساسی دیگر اشاره کنیم و آن اینست که اگر ذرات ریزی که معاصر با سرد شدن زمین بوده‌اند روی فرضیه بالاسیر تکاملی خود را نموده تا تبدیل بانسان و حیوانات بزرگتر از انسان مانند شتر و گاو میش و فیل و نهنگ و غیره شده‌اند همین منوال جلو بروند و سیر تکاملی خود را ادامه دهند قطعاً پس از مدتی هر يك از آنها باید باندازه کوه هیمالیا یا بزرگتر از آن بشوند در صورتی که با شواهد بسیاری که بعداً بآنها اشاره میشود ثابت خواهد شد که انسان امروزی حتی از انسان صد سال قبل هم کوچکتر و ریزتر و ضعیف‌تر و کم سن‌تر میباشد چه رسد به موجودات

اولیه که بعلمت تغذیه خوب و زندگی راحت خیلی از ما قوی تر و بزرگتر بوده اند و نیز موجودات بسیار بزرگی در ادوار اولیه تاریخ زندگی میکرده اند که از موجودات فعلی خیلی بزرگتر بوده و نسل آنان منقرض شده است. و حال هم اشخاصی دیده میشوند که یا قد بلند تر و یا چاق تر از مردم عادی میباشند و بطور کلی نسل امروز بنا باوضاع و احوال موجود از لحاظ حیاتی سیر قهقرائی دارند نه سیر تکاملی و در توضیحات بعدی خود ما این موضوع را بیشتر تشریح نموده روشن خواهیم نمود.

جناب آقای دکتر خسرو بسیطی سخنگوی رسمی وزارت بهداشت در رادیو که از طرف وزارت بهداشت دو ماه چاپ اول کتاب حاضر را مطالعه فرموده اند در مورد تکامل اظهار میفرمودند منظور از تکامل تکامل جسمانی نیست و تکامل تکامل روحی میباشد با توجه باینکه هر چه از تکامل تا حال صحبت شده تکامل جسمانی بوده نه تکامل روحانی وقتی ایشان را در استدلال و گفتار خود ثابت دیدم خدمتشان عرض کردم اگر تکامل تکامل روحی باشد قاعده در ادوار تاریخ آقای خراباید بجناب الاغ تبدیل شده باشد در صورتیکه هر چه تاریخ را ورق بزنیم می بینیم خره همیشه خر بوده و باز هم خر خواهد بود و آرزوی جناب شدن را باید بگور ببرد چه خوش گفته اند

خر عیسی گرش بمکه برند ۴ چو بیاید هنوز خر باشد

آقای دکتر بسیطی تسلیم شدند.

دوم - خلقت :

۱ - گذشته از وجود انبیاء و معجزات و کرامات خارق العاده و ادعای های یکنواخت آنان الهیون معتقدند که محال و ممتنع است که چیزی که موجودیت و حکمت و خاصیت و نظم و ترتیبی داشته باشد خود بخود و بدون صنایع و خالق پدیدار شود چه رسد بخلقت عالم وجود که هر چه بنگریم حکمت و نظم و ترتیب است بعلاوه اگر دنیا منحصر بجدا شدن خود بخود زمین از خورشید بود ممکن میشد باخروارها سیریش مطالبی را بهم چسبانید و گفت زمین و سایر کرات خود بخود از خورشید جدا شده اند ولی وقتی میلیاردها جهان و منظومه های شمسی و میلیاردها خورشید و ماه و کپکشانهای عظیم موجود است که هر کره و یا خورشیدی میلیونها مرتبه از کره و یا خورشید دیگر بزرگتر است چطور میشود با خیال بهم بافت که اینهمه تشکیلات و سازمانهای بزرگ که هر یک باحرکات منظم و مرتب خود جزئی از عالم را تشکیل داده و هر کدام نظم و ترتیب و حرکتی مرتب و منظم دارند که در

حرکت هر يك از آنها اگر خلیلی وارد شود کرات باهم اصطکاک پیدا کرده و غوغاها برپا میشود خود بخود ساخته و پرداخته و حاضر بخدمت شده اند پس چون نمی توان گفت که اینهمه موجودات و منظومه ها و کهکشانها و کلیه چیزهاییکه ما می بینیم و از آنها اطلاع داریم و تا حال کشف شده یا بعد ها کشف شود خود بخود بوجود آمده مثل اینکه در حال حاضر هم بوجود نمی آید تا ما بینیم باید بگوئیم خدا و خالق هست که کون و مکان و هستیها را بوجود آورده و نظم و ترتیب آنها را حفظ میکند و از هر ج و مرج و فسادشان جلوگیری می نماید و این خدا هم برای هدایت بشر کتابهای آسمانی فرستاده که یا ترقیاتی که جهان علم کرده هنوز عقل علماء جهان در مقابل آن کتب مات و مبهوت و حیران است.

۲- خداوند متعال در قرآن مجید کتاب آسمانی ما مسلمین میفرماید:

الف - آدم را از خاک و آب خلق فرمودیم .

ب - کلیه موجودات زوج یعنی يك نر و يك ماده خلق شده و از اجتماع

يك نر و يك ماده موجودات نر و ماده دیگری را بوجود می آوریم .

بطور خلاصه علماء مادی و طبیعی معتقدند که موجودات از یک سلول

و یا يك هسته و یا يك یاخته بوجود آمده و بعد ترقی کرده و سیر تکاملی نموده

تا بالاخره میمون و بعد هم ترقی کرده انسان شده اند و تمام موجودات

و کلیه میکروبها و نباتات هم از ریشه و تخم های اولیه که در اولین دقیقه حیات

پدید آمده سرچشمه گرفته یعنی دیگر خلقتی وجود نداشته و ندارد و هر چه

هست محصول تخم های اولیه میباشد در صورتی که خداوند متعال در قرآن

مجید خلاف آنرا بیان و میفرماید :

آدم از خاک و آب خلق شده و کلیه موجودات هم جفت بوده و از دو

سلول یا دو هسته و یا دو یاخته پدید می آیند و هر فرد و هر موجودی هم خلق

میشود یعنی ابتدا بساکن و بوسیله عناصری که در بدن پدر بوجود می آید پدید

می آیند و ارتباطی با ذرات منتقل شده از چند هزار اجداد قبلی ندارند.

امید است توضیحات بعدی ما این دو موضوع را روشن سازد .

اینک قبل از آنکه بتوضیح اشتباه باستور و یا سایر اشتباهات علماء

مادی و طبیعی شروع نمائیم باید بعلم و جهات مهمی که در سلامت و مرض

ما موثر میباشد یعنی ما را سالم و یا مریض مینمایند توجه نمائیم زیرا توجه

بعلمی که در سلامت و مرض ما اثر دارند زمینه بسیار موثر و مساعدی برای حل

مشکلات و مجهولات بوده و بهتر ما را بجزایان کار آشنا مینماید علل عمده و

مهمی که در سلامت و مرض ما موثرند ده قسمتند:

اول - غذاها دوم - هواها سوم - آبها چهارم - حرارتها و برودتها
 پنجم - بوها ششم - نورها هفتم - صداها هشتم - رنگها نهم - حرکات
 دهم - انعکاس و تأثیرات مهم روحی در بدن میباشد که بتدریج هر يك ازده
 قسمت مذکور را بنام يك فصل مستقل در این کتاب شرح میدهم:

(فصل اول - غذاها و مأكولات)

اول غذاها و مأكولات - طرز خوردن غذا و جریانی که غذاها
 برای جویده شدن و اختلاط در معده و خمیر شدن و وارد روده گردیدن جذب
 عصاره آنها برای وارد بخون و تصفیه شدن در کبد و مبدل بخون و وارد جریان
 آن گردیدن طی میکنند و بطور خلاصه طرز عملیات مربوط بهضم غذا در کلیه
 افراد یکنواخت میباشد ولی نکته مهم اینجاست که:

الف - علماء طب جدید روی فرضیه های غلط داروین و پاسستور
 معتقدند که گوشت و استخوان و گلبولهای سفید و قرمز و سلولها و کلیه
 اعضاء و حتی رنگ پوست و چشم و سایر خصوصیات بدن هر يك از افراد بشر
 و یا موجودات دیگر مطابق قانون توارث از نسل اولیه جدا شده و میکرب امراض
 هم تابع همین اصل بوده و از میکربهای دوره اولیه حیات پدید آمده اند و بطور
 خلاصه میکرب مرض حصبه که امروز در فردی شروع بفعالیت نموده و
 حصبه بوجود آورده زائیده همان میکرب حصبه ایست که در اولین مرتبه در
 اولین فرد بشر حصبه ایجاد کرده و روی قانون توارث هم چون (با اینکه
 تاریخ نشان نمیدهد) حصبه از روز اول خلقت بوده تمام افراد بشر باید
 حصبه بگیرند.

ب - تصور ما اینست که نظریه بالاصد درصد غلط است یعنی موجودات
 زنده و اعضاء بدن ما را موجودات زنده و اعضاء بدن اجداد ما بوجود
 نیآورده بلکه پدران ما در اثر غذاهای مختلفی که خورده اند مواد مختلفی که
 در خوردنیها بوده و ایجاد فورمول مخصوصی در بدن آنان کرده سبب پیدایش
 ما شده و حال هم همین مواد و عناصر گوناگونی که در خوردنیها هست جمعی
 در بدن ما چربی و برخی گوشت و دستة استخوان و جمعی گلبول سفید و قسمتی
 گلبول قرمز و همچنین سایر اعضاء را بوجود می آورند بطور خلاصه ذراتی
 که سبب پیدایش و تکوین و یا انعقاد نطفه و جنین برای بوجود آوردن ما
 شده اند از ذرات اولیه اولین موجودی که در دنیا بوجود آمده و یا آدم
 ابوالبشر (ع) جدا نشده بلکه غذاها و خوردنیها در بدن آدم ابوالبشر (ع)

و پدر و مادران بعدی سبب آماده شدن و پدید آمدن مقدمات خلقت اجداد ما بوده و ذرات اولیه وجودیه مادر بدن پدر و مادر درست شده و نیز میکرب امراض هم از امراض و میکربهای دوره حضرت آدم (ع) سرچشمه نگرفته و نمیگیرند و مسلماً دوره حضرت آدم (ع) تا سالیان درازی از مرض و بیماری خبری نداشته اند و میکرب امراض و ذرات اولیه سایر موجودات هم تکوین میشوند و ارتباطی با میکربهایی که در هزاران سال قبل!!! بوده اند ندارند بطور خلاصه در درجه اول خواص غذاهای مختلف است که در افراد اعضاء و اعصاب قوی و یا ضعیف ایجاد میکند و خوردنیها و نوشیدنیها هستند که تکامل جسمانی ما را تکمیل نموده و کارخانه عجیب بدن را با نتایج مختلفی که از اعضای آن بدست می آید بکار می اندازند و هر اندازه هم که سالم و قوی باشیم اگر چند وعده غذا نخوریم بعد از مصرف شدن قوای ذخیره بدن (چربیها و پیهها) بتدریج قوای بدن و حس مقاومت ما از بین رفته کم کم خطر مرگ نزدیک میشود پس ادامه حیات و کلیه نیروهائی که در بدن پیدا میشوند از غذا بوجود می آیند و بطوریکه معروف است غذا بدل مایحل بدن بوده و بانسان اجازه فعالیت و زندگی میدهد و از کم خوردن و پر خوردن آنها عوارضی پیدا میشود و گرسنگی و تشنگی بزرگترین و مهمترین دشمن جان ما میباشد که بدن ما را محکوم بمرگ نموده و ما را بدینار عدم میفرستند بطور کلی تمام تحولاتی که در بدن پدید می آید در مرتبه نخست در اثر تغذیه بدن میباشد و مانند بسیاری از مردم ساکن دهات و غیره هم زیادند کسانی که در دوره حیات خود اساساً مریض نشده اند اینک باید برای روشن شدن مطلب قبلاً بتوضیحات دوازده گانه زیر که عکس العمل خوردنیها و نوشیدنیها در بدن میباشد توجه نمایم .

۱ - سلول ۲ - خون ۳ - نیرو یا خاصیت غذائی ۴ - تاثیر خاصیت و نیروی غذائی در بدن ۵ - تاثیر روحی غذاها و اینکه انسان دارای دو معده است ۶ - موقعیت مزاجی ۷ - مزاج های مختلف ۸ - بچه هائی که رنگهای گوناگون دارند ۹ - تغییر رنگ بدن و صورت ۱۰ - چاقی و لاغری و قد ۱۱ - آیا ممکن است در بدن اعضاء جدیدی ایجاد و یا عضوی کوچک و بزرگ شود ۱۲ - پیدایش امراض

۱ - سلول یا موجودات بسیار کوچک بدن - X بدن انسان اجتماعی از موجودات زنده بسیار کوچکی است که ساوا نام دارند میگویند تقریباً ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ - سلول برای بوجود آوردن یک

انسان لازم است و هر يك از اين سلول ها يا ذرات زنده بدن مانند جهان كوچكي است كه از عناصر كوچك زنده بسيار تشكيل شده اينك بطور اختصار وضع حياتي يك ذره جاندار بدن يا يك سلول را شرح ميدهم:

الف - سلول يا ذره جاندار بدن از سه قسمت تشكيل شده .
(شكل دوم)

قسمت اول - پرده كه احاطه كننده سلول است و غشاء ناميده ميشود .

قسمت دوم - مواد آبكي كه مغز را پوشانيده است و پيرتوپلاسم معروف است و در تجزيه معلوم شده كه پرتوپلاسم تر كيمي

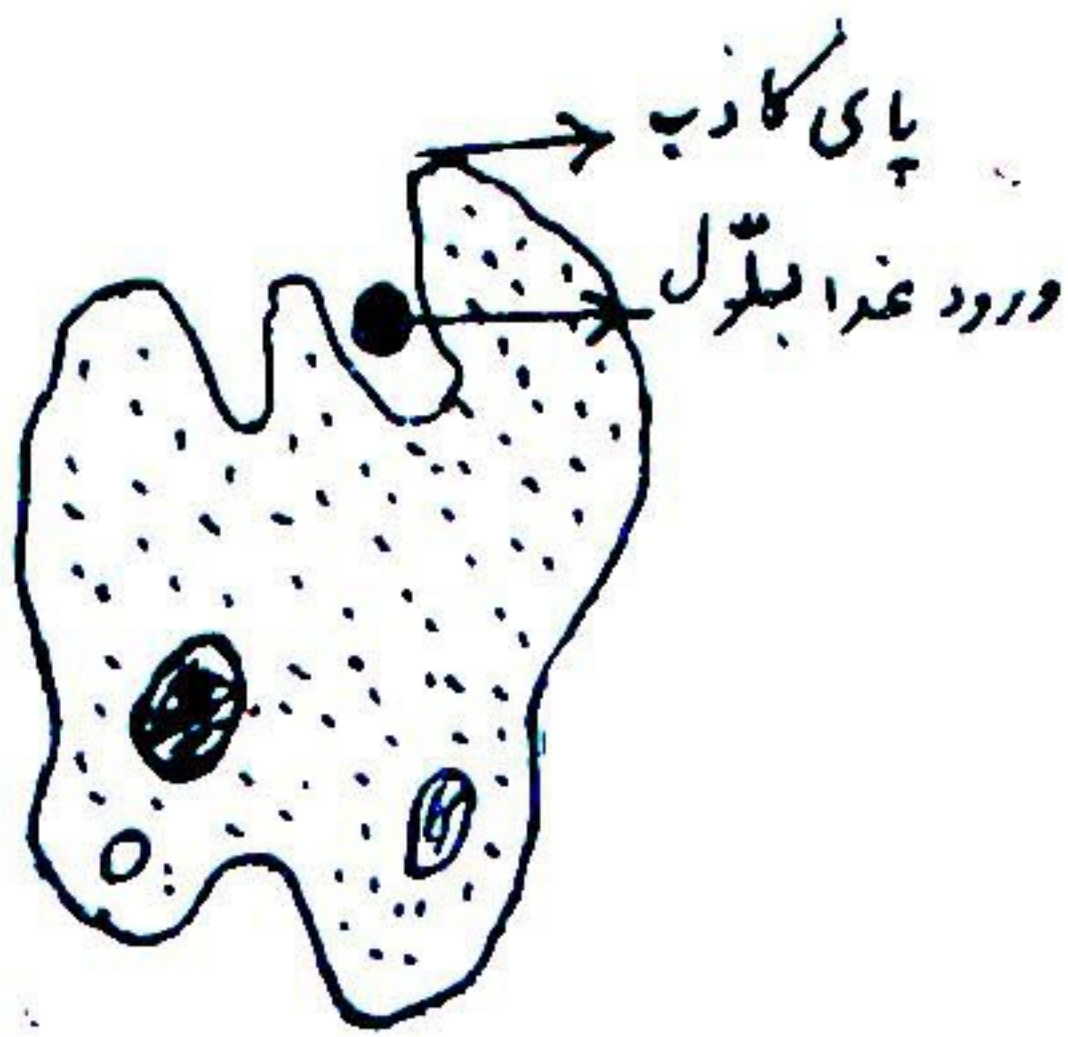
از عناصر ساده مانند : اكسيژن - هيدروژن - كربن - - ازن - فسفر - گوگرد - كلر - آهن - سديم - پتاسيم - منيزيم وغيره ميباشد .
قسمت سوم - مغز كه بوسيله پرتوپلاسم پوشيده شده و هسته نام دارد .

اينك بايد بدو قسمت توجه نمائيم اول سلول ها مانند يكديگر ميباشند ولي وقتي بمرحله معينی از نمورسیدند از نظر تکوينی در ساختمان تفاوت پیدا کرده و تنوع حاصل میکنند یعنی بعضی گلبول های سفید و بعضی گلبول های قرمز خون عده سلول ها غدد و برخی سلول های ماهیچه که دو کی شکلند و جمعی سلول های ستاره شکل یا منشعب برای استخوانها و اعصاب تشكيل ميدهند. X

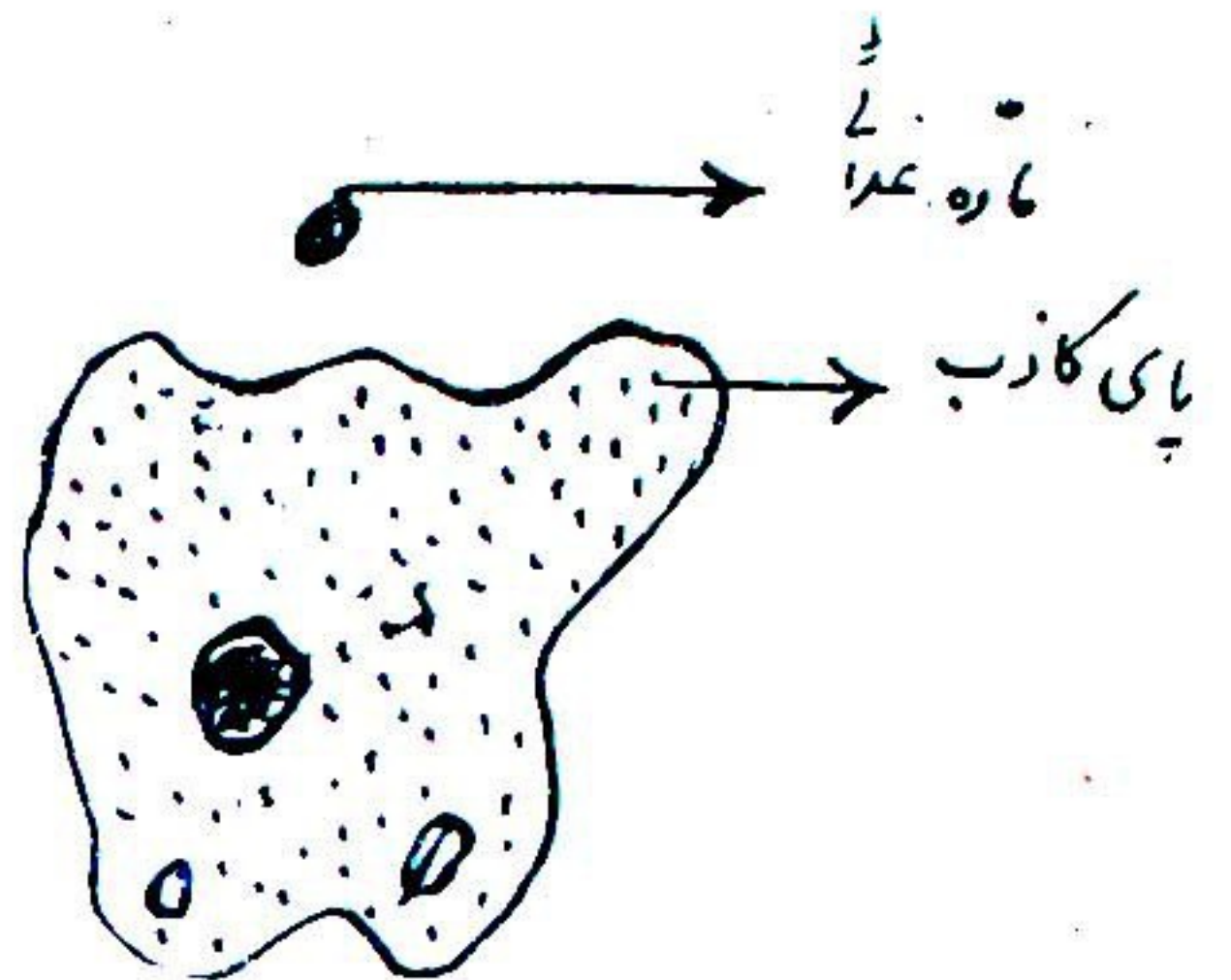
دوم - سلول ها تغذيه ميکنند و ذره ترين مواد غذائي مورد تغذيه سلول واقع ميشود یعنی ذره مواد غذائي که بايد برای تغذيه سلول وارد آن شود ميبايستی از پوست يا غشاء آن عبور کند و وارد قسمت دوم يا پرتوپلاسم شود و از پرتوپلاسم هم گذشته وارد مرکز يا مغز و يا هسته سلول گردد پس از ورود مواد غذائي بسلول چند حال پيش ميآيد که خيلي بايد بآن توجه شود. (شكل ۳ و ۴ و ۵)

قسمت هائی که بزر دو علامت X نوشته شده از کتاب ديگری

نقل شده

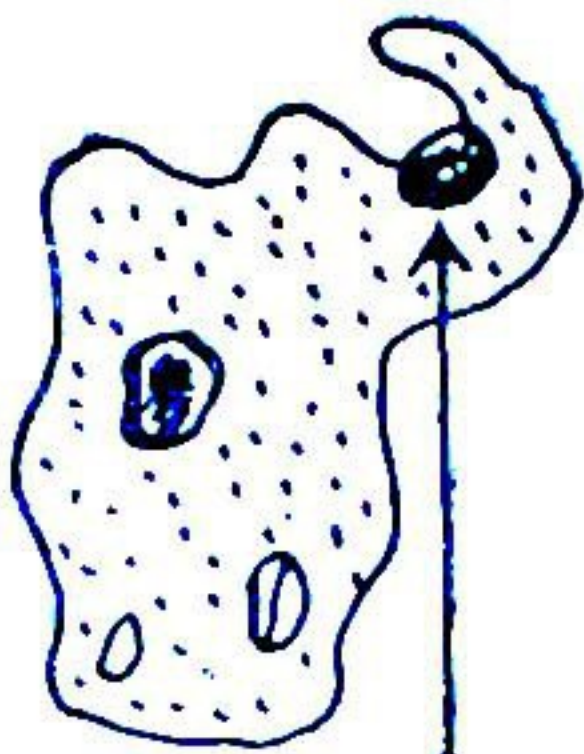


(شکل ۴ تماس غذا با سلول)



(شکل ۳ ماده غذایی و سلول)

جزء يك - مواد غذایی در سلول هضم شده و سلول تولید مثل میکند



ماده غذا در این سلول

(شکل ۵ ورود غذا به سلول)

یعنی يك سلول دو سلول میشود و همین موضوع سبب کلیه تغییرات عمده بدن مانند چاقی و بزرگ شدن سایر اعضاء بدن و زیاد شدن سلولها و گلبولهای سفید و قرمز میشوند (شکل ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲)

جزء دو - مواد غذایی وارد سلول شده

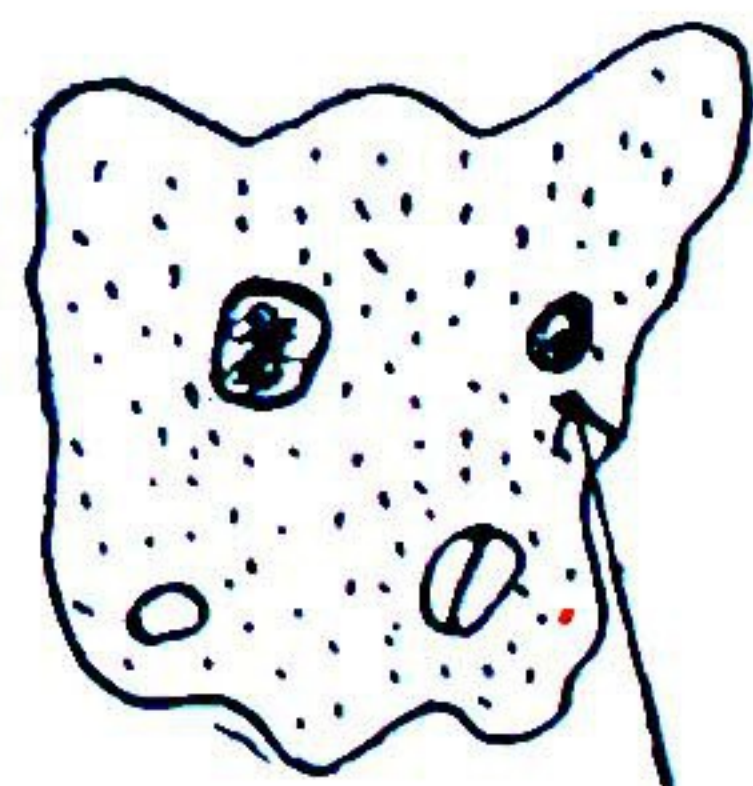
و خاصیت های موجود در آن با خاصیت های موجود در ذرات هسته مرکزی سلول با هم روبرو و خاصیتها یا نیروهای غذایی که در ذره مواد غذایی که وارد سلول شده بوده جذب ذرات

موجود در هسته یا مغز سلول گردیده و عناصر زاید یا بیهصرف و فضولات

مواد غذایی از سلول دفع میشود در این موقع سه حال پیش می آید - يك - انتقال خاصیت یا نیروی موجود در مواد غذایی بذرات موجود در هسته یا مغز سلول هسته سلول را بدون بزرگ کردن و تولید مثل نمودن تقویت و قوی مینماید در نتیجه بدن نیرومند میشود .

دو - انتقال خاصیت یا نیروی

موجود در مواد غذایی بذرات

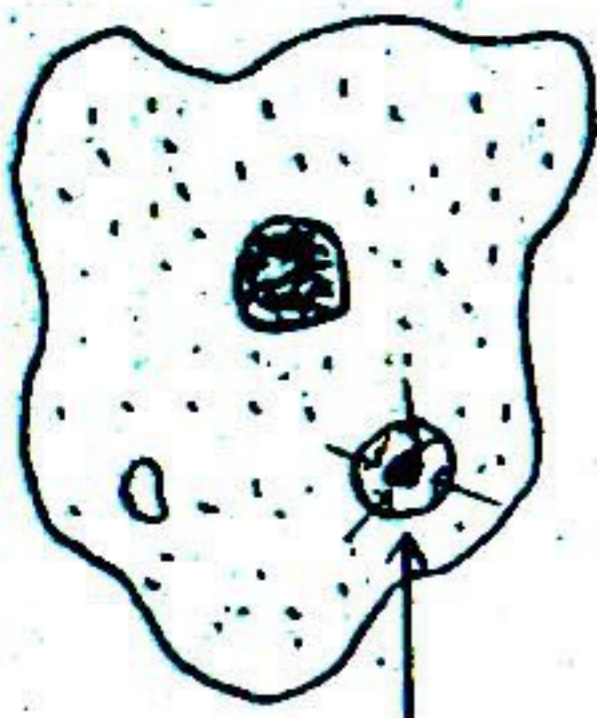


حرکت ماده غذا بطرف هسته مرکزی

شکل ۶ - غذا در داخل سلول

موجود در هسته یا مغز - سلول را ضعیف و سست مینماید در نتیجه بدن دچار بیحالی و سستی و رخوت میشود .

سه - مواد غذایی که وارد در سلول میشود میل ترکیبی با مواد



غذای حفره گوارش

موجود در سلول را ندارند یعنی از لحاظ خاصیت و نیروی غذایی ضد هم میباشند در اینجا سلول برای تحلیل بردن مواد غذایی در خود شروع به فعالیت میکنند و در اثر کثرت فعالیت سلول و مقاومت نیروی متمرکز در آن یا از شدت فعالیت برای تحلیل مواد غذایی خسته و کسل میشود و یا تدریجاً و یا فوراً تحت تأثیر خاصیت و نیروی

موجود در مواد غذایی وارد سلول - هسته مرکزی (شکل ۷ غذا و حفره گوارش)

سلول از هم متلاشی شده و عمر سلول تمام میشود و بعضی ذرات و اجزاء سلول متلاشی شده در سلول های دیگر تحلیل میرود و بقیه آنها بنام مواد غیر قابل مصرف یا فضولات باید از بدن دفع شود در اینحال بدن تدریجاً لاغر و وزن بدن مرتب کم میشود .

نکته مهمی که در اینجا قابل توجه میباشد عناصری است که حالات مختلف بشرح پیش گفته در سلول ایجاد میکنند و بطور ساده تر کلیه ذرات و عناصر موجوده در مواد غذایی دارای یک خاصیت یکنواخت و یک تأثیر یکجور در سلول نبوده و یک وضع یکنواخت یا یک حال ثابت ایجاد نمیکند بطور کلی یک ذره روغن و یا الکل یا آب گوشت خالص یا سرکه ، که هر چهار محلول و روان هستند دارای یک تأثیر مساوی در سلول نبوده و سلول تحت تأثیر خواص یا نیروهای موجود در چهار نوع مذکور و یا انواع دیگری واقع و چهار حال و یا حالات مختلف با کیفیت های مخصوص ایجاد و تحولات جور بجوری بوجود میآید .

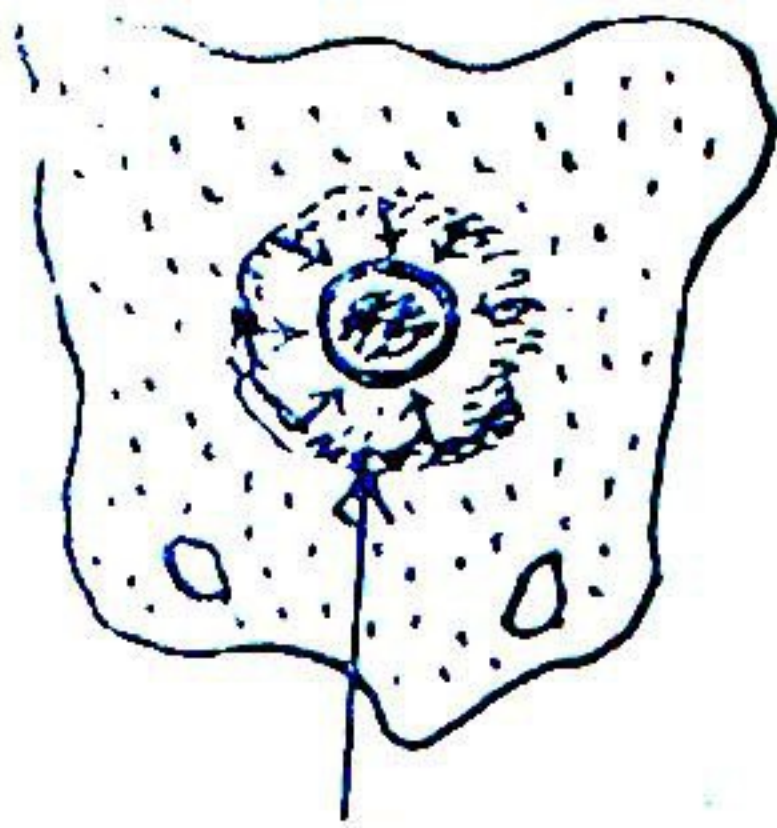
۴- خون - X خون مایع ازج و قرمز رنگی است که از مایع بیرنگی

موسوم به پلاسما تشکیل میشود و دارای گلبول میباشد .

گلبول ها بر دو نوعند گلبول های سفید گلبول های قرمز - گلبول

های قرمز اکسیژن را در ریه گرفته و بیافتها میرسانند و گلبول های سفید مهمترین عملشان میکرب خواری است گلبول سفید حساس است و بعضی

مواد مثل ترشحات میکروبها آنرا جلب میکنند و بمیکروبهایی که بدن وارد میشود حمله نموده و با آنها مبارزه می نماید و در مقابل میکروبها و سمومشان

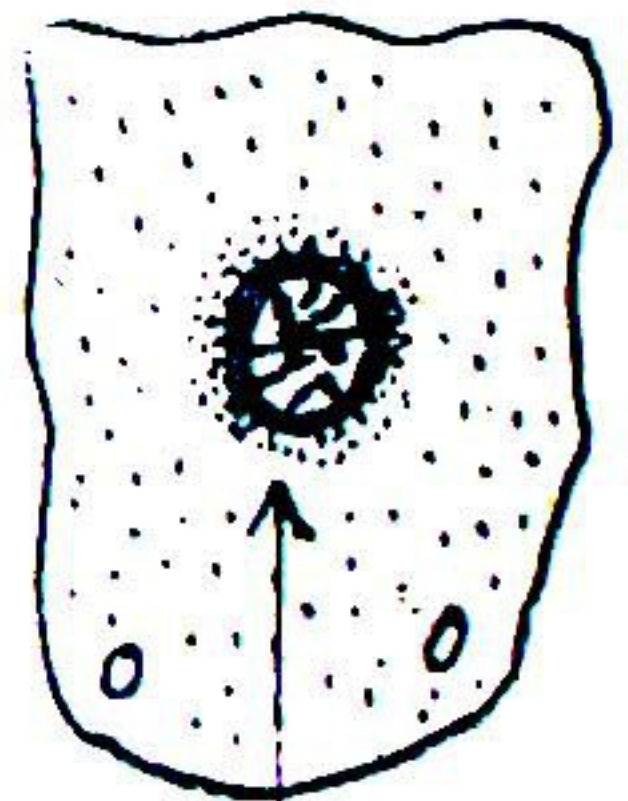


شکل ۸ مواد غذایی و هسته مرکزی

شکل ۸ مواد غذایی و هسته مرکزی

مدافع و حافظ بدن میباشند مطلب مهمی که در توضیح بالا جلب توجه میکنند اینست که گلبولهای سفید و قرمز از کجا می آیند و قرمزی رنگ گلبولهای قرمز از کجاست و آیا این گلبولها کم و زیاد میشوند یا خیر حال بکیفیت و انعکاساتی که در گلبولهای سفید و قرمز پیدا میشوند کار نداریم و قبل از اینکه توضیحی بدهیم باید ببینیم که نظر امروز محافل علمی و طبیبی درباره پیدایش گلبولهای قرمز و سفید خون از چه قرار است و گلبولهای قرمز یا سفید جدید چگونه بوجود می آیند و آیا گلبولهای مذکور کم و یا زیاد میشوند یا خیر.

الف - صحیح است که اولین گلبول سفید و قرمز تابع مقررات عمومی خلقت بوده و از ذرات اولیه تکوینی در بدن پدر سرچشمه گرفته اند و با ازدیاد گلبولهای سفید و قرمز خون و همچنین تغییر رنگی که در گلبولهای قرمز خون پیدا میشوند فقط مربوط بخوردن غذا بوده و مواد غذایی سبب زیاد شدن گلبولها میشوند.



شکل ۹ غذا در هسته مرکزی سلول

ب - گلبولهای سفید و قرمز که دو موقعیت مشخص و منفرد دارند تحت تأثیر دو خاصیت مختلف غذایی پدید می آیند که یکی قرمز و دیگری سفید میشود. یعنی موادی که در بدن حرارت ایجاد میکنند سبب پیدایش گلبولهای قرمز و رنگبندی مختلف آن میشوند و موادی که برودت بوجود میآورند تولید گلبولهای سفید میکنند.

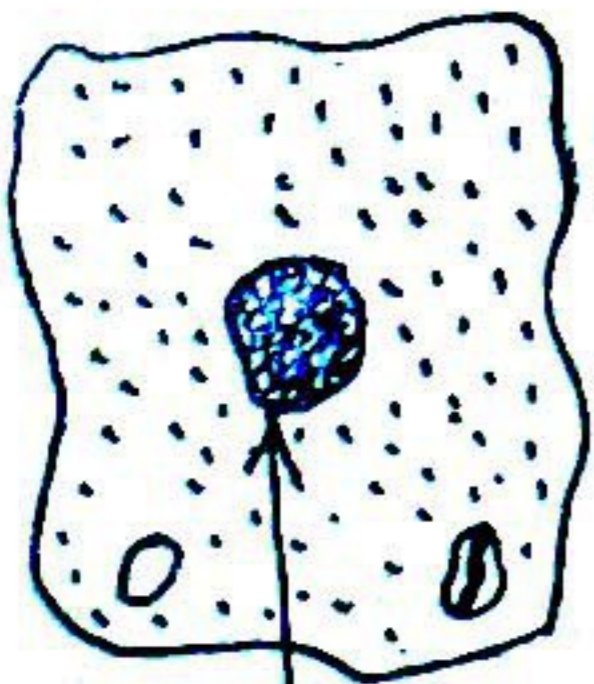
شکل ۹ غذا در هسته مرکزی سلول

جناب آقای دکتر شهابی که مدتی در وزارت بهداشتی جلد اول کتاب حاضر را مطالعه و نسبت باینجانب خیلی اظهار لطف و محبت میفرمودند روزی

قریب یکساعت در اطراف کتاب صحبت نموده و در مورد خون اظهار نظر میفرمودند که خون وسیله ایست برای گرفتن غذا و رسانیدن آن بسلول های یعنی گلبول های سفید و قرمز خون يك عمل امسانی انجام میدهند باین طریق که بدون آنکه گلبول های سفید و قرمز خون تحت تأثیر مواد غذایی قرار گیرند و یا با غذا مخلوط شوند و یا مواد غذایی بتواند در کم و زیاد کردن گلبول های سفید و قرمز تأثیری داشته باشند خون مواد غذایی را میگیرد و بدون اینکه بگذارد بخودش مالیده یا مخلوط شود بهمان کیفیت اصلی برای تغذیه بسلول میدهد و غددی در بدن موجود است که خود بخود گلبول سفید و قرمز میسازد در صورتیکه بطوری که قبلاً شرح داده شده نظر بنده اینست که مواد غذایی وارد خون میشوند و روی خواصی که ذرات مذکور دارند آن دسته از ذرات غذایی که دارای خاصیت سرد و سرد کننده میباشد تولید گلبول های سفید میکنند و آن دسته از ذرات غذایی که دارای حرارت و گرم کننده میباشد ایجاد گلبول های قرمز می نمایند و این گلبول های سفید و قرمز را هم میتوان با غذای مخصوص کم یا زیاد کرد و اگر غددی هم در بدن برای ساختن گلبول سفید و قرمز باشد دستگاهی است که از مواد سرد گلبول سفید و از مواد پر حرارت گلبول قرمز میسازد یعنی مایه را از غذایی گیرد و فضولات آنرا خارج میکند و گلبول سفید و قرمز را بجزریان خون می اندازد و در بدن دستگاهی نیست که خود بخود و از منبع تمام نشدنی خود از اول تا آخر عمر ابتدا بساکن گلبول سفید و قرمز بسازد.

ج - گلبول های سفید و قرمز در تمام دوران زندگی انسان دارای وضع ثابت و منظم و یکنواخت نیست گاهی گلبول های سفید و قرمز با هم زیاد

یا کم میشوند و زمانی فقط گلبول قرمز و وقتی فقط گلبول های سفید زیاد میگرددند مدتی بسا گلبول سفید کم میشود یا گلبول قرمز و کم و زیاد شدن گلبول ها و تغییر رنگ گلبول های قرمز که گاهی زیاد کم رنگ، گاهی سی صورتی زمانی گلی، وقتی سیاه غلیظ شده میباشد تمام در درجه اول در اثر مواد غذایی و خواص نیروهای متمرکز در غذاها پدید می آیند.



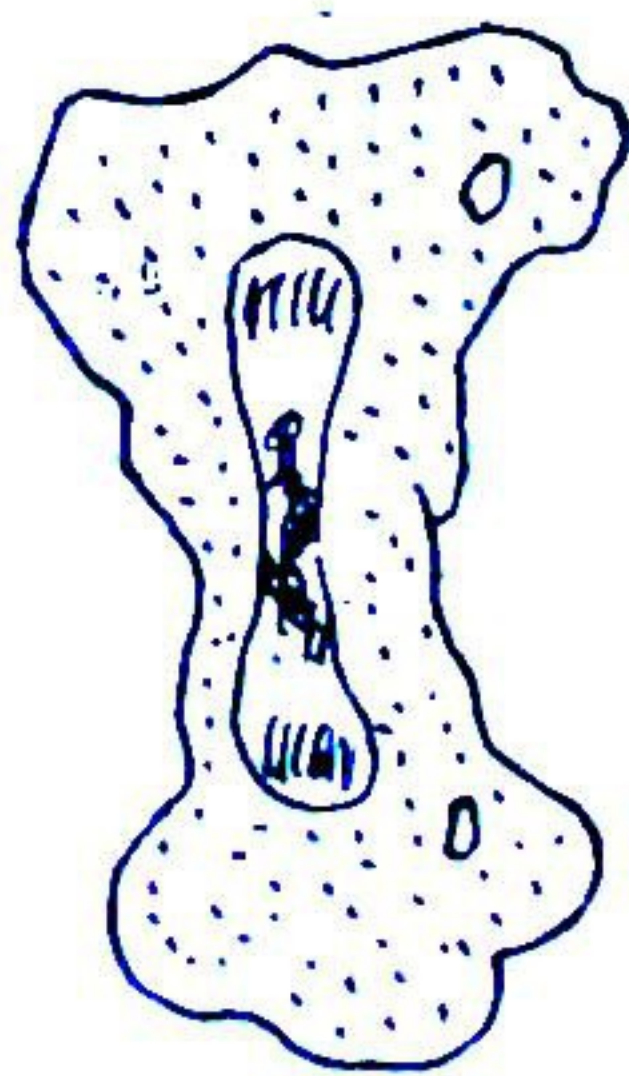
غذای منضم شده در سینه سدر

شکل ۱۰ - هضم غذا در سلول

د- قوت و نیروی خون- گلبول‌های سفید و قرمز خون همیشه دارای یکدرجه قدرت و یا نیرو و یا فشار نیستند و بنا بر انعکاس خاصیت‌های مختلف غذایی در گلبول‌های قرمز خون و متمرکز شدن حرارت زیاد در آنها قدرت یا نیرو و یا فشار خون زیاد می‌شود بطوری که در توضیحات مربوط بسلول گفته شد انعکاس خواص مختلف غذایی در گلبول‌های خون عکس العمل‌های مختلف میدهد در دوره عمر بکرات این عمل تکرار میشود یعنی قدرت و نیرو و فشار خون گاهی زیاد می‌شود و زمانی کم و گاهی معتدل و اینحال بنا بر خاصیت غذاهاست که مصرف می‌شود بشدت و ضعف همیشه در حال تحول و انقلاب و اعتدال است البته هواها و آب‌های مختلف و حالات روحی هم در تحول و انقلاب و اعتدال حالات مختلف خون بی‌اثر نیستند و بعداً در اینمورد توضیحاتی داده میشود.

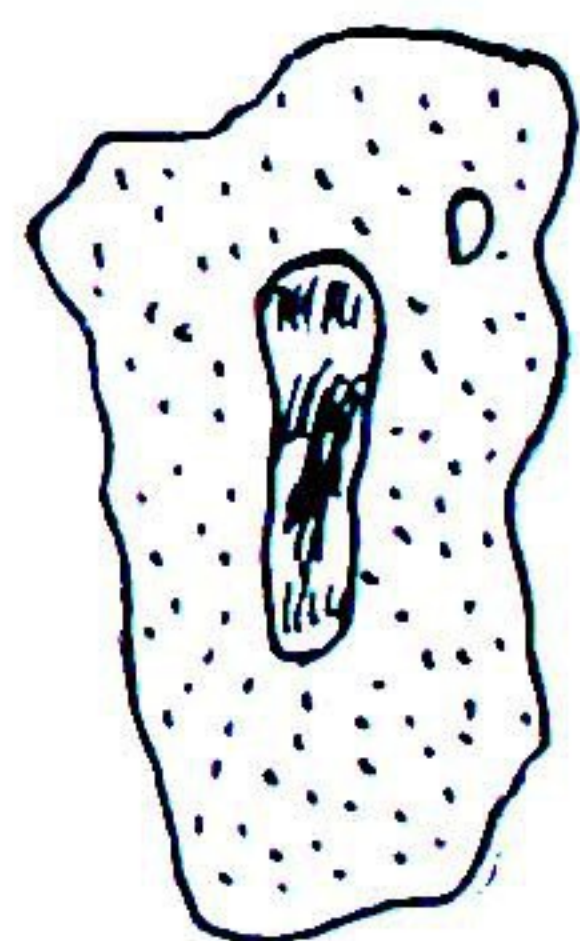
بطور کلی پیدایش قوت و فشارهای مختلف در خون و باز تحت تأثیر غذاها واقع شدن و تغییر حال پیدا کردن و کم و زیاد شدن قوت و فشار خون دلیل بزرگی بر تائید نظریه ما می‌باشد.

۴- نیرو یا خاصیت غذایی - خوردنیها و نوشیدنی‌ها از لحاظ خاصیت‌های تکوینی با انواع و اقسام مختلف تقسیم میشوند مانند میوجات سبزیجات و غلات و بقولات و غیره و جزئی از اجزاء هر دسته روی عناصر مختلفی که پدید آورنده آنست دارای نیروی مخصوصی است که خاصیت یا



مرحله دوم تقسیم سلول

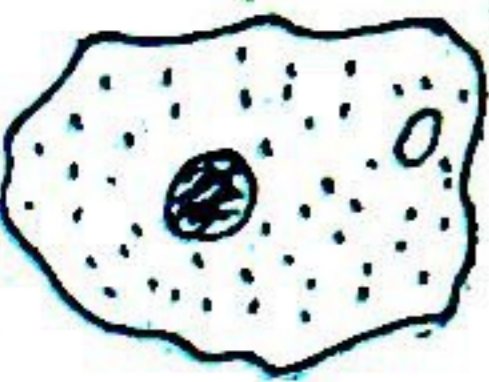
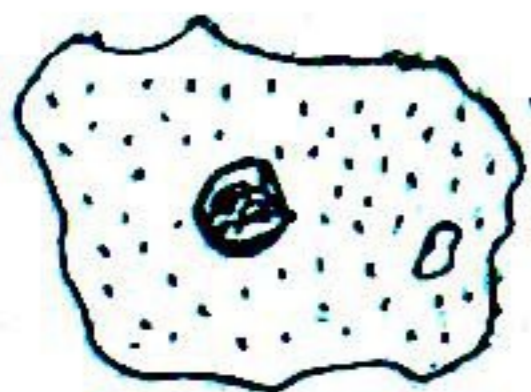
شکل ۱۲ هسته سلول بزرگ شده



مرحله اول تقسیم سلول

شکل ۱۱- سلول تغذیه شده و بزرگ میشود

منفعت خاصی از آن حاصل میشود یعنی هر چیز خوردنی و نوشیدنی بنا بر فرمول عناصری که سبب تکوین آن شده دارای خاصیت مخصوصی بوده و تأثیر خاصی در بدن مادارد مثلاً میدانیم گوجه و گلابی رفع یبوست میکنند و اینست و تردد مزاج ایجاد می نماید و زیاد خوردن آنهم اسهال بوجود می آورد و خوردن سیب قلب را خوردن به کبد و معده و دستگاہ گوارش را تقویت نموده و حالت قبض معده ایجاد می کند و انار خون را اصلاح نموده و در بعضی موارد یبوست پدید می آورد حال بمنافع دیگر آنها کار نداریم منظور اینست که با اینکه سیب و گلابی و به و انار و هندوانه و خربزه و غیره عموماً بنام میوه معروفند و بعضی هم خیلی بهم نزدیک می باشند دارای خواص و نیروهای مختلف و تأثیرات گوناگون در بدن می باشند و همینطور سایر خوردنی ها و نوشیدنیها هم خاصیتها و نیروهای مختلف دارند که تأثیرات جور بجوری در بدن می نمایند و این نیروها و خاصیتها که در کلیه خوردنیها و نوشیدنیها موجود و تأثیر کلی در وضع بدن ما دارند نیرو یا خاصیت غذایی نامیده میشوند این نیروها و خاصیتها همه در یک ردیف نبوده بلکه دارای نامهای مختلف و خصوصیات متنوع و خاصیتهای مختلفی میباشند بطور کلی خاصیت یا نیروی متمرکز در هندوانه غیر از خاصیت و نیروی متمرکز در خربزه است و برای آب و هوای مختلف هم مصرف آن فرق می کند یعنی در جاهائی هندوانه و در محل های خربزه مفید است و در بخش آب و هوا باز باین موضوع اشاره خواهد شد.



شکل ۱۴ - دو سلول کامل

تقسیم سلول



شکل ۱۳ هسته سلول دو قسمت شده

تقسیم سلول

۴- تأثیر خاصیت و نیروی غذائی در بدن :

الف- خوردنیها و نوشیدنیها بنا بر فرمولهائی که سبب تکوین آنها میشوند دارای خاصیت‌های مختلفی بوده و تاثیرات گوناگونی در بدن دارند یعنی روی خاصیت غذائی موجود در خوردنیها بعضی گلبول قرمز و جمعی گلبول سفید و برخی گوشت و دسته پیه و چربی و گروهی استخوان و غیره پدید می‌آورند.

ب- بدن دستگاهی ندارد که روی حساب صحیح و منظمی بمقدار احتیاج خود از خاصیت غذائی استفاده کند بلکه کلیه خاصیت‌های موجود در مواد غذائی که مورد تغذیه سلولهای بدن واقع میشوند بدن را تحت تاثیر خاصیت های متمرکز در غذاها قرار میدهند و این غذاها چون خواص مختلفی دارند حالات گوناگونی در بدن بوجود می‌آورند.

ج- بنا بر خاصیت غذائی آنها در محل‌های مختلف و آب و هوای جور بجور و موقعیت‌های متغیر افراد غذاها بصورت‌های غیر ثابتی در بدن تحلیل میرود مثلا در هوای سرد برای مقاومت با سرما بدن احتیاج بیشتری بمواد چربی دارد و بالعکس در هوای گرم روغن و چربی چون در بدن تحلیل نمیرود و بدن کمتر بچربی احتیاج دارد لذا باید چربی کمتر مصرف گردد و از طرفی بعلت گرمای شدید و عرق کردن زیاد آبهای موجود در بدن بیشتر بصورت عرق از بدن خارج شده و دیگر بدن نمیتواند مانند نقاط معتدل و یا سرد از راه کلیه ها و بول مسمومات بدن یعنی آنچه در سلولها قابل مصرف نبوده از بدن خارج کند لذا در این مورد اجتماع سمومات بدن که زرد آب نامیده می‌شود در بدن بنسبت‌های مختلف عکس العمل‌های گوناگونی پدید می‌آورند در این مورد ناچارم حکایتی که برای خودم اتفاق افتاده بیان کنم

در سال ۱۳۱۵ من مأمور گمرک بندر عباس بودم بمحض ورود باین منطقه گرم سوزان بمن گفتند اگر میخواهی از مالاریا نجات یابی باید یک شیشه قرص آتیرین بخوری که آخرین داروی مالاریا است روی ترس از مالاریا و سفارش زیاد و توجه باینکه همه رفقا از آن خورده‌اند منم یک شیشه از آن گرفته و خوردم در بندر عباس هم من بایکی از رفقا که دوستی قدیمی داشتم هم منزل بودم او متذکر بود که در هوای گرم بندر عباس نمیسود روغن زیاد خورد منم متوجه نبودم که همانطوری که برای مقاومت در مقابل سرما بدن بچربی محتاج است در هوای گرم چربی در بدن مصرف زیادی نداشته و نباید چربی آنها بدون ترشی زیاد خورد از اینرو تصور میکردم رفیقم میخواهد صرفه جوئی در خرج کند لذا هر کداه بمیل خود غذا می‌خوردم یعنی

من غذای چرب میخوردم و او کم روغن بالاخره چیزی از توقف من در بندر عباس نگذشته بود که روزی در حین کار اداری متوجه شدم که حرارت بدنم خیلی بالا رفت و تب شدید و سوزانی پیدا شد و حرارت بدن تقریباً بچهل و یک رسید ولی مطلبی که بود روحیه من خیلی خوب بود و میتوانستم اشتباهات کار دیگران را کشف کنم و نگذارم اسناد غلطی از زیر دستم رد شود بهر حال نزد رئیس بهداری رفتم و رئیس بهداری که دکتر تحصیل کرده و جوان مؤدبی بود پس از معاینه و مطالعه با نهایت تأسف اعلام کرد که من بمالاریا مبتلا شده‌ام و خیلی هم زود مبتلا گردیده‌ام او اصرار کرد که من مالاریا گرفته‌ام و از من انکار که من مالاریا ندارم اصرار من برای نداشتن مالاریا باین علت بود که یک شیشه آتبرین خورده بودم و سابقه مالاریا هم نداشتم و ضمناً باین که درجه حرارت بدنم تقریباً ۴۱ درجه بود باز مشاعر و حواس من خوب بود و مثل آدم سالم تشخیص همه چیز را میدادم خلاصه بعد از اصرار زیاد دکتر و انکار من دکتر قدری عصبیانی شده و یک شیشه قرص کینین بمن داد و اضافه نمود که شما مریض هستید و مالاریا دارید تنه‌امعالجه شما همین است من با اداره برگشته از پله‌ها بالا رفتم و وارد ایوان طبقه دوم شدم و وارشدیدی در سرم پیدا شد و بی مقدمه حال تهوع بمن دست داد و زرداب زیادی که دهان مرا خیلی تلخ کرده بود دفع شد دفع شدن زردابها مساوی بود با قطع شدن تب شدید و عادی شدن حرارت بدن و حال من خوب شد و بسر کار خود رفته و مشغول بکار شدم و با اینکه ساعت کار اداره تا یک بعد از ظهر بود و من هم بواسطه زیادی و حساسیت کار محاسباتی که داشتم در آن هوای سوزان تا ساعت ده بعد از ظهر همان روز در اداره مشغول کار بودم ابداً ناراحتی در خود احساس نکردم و بطور عادی بکار خود ادامه دادم بعد از آنهم هر هفته مخصوصاً روزهای شبیه درجه حرارت بدن من بالا میرفت و تب شدیدی عارض میشد و چون من متوجه زیادی زرداب شده بودم دستم را با صابون می شستم و قدری انگشت خود را در گلو می چرخاندم حالت تهوع پدید می آمد مقدار زرداب از من دفع میشد فوری تب قطع میگشت و حرارت بدن عادی میشد و من بسر کار خود میرفتم با اینکه من در طول مدت توقف در بندر عباس یک قرص کینین هم نخوردم تب مالاریائی عارض نمیشد و سلامت بودم خوشمزه اینجا بود که در موقع حرکت از بندر عباس بارئیس بهداری خدا حامظی می‌کردم و باز او معتقد بود که من مالاریا دارم خوشبختانه با اینکه بعد هم من مأمور مازندران و بعد مأمور زاهدان که هر دو بمنطقه مالاریائی معروفند شدم و مدتی در دو محل مذکور ساکن بودم تا حال که ۲۰ سال از توقف من در بندر عباس میگذرد

تب مالا ریا عارضه نشده حال اگر با داشتن زرداب زیاد که خود موجب زیاد شدن حرارت در بدن بود من کنین یا دوائی مثل آن را میخوردم وضع مزاجی من چه میشد و آیا زنده میماندم یا خیر موضوعی است که باید گفت خدا میداند دیک موضوع بسیار مهم که تا حال جزء خرافات ملی ما بوده و مستخره گیها روی آن شده و طرفداران آنرا بغلط امل و خرافاتی و کهنه پرست معرفی نموده اند موضوع:

مرد = گرم = حاد = مرطوب

میباشد که بنظر ما از موضوعهای بسیار مهم طبی بوده و مخالفین آن نخواسته اند بخود زحمت مطالعه و تحقیق داده و درک معنی نمایند لذا خیلی سطحی روی آن اظهار نظر کرده و در قضاوت خود انصافاً خیلی شتاب و عجله کرده و بطور مسلم روی همین اشتباه اشتباهات زیادی در معالجه بیماران نموده و در نتیجه تلفات زیادی داده اند اینک برای روشن شدن موضوع ناچارم توضیحاتی بدهم.

قسمت اول - بعضی داروها برای مریضهای خاصی مفید و برای عده از همان دسته بیماران مضر است و نیز مکرر مشاهده شده برای بیمار یکی که دارای حصبه بوده و یا تیفوس و یا زرداب داشته کنین یا سولفات دوسود تجویز شده و بیمار خورده و مرده است.

قسمت دوم - دواهای مخصوص هم در محل های مختلف دارای تاثیر گوناگون هستند و میزان مصرف آنها هم فرق میکنند مثلاً مصرف کنین برای کسانی که در مناطق مرطوب مانند گیلان و یا مازندران زندگی میکنند و یا اشخاص مالاریائی که ساکن تهران میباشند و یا افرادی که در کاشان مالاریا گرفته خیلی فرق دارد و مسلم اینست که اگر مقدار کنینی که بمریض مالاریائی در نقاط مرطوب داده میشود بیمار مالاریائی در کاشان که دارای هوای خشک و گرم میباشد داده شود مریض تلف میشود و بالعکس میزان کنین مورد مصرف شخص مالاریائی در کاشان را اگر برای بیمار مالاریائی مقیم رشت و مازندران که هوای مرطوب دارد تجویز کنند بی فایده خواهد بود.

قسمت سوم - مکرر دیده شده آمپول کنین بمریضی که تب داشته نزدیک شده مریض مرده است و چون علت مرگ مریض مجهول مانده ناگزیر گفته اند که سوزن با اینکه قبلاً کاملاً جوشیده و تمیز شده بود تمیز نشده و یا میکروب از هوا روی سوزن نشسته و در اثر ورود میکروب بدن مریض مرده است.

خلاصه بسیار دیده شده که در اثر تزریق يك آمپول بیمارانی مرده اند و خانواده آنان عزادار گردیده و منظور از توضیحات ما اینست که گاهی موقعیت های مخصوص برای اشخاص بیمار هست که دواهای مخصوص برای آن مفید و دواهای معینی برای آنان مضر است و مکرر دیده شده که يك دوا در دو مریض که درجه حرارت هر دو آنان ۴۰ یا بیشتر بوده است مخصوصاً در سواحل دریا مالاریا تشخیص داده شده یکی کنین یا سولفات دوسود یا نمک میوه می خورد برایش مفید است و دیگری که مانند من زرداب زیاد دارد یعنی سمومات غیر قابل مصرف بدنش زیاد شده و دفع نگردیده سولفات دوسود یا نمک و یا کنین برایش مضر و خطرناک است و اگر از این قبیل دواها بخورد احتمال خطر قوی دارد بهر حال با تکرار شدن موارد بسیاری که بیمار با خوردن کنین یا سولفات دوسود یا نمک و امثال آنها که برای بیماران دیگری مفید می باشد مرده است این معما پیدا شده که چرا باید يك دوا در دو مریض بصورت متساوی دارای دوا اثر متضاد باشد یعنی یکی بمیرد و دیگری از بیماری و مرگ نجات یابد و یا چرا مقدار مصرف کنین در اشخاص مالاریائی يك منطقه و یا مناطق مختلف باید متفاوت باشد و در یکی کمتر و در دیگری زیادتر تجویز و مصرف شود تا بیمار بهبودی یابد متأسفانه تا حال روی این معماهای بزرگ که قاعدتاً باید در اطراف آنها خیلی بحث شده باشد بحث و مطالعه نشده و نتوانسته اند يك جواب صحیح بموضوع داده و علت این اختلاف مهم را روشن سازند

قسمت چهارم - بطوری که اغلب اشخاص مسن دیده اند و هنوز هم نمونه های زیادی از آنها میشود در دهات و شهر های ایران ملاحظه کرد در ۳۰ یا ۴۰ یا ۵۰ سال قبل بیشتر مردم از زن و مرد مردمانی چاق و خوش هیكل و درشت استخوان و پر خون و بظاهر شاداب و بیاطن سلامت و سالم و قوی بوده اند و اغلب مردها از دوزن بیلا داشته اند و کسانی دیده شده که از ۱۰ زن هم بیشتر داشته اند و اتفاقاً در میان زنان آنان هم ناراضی و حاضر بطلاق کم دیده میشد و امروز برعکس گذشته زن و مرد بیشتر مردمان لاغر و ضعیف و دارای قیافه های زرد و رنگ پریده و گاهی سیاه شده و هیكل های ریز و سست و بی حال و اغلب مردان بی زن و مردان زنده هم بی حال میباشند.

یاد دارم در سال ۱۳۰۸ و قتی در نیاوند ثلاث بودم و برای جمع آوری تریاک مأموریت داشتم با عده زیادی بسر پرستی رئیس اداره انحصار تریاک در دهات می گشتیم بدهی رسیدیم که کدخدای آن ۱۰۹ سال داشت در صورتی که چهل ، پنجاه ساله بنظر میرسید بما خبر دادند که کدخدا چند شب قبل

دختری را عقد و عروسی کرده است و این زن سیزده یا چهاردهمین زن
کدخدایم می باشد رئیس انحصار تریاک صورتاً مردی چهل ساله و درشت هیكل
و چاق و بدون زن بود در همان شبی که میهمان کدخدا بودیم موضوع زن
گرفتن کدخدا سوژه تفریح رئیس ما بود مکرر شعر معروف سعدی را که
می گوید :

مردیت بیازمای و وانگه زن کن دختر منشان بخانه و شیون کن
خوانده شد و مکرر پرسیده شد که کدخدا برای مصلحت روزگار زن
گرفته ای یا واقعاً خبری هست.

در مقابل تمام این شوخی ها کدخدا روی عادت میهمان نوازی و ادب
سکوت کرده و میگفت آری آقا اختیار داری؛ بالاخره شب گذشت و صبح فرا
رسید اسب ها را ازین و حاضر کردند که ما سوار شویم رئیس انحصار که عینک
دودی بر چشم و سیگاری زیر لب و کیف و عصای کوچکی بدست داشت و
باطرز خاصی که خیلی آثار ریاست از آن ظاهر بود خواست ضمن خدا حافظی
و دادن دست اظهار محبتی بکدخدا کرده و تاحدی بدین وسیله تلافی میمانداری
اورا نموده باشد لذا دست را برای خدا حافظی بطرف کدخدا دراز کرد
ما بیکدفعه متوجه شدیم که کلاه و سیگار و عینک و کیف و عصا بیک طرف
افتاده پاهای آقای رئیس هم بهوارفت و فقط دستش در دست کدخدا بود و با
صدای هرچه بلندتر آخ - آخ میکرد بالاخره ما متوجه شدیم که کدخدا بدون
اینکه بخودش فشاری بیاورد و با تغییر قیافه داده باشد با یک دست آن هم
ساده دست آقای رئیس را می فشارد منظره عجیبی بود دهاتیمها و شهریمها بشدت
هرچه تمام تر باین منظره میخندیدند عاقبت چند نفری جلو رفتیم و شفاعت
کردیم و زمین خورده ما، از زمین برخواست باز کلاه و عینک و کیف و
عصا و سیگار جمع و آثار ریاست ظاهر شد و آمرانه بیکي از مفتشین سواری
که همراه ما و در شهر نپاوند خیلی پهلوان بود دستور داده شد که دست
کدخدرا بفشارد متأسفانه حواله زود نکول و گفته شد که کدخدا روی
میهمان نوازی دست شمارا خوب نفشارده و اگر حسابی فشار داده بود قطعاً
استخوان دست شما خورد شده بود.

بهر حال منظور این بود که در گذشته مردهائی بقوه و زور مل کدخدا
و یا بالاتر از آن زیاد داشته ایم و مردمان صد و صد پنجاه و دو بیست ساله
خیلی بوده اند اما حال وضعیت چطور است و مخصوصاً میان کارمندان ادارات
حال از چه قرار است مطالعه و توضیحات بیشتری لازم دارد که بر عایت

اختصار از بحث آن میگذریم.

قسمت پنجم - موضوع سردی و گرمی وحاد و مرطوب و انواع دیگر آنها توضیحات مفصلی لازم دارد و فعلاً چند مثال کوچک که مطلب را روشن میکند بیان میکنیم:

(از سرد و گرم وحاد مرطوب بطور کلی صحبت می نمائیم و بطبقه بندی و خصوصیات و اثرات مختلف آنها و عنصرهای متنوع و تعداد آنها کار نداریم.)

جزء ۱- فرض کنیم در زمستان و هوای سرد مجبور شویم يك راه طولانی را طی کنیم و سرما هم خیلی شدید بوده و ما را بی طاقت کند حال اگر قدری خرما و کشمش یا گردو یا توت و یا انجیر و غیره (چیزهاییکه مولد الحرارة است) بخوریم حرارتی در بدن ما پیدا میشود که با کم بودن لباس باز بدن را گرم و قوه مقاومت ما را برای پیاده روی زیاد میکند و بدون احساس گرما و بایک سرور و نشاط فوق العاده راه را پیمایان میسازیم و اگر بجای خرما و کشمش و گردو و توت و انجیر و امثال آنها خیار یا هندوانه و گوجه فرنگی و ماست و غیره (چیزهاییکه سردی معروف است و برودت ایجاد میکند) بخوریم بجای حرارت برودتی در ما ایجاد میشود که تحت تأثیر آن استقامت بدن در مقابل سرما کمتر و تأثیر سرما چندین مرتبه در بدن زیادتر میشود و در این موقع اگر لباس هم زیادتر بپوشیم باز سرما بر طرف نمیشود و احتمال خطر و تلف شدن از سرما میرود.

جزء ۲- در موقع سرما میتوان بایک لیوان چای گرم بدن را موقتاً گرم و در هوای گرم بایک لیوان آب سرد بدن را خنک نمود.

جزء ۳- در فصل زمستان می بینیم در طبقات مختلف مردم اعم از جوان و پیر و غیره اشخاص همسین و همسالی هستند که از لحاظ پوشش بدن یعنی لباس خیلی باهم اختلاف دارند یکی پیراهن و پیراهن کش و بلوز و یکی دوتا ژاکت و کت و پالتو پوشیده باز هم اظهار تأثر از سرما میکنند یکی يك پیراهن و يك کت دارد و بارانی خود را هم روی دست انداخته و همچنین است در فصل گرما یکی لخت در اطاق خنک نشسته احساس گرما میکند دیگری با لباس در بیابان و یا شهر در مقابل آفتاب کار میکند و شکایتی هم از آفتاب ندارد و نیز زیاد هستند کسانی که در شهرها با فراهم آمدن تمام وسایل آسایش تازه سرما و گرما را عذری برای روزه گرفتن میدانند در حالیکه ساکنین نقاط سردسیر و یا گرمسیر در سرمای زمستان و گرمای سوزان تابستان روزه داشته و در صحراها و بیابانها بکارهای زراعتی

اشتغال دارند بهر صورت تأثیر سرما و گرما در اشخاص همسن و همسال هم مختلف است و جمعی در مقابل سرما و گرما استقامت زیادتری دارند و گروهی زودتر متأثر شده و شروع بشکایت مینمایند.

جزء ۴ - در مواقع سرد بوسیله آشها و سوپ های داغ و نیز در مواقعی که هوا گرم است بوسیله غذاهای سرد شده میتوان بدن را گرم یا خنک کرد.

جزء ۵ - وقتی هوا گرم میشود مخصوصاً در بیابانها التهاب و حرارت شدیدی در بدن پیدا میشود و در این موقع اگر چند کف دست آب بصورت زده و دست و صورت شسته شود بدن خنک میشود و اگر تمام بدن وارد آب شود بکلی التهاب و حرارت از بدن خارج میشود و وقتی هوا سرد است اثر سردی هوا اول پوست بدن را منقبض میکند و تدریجاً در استخوان های بدن منعکس گردیده و حاصل عجیبی در شخص پدید می آورد و در این موقع اگر آب گرمی پیدا شود و بدن مدتی در آب گرم بماند و بعد از آب گرم هم بدن را از سرما خوردن محفوظ بدارند بکلی کسالت مرتفع میگردد والا کسالت شدیدی بوجود می آید که مدتها شخص را گرفتار دوا و بیماری مینماید.

قسمت ۶ - بزرگترین اشتباه حکماء جدید مخالفت با موقعیت های سرد، گرم، مرطوب، حاد، است که در بدن پیدا میشوند و مزاج های مختلف را در بدن ایجاد میکنند و مدتها این موضوع مهم بجای اینکه مورد بحث و مطالعه و تحقیق قرار گیرد موضوع های فکاهی ما را در مطبوعات و مجالس و محافل تشکیل میداده و نتیجه این اشتباه بزرگ هم زیاد شدن وسایل گوناگون طبی و دکترو بیمارستان و دارو ساز و عربض و طولیل شدن سازمان های پزشکی و ضعیف بودن نتایج حاصله و فراوانی خسارت های مالی و جانی و معطل و سرگردان بودن در مقابل خیلی از مشکلات و معماهای لابنجل پزشکی امروز است که اگر کمی توجه کنیم که اجداد ما بای خبری کامل از میکرب و داشتن چند نفر بیسواد ولی با تجربه بنام حکیم باشی و چند نفر عطار فروشنده دواهای طبیعی چگونه حیات عمومی افراد کشور را اداره نموده و تمام ادوار مردمان قوی و فعال و توانائی داشته اند و امروز با داشتن آخرین وسایل و هزاران دکترا تحصیل کرده و عده زیادی پرسنار و پزشکینار و این همه بیمارستانهای عمومی و خصوصی و داروخانه و دواهای فراوان و اطلاعات اجتماعی مردم و علاقه بنظافت و رعایت دستورات بهداشتی و موسسات ورزشی و اینکه قدیمی ها تاچه حد فکرشان از مرض و خطرات

احتمالی آن راحت بود و تاچه حد ما از مرض و میکرب و عوارض آن در وحشت و زحمتیم و چطور آنان با کمی طبیب و وسایل راضی و مابا زیادی دکتر و پزشکیار و تمام وسایل باز ناراضی هستیم! نوقت اهمیت مطلب خوب روشن شده و معلوم خواهد شد که تاچه حد مطلب حائز اهمیت و قابل توجه بوده و تاچه اندازه لازم بوده و هست که در اطراف موضوع رسیدگی و مطالعه صحیح میشده در حالیکه اقدام صحیحی بعمل نیامده بهر صورت از این مطلب فعلا میگذریم و بتوضیح اصل موضوع میپردازیم .

در میان قدیمی هادو تأثیر مختلف یعنی اثری که از خرما و کشمش و امثال آنها و همچنین غذاهای داغ و هوای گرم پدید میآید معروف بگرمی و حالاتیکه از خوردن خیار و هندوانه و گوچه فرنگی و غذاهای سرد شده و هوای سرد پیدا میشد برودت یا سردی معرفی میگردد لباس های پشمی هم که در زمستان و لباس های کتانیه که در تابستان میپوشیدند روی همین نظر و برای گرم کردن و خنک کردن بدن بوده است زیاد شدن مواد سرد و گرم و با تأثیرات آنها هم در اشخاص دارای خصوصیات و علائمی است که بدون تجزیه ادرار و خون میتوان آنها را تشخیص داد.

گرم = حاد = سرد = هرطوب = خنک

اگر دلوله آهنی داشته باشیم یکی را مدتی در هوای سرد و یکی را مدتی کنار آتش بگذاریم در نتیجه يك لوله سرد شده و يك لوله گرم شده داریم و اگر لوله دیگری را مدتی در یخ و لوله دیگری را مدتی در آتش بگذاریم در نتیجه چهار لوله خواهیم داشت که اگر بلوله اول دست بزنیم در دست خود احساس سردی میکنیم و از لوله دوم در دست احساس گرمی و حرارتی می نماییم و از شدت سرمای لوله سوم دست ما بشدت متأثر میشود و از حرارت شدید لوله سرخ شده چهارم دست ما میسوزد و تاول کوچک و بزرگ میزند حال این چهار حالت که در ما پیدا میشود بعلت سردی و گرمی و برودت شدید و حرارت تندی که در لوله ها در اثر تماس با برودت و حرارت پدید آمده میباشد و هر يك از این چهار حال در بدن ما عکس العمل خاصی دارد .

در سال ۱۳۱۵ که من در بندر عباس منطقه سوزان جنوب ایران بودم و در آن موقع محل مذکور فاقد کارخانه برق و یخ بود روزی من بکشتی مسافری رفتم در کشتی برای من يك لیموناد که مدتی در یخ گذارده بودند آوردند مدت ها من از برودت شیشه لیموناد که با دودستم آن را گرفته فشار

میدادم بشدت لذت میبرد و در آنحال لذت و کیفی برای من بالاتر از استفاده از سردی و خنکی شیشه لیموناد نبود.

چهار اوله پیش گفته از خود دارای حرارت و برودتی نیستند بلکه در اثر تماس با حرارت و برودت حرارت و برودت در آنها پدید میآید همچنین موادی در غذاها و نباتات و دواها و خوردنیها هستند که طبیعتاً دارای انواع حرارتها و برودتها بوده و عکس العملهایی در بدن ایجاد میکنند که بطور خلاصه بشرح زیر توضیح داده میشود

جزء یک - گروه گرم - مواد غذایی که در بعضی خوردنیها هست و حرارت بدن را زیاد و یا اساساً ایجاد حرارت مینماید آنها را مواد گروه گرم میگویند و چیزهاییکه ایجاد حرارت در بدن میکنند عبارتند: خرما - پسته - گردو - کشمش - انجیر - انبه - مویز - گل گاوزبان - خر بوزه - انگور - عسل - شیره - کلم - هویج - نعنا و غیره

مواد گروه گرم گاهی دارای مواد قندی بوده و بهمین علت ایجاد حرارت میکنند مانند خرما - انجیر - عسل - شیره و غیره و گاهی بدون داشتن مواد قندی طبیعتاً گرم هستند مانند گل گاوزبان و زعفران و غیره

جزء ۲ - گروه سرد - و آن عبارت است از غذاها و خوردنیهاییکه در بدن ایجاد برودت میکنند مانند هلو - خیار - گوجه فرنگی - کدو - شلیل عدس - زرشک و امثال آنها

جزء ۳ - گروه حاد - بعضی غذاها و دواها و خوردنیها هستند که حرارت تند و یا خشکی های شدید در بدن بوجود میآورند مانند فلفل - جوز هندی و امثال آنها

جزء ۴ - گروه مرطوب و آن عبارت از رطوبت هائی است که در اثر غذاها و خوردنیها در بدن پیدا میشود و آب بزرگترین وسیله برای پدید آوردن رطوبت در بدن میباشد.

جزء ۵ - علاوه از چهار گروه اصلی نامبرده بالا گروه اصلی دیگری هم هست که بگروه خنک معروف است البته آبهای خنک و آب یخ و انواع شربت های بایخ هم خنکی ایجاد میکنند ولی منظور از گروه خنک مواد غذایی و خوردنی های ثابتی است که بدن را مدت ها خنک میکنند مانند آو بخارا گل بنفشه - کاهو - اسفناج - ریحان - عناب - ازگیل - هندوانه

پنج گروه نامبرده بالا و یا گروههای فرعی دیگری که از پنج گروه مذکور سرچشمه می گیرند توضیحات بیشتری لازم دارد و ما فعلاً مختصر آبان

گذشته از توضیحات بالا و مثال‌های زیاد دیگر اساساً طب جدید هم با بیانات مختلفی این موضوع را تأیید میکند مثلاً وقتی بمواد آهکی و قندی و آهنی و چربی و غیره که طب جدید میگوید در غذاها و ماکولات زیاد است و ویتامین‌های مختلف (ا - ب - ث - د) و غیره که در خوردنیها موجود است توجه نمائیم و بدانیم که مواد قندی یا آهکی یا آهنی و یا ویتامین‌ها عبارت از قوه و خاصیت مخصوصی است که در خوردنیها و نوشیدنیها موجود است و هر کدام تأثیر خاصی در بدن دارند و بدانیم که سردی و گرمی و حاد و مرطوب هم که مورد نظر طب قدیم بوده عبارت از تأثیر و اثر و قوه و خاصیتی است که در انواع مواد غذایی و ماکولات موجود است آنوقت مسئله حل شده و می‌بینیم تقریباً در مقصود طب قدیم و جدید باهم مخالفتی ندارند و منظور آنها یکی است ولی یکی بزبان معمولی خود میگوید مواد آهکی و قندی و آهنی و چربی و انواع ویتامینها و غیره و دیگری میگوید سرد، گرم، حاد، مرطوب و غیره بطور کلی آنچه ثابت است این است که مواد آهکی و قندی و چربی و انواع ویتامینها تأثیراتی در بدن دارند و انعکاساتی بوجود می‌آورند و این تأثیرات و انعکاسات در طب قدیم بچند گروه تقسیم و معروف بسردی و گرمی و حاد و مرطوب بوده است و بطور روشنتر میتوان گفت که طب جدید از مواد و عناصر مفرده گفتگو میکند و طب قدیم از اجتماع عناصر یا عناصر مرکبه و یا خاصیتی که در آنها میباشد و کیفیت و عکس‌العملی که در بدن ایجاد میکنند.

ضمناً باید یاد آوری نمائیم که طب قدیم از صدها سال قبل این عقاید را داشته ولی طب جدید تازه متوجه مواد غذایی و ویتامینها شده است و هنوز نتوانسته کاملاً متوجه اهمیت مطلب و نظر ثابت و دقیق طب قدیم شود و از این رو و از نظر تشریح خصوصیات مواد غذایی و اثر آنها اختلافاتی با طب قدیم دارد و باز برای روشن شدن مطلب و اثبات یکی بودن دو نظر مورد بحث و سادگی معالجات قدیم باید بدو فرض متوسل شویم:

فرض اول - فرض کنیم آثار و خاصیت مواد آهکی و قندی و آهنی و چربی و غیره و انواع ویتامینها همان سردی و گرمی و حاد و مرطوب و انواع دیگر آن باشند.

فرض دوم - غذاها و میوه‌ها را باید از حیث نوع مواد غذایی و تأثیرات آنها طبقه بندی نمائیم و بگوئیم چند نوع از آنها از غذاها و میوه‌های گروه گرم میباشند و چند نوع دیگر از گروه سرد و غیره. حال بطوری که طب قدیم میگوید و طب جدید هم تأیید میکند می

دانیم هر يك از مواد غذائی و یا تأثیرات آنها در بدن ما کم یا زیاد شود و واکنشی در بدن دارد یعنی اگر هر يك از مواد قندی و آهکی و آهنی و غیره در مواد غذائی زیاد شد در بدن منعکس گردیده و عوارضی بوجود میآوردند و علاج آنها هم اینست که مواد زاید را بوسیله کم و مواد کم را بوسیله زیاد کنند و یا بعبارت دیگر وقتی مواد مشمول گروه سرد در بدن مان زیاد شود باید از مواد گروه گرم که میدانیم ضد گروه مواد سرد است استفاده نماییم و همچنین است عکس آن مثلا وقتی خرما و پسته و گردو زیاد بخوریم و با اصطلاح طب جدید مواد قندی و یا آهنی در بدن مان زیاد شود و یا با اصطلاح طب قدیم احساس کنیم حال مان سنگین و حرارت زیاد پسته و خرما و گردو ما را اذیت میکند دیگر نباید چیزهایی بخوریم که حرارت موجود در بدن ما را زیادتر کند و ما را بخطر اندازد بلکه برعکس باید چیزهایی بخوریم که رفع حرارت زاید را از ما بکند در این موقع باید چیزهایی که بخنکی معروف است یعنی تجربه و ثابت شده که از چیزهای خنک و خنک کننده میباشد و کاملاً رفع حرارت خرما و پسته و گردو را میکنند بخوریم تا حرارت های زاید بدن را دفع کند و تعادل مواد غذائی بدن را محفوظ و سلامتی ایجاد نماید بدیهی است فرض امثال دیگر که دارای خواص ضدهم میباشد بسیار است.

ممکن است جمعی بگویند لازم نبود بحث سردی و گرمی اینقدر مفصل باشد یا اینکه آن را همه میدانند و یا اینکه اساساً اهمیتی ندارد ولی ما جواب را با دو مثال شرح میدهیم تا شاید اهمیت حفظ جان مردم این قبیل افراد را معتقد نماید که هر چه برای روشن شدن مجهولات طبی بحث شود کم است.

مثال اول - در یکی از شهرستانها در تابستان خانم سفید پوست سرد مزاجی از غذا های معمولی تابستانی ایران یعنی آبدوغ خیار خورده بود گویا خیار و ماست مفصل بوده و چیزهای دیگری هم که در آبدوغ برای رفع برودت و رطوبت آن می ریزند مانند برک گل سرخ (مقدار کمی) کشمش زیاد و قدری فلفل کم ریخته بودند و یا خانم غذا زیاد خورده بود بالاخره دچار دل درد شدید گردیده و دکتری بیالین مریض آمد و بدون اینکه توجه کند مریض غذا چه خورده و حال چه باید کرد بخیال خود يك آمپول مرفین برای تسکین درد باو تزریق میکند اثر مضر و سرد مرفین با اثر غذا که هر دو در يك ردیف بوده سبب میشوند کلیه های خانم دچار سستی و رخوت گردد و چون در دوازده میان نرفته و زیادتر شده يك آمپول مرفین دیگر تزریق

شد لذا کلیه‌ها بکلی از کار افتاد و گردش خون بطلی شد ناچار از طهران
دکتر دیگری احضار نمودند بسا اینکه دکتر هم خیلی فوری حرکت کرد
قبل از رسیدن دکتر بمحل خانم فوت کرده بود .

حال اگر اطرافیان خانم خیلی بی تجربه و بی مطالعه نبودند یاد دکتر
محل خیلی بی اطلاع نبود و برای این خانم بجای تزریق دو آمپول مرفین
یکسیر یا دوسیر نبات کوئیده و دریک گیلاس یا دو گیلاس آب بخانم میدادند
حرارت مواد قندی نبات رفع رطوبت ناشی از غذاهای مرطوب را در معده
خانم میکرد و خانم فوری معده اش گرم شده خطر مرگ مرتفع میشد.

مثال دوم - نفخ شکم آنهم پس از خوردن آبدوغ خیار و یا غذاهای
سرد دیگر در طهران و بعضی از شهرستانهای ایران خیلی سابقه دارد و
علاج آنهم خوردن مقداری نبات با آب گرم و یا مکیدن آب نبات میباشد که
بسیار تجربه شده و مجرب است.

بسیار اتفاق افتاده اشخاصی غذاهای خنک تابستانی را مانند آبدوغ
خیار و غیره خورده اند و در آب سرد هم رفته اند و یا در کوران باد هم
نشسته اند بالاخره دچار دل درد یا پهلو دردهای شدید شده و دکتر معالج
بدون توجه بموقعیت مریض و اوضاع احوال او فوری متوجه آپاندیس شده
و بالاخره عمل کرده و مریض مرده است در صورتیکه اگر این مریض را
گرم نگاه میداشتند و چند چای گرم با او میدادند فوری عرق میکرد حالش
خوب میشد .

بدیهی است من با آپاندیس مخالف نیستم ولی دردمربوط با آپاندیس
هم سابقه لازم دارد و هر درددلی آپاندیس نیست .

شخصی نقل میکرد که خواهر بزرگم برای دیدن پدر و مادرم به تبریز
رفته بود روزی بحمام میرود با آب خیلی گرم استحمام میکند حال کلافه گوی
باودست میدهد بمنزل میآید و در هوای آزاد وسط اطاق دراز میکشد فوری
شکم و پهلو که در اثر آب گرم - گرم شده بود سرما میخورد و درد شدید
میگیرد پس از مراجعه بچند دکتر ایرانی و امریکائی و آلمانی دکترها
متفق میشوند که خواهرم آپاندیس دارد و خیلی فوری باید عمل کند و با
اعتقاد و ایمان محکمی میگویند اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل نشود مریض
خواهد مرد مادرم چون متوجه بود دل دردمریض بی سابقه بوده و از حمام هم آمده
و در هوای آزاد هم خوابیده قطعاً سرما خورده لذا گوش بحرف دکترها
نمیدهد و بعد اینکه بساید از شوهر مریض تلگرافی کسب دستور کند از

عمل خودداری میکنند و با چند دستمال داغ شکم و پهلوهای مریض را گرم مینمایند و مریض حالش خوب میشود و تا حال که متجاوز از ۲۰ سال از آن تاریخ میگذرد خواهرم سلامت است و حتی دیگر بدل درد ساده هم مبتلا نشده است.

منظور کلی اینست که مواد غذایی که در بعضی خوراکیها هست و برودت بدن را زیاد میکند معزوف بسردی و آنچه حرارت بدن را زیاد می کند معروف بگرمی و آنچه رطوبت بدن را زیاد میکند مرطوب و آنچه خشکی در بدن پدید میآورد حار یا حاد معرفی شده در اینجا باید متوجه بود که بطوری که بعداً شرح داده خواهد شد با عناصر مختلفی که در يك نوع خوردنی موجود است مخالفتی نیست و فقط منظور اینست که در هر خوردنی يك عنصر بخصوص قوی تر از سایر عناصر موجود در آن است و یا اساساً اجتماع عناصر مختلف در يك خوردنی کیفیت و اثر خاصی در آن پدید آورده است و نیز خیلی از خوردنیها هم بنا به نسبت عناصری که در آنها تکوین شده تقریباً در ردیف هم بوده و دارای خواص متشابهی میباشند حکایت شیرینی راجع بشدت اختلاف و مخالفت طرفداران طب جدید با سردی و گرمی دارم که شنیدنی است و این موضوع هم قرینه های زیاد دارد و هر کس بفرآخور حال خود چند حکایت از آن میدانند.

شخصی حکایت میکرد که در خرم آباد لرستان یکی از خواهرزاده های من مریض بود و د کتری برای دفعه دوم بیالین مریض آمده بود در موقعی که دکتر درچای قند ریخته مشغول هم زدن آن بود من برای مزید اطلاع دکتر گفتم این مریض مزاجش گرم است و دیروز که طبق دستور شما با وسولات دوسود دادیم گلویش ورم کرد و لبش زخم و تبش شدیدتر شد خواهشمندم امروز شربت یا دوائی که خواهید داد از چیزهای خنک باشد دکتر با اینکه با پدر مریض که افسر و دارای مقام محترمی بود نهایت دوستی را داشت باندازه ای از این موضوع ساده و در عین حال بسیار مفید عصبانی شده بود که از هم زدن و خوردن چای صرف نظر نموده و بدون دادن دستور و خدا حافظی از منزل خارج و رفت پیرمردی را که از بعضی گیاهها و دواهای قدیمی اطلاع داشته بانو در خود نزد ما فرستاد و پیغام داد که بگوئید که من د کتر سردی و گرمی نیستم این آقا حکیم سردی و گرمی است و اتفاقاً همین حکیم سردی و گرمی برای مریض ترنجبین و عناب و گل بنفشه تجویز کرد و با همین دوا مریض بکلی حالش خوب شد و شفایافت.

يك تجربه كوچك و مفيد - وقتی دمل های قرمز در بدن زیادو

یا بزرگ میشوند و کم کم زیر دملها سفت و اطراف آن قرمز متمایل بسیاه میگردد بطوری که اگر در اطراف آن دست بگذاریم احساس درد شود و حال اگر چنین مریضی از کیل - آب آلو بخارا - کوچه برغانی - کاهو بخورد حرارت و شدت التهاب دملها از بین میرود و سرخی اطراف آن برطرف میشود و ممکن است اساساً دمل فرو کش کرده و از بین برود حال خاصیت از کیل - آلو بخارا - کوچه برغانی - کاهو که چرکها را میخورند و حرارت دمل را خاموش میکنند و بااصل آنرا مرتفع مینمایند و با تخفیف زیاد در التهاب آن داده و از بزرگ شدن آن میبکاهند و بدون سروصدا خطر را دفع می نمایند کار پنسیلین را میکنند یا خیر من آزمایش نکرده و نمی دانم .

بطور کلی وقتی مواد مستخرجی از یک نوع یا یک طبقه معین از غذاها و ماکولات در خون و بدن زیاد شد و اثرات آن منعکس گردید دیگر اینگونه مواد (یا حرارتها و برودتهای آنها) برای بدن مضر است ، اگر کسی از چنین غذاهایی باز بخورد مواد و ذرات موجود در خون و بدنش از حد طبیعی زیادتر شده و مرض ایجاد میگردد ولی اگر از غذاهای ضد مواد موجود در بدن استفاده شود این قبیل مواد اثر و خاصیت مواد موجود در بدن را کم یا خنثی نموده و شخص را از خطرهای زیادی نجات میدهد بهر صورت غذاها و خوردنیها را از نظر کلی میتوان به پنج دسته تقسیم کرد یکدسته آنهاست که ایجاد کننده حرارتند دسته دیگر بوجود آورنده برودت و دسته سیم سبب خشکی و دسته چهارم باعث زیاد شدن رطوبت و دسته پنجم وسیله خنک شدن بدن میشوند و این پنج دسته مستقیماً تأثیرات خاصی در بدن دارند و هر دسته عوارض و امراض مخصوصی بوجود میآورند و امراض خاصی را هم معالجه میکنند همانطوری که بوسیله منعکس شدن اثر آفتاب در تابستان و تأثیر برودت در زمستان ذرات یا گازهای موجود در هوا گرم و سرد شده و ذرات قوه دار را تحت تأثیر گرما و سرما قرار میدهند اعضای داخلی بدن هم از حرارت و برودت و رطوبت و خشکی و خنکی که در اثر منعکس شدن خاصیت پنج دسته مورد بحث در بدن پیدا میشوند استفاده نموده و تحت تأثیر واقع میشوند.

باد گرم و باد سرد - گذشته از تأثیر مستقیم مواد نامبرده گاهی در بدن موقعیت سرد و گرم باهم پیدا میشوند یعنی همانطوری که هوای سرد و گرم ذو اطاق بهم فشار میآورند و ایجاد کوران میکنند در بدن هم این

حالت پدید می آید و همین کیفیت را قدیمی ها باد گرم و باد سرد می - گفته اند .

صفراء - زرداب - سودا - بلغم - حرارت و برودت و خشکی و رطوبت اول مرحله تأثیر غذا در بدن میباشد و بتدریجی که این مواد زیاد میشود مزاج های صفرائی - زردابی - سودائی - بلغمی بوجود می - آید .

خاصیت سبزیجات - غیر از غذاها و مأكولات که دارای اثر های تولید حرارت و برودت و رطوبت و خشکی میباشد و بدن را گرم یا سرد یا مرطوب یا خشک میکنند سبزیجات هم یکدسته نبوده و دارای خاصیت مساوی در بدن نیستند مثلاً نعناع گرم است زیاد خوردن آنهم خشکی مغز ایجاد میکند و ریحان خنک است و زیاد خوردن آن لطافت شدید عصبی بوجود میآورد و هر کس بنوبه خود میتواند آن را آزمایش نماید لذا کسانی که سبزیجات را در حکم واحد میدانند اشتباه بزرگی مینمایند .

لباس های پشمی و کتانی - لباس های پشمی و کتانی هم بدن را گرم و خنک میکنند و بهمین علت مردم در تابستان لباس کتانی و نازک و در زمستان لباس پشمی و کلفت میپوشند .

چه بسا مریض هائیکه در اثر داشتن التهاب داخلی و پیدا کردن جوشها و دملهای داخلی و خارجی و بدون توجه بحرارت زیاد در بدن با وضع رقت باری جان سپرده اند و متأسفانه از مرك آنها هم چیزی بتجربیات و معلومات طبی ما افزوده نشده و اگر بخواهیم در این موضوع بحث نموده و اشتباهات طبی که در این قبیل موارد تا کنون صورت گرفته شرح دهیم کتاب های بزرگی باید بنویسیم .



بدن از چند طریق تغذیه میکنند

۵ - تأثیر روحی غذاها و اینکه انسان دارای دو معده است - طب جدید معتقد است که بدن منحصرأ از راه خون تغذیه میکند یعنی غذا پس از هضم و عبور از معده و قابل جذب شدن آنچه قابل جذب شدن میباشد بوسیله رگهای موئین و بساریک از روده کوچک جذب شده و پس از عبور از جگر (کبد) و تصفیه وارد خون میشود و خون وسیله ارتباط است یعنی از یک طرف بوسیله رگهای موئین غذا را از روده کوچک میگیرد و بدون اینکه تأثیری در خون داشته باشد بسلول های بدن برای تغذیه بدن میدهد و این عمل و یا هضم غذا در اشخاص عادی از دو تا چهار و یا شش ساعت طول می کشد تا غذا هضم شده و در بدن پخش شود .

(اشخاص دیگری هم هستند که به بیوست های شدید مبتلا بوده و یا غذا در روده آنان سوخته شده و سبب میشود که هفته هفته تفاله و فضولات غذا از آنان دفع نشود) در حالیکه :

الف - اگر مقداری خوراکی سریع التاثير یا سریع الهضم در دهان نگهداری نمائیم بعلمت انعکاس خواص موجود در آنها بمرکز مغز فوری اعصاب تحت تأثیر واقع و نسبت بترشی و یا شور و یا شیرینی و تلخی و تند و یا بانمک و بی نمک بودن آنها قضاوت میکند و مدتی اعصاب بدن تحت الشعاع عکس العمل آن واقع میشود.

ب - بمحض خوردن غذا اثرات روحی آن فوری در بدن ما تأثیر می کند مثلاً یکی از آثار فوری غذا در روحیه و کار های عمومی بدن که خیلی محسوس بوده و قبل از هضم غذا هویدا میگردد و هر کس بنوبه خود مکرر با آن مواجه میشود اینست که در پایان صرف غذا گاهی حال سرور و شغف روحی در خود احساس میکنیم و از فکاهیات و چیزهای خنده آور حتی حرف های عادی محظوظ و خوشحال شده و میل گردش و تفریح در ما تحریک میشود

و گاهی برعکس سستی و رخوت و خواب پدید میآید معروف است وقتی ماست خوردی کاسه اش را زیر سر بگذار و بخواب یعنی سرعت تاثیر ماست در اعصاب با اندازه ایست که تاماست خورده شود فوری باید خوابید بیداری است نوع ماست که ماست شهری یا دهاتی یعنی ماست با شیر چربی گرفته شده و یا چربی نگرفته باشد و مقدار ماست برای اشخاصی که دارای قوای مختلف میباشند متفاوت است و بطور کلی شوورها از ترس خواب در مسافرتهای شبانه ماست نمی خورند و گاهی هم حرارت زیاد و فعالیت روحی برای ما پیدا میشود و با همه خستگی روزانه بازمیل کار کردن در ما ایجاد میشود و زمانی هم خستگی روحی و هیجان عصبی و عصبانیت زیاد و یا کلافگی و همچنین تشنج و گاهی سخته پیدا میشود بهر حال پیش از آنکه غذا بوسیله اعمال معده قابل هضم شده و از دریچه معده خارج و مواد غذایی آن وارد خون و بتمام بدن بخش شود و خواص و اثر روحی آن در اعصاب دماغی ظاهر گردد احوالات مختلفی در ما بوجود میآید.

لذا ناچاریم بگوئیم ما دارای دو معده هستیم یکی معده پائین یا عضله که عموماً کم و بیش از خصوصیات و عملیات آن آگاهییم و غذا از دهان و حلق وارد آن میشود و بعد از فعل و انفعالاتی تفاله آن پس از عبور از روده ها از انتهای روده بزرگ خارج میگردد و در این عملیات مواد غذایی ثقیل مورد استفاده است و محصول آن هم خون و چربی و شیر خانمها و گوشت اسنخوان و اعصاب بدن است و معده دیگر معده بالا یا معده عصبی است که بوسیله اعصاب خیلی حساس و ریزی که در بن دندانها و اطراف لثها و سق و دهان و گلو و جدارهای معده و غیره موجود است يك نوع شیره و عصاره خیلی لطیفی از غذاها گرفته و با اعصاب مغز داده میشود و این غذای عصبی غیر از تغذیه ایست که بوسیله خون بدن انجام میشود و مواد نامبرده که از لطیف ترین مواد غذایی است مورد استفاده و تغذیه و هضم اعصاب واقع میگردد و فضولات آنهم چرك گوشها و یا ترشحات بینی است و نتیجه تغذیه عصبی یکی تغذیه تمام اعضاء و نقاط بدن از نیرو و خاصیت لطیف غذایی که بوسیله یکرشته اعصاب ریز و حساس که مرکز آن در مغز و در تمام نقاط بدن بخش است انجام میگردد و نتیجه آن اداره و تقویت کردن اعصاب بدن بوده و نیرو و حاکمیت و فرمانفرمائی بدن را در مغز حفظ می نماید و دیگر اداره امور روحی شخص میباشد و با تضعیف و یا تقویت اعصاب هم میتوان تغییرات قابل توجه و مهم مختلفی را در شخص ایجاد میکرد.

مطلب مهم = مرکز کسالتها

باید توجه داشت که وقتی در اثر تاثیر مواد غذایی و خاصیت های آن در بن وریشه اعصاب اختلالی حاصل شود در نتیجه عضو متصل بآن عصب هم مریض و متالم میشود مثلاً لکنت زبان و ضعف چشم و امراض قلبی و فلج شدن پاها و دستها و خوب کار نکردن کبد و کلیتین و یا مریض و خورد شدن دندانها و همچنین اختلال عملیات ریوی و غیره در درجه اول مربوط باختلالی است که در ریشه اعصاب متصل بآنها که مرکزشان در مغز است پدید میآید بطوری که در بند ۳ گفته شد هر یک از مواد غذایی دارای اثرها و خاصیت های مختلفی بوده و از هر یک کار جدا گانه ساخته است یعنی خاصیت و قوه مخصوصی دارند که برای عضو مخصوصی در بدن بیشتر از سایر اعضا مفید میباشد مثلاً سبب قلب را تقویت و کلابی و کوجه لپنت و اسهال ایجاد میکنند و غیره .

باید اضافه شود که انعکاس خواص موجود در مواد غذایی بعضی در سلسله اعصاب و مغز سبب تضعیت و برخی وسیله تقویت اعصاب میشوند و در نتیجه ممکن است شخصی دارای هیکلی درشت و چاق باشد ولی اعصابش ضعیف و ناتوان بوده و دیگری بدنی متوسط و یا لاغر داشته ولی اعصابش قوی و نیرومند باشد.

د - اگر روی دو لوله سرد و گرم دست بگذاریم سردی و گرمی یا حرارت و برودت دو لوله در دست ما اثر میکند و فوراً حرارت و برودت آنها بوسیله اعصاب دست بمغز منتقل و مغز بنا بموقعیت حال خود و کیفیت سردی و گرمی لوله ها تصمیم لازم اتخاذ و فرمان مقتضی بدست میدهد یعنی اگر هوا گرم باشد فرمان میدهد که باید دست روی لوله سرد نهاد و اگر هوا سرد باشد از لوله استفاده از لوله گرم را میدهد و بدین وسیله بدن مدتی تحت تاثیر

حرارت و برودت لوله‌ها واقع میشود البته در این جا منظور این نیست که بدن بوسیله اعصاب از لوله سرد و گرم تغذیه مینماید بلکه منظور اینست که بدن بوسیله سلسله اعصاب تحت تاثیر حرارت و برودت لوله‌ها واقع شده گرم و سرد میشود.

ج- اگر غذای مخالف و یا مسمومی بخوریم قبل از هضم غذا و بدون اینکه مواد غذایی آن از راه خون در بدن بخش شده و عکس العمل خود را ظاهر سازد بمحض ورود در معده حال تهوع ایجاد نموده و خاصیت های مخالف و مسموم خود را ظاهر میکنند و یا اینکه بدن دچار تشنگی شدید است و یا بعلت حرارت زیاد و یا عرق کردن بدن دچار خشکی مفرط میشود و بمحض ورود آب بدهان و معده رفع عطش میشود و و یا بعلت تماس بدن با آب بدن خنک میگردد یعنی بوسیله اعصاب داخلی و یا اعصابی که با پوست بدن تماس دارند در بدن بخش و رفع تشنگی و خشکی بدن میشود

۶ - **موقعیت مزاجی** - چون هر ماده خوراکی و هر غذایی دارای یک ماده غذایی مخصوصی است و نیز هر ماده غذایی تاثیر خاصی در بدن دارد یعنی ممکن است ما غذایی بخوریم که فوراً سستی و رخوت در ما ایجاد شود و یا حرارت و فعالیت زیادی بوجود آید بطوری که قبلاً گفته شد و در اثر تغذیه بدن که بدو طریق تغذیه معدی و عصبی صورت میگیرد عصاره و شیره غذا تبدیل بذرات بسیار ریزی میشود که بوسیله اعصاب مغزو خون در تمام بدن تحلیل میرود و اگر آن ذرات از مواد پر حرارت تشکیل شده باشد حرارتی در اعضای بدن بوجود میآید و اگر ذرات از مواد کم حرارت و یا بی حرارت و یا برودت آور تشکیل شده باشد سستی و بیحالی تولید میکند.

بهر حال اجتماع ذرات کم حرارت و پر حرارت در تشکیل و تغذیه سلول های کبد و مغز موثر بوده و موقعیت های سرد و گرم و مرطوب و حاد را در بدن بوجود میآورد و در هر مورد غذاهای خاصی برای بدن مفید و غذاهای دیگری برای آن مضر است

پس در موقع معالجه بیماران موقعیت مزاجی آنان را باید در نظر گرفت تا با تزریق یک آمپول و یک دواي اشتباهی جاننداری بی جان نشود.

۷ - **مزاج های مختلف** - روی اثر از موقعیت مزاجی پدر و مادر و اجتماع زیاد ذرات پر حرارت و کم حرارت غذایی در بدن مزاج های مختلفی پیدا میشود که برای آنها خوردنیها و نوشیدنیهای معینی مفید و خوردنیها و

نوشیندنی های مشخصی مضر است .

مثلا در خانواده های ایرانی که غذاهایشان ترکیبی از مواد مختلفه غذائی نیست و بیشتر از یک نوع و یا دو نوع مواد غذائی تهیه میکنند و یا ترکیبات غذائی را طوری ترتیب میدهند که بیشتر دارای یک خاصیت میباشند مکرر دیده شده که دو خواهر و یا دو برادر که یکی سبزه و دیگری سفید پوست است و از یک پدر و مادر میباشند دارای دو موقعیت مزاجی متضاد بوده اند از یک غذا خورده اند یکی بانشاط و مسرور و دیگری بدل درد شدید و یا اسهال و یا خستگی مبتلا شده است (همین موضوع پانزده سال ما بین من و برادرم که یکی سفید و دیگری سبزه پوست بودیم جریان داشت و هر چه برای من مفید بود برای او مضر بود و هر چه برای او مفید بود برای من مضر بود و این موضوع بقدری اهمیت پیدا کرده بود که پیش از غذا خودمان پیشگوئی وقایع بعد از غذا را میکردیم و معالجات مختلف طبی هم برای رفع اختلاف بهیچوجه موثر واقع نمی شد .) این موضوع در تهران هم خیلی سابقه دارد و آزمایش آن و پیش بینی وقایعی که بعد از غذا در اشخاص مختلف سبزه پوست و سفید پوست ایجاد میشود آسان است .

۸- بچه هائیکه رنگهای مختلف دارند- یک موضوع بسیار مهم

که شایان دقت های زیاد میباشد موضوع بچه هائی است که دارای رنگهای مختلف میباشند و از یک پدر و مادر و در یک خانواده بوجود میآیند یکی پوست بدنش سبزه و دارای چشمهای سیاه و موهای سیاه و مجعد و خشن و یکی دارای پوست بدن سفید و چشمهای میشی و موی سرش بور یا بدن خیلی سفید و موهای سرو پلک چشم و مژه و بدن نیز سفید میباشند (سبزه و سیاه و سفید پوست ها هم بانواع مختلفی تقسیم میشوند .)

میگویند در پاریس از یک پدر و مادر سفید پوست و نجیب که احتمال هیچگونه سوء ظن و اعمال منافی عفت در باره آن صحیح نبوده یک پسر سیاه پوست باموهای مجعد سیاه بوجود آمد پدر بخيال اینکه پسر از او نیست برای حفظ حیثیات خانوادگی بداد گاه عدالت شکایت کرد بعد از کشمکش های زیادی چون آزمایش های دقیقی از خون و سایر خصوصیات بچه و پدر او شد بالاخره ثابت گردید که بچه متعلق بهمان پدر است و علماء و متخصصین فنی موضوع را اینطور تعبیر و تفسیر کردند که قطعاً در موقع عمل توجه پدر و مادر متوجه صورت و قیافه شخص سیاهی و یا عکس او بوده است .

لذا بچه سیاه پوست بدنیا آمده در پاریس بعزت خصوصیات زندگی و عوامل محلی چون این اتفاقات نادر است برای رفع اختلاف موز و عرا بشر مذکور حل کرده ولی در هوای معتدل کشور ما که هشتاد درصد خانواده‌ها رنگ بدن بچه هایشان باهم فرق دارد مخصوصاً روی تأثیرهای مختلف مواد غذایی در مزاج آنها باین نتیجه میرسیم که در موقع عمل توجه بصورت یا عکس شخص سفید و یا سیاه تا آن اندازه در رنگ پوست بدن بچه‌ها موثر نیست و وضع مزاجی پدر و مادر در موقع عمل که از غذاها و روح غذایی سرچشمه میگیرد در رنگ پوست بدن و موی سر و چشم و مزاج و روحیه بچه‌ها تأثیرات کلی دارد و روشنترین دلیل آنهم اینست که بچه‌های سفید پوست هائیکه میان مردم سیاه پوست و یا زرد پوست زندگی میکنند و با سیاه پوست هائیکه میان مردم سفید پوست و یا زرد پوست هستند و یا زرد پوست هائیکه در محیط سفید و یا سیاه پوست‌ها بسر میبرند رنگ پوست بدن بچه هایشان رنگ پوست بومیهای محلی را پیدا نمیکنند و مطابعت از موقعیت وضع مزاجی پدر و مادر مینمایند.

۹- تغییر رنگ در انسان - ژرژ مندل کشیش اطریشی نخود زردی را با نخود سبز پیوند زد در مرتبه اول ۲۵ درصد و بعد پنجاه درصد و بعد هفتاد و پنج درصد و در پیوند چهارم صد درصد نخودها سبز رنگ شدند و این آزمایش مبنای یک قضاوت غلط و پایه یک عقیده ناصحیحی در طب شده است.

بدین معنی که باستناد آزمایش مذکور این عقیده پیدا شد که اختلاف رنگی که مابین افراد یک خانواده و یا یک محیط اجتماعی پدید میآید مربوط باینست که در هزاران سال قبل اجداد ما یکی سفید و دیگری سیاه بوده و باهم ازدواج کرده‌اند فعل و انفعال ذرات تکوینی آنان بتدریج نسل بنسل منتقل شده تا امروز بصورت سیاه و سفید و سبزه و زرد و غیره جلوه گر شده است.

حال اگر کسی جرأت نموده و سؤال کند آن آدم سفید و سیاه و یا سبزه اولی از کجا آمده و تحت تأثیر چه شرایط و عواملی و چطور بوجود آمده‌اند قطعاً جواب این خواهد بود که باید خودش برود و از دوهزار نسل قبل علت را سؤال کند بهر حال برای اینکه معلوم شود که عقیده بالا چقدر بی پایه و سست بوده و اشتباه میباشد باید توجه داشت که برخلاف عقیده علماء جدید رنگ در مناطق معتدله در افراد نسابت نیست و تغییرات زیادی میکند یعنی در آب و هوای معتدل هر کس بهر اندازه هم که اطلاعاتش

کم باشد میتواند چند تغییر رنگ را بطور محسوس و بشرح زیر در اشخاص مشاهده نماید.

الف - در اثر خون دماغ شدن رنگ صورت پریده میشود و این حال در اشخاص سبزه پوست و سفید پوست و گندم گون خیلی محسوس و خوب نمایان است .

ب - وقتی بچه ها شیطننت نموده و دیگران آنانرا بمنظور تنبیه و یا ترساندن تعقیب مینمایند رنگ صورت بچه ها میپرد .

ج - در موقعیکه شخص مورد حمله و هجوم واقع شود و یا کسی که سگی او را تعقیب نماید و شخص بترسد بطور کلی هر نوع ترسی رنگ پریدگی ایجاد میکند مخصوصاً در مورد بچه ها که رنگ صورتشان زودتر میپرد .

د - در اثر خوردن غذاهای مخصوص رنگ صورت اشخاص کوچک و بزرگ تغییر میکند گاهی رنگ صورت تیره و زمانی پریده و یا سفید و یا بهی رنگ یا گلگون میشود.

ه - در موقع خوردن و نوشیدن بعضی مأكولات و مشروبات که دارای اثر و خاصیت مخصوص هستند خیلی فوری رنگ صورت تغییر میکند و رنگهای صورت یا پریده و یا سفید و یا خفه و یا سبزه و یا قرمز رنگ میشود .

و - در اثر داروها و معالجات و اتفاقات گوناگون و تغییر هوا و آب تنی با آب سرد در تابستان رنگ صورت بیشتر اشخاص بنسبت های مختلف تغییر میکند.

ز - وقتی اشخاص عصبانی میشوند بنسبت های مختلف و اهمیت موضوع رنگ آنان تغییر میکند و پس از آرامش هم تا مدتی رنگ پریده میباشند .

نتیجه ای که از توضیحات بالا گرفته میشود اینست که رنگ صورت در درجه اول در اشخاصی که در مناطق معتدل زندگی میکنند ثابت و یک نواخت نبوده و تحت تأثیر عوامل مختلفی که قسمت عمده آن خوردنیها و نوشیدنیها میباشد تغییر مینماید و بطور کلی رنگ بدن ثبات دائمی نداشته و غیر قابل تغییر نیست بلکه رنگ بدن از حالات و کیفیات مختلف و تغییر سلولها و حالات مختلفی که در گلبولهای قرمز خون پدید میآید در بدن پیدا میشود لذا باید گفت در اثر خوردن غذاهای مأكولات معین و معالجات و اتفاقات و آب و هوا های مختلف رنگ بدن و رنگ صورت اشخاص سبزه پوست

تغییرات کلی نموده و بر رنگهای گندم گون و یاسفید و سبزه و خاکستری تغییر مییابند و بطوری که قبلاً گفته ایم در درجه اول ذرات غذائی که دارای خواص و اثر سرد و گرم و حاد و مرطوب میباشند و بنام غذا از راه خون بمصرف تغذیه سلول میرسند و سلول را تحت تأثیر خود قرار میدهند این اثرات رنگهای مختلفی در سلول بوجود میآورد و بدن را تحت الشعاع کیفیت حال خود قرار میدهد و الوان مختلف در پوست بدن ظاهر میکنند لذا میتوان گفت که معنی ظاهری این شعر معروف (که زنگی بشستن نگر دد سفید) صحیح نیست و بوسیله غذا و مأكول و مشروب و هوامیتوان رنگ پوست بدن و موی سر اشخاص را تغییر داد (اعم از آنستیکه از بدو طفولیت و تولد رنگ بدنشان ثابت مانده و یا آنهاییکه بتدریج تغییر رنگ پیدا کرده اند) و نیز ادعای قدیمیها که مدعی بوده اند که با ادویه خاصی در اشخاص ایجاد عشق مینموده اند و همچنین بادوهای ساده رنگ چشم بچه هائییکه ازرق چشم بوده برنگ دیگری تغییر میداده اند بی اساس نبوده است و یکموضوع مهم دیگر اینست که بوسیله غذا و مأكولات میتوان صورتهای زرد رنگ را که بصورت های مالاریائی معروف است و صورت های سفید رنگ را باوضع ساده گلگون و زیبا کرد بطور کلی اگر در تغییر رنگ و اختلاف پوست بدن و موی سر و چشمها و همچنین اختلاف مزاجهای اشخاص مختلف و اطفال یک خانواده و اثراتییکه هرروز در داخل منازل در اثر غذاها و خوردنیهای مختلف در اشخاص دیده میشود دقیق شویم بهتر متوجه اهمیت و تاثیر غذا و خوردنیها و تاثیراتییکه در ایجاد رنگهای مختلف دارند خواهیم شد و خلاصه باید گفت طب جدید که رنگهای بدن را ثابت و معلول ازدواج هزاران پدرها و مادران قبلی سفید و سیاه میداند اشتباه بزرگی کرده است.

چون خبر زیر اهمیت زیادی دارد و تائید نظر ما میباشد لذا بدرج آن مبادرت میشود.

خبر مندرج در روزنامه پارس طبع شیراز شماره ۱۴۶۴ مورخ پنجشنبه نوزدهم شهریور ۱۳۳۲

(که زنگی بشستن بگردد سفید)

خیر اشتباه نکرده اید سیاه زنگی را میتوان بشستن سفید کرد و بقرار تجربه ای که یک پزشک امریکائی کرده ممکن است بزودی رنگ سیاه همه

زنکیها که در منطقه معتدله زندگی میکنند سفید شود داروئی که برای اینکار مصرف شده تصادفاً بدست آمده است.

روزی يك زن وشوهر جوان سیاه پوست دچار يك مرض جلدی شدند د کتر مرهمی را روی پوست آنها گذاشت پس از دو هفته مشاهده کرد که رفته رفته پوست اطراف زخم سفید شده است پس از آنکه زخم خوب شد سفیدی پوست بجای ماند د کتر مزبور مرهم را تجزیه کرد و داروهای آنرا یکایک آزمایش نمود معلوم شد یکی از ترکیبات آن هیدرو کیتن (که در عکاسی بکار میرود) خاصیت آنرا دارد که رنگ سیاه پوستان را بکلی سفید کند این ماده نامش (اثر بنزل هیدرو کیتن) میباشد و بقراری که اطباء انگلیس در (کاردیف) نیز تصدیق نموده در سفید کردن پوست سیاهان موثر است و بنا بر این (زنکی رامیتوان باشند سفید کرد) ولی خبری که خیلی خنده دارد و مهم میباشد اینست که از دو نفر سیاه پوست مزبور بعد از سفید شدن پوستشان بچه ای بدنیا آمده و آن بچه (صد در صد سیاه پوست بود)

خبر بالا خیلی مهم و از لحاظ طبی قابل توجه بسیار میباشد زیرا چند نتیجه از آن گرفته میشود

جزء يك - اینجانب از سال ۱۳۲۱ یعنی دوازده سال قبل از چاپ مقاله مذکور در روزنامه پارس شیراز، این عقیده را داشته و در سال ۱۳۳۱ هم با دلائل و توضیحات کافی مطلب را در چاپ اول این کتاب چاپ کرده و مخصوصاً برخلاف گفته سعدی یا فردوسی تصریح کرده ایم که (زنکی باشند بگردد سفید) باید توجه داشت که نظر فردوسی یا سعدی از لحاظ تعلیم و تربیت یعنی جهت روح موضوع بوده و بحث فعلی ما از جهات جسمی میباشد.

جزء دو - بنا بدلائل و توضیحات قبلی ما و آنچه از خبر مندرج در روزنامه پارس مفهوم میشود رنگ سیاه مادرزاد هم قابل تغییر است و این خود دلیل است که رنگ سیاه ثابت و اصلی و طبیعی بدن نبوده و سلولهای پوستی بدن سیاه نیست برخلاف نظر علماء ماده و طبیعی اولین جد سیاه پوستان یا زرد پوستان و قرمز پوستان سیاه و زرد و قرمز نبوده و سیاه و زرد و قرمز خلق نشده بلکه مردمان سفید پوست که بمناطق مختلف مهاجرت کرده اند کم کم تحت تاثیر حرارتها و سایر خصوصیات آب و هوا و غذاهای محلی قرار گرفته و تدریجاً سیاه و زرد و قرمز شده اند و بعد بواسطه توالد و تناسل رنگ بدن آنان یکجور شده و ثابت مانده است و وقتی دانستیم که این رنگها یا هوا و آب و غذا بوجود آمده و در ریشه و اصل و ثنی در

کار نبوده آنوقت باید گفت که یاغذا و هوا و آب هم میشود باز رنگ سیاه پوسیان و زرد پوستان و قرمز پوستان را برنگ سفید تغییر داد.

جزء ۳- شیرین ترین قسمت خبر مذکور اینست که جراح مورد بحث بعلت عدم اطلاع و بی خبری کامل از طب و معتقدات غلط خود وقتی تصادفی بدوای هیدروکنین برخورد کرده و روی سطح بدن یکمرد و یکزن سیاه پوست راهم سفید کرده باز خودش چیزی دستگیرش نشده و وقتی هم که از مرد و زن مذکور يك بچه صددرصد سیاه پوست بوجود آمده باز هم که چیزی ندانسته باز هیچ تعجب در اینست که باز نخواسته علت را بداند در حالیکه قضیه از این قرار است که چون قبلا سطح پوست بدن آن دو نفر سفید شده ولی دستگاہهای داخلی که در پدید آوردن نطفه موثر است سفید نشده بود لذا بچه هم سیاه بدنیا آمده در صورتیکه اگر قبلا داخل بدن هم بادوهای مخصوص سفید میشد قطعاً بچه هم سفید بدنیا میآمد و بطوری که قبلا توضیح داده ایم این کار هم امکان دارد.

۱۰- چاقی و لاغری و قد و روحیه و رنگ بدن - در میان اطفال يك خانواده که در مناطق معتدله تحت تاثیر يك منطقه هوایی بوجود آمده و زندگی میکنند مشاهده مینمائیم که با اینکه تمام یکنوع غذا میخورند حالات مختلفی در آنان بوجود میآید یعنی یکی چاق و یکی لاغر و یکی بلند قد و یکی کوتاه قد و دارای روحیات مختلف و از حیث رنگ بدن دارای الوان گوناگون میباشند این تغییرات و اختلافات دو صورت دارد یا اینکه در موقع بدنیا آمدن دارای این خصوصیات بوده اند و یا اینکه وقت بدنیا آمدن اختلافات زیادی با برادران و خواهران خود نداشته اند ولی بتدریجی که بزرگ شده تحت تاثیر مواد مختلف غذایی اختلافات و خصوصیات حیاتی در آنان پدید آمده و قوت گرفته بهر حال در میان يك محیط و يك منطقه از يك پدر و مادر گاهی بچههایی بوجود میآیند که دارای قد های کوتاه و بلند و متوسط بوده و یکی بسیار لاغر و ضعیف دیگری بسیار چاق و قوی و یکی سبزه پوست و دیگری سفید پوست یکی خوش قلب و احساساتی و دیگری بد قلب و بد خواه و خشن هستند بالاخره اختلافات بسیار زیادی از جهات مختلف در اطفال يك خانواده مشاهده میشود و مافلا به اختلافات روحیه اطفال کاری نداریم و وارد این بحث نمیشویم و اما راجع به چاقی و لاغری و قد و رنگ بدن :

الف - چه علت دارد پدر و مادر متوسط حالی دارای بچه های چاق و بالاغرو یا کوتاه قد و بلند قدر از خود میشوند .

ب - چطور پدران و مادرائی که دارای رنگ بدن ثابت و یگرنک
میباشند در مناطق مختلف دارای اطفالی میگردند که رنگهای مختلفی
دارند .

مطابق عقیده داروین انگلیسی و سایر علمای مادی اگر معتقد بسیر
تکاملی موجودات و یا خلقت یکنواخت مادی بشویم و قانون ارث از اجداد
قبلی را هم ثابت بدانیم اختلافات چاقی و لاغری و کوتاه قد و بلند قد بودن
افراد را چطور باید حل کنیم و بفرض اینکه فرضیه ما ندل اطریشی را هم بپذیریم
و بدانیم که اگر در یک نسلی یکمرد یا زن سیاه پوست با یکمرد یا زن سفید پوست
وصلت کند ممکن است تا چند نسل اطفالی پدید آورند که رنگهای مختلف داشته
باشند آنوقت اگر کسی بماند بگوید مرد و زن سیاه پوست یا مرد و زن سفید
پوست اولیه کجا بوده و از کجا آمده اند و چطور اختلاف رنگ پیدا کرده
چه جواب خواهیم داد و اگر سؤال کنند دو نسل سفید سابقه دار چطور می
شود بچه های سبزه پوست پیدا میکنند چه باید بگوئیم خوشبختانه بطوری
که در مناطق معتدله محسوس است فرضیه مادیون و خلقت ثابت و یکنواخت
یا سیر تکاملی موجودات بطوری که مورد نظر داروین انگلیسی میباشد و
یا فرضیه رنگ مندل اطریشی در مورد انسان درست در نیاید و قانون ارث
از اجداد هم ثابت نیست .

مثلا از پدران و مادران کوتاه قد یا بلند قد ناگهان اطفال مخالف
یعنی بلند قد یا کوتاه قد پدید میآیند و از پدران و مادران متوسط الحالی
اطفال چاق و یا برعکس لاغر پیدا میشود میان اطفال یکی چاق میشود و
یکی لاغر و باز چاقها لاغر میشوند و لاغرها چاق و این تغییر حال بعد از تولد
خیلی مهم است که در جای دیگری از آن گفتگو میکنیم.

خلاصه بسیاری از علمای مادی معتقدند که همه اختلافات و خصوصیات
مختلفی که در خانوادهها پیدا میشود مربوط باین است که چندین پشت اجداد
قبلی آنان دارای چنین اختلافاتی بوده اند حال یا مطابق فرضیه داروین
انگلیسی و سایر علمای مادی این اختلافات قبلا بوده و روی قانون ارث
نسل بنسل نقل شده و یا مطابق عقیده مندل دو جنس متمایز از لحاظ خصوصیات
مختلف و یارنگ باهم وصلت نموده اند و بعد نسل جدیدی با امتیازات مختلفی
بوجود آورده و اطفالی که دارای رنگهای مختلف میباشند با خصوصیات
و امتیازات خاصی ایجاد کرده اند . متأسفانه بدلائل نامبرده زیر این عقاید
صحیح نبوده و بی پایه است .

جزء ۱ - بفرض اینکه این اختلافات از نسل‌های قبلی سرچشمه گرفته باشد اختلافات اولیه از کجا پیدا شده است و اگر در مورد رنگ بدن گفته شود که درده بیست یا پنجاه پشت قبل یکسفید و یکسیاه باهم ازدواج کرده و اختلافاتشان در نسل معاصر ما ظاهر شده بشرط اینکه پدر و مادر اینگونه اطفال دارای رنگهای الوان و خصوصیات روشنی باشند شاید بتوان گفت نظریه بالا قدری قوت دارد ولی متأسفانه یا خوش بختانه از زن و مرد سفید پوست گاهی اطفال سبزه رنگ گندم گون و سیاه رنگ و یا کوتاه قد و بلندقد و یا چاق و یا لاغر بوجود می‌آید و مهمتر از اینها افرادی که دارای اعضاء ناقص میباشند و یا کسانی که بطور مادرزاد چشم نداشته‌اند یا مرد های ختنه شده دارای بچه‌هایی مثل خود نمیشوند پس باید گفت فرضیه‌های مذکور صحیح نیست.

جزء ۲ - امتیازات و اختلافات حیاتی در بیشتر اطفال ثابت نیست و اطفال يك پدر و مادر در سنین مختلف عمر تغییرات مختلفی میکنند بچه‌ها گاهی چاق و گاهی لاغر و گاهی بزرگ و گاهی کوچک و گاهی ریز و زمانی درشت میشوند رنگ بدن آنان هم مکرر تغییر میکنند وقتی اعضاء مخصوصی از آنان بلند یا کوتاه میشود من شخصاً بکرات شاهد تغییرات زیادی که در اطفال خودم پیدا میشده بوده‌ام گاهی بچه‌ام صورتش بازوچشمانش درشت و خودش چاق میشد و بعد صورتش تیره و چشم‌هایش ریز و خودش لاغر میگشت بطور کلی و بنا بتوضیحات دیگری که بعد داده میشود کلیه تغییراتی که از جمیع جهات در بدن پیدا میشود تحت تاثیر خاصیت‌ها و نیروهای موجود در خوردنیها و نوشیدنیها و آب و هوا و حرارت و فعالیت‌های گوناگونی که در سلول‌های بدن پیدا میشود صورت میگیرد و چاقی و لاغری و خوش رنگی و بدرنگی و سایر تغییرات بدن همه در اثر خوردنیها و نوشیدنیها پدید می‌آید و بطوری که قبلاً هم گفته شده این تغییرات ازدوجت پیدا میشود :

- ۱ - موقعیت مزاجی پدر و مادر که غیر ثابت و متغیر میباشد و در حین انعقاد نطفه وضع خاصی از جهت روحی و جسمی داشته ذرات اولیه تکوینی بچه‌ها را تحت الشعاع موقعیت روحی و جسمی خود قرار میدهد .
- ۲ - تغییرات جسمی و روحی اطفال بتدریجی که بزرگ میشوند تحت تاثیر خواص مختلف خوردنیها و نوشیدنیها و آب و هوا پیدا میشود .

چند آزمایش

۱- وقتی يك شاخه سیب یا گلابی و یا یکی از میوه های دیگر را که در حال اتصال بدرخت اصلی دارای میوه ریزو یا متوسطی است بدرخت دیگری پیوند زنند میوه درشت تری میدهد علت اینست که نیروی درخت جدید در شاخه پیوند شده تاثیر نموده نمو میوه ها زیادتر میشود.

۲- مطابق آزمایش های علمی که شده اگر يك مگس خاکستری را با يك مگس سیاه ازدواج دهند نسل اول مگس خاکستری دورگه میشود و نسل های بعد ۲۵ ر. خاکستری و ۵۰ ر. خاکستری دورگه و ۲۵ ر. سیاه خالص میشود.

فعلا ما نمیخواهیم وارد این موضوع بشویم که ازدواج یکمرد سیاه و یکزن سفید یا یکزن سفید با یکمرد سیاه و غیره چه محصولی میدهد بلکه گفتگو در اینست که چرا باید از یکمرد وزن سفید پوست بچه هایی که رنگ های مختلفی دارند پدید آیند بطوری که قبلا گفته شده ذره ترین اجزاء سلول ها و یا سایر موجودات زنده بدن ترکیبی از مواد مختلف غذایی است و ایجاد کننده رنگ های مختلف هم در بدن همان مواد غذایی که پدید آورنده سلولها و سایر ذرات زنده بدن است میباشد بهرحال با توجه به هوای سرد که در رنگ بدنهای سفید موثر است و هواهای گرم و سوزان که در رنگ بدنهای سیاه اثر دارد نیروهای مختلف غذایی و موقعیت خاص مزاجی پدر و مادر که تحت تاثیر موقعیت های موقت غذایی واقع و دارای حالات مختلفی میباشد هر بچه بصورت و کیفیت و حال روحی و جسمی خاصی بوجود میآید و رنگ بدن و خصوصیات مختلفی که در اطفال يك خانواده پدید میآید برخلاف فرضیه مندل اطریشی و علماء مادی تماماً مربوط بخصوصیات حیاتی اجداد قبلی آنان نیست بلکه هر نوع تغییری که در خلقت پدید آید و یا اختلاف رنگ و اختلافات روحی و جسمی که در اطفال يك خانواده پیدا

میشود مستقیماً مربوط به موقعیت مزاجی پدر و مادر در حین انعقاد نطفه و تاثیر نیرو و خاصیت خوردنیها و نوشیدنیها و آبها و هواها میباشد.

الف - ث ه - مورگان - تعداد زیادی از مگس های معروف بمگس سر که را پرورش داد و مطالعاتی در آنها نمود و بالاخره معتقد شد که اگر يك مگس خاکستری رنگ و یا مگس سیاه رنگ و يك مگس دور که با يك مگس رنگ دیگری جفت شوند دارای نسلهائی میشوند که اختصاصات و امتیازات روشنی خواهند داشت .

ب - مندل کشیش اطریشی - کرده نخود زردی را با کرده نخود سبزی مجاور ساخته و آنها را میکارد ملاحظه میکند که گرچه نخودهای نامبرده دور رنگ میباشند ولی عموماً محصول آنها رنگ زرد پیدا میکند و وقتی نخود های زرد رنگ دور که را برای مرتبه دوم بساهم پیوند میدهد در نسل دوم کیفیت دیگری مشاهده میکند بدین معنی که از هر چهار نخود يك نخود سبز و سه نخود زرد بدست میآید و پس از کاشتن نخودهای سبز محصول آنها تماماً نخود سبز میشود و محصول بقیه نخودهای زرد نسل دوم هم يك سومش اگر کاشته شود محصول سبز میدهد و دو سوم بقیه زرد دور که.

روی تجربیات بالا نتیجه گرفته شده که هر صفت و خاصیتی در سلول های نطفه يك مبداء مادی دارد و این مبداء صفات ، وضع ثابت و مشخص دارد و در طی جفت گیریها و اختلاط بدون اینکه تحلیل رود یا تغییر ماهیت دهد وضع خود را همچنان محفوظ میدارند و خلاصه منشاء تمام تغییرات ارثی جهش هائی است که در قدیم صورت گرفته و علت تغییرات حال حاضر کلیه موجودات را هم جهش هائی میدانند که در قدیم صورت گرفته و اگر فرضاً با خیال از لحاظ تاریخ بعقب برگردیم و بزمان قدیم هم برسیم باز هم يك چنین فرضیه ای جلوی پای ما میگذارند که باید بقدم های خیلی خیلی دوری برویم که از زمان آن فقط خدا آگاه است .

بهر حال اگر بخواهیم وارد فرضیه و نظریات علماء مادی که سرچشمه عقاید آنان دو آزمایش برجسته نامبرده بالا میباشد بشویم بحث بدر ازا میکشد لذا باختصار پرداخته و میگوئیم مطلب مهمی که فعلاً باید بآن اشاره کرد اینست که علماء مادی که ازدواج مگسها و یا پیوند نخودها را با اتحاد و اجتماع انسان با هم مقایسه کرده و پایه و ریشه قضاوت خود قرار داده اند سخت در اشتباهند. زیرا انسان از عناصر مفرد و مرکب بسیاری استفاده میکند و هواهای مختلف که بعداً شرح داده میشود در زندگی انسان موثر است و مزاج انسان تحت تاثیر موقعیت های موقت و مختلف حالات گوناگونی دارد در حالی که

وضع حیاتی مگسها و نخودها یکنواخت و ثابت و تغییرات آنها در حال عادی بسیار کم است بطور کلی یکمرد وزن مست شده از مواد الکلی و یکمرد وزنی که در حال عادی تولید مثل میکنند وزن و مردی که در محیط های متشنج و شلوغ و یا در محیط های بسیار آرام بچه پدید میآورند دارای بچه هایی مثل هم نخواهند شد و هر بچه تحت تاثیر موقعیت مزاجی و روحی پدر و مادر خود در حین انعقاد نطفه میباشد لذا کسانی که معتقدند اختلافات و امتیازات و اختصاصاتی که در بچه ها پیدا میشود از نسلهای قدیم سرچشمه گرفته اشتباه کرده اند .

۱۱- آیا ممکن است در بدن اعضاء جدیدی ایجاد و یا اعضاء سابقه داری کم یا زیاد و کوچک و بزرگ شود:

خوشبختانه مادر عصری زندگی میکنیم که اخبار زود در دنیا منتشر میشود و بواسطه نقل اخبار در روزنامه ها و مجلات و رادیوها بیشتر اشخاص از اخبار منتشره باخبر میشوند خلاصه بسیار در روزنامه ها خوانده ایم که:

۱- شخصی دارای دو قلب یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ بوده و گویا این شخص حالا هم زنده و مشغول کار است.

۲- زیاد دیده شده نوزادانی که دارای یک چشم بوده و آن هم در وسط پیشانی و یا سه چشم داشته اند یکی در پیشانی و دو چشم دیگر زیر ابروها .

۳- بسیار دیده و شنیده و خوانده ایم که افرادی در حین ولادت دارای اعضاء و اجزائی زیاده از خلقت عادی بوده و یا چیزهایی از دیگران کمتر داشته اند .

۴- مطلب مهمتر اینست که عده از افراد بشر پس از بدنیسا آمدن و طی کردن دوره های طفولیت در جوانی و یا بعد از آن اعضاء و اجزاء بدن آنان دچار تحول شده است .

الف - بسیار دیده شده که تدریجاً صدهای مخصوص مردها در بعضی مردها کم کم پست و نازک شده و سینه آنها بالا آمده و پستان زنانه پیدا کرده و تدریجاً مردها زن شده و یا زنها دچار تحولاتی شده و مرد گردیده اند .

ب - زیاد دیده شده که افرادی تا سن معین دارای رشد عادی و مطابق پدر و مادر و برادران و خواهران خود قد و قواره مشخصی داشته نا گهان قد تغییر کرده یا بلند و دراز شده و یا کوتاه و قد کوتوله و یا لاغر و یا چاق شده اند .

ج - فراوان دیده و شنیده و خوانده ایم که یکدست ویا یکپا ویا قلب و کلیه و طحال افرادی ناگهان بزرگ ویا کوچک شده ورنک چشمهای افرادی تغییر کرده ویا یک چشم برنگی و چشم دیگری رنک دیگری پیدا کرده است .

گذشته از تحولاتی که گاهی در بدنها پیدا میشود که سابقه قبلی ندارد تغییراتی گاهی درحین ولادت مشاهده میشود که چون سابقه خلقت قبلی نداشته دیگر اطباء جدید نمیتوانند بگویند در این مورد متابعت از قانون ارث شده است .

زیرا تاریخ نشان نمیدهد که قبلا نسلی وجود داشته که یک چشم داشته ویا افرادی دارای دو قلب راست وچپ بوده و غیره و بنظر اینجانب و بطوری که قبلا هم اشاره شده تمام تحولات و تغییراتی که در خلقت پدید میآید مربوط بانعکاس خواص مختلف خوردنیها و نوشیدنیها و آب و هوا و سایر عوامل حیاتی در بدن میباشد .

اهمیت بحث تغییر اعضاء بدن و بزرگ و کوچک شدن آنها و بوجود آمدن اعضاء جدید و از بین رفتن ریا تغییر شکل و قیافه دادن آنها باندازه مهم است که باید روی آنها مقالات مفصل نوشته و کنفرانسها داد و سخنرانی های بزرگی بشود و فعلا برعایت اختصار ما بهمین اندازه فعلا قناعت نموده و برای مزید اطلاع دو خبر منتشر شده در روزنامه اطلاعات را ذیلا درج می کنیم :

خبر مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۳۵ شماره ۹۱۲۱

هر د ۱۶۷ مقاله

۱- میامی - خبر گزاری فرانسه - امروز پیرمردی از اهالی یکی از دهات کلمبیا که صد و شصت و هفت سال دارد با هواپیما وارد میامی شده .
قرار است شخص مذکور به نیویورک رفته و در بیمارستان بزرگ آن شهر تحت معاینه دقیق پزشکی قرار گیرد تا علت طول عمر وی معلوم شود نویسنده کتاب (باور میکنید یا نه) کلیه مخارج مسافرت و خوراک وی را بعهده گرفته است .

وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی به خبر نگاران جراید گفت که قدیمیترین خاطره وی محاصره (کارتاژن) در سال ۱۸۲۹ است

این پیرمرد کهن سال تا کنون چهار زن گرفته و اکنون هم وضع مزاجی وی کاملاً رضایت بخش است.

۲ - آقای دکتر حسن متقیان پس از معاینه یک دختر ۱۶ ساله در فسای شیراز اظهار داشته مہری خانم دیروز ابوالقاسم خان امروز فقط احتیاج بیک عمل جراحی کوچک دارد تا پس از ۱۶ سال دختر بودن بیکمرد کامل تبدیل شود.

۱۴ - پیدایش امراض و معالجه آنها - بطوری که قبلاً گفته شده غذا و خوردنیها تاثیر بسیار مهمی در حیات و زندگی و فعالیت و اراده روحیه و افکار و تغییر رنگ پوست بدن و موی سردارند و بواسطه کم خوردن و پر خوردن آنها و یا کمی و زیادی تر کیبات غذایی آنها ما مریض میشویم و نیز بطوری که قبلاً شرح داده شده چون روی قاعده طبیعی هر غذا و ما کولاتی دارای مواد غذایی مخصوص و اثرات اختصاصی در بدن میباشد و بیشتر این مواد غذایی هم گاهی میل تر کیبی باهم دارند و یکدیگر را تقویت میکنند و گاهی ضد هم بوده یکدیگر را خنثی می نمایند و سلولها و ذرات حس دار یا حیوانات زنده ذره بینی بدن هم هر اندازه کوچک و ریز باشند باز تر کیبی از مواد و عناصر مختلف میباشد یعنی مواد مختلف غذایی پس از آنکه از دستگاہها و کار گاہهای مرتبی عبور کرد و از مواد زاید و غیر مأنوس جدا شد و لیاقت و توانائی تحلیل رفتن و ترکیب شدن با ذرات دیگر را پیدا کرد آنوقت مورد تنذیه ذرات زنده بدن واقع میشوند در اینجا باید یاد آور شد که برخلاف معتقدات طبی امروز بدن دستگاہی ندارد که هر غذا و ما کولی که وارد بدن میشود با اندازه احتیاج خود استفاده کرده و مازاد آنرا از بدن دفع نماید بلکه تا وقتیکه معده و دستگاہ گوارش سالم است هر چه مواد غذایی در واردات به بدن موجود است جذب بدن شده و تفاله آن که غیر قابل مصرف است از بدن دفع میشود.

در این صورت وقتی آب زیاد بخوریم سلول های بدن تحت تاثیر فراوانی آب واقع میگرددند و اگر غذا های خشک یا قوی بخوریم موقعیت دیگری پیدا میشود و نیز هر غذا و هر ما کولی دارای مواد غذایی و عناصر مخصوص و متنوعی میباشد و مواد غذایی یا عناصر آن در تر کیبات سلولها یا ذرات زنده بدن تاثیرات فوق العاده دارد و ممکن است هر دقیقه و لحظه عناصر و تر کیبات سلولها کم و زیاد شده و سلولها حالات مختلفی پیدا کرده و یا خیلی قوی شوند و یا خیلی ضعیف یا اساساً از هم متلاشی و از بدن دفع گردند.

بهر صورت خواص مختلف غذائی که گاهی باهم موافق و گاهی باهم مخالف و ضد هم میباشند تاثیرات مختلفی در سلولها و ذرات زنده بدن دارند و حالات مختلفی ایجاد میکنند بطور خلاصه کمی و زیادی مواد غذائی و کم خوردن و پر خوردن یا مرتب و نامرتب غذا خوردن تا تاثیر فوق العاده مهمی در حیات و زندگی و فعالیت و اداره روحیه و افکار و تغییر رنگ پوست بدن و موی سر ما دارند و همانطوری که جالینوس حکیم هم که از حکمای بزرگ قدیم میباشد معتقد است که (اگر نتوانستید با غذا دفع مرض کنید آنوقت دوا بخورید).

باید گفت که بوسیله غذاها و ایجاد مواد ضد مواد و یا موقعیت های مخالف موجود در بدن میتوان بدون تشبث بدوا و تحمل هزینه فوق العاده کم رشکن و ورشکستگی کامل اقتصادی و معالجات خطرناک کلیه امراض را معالجه نمود و سلامتی ایجاد کرد .

در این حال باید گفت عامل اصلی و ثابت و عامل بسیار مهم و موثر در ایجاد و رفع امراض سل - مالاریا - تیفوس - حصه مخمک - سرخجه انواع فلجها - عصبانیت های مختلف - اسهال پیوره - امراض دهان و کلیه امراض قلب کبد و خون و حتی عشق و غیره خوردنیها و نوشیدنیها و تاثیر و نیرو و خاصیت های مختلف آنها در بدن میباشند نه میکرب های موجود در هوا و با انواع غذاها و خوردنیها میتوان تمام این امراض را ایجاد و مرتفع نمود .

(ایجاد امراض بوسیله غذا و ماکول و مشروب يك اصل کلی است و مواد دیگری هم هست که توضیحات بیشتری لازم دارد و فعلا از موضوع بحث ما خارج است)

جناب آقای دکتر محمد کوثری در دفعه دوم که مطالب کتاب حاضر را مطالعه فرموده اند متذکر بودند که:

(پرفسور شارل ابرانک که مدتی رئیس دانشکده پزشکی تهران بود بوسیله رژیم غذائی بخصوص در مرغ ایجاد سرطان کرد و این نکته مهم ترین دلیل اثرات غذا بر روی امزجه و ایجاد امراض است.)

اشتباهات طبی و پدید آمدن امراض عمده بدن

۱ - اشتباهات طبی - بنا براتب بالا تصور میرود اطبائی که میگویند میکرب سیفلیس از آمریکا آمده و از مملکت اسپانیا در اروپا و آسیا و افریقا و استرالیا پخش شده و با کسانی که معتقدند تخم کلیه امراض نسل بنسل منتقل میشود یعنی اگر امروز کسی آبله یا سرخک و مخملک گرفت از ریشه امراضی است که درصد هزار پشت اجداد قبلی او این امراض را داشته اند و نسل بنسل نقل شده تا بنسل حاضر رسیده سخت در اشتباه می باشد و کلیه امراض با شرایط خاص در آب و هوای مختلف از غذا های مخصوص پدید می آیند و اجداد ما هم بعلمت تغذیه خوب خیلی از ما سالم تر و خوشبخت تر و قوی تر و مسن تر بوده اند .

۲ - چند نوع از امراض عمده و اختلالاتی که در بدن بوجود می آید
بقرار زیر شرح می دهیم :

اول - امراضی که از اختلال معده پدید می آیند:

الف - تحت تاثیر برودت یا رطوبت شدید ممکن است اسهال های مختلفی پدید آید .

ب - بواسطه زیادی حرارت و شدت تاثیر آن در هضم غذا ممکن است بیرون روی های گوناگونی و گاهی بسیار شدید که معروف با اسهال های وبائی میباشند پیداشود .

متاسفانه در موقع مشاهده این قبیل اسهال ها که در تابستانها زیاد دیده میشوند اغلب حواسها متوجه آمدن میکرب و با !!! از هوای هندوستان و یا عربستان میگردد .

ج - گاهی تحت تاثیر غذاهای برودت آور ممکن است یا اسهال و یا سوء هاضمه ایجاد گردد .

د - تحت تاثیر خاصیت های مختلف غذایی ممکن است گاهی بیرون

روی های مختلف ایجاد گردد و گاهی یبوست های چندی حاصل شود و بعضی یبوست ها که از حرارت های زیاد و خشک بوجود می آید ممکن است سبب شود طوری غذا در معده و روده ها سوخته شود که از یک تاده روز شخص نتواند بیرون رود و بیرون رفتن بطور غیر عادی باشد.

دوم - امراضی که از خوردن پدید می آیند : چون گلبولهای سفید و قرمز خون تحت تاثیر مواد غذائی کم یا زیاد و یا قوی و یا ضعیف میشود در سلامتی و مرض و چاق و لاغر شدن بدن رل بزرگی را بازی میکنند و تاثیر زیادی در اوضاع عمومی بدن دارند .

سوم - امراضی که از کبد پیدامیشوند:

الف - تجمع مواد پر حرارت به نسبت های مختلف در کبد ایجاد سرخک مخمלק - حصبه - تیفوس و امراض دیگری مینماید.

ب - اجتماع رطوبت و برودت باندازه های مختلف در کبد امراض چندی بوجود می آورد.

ج - رطوبت زیاد بلغم بوجود می آورد و کسالت هایی ایجاد میکند .

د - موادی که از فعل و انفعال گلبولهای سفید حاصل میشود و یا مدفوع ذرات زنده بدن که سلول نام دارد و یا آنچه از مواد غذائی که پس از وارد خون شدن مورد تغذیه سلولها واقع نمیشوند ایجاد زرداب نموده و امراضی مانند یرقان به نسبت های مختلف بوجود آورده کبد را مریض میکند .

چهارم - طحال و کلیه:

الف - گلبولهای فرمز که پس از سپری شدن دوره خدمت باید تجزیه شوند چون در دوره خدمت خود کیفیت و حالات مختلفی داشته اند و دارای وضع مختلفی بوده و در موقع ورود بطحال بنسبت موقعیت خود بدن را تحت تاثیر خود قرار میدهند .

ب - ورود و خروج سمومات بدن در کلیه ها آنها را تحت تاثیر خود قرار داده مریض میکند و همچنین عبور زیاد آب از کلیه ها سبب بیماری آنها میشود.

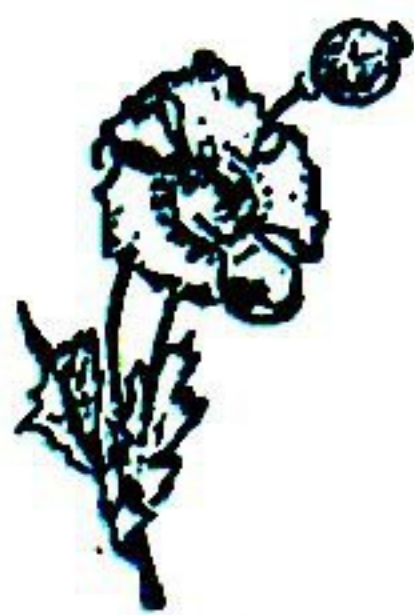
ج - حرارتها و برودتها و رطوبت های مختلفی که در نتیجه تغذیه در سلولها پدید می آیند بدن را تحت الشعاع حالات مختلف خود قرار میدهند و گاهی دملها و جوشهای سفید و قرمز ایجاد میکنند .

پنجم - امراض عصبی : اعصاب از دو طریق دچار بیماری میشوند یکی امراض روحی است که قسمتی از آن بعداً توضیح داده میشود و دیگری در اثر انعکاسات خواص غذائی که حالات مختلف پیدامیکنند و چند نوع مهم آن بشرح زیر است:

الف - سلسله اعصاب تحت تاثیر حرارتها و برودتها و رطوبتها و هواها و بادها واقع شده دچار باد سرخ و زکامها و گریپهای مختلف و امراض دیگری که عمده آنها انواع عصائیتها و تشنجهای عصبی است میشوند.

ب - هر يك از اعصاب ممکن است بتنهائی تحت تاثیر مواد غذائی و یا حرارتها و برودتها واقع شوند و کسالتهای موضعی ایجاد کنند یعنی عصب متصل بزبان باعث لکنت زبان و یا لال شدن آن بشود و یا اعصاب دست و پا تحت تاثیر مواد غذائی واقع حالات گوناگون ایجاد کنند.

د - بدیهی است بطور کلی بامراض نامبرده بالا اشاره شده و ممکن هم هست که بعضی قسمتها خوب توضیح داده نشده باشد و یا اشتباهات کوچکی هم شده باشد و نیز امراض دیگری هم هست که بآن اشاره نشده و از بحث ما خارج است و منظور کلی ما این بود که مختصری بآنها اشاره نمائیم.



(نتیجه)

از یازده قسمت مورد بحث نتایج زیر بدست میآید.

۱ - تکامل و تقویت و ضعف بدن مربوط بخوردنیها و نوشیدنیها میباشد.

۲ - کلیه غذاها و خوردنیها دارای يك ماده غذائی مشترك نیستند هر غذا و هر ما کولی دارای ماده غذائی مخصوص است که تأثیر خاصی در اعصاب و اعضاء بدن دارد و در روحیه و افکار هم موثر میباشد و طب قدیم این اثرها را بگروه سرد و گرم و حاد و مرطوب و خنک و غیره تقسیم نموده و اثرات آنها هم روح یا خاصیت غذائی نامیده میشود.

۳ - تغذیه بدن انسان از دو طریق انجام میگردد یکی تغذیه از راه اعصاب و دیگر تغذیه از راه معده و خون.

۴ - همانطوری که غذا در ایجاد و کم و زیاد نمودن سلولها و گلبول های سفید و قرمز خون و سایر مواد و ذرات مورد احتیاج بدن موثر است بهمان نسبت در رنگ پوست بدن و رنگ چشم و موی سر و تغییر آنها و احساسات و افکار مختلف و سلامتی و مرض اثر کلی دارد و کلیه امراض بوسیله غذاها ایجاد میشوند و بوسیله غذاها هم میتوان آنها را مرتفع نمود.

۵ - وقتی هر يك از مواد غذائی یا تاثیرات آنها در بدن زیاد شود و ایجاد کسالت یا مرض کند دیگر چنین موادی برای بدن مضر است و باید از مواد ضد آن استفاده شود پس با در نظر گرفتن طبقه بندی مواد غذائی و تاثیرات آنها این موضوع که معروف است فلانی گرم مزاج است و چیز های مولد الحرارة برایش مضر و خطرناکست و یا فلان شخص سرد مزاج است و چیز هایی که برودت ایجاد میکنند برایش مضر است حرف بی اساس و بوجی نیست و يك اصل مسلم بوده که بیجهت تا حال مورد تمسخر و استهزاء قرار گرفته بوده است.

فصل دوم - تأثیر هوا در بدن

۱ - ترکیبات هوا - ترکیبات هوای خالص مطابق آزمایش های علمی عبارتست از گاز اکسیژن و اذت و مقدار مختصری گاز های دیگر اکسیژن در تابش خورشید بآب و تبخیر آب و صعود بخار آب بهوا و انعکاس آب در نباتات و عکس العمل نباتات در روز و اذت عبارت از تابش خورشید بزمین های مختلف و پدید آمدن بخارات متنوع میباشد.

۲ - هواهای مختلف - ترکیبات هوایی از لحاظ گاز اکسیژن و اذت و سایر گازها همه جا مساوی نیست و گاهی اکسیژن و زمانی اذت و یا سایر گازهای نسبت بموقعیت محل کم و زیاد میشود یعنی در محلهائی که درخت و نباتات زیاد است اکسیژن و در بیابانها اذت فراوان تر میباشد. نیز تحت تاثیر عوامل مختلفی واقع و حالات گوناگون و اثرات متغیری بخود میگیرد یعنی گاهی تحت تاثیر حرارت آفتاب (بنسبت های مختلف) واقع میشود و انواع هوا های گرم را ایجاد میکند و گاهی تحت تاثیر حرارت آفتاب و بخار آب واقع و هوای گرم مرطوب را بوجود میآورد و گاهی با رطوبت زیاد ترکیب شده هوای مرطوب را تشکیل میدهد ترکیب هوا با بخار و حرارتی که از تابش خورشید بر ریگستانها و شنزارها و علفزارها و زمین های گچی و آهکی و محل های پر آب (آبهای شور و شیرین) و بی آب و غیره پیدا میشود موقعیت های مخصوص و هواهای متنوعی ایجاد مینماید و این عوامل به نسبت های مختلفی باهم مخلوط شده و برخلاف انتظار در يك فصل هواهای گوناگونی را بمانشان میدهند مثلاً هوای تابستان ناگهان خنک و سرد میشود و هوای سرد زمستان گرم و یا ملایم میشود و شب ها بطور ناگهانی سرد یا گرم میشوند و گاهی هم آمدن باران و برف و تگرگ و یابادها و طوفانها تعبیراتی در هوا بوجود میآورند.

۳ - اکسیژن و کربن نباتات - باید متوجه بود که اینکه معروف

است که کلیه نباتات در روزا کسپژن میدهند و کر بن هوارا میگپرنند و در شب عكس اینكاررا انجام میدهند قدری تامل و مطالعه لازم دارد زیرا همه نباتات در اثر گرفتن اكسپژن و پس دادن کر بن یا بالعكس دارای يك خاصیت مساوی و وضع عمومی نمیباشند .

مثلا اگر باغچه داشته باشیم که تمام درخت هایش بید باشد یا همه درخت هایش گردو و توت و انجیر و غیره و یادارای انواع گل های معطر و یا گل خرزهره و ختمی و از این قبیل گلها باشد در روزی شب این درختها و یا گلها بطوریکه نواخت يك موقعیت هوایی مساوی ایجاد نمیکند و همه یکطورا کسپژن و یا کر بن میدهند و هر کدام دارای موقعیت های مخصوص هوایی میشوند یعنی محیط بیدستان غیر از محیط درخت های میوه دار و محیط درخت های میوه دار غیر از محیط انواع گلهای معطر که بنسبت های زیادی هوارا لطیف و مفرح مینمایند میباشند همچنین محیط توتستان و جاهائی که تمام درخت هایش گردو و انجیر و یا گل خرزهره و ختمی و غیره است غیر از محیط های دیگر است .

بطور خلاصه با توجه باینکه ما مخالف اثر اكسپژن و کر بن نیستیم باید گفت خیلی از محیط های نباتی به نسبت زیادی موقعیت های مساعد و خیلی از آنها هم موقعیت های هوایی نامساعد در روز و شب ایجاد میکنند که بعضی از آنها گذشته از نداشتن فایده ضررهائی هم دارند پس باید گفت نباتات هم تحت تاثیر موقعیت های هوایی (انواع حرارتها و نورها و تاریکی ها) واقع و در اثر فعل و انفعالاتی که مابین ذرات هوا و نیرو و خاصیت های مختلفی که در انواع نباتات مختلف موجود میباشد اثرهای مساعد و نامساعدی بوجود میآورند .

بعبارت خلاصه تر نباتات در روز بطور مساوی بما اكسپژن میدهند بلکه خاصیت های نباتی خود را تحت تاثیر هواهای مختلف پس میدهند و عمل آنها هم در فصول اربعه متنوع است و عیناً مثل اینست که یکنفر که عرق بدنش روی علل مزاجی بدبو است و یا بواسطه عدم مراعات نظافت و شستشوی بدن او بوی بدی دارد با ما هم نشین شود حال اگر در هوای گرم نزدیک او باشیم قطعاً بوی عرق ما را بزحمت مبر اندازد و ای اگر در هوای سرد با همین شخص معاشر شویم ابدأ در زحمت نخواهیم بود و این دو عمل متضاد نتیجه تاثیر یا اثر کبب هوای محیط با عرق بدن آن شخص است یعنی حرارت که حالت انبساطی ایجاد میکند در عرق او نفوذ کرده و بوی بد آن

را منتشر میکنند ولی هوای سرد چون حال انقباضی پدید می آورد در عرق همان شخص مانند هوای گرم نفوذ نمیکنند و چون بدن او تحت تاثیر هوای سرد منقبض شده دیگر بوی آن منتشر نمیشود و روی همین قاعده است که برای شهرها و جاهای معینی درختها و نباتات خاصی در نظر میگیرند یعنی برای هر محلی درختانی را در نظر میگیرند که با هوا و موقعیت آن محل بهتر سازش داشته و اثر مطلوبی بدهد. اینست که درختانی از قبیل خرزهره و ختمی و غیره که محیط های نامساعد در روز (موقع اکسیژن دادن نباتات) ایجاد مینمایند کم کم از محیط حیاتی انسان دور و برعکس نباتات مفید جای گیر آنها شده اند.

۴ - فصول مختلف - بهار - تابستان - پاییز - زمستان - علت

اساسی و عامل بسیار مهمی که سلسله جنبان تغییر حال نباتات در فصول اربعه میباشد همان حالات مختلفی است که حرارتها و برودتها در گاز های موجود در هوا ایجاد میکنند و عکس العمل آنها در محیط میباشد و وقتی بیک نسبت متساوی ذرات هوا (اکسیژن و اذت و گازهای دیگری که در هوا موجود است) تحت تاثیر حرارت و برودت قرار گرفته خود بخود بیک فرمول هوایی تشکیل میدهند که نباتات مرده یا بی حس یا خواب را بحرکت آورده شروع بجوانه زدن و گل کردن مینمایند همینطور بتدریج ذرات این فرمول هوایی تغییر نموده و حرارت آن زیاد میشود و کم کم همه درختها سبز و خرم میشوند و بهمین ترتیب با تغییراتی که در ذرات این فرمول پیدا میشود هوای مساعد برای رسیدن میوهها و بعد خزان درختان و باز دوره برهنه گی آنها بوجود می آید.

مکرر دیده شده که در فصل یخ بندان زمستان در هوای آزاد بیک یا چند درخت بطور ناگهانی گل کرده و سبز شده اند و همینطور میدانیم نباتات زیادی را در گرم خانه ها و در غیر فصل و موعد طبیعی خود سبز و خرم نگاهداشته و از آنها استفاده میکنند و همچنین اگر آنها را در هوای سردی نگاهدارند چهار فصل برای آنها یکسان بوده و بحال زمستان باقی میمانند و نیز میدانیم که در بیک درجه معین از حرارت از تخم مرغها جوجه در میآورند و اگر درجه حرارت کم یا زیاد شود از داشتن موجود زنده یعنی جوجه محروم خواهیم بود.

۵ - موقعیت های مختلف هوایی فرض کنیم در بیابان و ریگستان

یا نمکزار یا علفزار و یا محیطی که دارای آب جاری میباشد در روز و شب

تا بستان مجبور شویم حرکت کنیم ذرات هوا (اکسیژن و اذت و بعضی گازهای دیگر) تحت تأثیر بخارهاییکه در اثر تابش آفتاب بر ریکستان ها یا نمکزارها از زمین متصاعد میشود ایجاد یک هوای خفه کننده سنگینی را مینماید که ذرات آن در ذرات بدن ما تحلیل رفته و حرارت و یا هیجانی در ما ایجاد و در اعصاب و روح ما هم واکنشی بوجود آورده و حال انقلاب و عصبانیت پدید میآورد که گاهی منتهی بمرک میشود حال اگر در همین موقع که بدن دچار انقلاب است بچمن زاری برسیم هوای آن محیط باز در ما تأثیر کرده و تغییر حالی در ما بوجود میآورد و اگر بکنار نهر آبی وارد شویم نسیم فرحبخش آب هوای آرام و ملایمی در ما ایجاد میکند حال اگر داخل آب شویم تمام انقلابات روحی ما مرتفع شده و حال شعف و انبساط بما دست میدهد بطور کلی اگر زمینهای مختلفی داشته باشیم بتعداد زمینها هواها و موقعیتهای هوایی مختلف خواهیم داشت که هر کدام دارای خواص مخصوصی بوده و تأثیر خاصی در ما مینمایند و وقتی این هواهای مختلف باهم مخلوط شوند باز موقعیتهای مختلف دیگر بوجود میآورند بدیهی است همانطوریکه در روزها و ماههای مختلفی داریم در شب هم دارای هواهای مختلف خواهیم بود و در بعضی نقاط این تغییر هوا خیلی زیاد و تند و محسوس است و در بعضی نقاط آرام و تدریجی هوا تغییراتی میکند .

۶ - ارتباط هواهای مختلف با بدن - بطور کلی ذرات هوا یا تحت تأثیر حرارت و برودت واقع یا با ذرات آنها و ذراتیکه در اثر فعل و انفعال ذرات حرارت و برودت در نباتات و جمادات و معدنیها پیدا میشوند موقعیتهای متضاد و مختلفی را بوجود میآورند و این ذرات که دارای موقعیت های متنوعی میباشند در ذرات زنده بدن ما و سایر موجودات تحلیل رفته و با سلامتی و مرض و یاحیات و ممات ما ارتباط کلی دارند پس هوا هم در هر شهر و هر محلی بنا بموقعیت محلی وضع خاص و اثر مخصوص دارد و چون خصوصیات و اجزاء ترکیبی هر هوایی هم میل ترکیبی با مواد غذایی مخصوصی دارد لذا ترکیبات غذایی هر محیط و هر منطقه باید با مقتضیات و هوای همان محیط تطبیق شود تا غذاها و مأكولات مورد مصرف در آن هوا بهتر در بدن هضم شده و بدون ایجاد خطری بدل مایتحلل بدن گردد مثلاً: در شمال ایران (مازندران و گیلان) بواسطه رطوبت شدید هوا و تأثیر فوق العاده ایکه در بدن دارد و برای اینکه هوای بدن با هوای محیط سازش پیدا کند ماست و ماهی و برنج و مرکبات زیاد خورده میشود و نان

خیلی کم میخورند و اگر در خوردن نان مطابق معمول خود قدری زیاده روی کنند بلرز شدید و سرگیجه فوق العاده دچار میشوند و میگویند نان ما را گرفته است در محل عقیده دارند که چون يك نوع حشره مخصوص از روی گندم عبور میکند و یا بواسطه وجود سیاهدانه در گندم این تأثیر در آنها پیدا میشود ولی آنچه بنده شخصاً امتحان کرده ام اینطور نیست زیرا اشخاصی هم که نان سفید می‌خورند و آرد سفید هم از جاهای دیگر غیر از مناطق مازندران وارد میشود باز این لرز و سرگیجه مبتلا میشوند و این لرز و سرگیجه در طبقه سوم که غذاهایشان بادرجه اول و دوم خیلی فرق دارد و از مواد غذایی مفید دیگر کمتر استفاده مینمایند زیادتر وعادی تر است بنظر من این لرز و سرگیجه فقط مربوط با اثر متضاد خاصیت غذایی نان و مواد غذایی موجود در بدن و تأثیر رطوبت در اعصاب می باشد یعنی در اثر غذاهای مرطوب و زیادی رطوبت در هوا بدن مخصوصاً اعصاب سر تحت تأثیر واقع و حال سستی و رخوت پیدا میکند و بعد در اثر خوردن نان نیروی قوی تری در بدن پیدا شده و با اعصاب فشار می‌آورد فشار نیروی قوی نان در اعصاب سر گیجه ایجاد میکند برعکس شمال در نقاط جنوبی که گرمای مرطوب شدیدی دارد خرما و انبه و موز و غذاهای دیگری که از حیث خاصیت خیلی با غذاهای شمال مغایرت دارد و مخصوصاً نان مثل تهران زیاد خورده میشود اگر هر يك از غذاهای مخصوص دو محل در محل دیگر مصرف شود ایجاد شدید ترین خطرها را می‌کند من در مازندران مکرر دیده‌ام که مازندرانی‌ها ماست و ماهی و برنج و چیزهای دیگر از این قبیل را در یکوعده خورده اند و تکرار این کار هم عادت عمومی آنهاست ولی اگر همین غذاهای عادی محلی را همان شخص مازندرانی بخواد در تهران مصرف نماید بدل درد و بی‌خوابی بسیار شدید و امراض دیگر مبتلا میشود که گاهی بفلج یا سکتة ناقص یا کامل منتهی میگردد .

توجه بچند قسمت زیر بی فایده نیست :

الف - وقتی يك طهرانی بشمال میرود و یا بکنفر از شمالیها بتهران می‌آید پس از چندی توقف تحت تأثیر هوا واقع و باید از غذاهای آن محل استفاده نمایند و در غیر اینصورت بکسالتهای مختلفی مبتلا میشوند قدیمی‌ها معتقد بوده‌اند که بهر شهر غربی که وارد میشوند خیلی مختصر (يك انگشت) از خاک تمیز آن محل بخورید و در موقع غذا هم یکدانه پیاز از پیازهای کوچک محلی بخورید که خیلی مفید است و بدینوسیله در بدن ایجاد مصونیت میشود و دیگر حشرات محلی صدمه بمسافر تازه وارد نمیرسانند .

ب - حرارت و برودت در رشد و نمو بدن و تقویت و تضعیف آن تأثیر کلی دارد و یک نمونه مهم آن سن بلوغ دخترها و پسرهایی است که در نقاط مختلف زندگی می کنند مثلاً سن بلوغ دخترها در عربستان و در نقاط گرم از نه سالگی و در نقاط معتدل از ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و در نقاط سردسیر از ۳۰ سالگی بیالاست و نیز نقاط خیلی سرد نواحی قطبی دخترهایش در سن ۳۷ یا ۴۰ سالگی بالغ میشوند و در مناطق خیلی گرم دخترها در ۸ سالگی بالغ و در ۱۶ سالگی مادر بزرگ می گردند .

ج - در شهر کاشان که دارای هوای گرم خشکی میباشد اغلب مردم دارای مزاجی گرم و حاد میباشد لذا کشیدن تریاک که دارای خاصیتی سرد است و خوردن هندوانه که طبعاً خنک است برای آنان مفید میباشد ولی اگر همین تریاک و هندوانه را مردمان ساکن زاهدان که دارای آبی است که طبعاً سرد میباشد مصرف نمایند باسهال شدید مبتلا میشوند و یا اگر همین هندوانه یا تریاک در هوای مرطوب مازندران و گیلان مصرف شود عواقب وخیمی دارد و در چنین مواردی خوردن نبات کوبیده با آب جوشیده سرد شده بسیار مفید است .

بدیهی است اشاره بخاصیت تریاک از لحاظ موافقت با مصرف آن نیست بلکه منظور تشریح موقعیت هواهای مختلف میباشد .

د - گروهیان بریده رنگ بلند بالائی که جزء گارد مرزی و در بندرعباس خدمت میکرد در محل دچار شدیدترین پا دردها شده بود و پس از مطالعات زیاد د کترهای محل متفق شده بودند که باید هر دو پایش عمل شده بریده شود از کثرت درد گروهیان مذکور هم حاضر شد پاهایش را ببرند جریان صورت مجلس و گروهیان برای بریدن هر دو پا بتهران آمد وقتی جریان را بمن گفت باو گفتم کوشش کن تا دوماه روزانه مقداری راه بروی و مچ پیچها را هم از پا باز کن و چند نوع غذا را هم بخور و چند نوع دیگر را که برای او شرح دادم گفتم نخور اگر تا پس از دوماه باز همین دردها باقی بود آنوقت مختاری پایت را بده ببرند حرف مرا شنید پس از مدتی او را دیدم گفت درد پاهایم بکلی خوب شده و دیگر دردی نیست .

ه - گروهیان دیگری میگویند در ساری مازندران خدمت میکردند و بمرض سینه درد یا سل مبتلا بوده د کترهای محل متفق میشوند بعلمت ناراحتی زیاد گروهیان باید او را بتهران اعزام در تهران عمل جراحی شود پس از مکاتبات زیاد توافق میشود و گروهیان بتهران میاید و وقتی از

رطوبت هوای مازندران و ایستگاه شیرگاه خارج و بسمت هوای بی رطوبت تری سرازیر میشود خودش احساس میکند حالش بهتر است بالاخره دکترهای تهران متفقاً پس از معاینه میگویند گروهیان سالم است او را بساری میفرستند باز در ساری وضع سابقش عود میکند باز با تنظیم صورت مجلس بتهران اعزام میشود و بالاخره پس از چند مرتبه تهران آمدن و برگشتن بساری بالاخره اطباء تهران معتقد میشوند که گروهیان مذکور بساری نرود در تهران بماند. و در اثر توقف در تهران کسالت مرتفع میشود.

منظور از دو موضوع مذکور اینست که هوای بندرعباس در پای گروهیان اولی و هوای مرطوب ساری در سینه گروهیان دومی اثر نامطلوب داشته و چون منطقه هوایی آنان عوض گردید حالشان خوب شده و چه بسیار امراض زیادی که با تغییر آب و هوایی یا ظاهر شده و یا از میان رفته است.

۷- تاثیر هوا در روحیه - انواع هواهای گرم - سرد - مرطوب - حاد - تاثیر زیادی در اعصاب انسان دارند و بنا بموقعیت مزاجی اشخاص و درجه کم و زیاد حرارت و برودت و رطوبت و خشکی در هوا روحيات مختلفی از ضعف و انبساط و گرفتگی و خفه گی و غیره در شخص ایجاد میکنند و هوا در سلامتی و بیماری و روحیه و احساسات و فعالیت و توانائی انسان مؤثر است و در حیوانات و خزندگان هم اثر زیادی دارد و روشن ترین دلیل آن مقایسه مارها و عقربهای مناطق گرم و خشک با مناطق مرطوب میباشد که اولیها خیلی خطرناک و کشنده و دومیها خیلی بی حس و کم آزار و بی خطرند و در نقاط سردسیر هم تصور نمیرود مار و عقرب بی وجود داشته باشد و نیز مردمان مناطق گرم پر حرارت و پر کار و فعال و پر طاقت و خشن میباشند و مردمان مناطق مرطوب (هردو دسته انواع مختلفی دارند) بیشتر مست و ملایم میباشند و مردمان مناطق سرد و معتدل خصوصیات دیگری دارند از مراتب بالا نتیجه میگیریم که .

الف - ذرات هوا همیشه تحت تاثیر عوامل خارجی از قبیل حرارت و برودت و رطوبت و بخارات متصاعد از زمینهای مختلف واقع و هواهای گرم و سرد مرطوب و معتدل و غیره بوجود میآورند که باز هر يك از آنها بنا بر خصوصیات و موارد مواد ترکیب شده با آن بانواع مختلفی تقسیم و در سلامتی و مرض و حیات و ممات ما اثرات مهمی دارند .

ب - چون هوا در سلامتی و مرض ما تاثیر کلی دارد و کمی و زیادی فشار و مواد ترکیبی آن برای ما مؤثر است باید مراعات خوردنیها و نوشیدنیها

را بنمائیم تا بتوانیم میان هوا و موقعیت بدن تعادل برقرار نموده و همیشه سلامت باشیم .

ج - همانطوریکه نباتات در روز تحت تأثیر حرارت و هوا های مخصوص روز قرار میگیرند و با اصطلاح معروف اکسیژن پس می دهند و در شب با هوای خالی از نور و حرارت ترکیب و کربن بیرون میدهند و در اثر تابش خورشید بزمینهای مختلف که دارای مواد متنوعی می باشند بخارات زیادی متصاعد میشود و این بخارات و تأثیرات آن در خصوصیات حیاتی ما بی اثر نیست و نباید از نظر ما دور شود .

د - احوال گوناگون که در اثر هواهای مختلف برای ما پیش میآید مربوط به تحلیل رفتن ذرات مختلف هوایی که تحت تأثیر حرارت و برودت و بخارهای متصاعد از آبها و خاکها و نباتات مختلف دارای موقعیت های متنوعی شده اند در ذرات زنده یا سلولهای بدن ما تحلیل میروند و روی نیروهای متمرکز در آنها تأثیرات مختلفی در ذرات زنده یا سلولها و بالاخره در بدن ما می نمایند .
تذکره مفید :

مطلب بسیار مهم اینست که هوائیکه مورد استفاده ما میباشد هر اندازه تمیز و صاف و خالی از گرد و غبار و بوهای کشیف روغن سوخته و دود متعفن گاز وئیل باشد بهتر در بدن مخصوصاً سینه ما تحلیل رفته و کمتر ما را بسبب ریوی و امراض دیگر از قبیل گریپهای مختلف و غیره مبتلا میکند و واقعاً جای تعجب است که چرا کسانیکه مسئول بهداشت جامعه و یا آنانیکه مسئول حفظ قانون و حقوق مردم هستند ساکت نشسته و چیزی نمیگویند زیرا از لحاظ ضررهای صد در صد و خطرات سنگینی که بوهای کشیف منتشره در خیابانها و سروصداهای اتومبیلهای بزرگ برای عموم مردم مخصوصاً ریه های لطیف و ضعیف اطفالیکه دارای فقر غذایی میباشد و اعصاب و امراض عصبی که مردم مبتلا هستند در بر دارد . هم مامورین بهداشت و اولیاء امور وزارت بهداشتی از لحاظ حفظ سلامتی جامعه و هم اولیاء امور وزارت دادگستری از لحاظ رعایت و اجراء قانون حق اظهار نظر و اقدام لازم را دارند چون وظیفه وزارت بهداشتی روشن است بدینست که از نظر قانون هم اشاره بنمائیم .

قانون وقتی اهمیت دارد که ارزش عمومی داشته و رعایت حال دو طرف را بکند و اگر قانون بنفع یک دسته خاص باشد آنرا نمیتوان قانون گفت اصل کلی که رعایت حقوق عمومی را میکند اصل لا ضرر و لا ضرار است که معنی آن ضرر

نرساندن و ضرر ندیدن است من نمیدانم اینمطلب با کدام قانون تطبیق میکند که يك اتومبیل دیزل ماك ده یا پانزده تنی وارد خیابانهای عمومی شود و با صدای مهیب خود اعصاب و گوشه‌ها را متاثر کند زلزله ایجاد نموده جمعی را مریض و مریضه‌ها را دیوانه کند و بعد هم بادود گازوئیل خود يك خیابان را سیاه نموده و بعد از پر شدن سینه ساکنین و عابرین خیابانها دودها روی خمیر نان‌ها و روی ماست و پنیر و کره و روغن و مایعات دیگر بنشینند و بخورد افراد هر خانواده برود و مردم عموماً الاغر و مریض و مستعد سل شده و رو بمرک رفته و یا با خسارت‌های زیاد خود را معالجه کنند خلاصه جمع کثیری از کوچک و بزرگ و پیر و جوان و علیل و سالم و پسر و دختر از عبور يك کامیون دیزل و امثال آن ناراحت شوند مریض شوند خسارت مالی ببینند و یا بمیرند که چه خبر است يك کامیون دیزل ماك می‌خواهد از آزادی استفاده نموده و از خیابان عبور کند اگر قانون برای عبور آزادی عمل بکامیون میدهد همان قانون حقی برای جمع کثیری که در خیابانها پراکنده اند قائل است و اساساً هیچ قانونی نمیتواند اجازه عملی را بکسی بدهد که عمل او برای دیگران ضرر داشته باشد از عبور يك کامیون يك نفر یا ده نفر استفاده میکنند ولی ضرر صدهای مهیب و بوهای گند و متعفن دود گازوئیل آن شاید برای

ملیونها نفر و از جهت بهداشت و اقتصاد برای کشور ضرر داشته باشد .
وظیفه وزارت بهداشت و دادستانی کل و اداره راهنمایی میباشد که باینموضوع مهم و فوق‌العاده پراهمیت حیاتی که نفع ملیونها مردم از کوچک و بزرگ در آنست توجه کامل نموده و دستور جلوگیری از عبور و مرور اتومبیلهایی که گازوئیل می‌سوزانند و پرسر و صدا می‌باشند صادر فرمایند .

بنظر ما عیب کار از اینجا است که وقتی روزنامه‌ها و مجلات حتی مجلات طبی ما بیشتر مقالاتشان دور عشق و عاشقی و شوهرهای رسمی و غیر رسمی آر تیستها و هزاران مطالبی که يك پول سیاه نه بدر دنیا و نه بدر آخرت مردم می‌خورد می‌چرخند و مجال ندارند در موضوعات عمومی و اجتماعی بحث کنند و وضع مردم را تشریح کنند لذا اولیاء امور هم با اهمیت مطلب توجه پیدا نمیکنند و وقتی بی‌خبر ماندند نباید هم اقدامی بکنند پس تا حد زیادی مسئولیت متوجه مطبوعات میباشد که دولت را متوجه اهمیت مطلب نمی‌نمایند.

۸ - تطبیق غذا با هوا :

بطوریکه قبلاً گفته شده و باز هم در اینمورد توضیحاتی داده میشود باید غذا و آنچه خورده میشود در هر محل با هوای آن منطقه منطبق شود

و اگر این نکته رعایت نشود کسالتها و عارضه‌های چندی پدید می‌آید که ممکن است ایجاد خطر نماید مثلاً در هوای مازندران و گیلان که مرطوب می‌باشد بیشتر برنج و ماهی و ماست و گوچه فرنگی خورده میشود و در نقاط گرم عربستان بیشتر غذاها خرما می‌باشد افراد عادی اگر در مناطق مرطوب و سرد هندوانه مختصری بخورند ممکن است با سهاله‌های شدید و دل درد گرفتار شوند در صورتیکه اگر خر بوزه زیاد بخورند حال فرح و انبساط برای آنان پدید می‌آید بطور کلی در کلبه مناطق گرم و خشک و بیلاقی و قشلاقی باید رعایت غذا و موقعیت هوایی محل بشود .

۹ - چند نوع از عارضه‌هایی که در اثر هوا پدید می‌آیند :

الف - شب سرد زمستانی از رختخواب بیرون افتاده و هوای سرد نفوذ کاملی در بدن من نموده بود صبح که بیدار شدم دیدم قادر نیستم دست و پا و گردنم را تکان بدهم یعنی بدن چنان بیحرکت شده بود که حتی قادر بحرکت دادن گردن هم نبودم و کاملاً شبیه بمرده بودم که می‌دیدم و میفهمیدم و حرف می‌زدم ولی کوچکترین حرکت نمیتوانستم بدن خود بدهم بالاخره قدری فکر کردم در اول کار بخیالم رسیدم سگته ناقص کرده‌ام با تأثر بسیار شدید و نا امیددی زیاد دیگران را بیدار نمودم و مرا چند نفری کمک کردند زیر کرسی خوابانیده و کرسی را هم گرم نمودند با انتظار روشن شدن هوا و آوردن دکتر با روحیه خیلی بدی وقت می‌گذرانیدم و فکر می‌کردم اتفاقاً کم کم حرارت کرسی در پاها و بدن اثر کرده و حرکتی در پاها پیدا شد و ایجاد امید کرد خلاصه تا بالا آمدن آفتاب تحت تأثیر حرارت کرسی پاها کاملاً حرکت می‌کرد و پس از خوردن چند چای داغ و مختصری مالش از خیالات و حشتناکی خلاص شدم و ساعت ۱۰ یا ۱۱ بدن در حال عادی و متحرک بود و با خوردن آش داغی عرق کردم و بکلی همان روز حالم خوب شد و فردا بادره رفتم .

ب - بسیار دیده شده اشخاصی از شدت گرما با آب سرد استحمام نموده و بعد در کوران هوا خوابیده و سرمای سختی خورده و با اصطلاح نخیه بند شده و ناچار مدتی تحت معالجه بوده‌اند .

ج - در هوای بسیار سرد زمستان زیاد دیده شده که تحت تأثیر سرما عده کثیری مرده‌اند و نیز دیده شده که مردهائی در هوای سرد بدون رعایت سرما در کوران هوا ادرار نموده و تأثیر شدید سرما در بیضه آنان سبب مرگشان شده و کسان دیگری بقولنجهای کلیوی سختی مبتلا شده و گاهی هم از شدت درد مرده‌اند .

ذریبا با نهادهای وقتی مردها را سرما میزند از زمانهای قدیم معمول بوده که فوراً آلت مردی آنان را در دهان گذارده و میمکند و همین مکیدن سبب گرم شدن بدن و نجات سرمازده میشود حال چه فعل و انفعالی بدنهای سرما زده را گرم و زنده میکند من نمیدانم :

یادآوری مهم :

بزرگترین عاملی که در ایجاد امراض مختلف موثر است هواهای کثیف و متعفن میباشد اطباء قدیم معتقد بوده اند که وبا بواسطه کثافات زیاد در هوا پیدا میشود و بفرض اینکه پدید آمدن وبا از کثافات هوا صحیح نباشد انواع گریپها و انواع سینه دردها و سل و سایر امراض بی ارتباط با کثافات و تعفن هوا نیست زیرا هواهای کثیف گذشته از آنکه نمیتوانند اکسیژن کافی و صحیح ببدن رسانیده و کربن بدن را بخارج کنند خود مقداری کربن و کثافات دیگر بریهها وارد میکنند در نتیجه در کثیف کردن خون تاثیر زیادی داشته و بدن را مستعد قبول امراض مختلف مانند سل و غیره مینمایند لذا وظیفه فرد ساکنین هر شهری میباشد که با اهمیت مطلب توجه داشته و بموقع خود اقدام لازم نموده و تذکرات مقتضی بدهند. و نیز باید توجه داشت که پاک و تمیز بودن هوا برای ما اهمیت حیاتی داشته و تاثیر بسیار زیادی بر سلامتی بدن و فرح و شغف و انبساط روحی و امور اخلاقی ما دارد لذا پاک و تمیز بودن هوا خیلی باید اظهار علاقه شود.

۱۰- امراضی که از تأثیر هوا در بدن پیدا میشود :

الف - تأثیر حرارت شدید در سلولهای بدن التهاب و تب شدید پدید آورده و بیماری بوجود میآورد و علاج ساده آنها زیاد در آبهای شیرین رفتن است .

ب - تأثیر رطوبت شدید هوا در بدن سستی و رخوت و بیحالی و امراض دیگری پدید میآورد که گاهی باندازه ای شدید میشود که شخص قادر به حرکت خود و یا هیچیک از اعضاء بدن نیست .

ج - هواهای سرد تأثیرات زیادی در بدن دارد و امراضی بوجود میآورند کسالت هائی که تحت تأثیر هواهای مختلف ایجاد می شود با مراقبتهای مختصری ممکن است بدون مراجعه بطیب مرتفع گردد و این در صورتی است که شخص اطلاعات کافی داشته باشد و اگر در اول کار مراقبت نشود گرفتاریهای زیادی بوجود می آید .

فصل سوم - تأثیر آبها در بدن

۱ - آبهای مختلف:

در آزمایشهای علمی ثابت شده که آب مرکب از اکسیژن و هیدروژن است و این ترکیب همهجا مساوی است ولی گذشته از خاصیتی که اکسیژن و هیدروژن دارند روی موقعیتهای و خاصیتها و نیروی تحت الارضی و یامواد معدنی و خاکهای رسی و زمینهای شنی و یا کوهستانها و بیابانها و غیره که آبها با آنها تماس داشته و از آنها عبور مینمایند آبها دارای خواص متنوع و اثرات مختلفی می شوند که در هر محیط بایک نوع از مواد غذایی و موقعیت مزاجی بهتر مانوس شده و برای تأمین سلامتی مفید میگردند .

۲ - تأثیر آب در بدن:

در قرآن مجید کتاب آسمانی ما مسلمین خداوند متعال میفرماید (از آب هر چیزی زنده است) یعنی اگر آب نباشد ادامه حیات برای کلیه موجودات غیر ممکن است و گذشته از تأثیر حیاتی آب و مواد معدنی مختلفی که در آبها موجود است و در بدن منعکس شده و بدن را تحت تأثیر خود قرار میدهند . آبها بواسطه نفوذ و تأثیر شدید در سلولها و در اعصاب و مراکز مخصوصی از لحاظ چاقی و لاغری و تغییر روحیه و ایجاد امراض و کسالتهای مختلف تأثیرات مهمی در بدن دارند یک نمونه کوچک از تأثیر آب در بدن اینست که در تابستان و شدت گرما و یا مواقعی که حرارت شدید بعضی از تبها شخص را کاملاً مستاصل می نماید اگر استحمام آب سرد شود فوراً آب سرد با سطح خارجی بدن تماس مستقیم پیدا کرده و بواسطه اعصاب بسیار ریزی که در زیر جلد میباشند خنکی یا سردی آب بتمام نقاط داخلی بدن جذب میگردد و یا حرارت زیاد بدن را بخود جذب نموده و بدن را خنک میکند و نتیجه این عمل این میشود که حرارت شدید و التهاب بدن خاموش شده از میان میرود و حال شغف و سرور بشخص دست می دهد در واقع باید

گفت که چون سلولها یعنی ذرات جاندار بدن که هر اندازه هم ریز باشند بازتر کبیبی از چند ماده غذایی میباشد که یکی از موادش آب است بواسطه از دست دادن مقدار زیادی آب حان التهاب در آنها پیدا و حرارت شدید یا تب پدید آمده و بعد چون سردی یا خنکی آب بذرات نامبرده نقل شده انقلاب و التهاب آنها را فرو کش نموده همینطور است تاثیر هواهای خنک و سرد و نوشیدن آبها و شربت‌های خنک که فوراً در بدن تأثیر میکنند .

۳- استفاده مختلف بدنها از آب:

برخلاف آنچه مشهور است تمام بدنها مطابق احتیاجات خود از آبها استفاده نمیکنند بلکه بنسبت آبهاییکه وارد بدن میشوند و یا آبهاییکه در هوا موجود است بدن تحت تاثیر آبها واقع شده و حالات مختلف و امراض گوناگون در بدن پدید میآید که گاهی منجر بآب آوردن شکم و یا تالم مثانه و یا کلیه‌ها و یا معده میشود و بهمین جهت ساکنین نقاط مرطوب بعلت زیادی آب در هوا و یا عدم تبخیر آن در بدن بیشتر دچار لرز میشوند و این در موقعی است که ذرات زنده بدن آنها که از آب زیاد بارور شده‌اند میخواهد آبهای زاید را که باید بطور عرق از بدن خارج شود از خود دور نماید ولی سلولها یا ذرات جاندار ساکنین نقاط گرم چون تحت تأثیر حرارت شدید قرار گرفته و بسبب شدت حرارت و عرق زیاد کمتر میتواند از ذرات آب و رطوبت استفاده نماید لذا دچار التهاب شدید شده و تبهای خیلی سوزانی ایجاد مینماید و همین موضوع مهم است که برای معالجه يك شخص مالاریائی ساکن نقاط مرطوب و يك شخص مالاریائی ساکن نقاط گرم تولید اختلاف میکند یعنی چون ذرات جاندار بدن شخص مالاریائی ساکن نقاط مرطوب از رطوبت زیاد بارور شده ممکن است با کین و انواع آن او را معالجه کرد ولی ذرات جاندار بدن شخص مالاریائی ساکن نقاط گرم چون بواسطه کمی آب از حرارت زیاد بارور شده اگر با کین و نوع آن بخواهند او را معالجه کنند آن شخص با خطرات زیادی مواجه میشود و اینمطلب یعنی تشکیلات و ترکیبات مختلف ذرات جاندار بدن و کم و زیاد شدن مواد ترکیبی آن تب و عوارض دیگری بوجود میآورند لذا باید گفت ساکنین هر منطقه هم باید بنا بمقتضیات آب و هوای همان محل و موقعیت مزاجی مریض معالجه شوند تا بکنفر مالاریائی گرم مزاج از خوردن کین نمیرد .

۴- تورم و تعرق سلولها:

سلولها همیشه در بدن بيك حال و بيك نسبت و یا صورت نیست و

تحت تأثیر خواص مختلف غذائی و آبها قرار گرفته و صورت‌های مختلفی بخود میگیرند مثلاً :

الف - تورم سلولها - زیادی آب در بدن سبب تورم و بزرگ شدن سلولها میشود و این تورم با رعایت موقعیت کار جسمی و روحی افراد گاهی برای بدن مفید و گاهی مضر است .

ب - تعرق سلولها - انواع حرکات سبک و سنگین بدن در ساعات مختلف روز و شب و تاثیر حرارت شدید در بدن سبب میشود که سلولها بنسبت‌های مختلفی عرق کرده و آب زیادی از بدن خارج شود در نتیجه حجم سلولها و بدن کم شده و بدن لاغر میشود تعرق سلولها برای بدن بسیار مفید بوده و در تقویت قوای عمومی بدن خیلی تاثیر دارد .

۵ - امراضی که از آب پدید میآیند .

آبها گذشته از چاقی و لاغری دل بسیار مهمی را در سلامتی و مرض بازی میکنند و آبهای بموقع و بیموقع هم واکنشی در بدن دارند بنا بر این نامبرده :

الف - آبها تحت تأثیر عوامل مختلف زمین فرار گرفته و خاصیت‌های گوناگونی پیدا میکنند که تأثیر مختلفی در بدن دارند یکی غذا را خیلی زود تحلیل میبرد و دیگری بیوستهای شدید ایجاد میکند .

ب - آبها هر اندازه تمیز و طبیعی باشند در سلامتی و ایجاد مرض نمودن تأثیر کلی دارند و نوشیدن آب زیاد ممکن است سبب آب آوردن شکم و یا سستی شدید اعصاب شود .

ج - زیاد دیده شده که در تابستان مردمانی پیاده روی زیاد نموده و پاهای آنان بشدت گرم شده اتفاقاً با آب خنک یا سردی رسیده‌اند از شدت عطش یا التهاب شدید در پاها یا آب خورده بعد پینه دردهای شدیدی مبتلا شده و یا پاها را در آب سرد شستشوداده و پینه دردهای بسیار شدیدی گرفتار گردیده و مدت‌ها دچار زحمت سینه درد و یا پادرد بوده‌اند .

فصل چهارم = حرارتها و برودتها

۱ - اثر حرارتها و برودتهاى مختلف در بدن :

اثر حرارتها و برودتها - حرارتها و برودتها هم تاثيرات مختلفى در بدن دارند كه عمده آن بشرح زير است .

الف - آفتاب تاثير بسيار مهمى در ادامه حيات كليه موجودات و تأمين وسايل زندگى آنها دارد و انواع حرارتهاى آفتاب هم تاثيرات مختلفى در بدن دارند و آفتاب در موقعيتهاى مختلف و تماس با عوامل گوناگون از قبيل زمينهاى شنى و خاك رس و نمكزارها و كوهستانها وغيره وضع خاصى ايجاد ميكند و براى خيلى از امراض هم به نسبتهاى مختلف عامل مؤثر بهبودى و شفا مى باشد .

ب - فرض كنيم يك لوله سمنتى يا فلزى داريم اگر آب سرد و گرم از اين لوله ها عبور دهيم و دست خود را روى آنها بگذاريم گرمى و سردى آب فوراً در دست ما اثر ميكند و مهمتر از آن هم گرم و سرد شدن هواى اطاق هاى است كه با لوله هاى بخار آب سرد و گرم - سرد و گرم ميشوند و اثر آنها در بدن ما محسوس ميشود همينطور هم روده هاى نازك حساس و اعضاء داخلى بدن هم كه از ذرات لطيف حساس ساخته شده در فضاي تنك شكم از عبور دائمى غذاهاى سرد و گرم (روى تاثير هواى غذاها مثل غذاهاى داغ و سرد كه هر اندازه در معده تعديل شوند باز داراى حرارت و برودتى بوده و انعكاسى در بدن دارند) و حرارت و برودت (خاصيت مواد غذايى) و حرارت و برودت محيط و حرارت فعاليت اعضاء داخلى و خارجى بدن متاثر ميشوند .

۳ - تماس بدن با حرارتهاى مختلف :

با توجه باينكه لوله هاى سمنتى و فلزى در اثر مجاورت با هواى آزاد زود سردى و گرمى خود را از دست ميدهند و قسمت هاى داخلى بدن بواسطه

محیط محدود و نداشتن تماس مستقیم با هوای آزاد و مواجه بودن با حرکات دائمی بدن و اعضاء آن مدت ها از حرارت و برودت داخل شکم متأثر می باشد میتوان گفت بدن و قسمت های داخلی آن با چهار حرارت کلی همیشه تماس دارند .

الف - حرارتی است که بنسبتهای مختلف در مواد غذایی و یا مایعاتی موجود بوده و در بدن منعکس شده و سبب بکار افتادن اعضاء بدن میشود و کم و زیاد شدن آنهم در بدن ایجاد کسالت های سیک و سنگینی مینماید و قسمت عمده امراض حاد و ایجاد دمل های داخلی و خارجی بدن و طغیان آنها در اثر زیاد شدن مواد پر حرارت و عدم سازش آن با هوای محیط میباشد .

ب - حرارتی است که در اثر اصطکاک و عبور غذا از معده و روده ها و عملیات ثابت هضم غذا و فعالیت های داخلی و خارجی اعضاء بدن و گردش خون و تحلیل در هم ذرات موجود در بدن بوجود می آیند .

ج - حرارت و فشار هوای محیط مانند اثر هوای کنار تنور روشن و بخاری و حرارت آفتاب و گرمی تابستان و حرارتی که از پوشیدن لباس های پشمی و غیره پیدا میشود .

د - گرمی و داغ بودن غذا هم در بدن موثر بوده و چای داغ و غذا های گرم حرارتی در بدن پدید می آورند و یا بدن را تحریک می کنند و بدن عرق می کند . یعنی یک لیوان چای داغ و یا آب خنک بدن را گرم و خنک می کنند .

۴ - عکس العمل حرارتها:

اثر شدید حرارت های نامبرده مخصوصاً در موقع طغیان آنها یکی عطش و دیگری کلافه گی و خفه گی و هیجان مخصوصی است که معروف به (گر گرفتن) است و گاهی تب های سوزانی همراه می آورد که متأسفانه بنام تب های مالاریائی !!! معرفی میشوند و روی همین اصل مهم یعنی قرار گرفتن بدن و اعضاء داخلی در مقابل انواع حرارتها و شدت تأثیر آنها بوده که قدیمی ها بیش از نود و پنج درصد دواها را از چیزهای خنک کننده بی ضرر که رفع حرارتها را میکنند تعیین مینموده اند و مریض های آنها هم بیش از آنچه ما تصور نمائیم زودتر و بی خطرتر و آسان تر از مریض های فعلی معالجه میشده اند (یکی از علل تلفات زیاد و مرگ های ناگهانی امروز عدم توجه بهمین موضوع ساده و دادن سولفات دوسود بجای دواهای خنک می باشد)

۴ - برودت :

برودت هم که از فقدان حرارت و اختلاط عوامل مختلف دیگر بوجود

می آید تاثیرات مختلفی در سلامتی و مرض دارد و حساسترین اثر آنها تاثیر سرمای اول فصل زمستان در قیافه ها و دست و پا و بدن اشخاص مخصوصاً بچه ها میباشد که متاثر و سیاه رنگ میشوند.

۵- تأثیر حرارت و برودت در اعصاب:

بعضی ها خیال میکنند اعصاب انسانی از آهن و سنک ساخته شده و چیزی در آنها اثر ندارد لذا بی حساب و بی ملاحظه تحمیلات زیاد و فشارهای خارج از اندازه با اعصاب وارد میکنند در حالی که می بینیم حساس ترین قسمت های بدن اعصاب میباشد و در اعصاب جزئی ترین سرما و ناچیز ترین گرما و کوچکترین و بی ارزش ترین حرفها و خیالها اثر میکند بطور خلاصه حرارت و برودت در تحلیل رفتن غذا تأثیر کلی دارند یعنی در هوای سرد غذا دیرتر و در هوای گرم غذا زودتر تحلیل میرود و نیز همانطوری که گرما و سرما در اعضاء داخلی بدن موثر میباشد در قسمت خارجی بدن و اعصاب هم موثر هستند و اثر برودت مخصوصاً سرد و گرم شدن و تغییرات ناگهانی هوا در اعصاب و استخوانها بی اندازه شدید است از قدیم معروف بوده است (پاهارا گرم نگاه دارید و سر را خنک) و علت هم اینست که وقتی پاها گرم و سر خنک باشد خون و فشار آن بیشتر بقسمت پا هجوم می آورد و اعصاب و مغز سر از فشار آن راحت میشود و هر اندازه فشار خون بمغز کمتر باشد مغز خنکتر و فعالتر بوده و بیشتر کار میکند و دیرتر خسته میشود لذا استقامت و توانائی آن زیاد شده و باعث طول عمر میشود ولی امروز برعکس رفتار میشود و گاهی سر و پاهارا با هم خنک نگاه میدارند لذا هم امراض عصبی زیاد است و هم درد پاها و رماتیسم و کسانی که بدون جوراب و یا با جورابهای نازک راه میروند و سرد و گرم شدن استخوان و قلم پاها مخصوصاً در هوای سرد زمستان اهمیت نمیدهند بعکس العمل شدیدی دچار میگرددند و ممکن است صدی نود آنها دچار رماتیسم های بسیار شدید و دردهائی شده و مجبور شوند از نعمت داشتن پا محروم و یا تا مدت ها قادر نباشند از آنها استفاده نمایند و این موضوع در تغییر آب و هوا و یا تغییر فصل و یا تغییراتی که در وضع مزاجی یا غذائی آنها پیدا میشود زیادتر محسوس خواهد بود و در این صورت پدران و مادرانی که بچه های خود را عادت میدهند باشلوارهای کوتاه و جورابهای نازک و سینه های باز در هواهای مختلف مخصوصاً سرد گردش نمایند خیانت بزرگی بصحت مزاج اطفال خود مینمایند.

فصل پنجم - بوها

۱- حساسیت اعصاب:

کلیه اعصاب مخصوصاً اعصاب سرومغز حساسیت فوق العاده دارند که ناچیزترین بوئی در آنها اثر دارد و کوچکترین بوئی که در هوا منتشر شود فوری ذراعصاب موثر واقع شده و اعصاب تحت تأثیر آثار خوب و بد آن بو واقع میشوند مانند تاثیر بوی عطر ذراعصاب و نیز اگر کسی در اطاقی که تازه گاه گل و یسا با کج سفید شده باشد بخوابد و یا سکونت کند مخصوصاً اگر درهای اطاق را هم ببندد دچار سنگینی تنفس و گرفتگی نفس و فشار در گلو و خستگی زیاد و عوارض دیگری میشود همچنین سکونت در نزدیک کوره‌های آجر و کچ و آهک پزی مضر بوده و بعلت دود و بوهای که در هوای آن حدود منتشر میشوند برای سلامتی مضر میباشند و عوارضی ایجاد میکنند.

۲- شدت تأثر اعصاب دماغ:

اعصاب دماغ (منظور اعصاب بینی است) در مراحل اولیه حیات و یا تازمانی که دور از شهرها و هواهای کثیف زندگی میکنند شدت تأثر زیادی دارد و کمترین بوئی در او منعکس میشود و این حساسیت در بزرگی را در سلامتی و مرض بازی میکنند برای روشن شدن موضوع باید فرض کنیم در اطاقی وارد شویم که مقداری سرکه و مقداری سیر کوبیده و پیاز و قدری کلاب قوی و عطر و بعضی چیزهای بودارد دیگر در اطاق باشد ما تمام بوها را استشمام می کنیم و هر کدام قوی تر باشد زودتر حس شده و اعصاب دماغ ما روی آن قضاوت میکند و بنا بموقعیت مزاجی ما هم ممکن است بعلت انقباض و استنباطی که اعصاب پیدا میکنند و تحریکاتی که در نتیجه در بدن میشود اثرات مساعد و نامساعد زیادی در بدن ما داشته باشند که فعلاً از بحث آن صرف نظر میشود بهر حال در هوای اطاق این بوها قبلاً نبوده و تدریجاً یکی یکی هر بوئی از چیزی

متصاعد شده و در هوای اطاق منتشر و متمرکز گردیده و هر چه این بوها بیشتر در اطاق بمانند ممکن است حالات مختلفی پیدا کند و اگر هوای اطاق را هم گرم و سرد کنیم باز ممکن است نتایج دیگری بدست آورد که فعلاً از بحث ما خارج است بطور کلی در اثر سکونت در شهرها و اجتماعات زیاد و تنفس در هواهای غیر تمیز یعنی پر گرد و خاک تدریجاً حساسیت اعصاب بینی از بین میروند و دیگر زیاد و یازود متاثر میشوند و ضمناً اثر شحات آنها کم شده یا و دماغ خشکی ایجاد میکنند.

۳- تأثیر هوا و بو و آب در اعصاب:

تأثیر اعصاب از هوا و از بو و از آب را باید با حکایتی روشن کرد: معروف است روزی بحضرت پیغمبر اسلام (ص) گفتند مردم میگویند شما دیوانه هستید فرمود یا للعجب من که در هر ماه دو مرتبه زکام میشوم دیوانه ام مفهوم خارجی موضوع اینست که کسانی که زکام میشوند محتمل است دیوانه شوند حال ما کار نداریم که تحقیق کنیم آیا ما بدماغ خشکی مبتلا هستیم یا خیر چون کلمه خوبی نیست ما هم میگوییم انشاء الله دماغ خشک نیستیم ولی با این دلخوشی که بخود میدهیم که مادماغ خشک و دیوانه نیستیم نباید موضوع مهمی را ندیده بگیریم و این موضوع مهم اینست که چطور دماغ خشکی پیدا میشود و وقتی پیدا شد چه تأثیری در اعصاب و مغز و بالاخره در بدن دارد لذا باید قبلاً توجه شود که آبهای زاید بدن از چند طریق از بدن خارج میشوند.

الف - بطور ادرار و از راه کلیه‌ها و مثانه و مجاری بول

ب - از راه بینی و دهان و مخصوصاً وقتی رطوبت در مزاج زیاد شود گذشته از افزایش رطوبت دماغ در موقعی که شخص خواب است از دهان او نیز بی اختیار آب جاری میشود و روی متکا و یا بالش میریزد و این حال برای بچه‌ها زیاد پیدا میشود.

ج - از راه عرق کردن و بدین وسیله در موقع حرکت و یا گرما آب زیادی از بدن خارج میشود.

د - از راه چشم بعضی افراد که گریه نمیکنند و آب در چشمهای آنان زیاد میشود بریزش آب از چشم و یا عوارض دیگر گرفتار میگردند و گریه کردن در حد اعتدال بسیاری آب و کثافات دیگر را از چشم و دهان و بینی شخص خارج میکند و این عمل طبی باندازه مهم و پراهمیت است که باید گفت در هر مرتبه گریه کردن برابر چند هزار ریال خرج معالجه و دوا و حق الزحمه

دگر کثافت از سر و مغز خارج میشود و میتوان گفت که در اثر همین کار کوچک یعنی گریه کردن گذشته از انعکاسات روحی همان مقدار آب و کثافتاتی که از چشم و دهان و دماغ خارج میشود بیهشت بهداشتی برای شخص ایجاد میشود و مسلماً خروج آبهای زاید و کثافتات مغز در جلوگیری از سرطان و یا امراض دیگری نیز موثر میباشد و اگر این کثافتات از سر و مغز خارج نشود ممکن است در سر ایجاد چرک کرده و یا عوارض دیگری بوجود آورد و یا مقدمه پدید آمدن امراض دیگری بشود.

گرچه توضیحات راجع به خروج آبها از بدن میباشد در قسمت آنها گفته شده باشد ولی از لحاظ اهمیت فعالیت و یا عدم فعالیت اعصاب دماغ در اینجا بآن اشاره میکنیم و باز برای روشن شدن موضوع اضافه می‌نمائیم که اگر در وضع مردمانی که خارج از شهرهای بزرگ و یا در محل‌هایی زندگی میکنند که وسایل نقلیه کم و زیاد در محل‌های عمومی آنان رفت و آمد نمیکند و در نتیجه فضای تنفسی آنان مملو از گرد و خاک و کثافتات و بوی تعفن روغن‌های سوخته اتومبیلها و دوگازوئیلها (که مهمترین اثر را برای مسلول کردن و بیمار نمودن افراد دارد) نیست توجه نمائیم می‌بینیم گذشته از اینکه بعلمت دور بودن از شنیدن صداهای دلخراش راحت‌تر زندگی کرده و آثار عصبانیت و جنون در آنان کمتر است برای اینکه گرد و خاک و بوهای کثیف و متعفن در محیط تنفسی آنان نیست از اینجهت فشاری با اعصاب دماغ آنان وارد نمیشود لذا اعصاب دماغشان کرخ نشده و از کار نیفتاده و عمل طبیعی خود را انجام میدهد و ترشحات دماغی مردمان ساکن این قبیل جاها زیادتر از ساکنین شهرهای بزرگ است و بهمین جهت هم افرادشان کمتر دچار امراض عصبی و روحی شده و شاید هم یکسالت‌های دیگر نیز کمتر مبتلا شوند در صورتی که ساکنین شهرهای بزرگ و جاها نیکه بعلمت عبور و مرور اتومبیلها و وجود دود و گازوئیل و یا سایر بوهای متعفن با هواهای کثیفی سروکار دارند اعصاب دماغشان از حساسیت افتاده و دیگر ترشحاتی نمیکند لذا اغلب بدماغ خشکی مبتلا بوده و بیشتر آثار کرب در آنان ظاهر میشود و صرف‌نظر از اینکه بعلمت بو کردن هواهای کثیف و متعفن و کرخ شدن اعصاب بینی و عدم خروج آبهای زاید آنها و کثافتات در اعصاب سر دامه شده و در نتیجه در سر فشار زیادی با اعصاب و مغز وارد میکند و ناراحتی‌ها و امراض روحی و عصبی زیادی پدیدار میشود و یا گاهی آبهای زاید بعهده وسینه و یاریه‌ها ریخته و مشکلات زیادتر و عوارض بیشتری بوجود می‌آید.

تأثیر و تحلیل آبهای زیاد در اعصاب و مغز سبب جلوگیری از فعالیت

کامل اعصاب دماغ میشود و در نتیجه این عمل و یا تحریکات بیمورد دیگر ضعف و سستی زیادی در اعصاب ایجاد میگردد و استقامت اعصاب در مقابل امراض کم شده و بدن آماده قبول هر نوع بیماری میشود و از کجا معلوم که همین بو کردن هواهای متعفن ناپاک و اجتماع آنها و کثافات مغز و فشار آنها با اعصاب سبب پدید آمدن سرطان و سل و غیره نباشد.

۴ - بوها:

بطوری که همه تجربه نموده و میدانیم بوی خیلی از گلها و عطرها برای مغز انسان دلنواز و روح پرور و فرح آور است و خیلی از آنها هم برای اعصاب مغز مضر بوده و حال خستگی و گرفتگی و سردرد زیادی ایجاد مینمایند و همچنین استعمال عطرها و بوهای خوب یا بد هم واکنش شدیدی در مغز و در نتیجه در بدن و بالاخره در سلامتی و مرض دارند مثلاً ممکن است از بو کردن عطریا گلی سردرد ایجاد و از بو کردن عطر و گل دیگری سردردی مرتفع شود و بفرض اینکه بوها در سلامتی و مرض تأثیر کلی نداشته باشند از نظر فرح و انبساط یا تنفر و انزجاری که برای روح و بدن ایجاد مینمایند قابل توجه میباشد.

معروف است که حکیم بزرگ و مایه افتخار ایران محمد زکریای رازی از بازار عطر فروشها میگذشت مرد رنگریزا چرمسازی را که با بوهای متعفن و کثیف رنگریزی یا دباغی مانوس بود دید که بعلت تأثیر شدید بوهای لطیف عطر در اعصابش در وسط بازار بیهوش افتاده و در خطر مرگ است فوراً دستورات او را بمحل کار خود بردند بوهای منتشره در محل کار او که با اعصاب دماغی او آشنائی کامل داشت فوراً او را بیهوش آورد و از خطر مرگ نجات داد (و انصافاً باید چراغ برداشت و عقب چنین طیب هائی گشت).

۵ - میگویند بوی سر که رفع بعضی سردردها و نزله را میکند و بوی گل رازقی و یاس تحریک نزله مینماید و همچنین قدیمیها در مواردیکه کسی بیهوش میشد و دست رسی بدو انداختند گاه گل آب میزدند و جلوی دماغ شخص بیهوش شده میگرفتند بیهوش می آمد.

بدیهی است منظور ما اشاره باثر و خاصیت سر که و گاه گل و غیره میباشد و قصد تائید آنها را نداریم.



فصل ششم - نورها

۱ - نورها :

نور که ضد و مخالف ظلمت و تاریکی است بچند قسمت تقسیم میشود مثلاً در وسط روز و یا قبل و یا بعد از ظهر و عصر نور وسط حیاطها و خیابانها یا بیابانها با نورهای اطاقها و زیر زمینها یکی نیست و همچنین شفافیت و شدت اثر نور در تابستان و زمستان و بهار و پاییز فرق میکند و همچنین نور پیش از آفتاب و نور آفتاب در ابر و بی ابر و نور ماه و نور ستارگان با هم فرق و امتیازاتی دارند و با توجه باینکه فعلا دستگاهی نیست که تأثیر نورهای مختلف را در حیات و سلامتی ما نشان داده و نسبت تأثیر خوب و بد آن را در زندگی ما معین کند باید گفت نورهای مختلف تأثیرهای گوناگونی در حیات و زندگی ما دارند .

۲ - اثر نورها :

اگر در اطاق تاریکی چند گلدان گل بگذاریم و بعد از یکطرف آن اطاق نور وارد نمائیم بطوری که یکطرف اطاق کم نور و طرف دیگر پر نور باشد در این موقع می بینیم که شاخه های گل بطرفی که نور دار است متمایل میشوند گرچه فعلا دستگاهی وجود ندارد که تأثیر نورهای شدید و یا ضعیف و یا انواع نورها را مانند نور حاصله از تابش خورشید نور حاصله از هوای ابردار و نور مهتاب را سنجیده و میزان تأثیر آن را در نبات یا انسان معین کند با این حال از بیسان این مطلب نمیتوان خودداری کرد که انواع نورها تأثیرات مختلفی در نبات و در بدن دارند و اخیراً هم دستگاههایی برای دادن نور بوسایل علمی اختراع شده خلاصه منظوریست که از نورهای مختلف نتایجی برای بدن و نباتات مترتب است و گاهی این نورها با موقعیت مزاجی انسان تطبیق میکنند و زمانی یا نور قوی و بدن ضعیف یا بدن قوی و نور ضعیف میباشد و باعث زحمت شده و عوارضی ظاهر میشود.

۴- دو مثال جالب توجه:

الف - وقتی چشم و ترکیبات آن قوی است میتوان نور خورشید و نور قوی چراغ اتومبیلها را و یا تشعشعی که از تابش نور در سپراتومبیلها و غیره حاصل میشود و بر اقی برف را تحمل کرد ولی وقتی چشم ضعیف شود نورها و تشعشعها بحدت چشم را اذیت میکنند خوشبختانه چون چشم هم تحت تأثیر موقعیت غذایی واقع میگردد بعلمت تغییراتی که در اثر خواص غذایی در بدن پیدا میشود چشم هم تحت تأثیر واقع شده و گاهی ضعیف و گاهی قوی میشود بهمین دلیل اثر نورها و تشعشعهای مختلف روزی چشمها را اذیت میکند و روزهای بعد در چشمها اثر محسوس ندارند و باز بنا بر تاثیر خواص غذایی ممکن است چشمها قوی و ضعیف شده و تاثیر آن در مقابل نورها کم و زیاد شود و یا روزی نور چشم قوی و روز دیگر ضعیف گردد.

باز در اینجا باید بیکی دیگر از اشباهات طبی امروز اشاره نمایم که آقایان اطباء و متخصصین چشم تصور مینمایند روی قاعده توارث بچه‌هایی که چشمهایشان ضعیف است ضعف چشم آنان هم ارتباطی بنسلهای گذشته دارد و اگر نور چشم بچه‌ای کم و یا ضعیف شد باید تا آخر عمر چشمش بهمان حال باقی بماند و یا ضعیف‌تر شود لذا عینکهای نمره دار برای آنان تجویز میکنند و از طرف دیگر با اصطلاح ضرب المثل معروف که میگویند (اگر کاسه‌ای شکسته شد و یا ترک برداشت) بفرض اینکه بند هم بخورد همیشه صدای **مرك** میدهد تصور مینمایند بچه‌ای که چشمش ضعیف شده یا نمی‌بیند باید همیشه بهمین حال باقی بماند در صورتی که اینطور نیست چشمهای بچه‌ها در حال ترقی و نمو است بامختصر توجهی در غذای آنان میتوان بدون تشبث به عینک ضعف چشم بچه‌ها را مرتفع نمود در صورتی که اگر بچه‌ها از کوچکی عادت به عینک کنند خیلی زود مردمان علیل چشمی شده از دید چشم محروم خواهند شد.

ب - بسیار دیده شده اشخاصی که در زندانهای تاریک مدتی بسر برده‌اند بواسطه فقدان نور روز بروز بدنشان ضعیف شده و گاهی هم بهمین علت مرده‌اند و بفرض اینکه این قبیل اشخاص در زندان نمیرند و روزی آزاد شوند اگر در موقع خروج از زندان رعایت احتیاط را نکرده و یکمرتبه چشم خود را بنورهای شدید متوجه نمایند فوری کور شده از دید چشم محروم میشوند و همچنین وقتی از محل پر نور و یا تاریکی میخواهیم بمحل بی نور و یا روشن وارد شویم بواسطه اصطکاک و بهم خوردن ناگهانی

• تعادل نور و تاریکی و تأثیر فوری آن در چشم چند لحظه چشم ما خیره شده و چیزی نمی بیند بعد کم کم بمحیط آشنا می شود .
بطور کلی نورهای مستقیم و غیر مستقیم و شدید و ضعیف اثر های مختلفی در بدن دارند و تشخیص نسبت اثر آن در بدن فعلا خیلی مشکل است ولی با دادن نور بیک بدن ممکن است آن را تقویت کرد و یا ندادن نور هم بدن دیگر ممکن است آن را مریض نمود و بطور کلی نور در سلامتی تأثیر بزرگی دارد و فقدان آنهم ناراحتیها و مشکلاتی پدید می آورد.



فصل هفتم = صداها

۱- صداها :

متأسفانه یا خوشبختانه باید گفت که بدن ضعیف و ناتوان و در عین حال قوی و نیرومند تحت تأثیر صداها واقع میشود یک صدای لطیف زنانه در مغز و اعماق روح انسانی اثر میکند یک صدای خشن مرد یا زنی مدتی شخص را ناراحت مینماید اگر ما ایستاده باشیم پشت سر یا پهلوئی ما ناگهان بشقاب مس و یا ظرف بلور یا چینی بزمین افتد تحت تأثیر صدا بی مقدمه و ناگهانی بدن ما تکان میخورد و بعقب برمیگردد و لطیفترین و خشنترین صداها در ما تأثیرات مختلفی دارد نواهای متنوع و آواز و موسیقی در روح و اعصاب ما تأثیر خوب و بد دارد و تحت تأثیر صداهای مختلف حالات گوناگون در ما پدید میآید و گاهی صداهای شدید و مهیب حالات وحشتناکی در ما ایجاد میکنند کسانی که برای اولین مرتبه صدای گدوله تفیک و یا توپ و با خمپارهها را میشوند بلرز خفیف و گاهی قوی مبتلا میشوند و اگر صداها قوی و سنگین باشند بسیار دیده شده که مردان بزرگی باسهال مبتلا شدند حال برای انبساط و انقباض اعصاب مغز تاچه اندازه صداهای سبک و سنگین مفید و یا مضر و برای حال عمومی بدن خوب یا بد است از بحث ما خارج است فقط ما بنمکر حکایتی که تا اندازه ای کیفیت و اثر صداهای مختلف را روشن میکند قناعت مینمائیم :

میگویند یک عالم روحانی را بقصد مورداهانت قرار دادن بمجلسی دعوت کردند که در آن مجلس انواع مشروبات و آلات طرب موجود بود شخص عالم چون قبلاً معتقد بود که وقتی مجتهدی فتوا و حکم میدهد خودش باید نسبت بآنچه حکم و فتوا میدهد علم داشته باشد لذا قبلاً علم موسیقی را از جهت علمی فرا گرفته بود بمحض ورود بمجلس متوجه نقشه اهسانت آمیز صاحب خانه شد بدون اینکه خود را بیازد مقداری سیم خواست و آنرا بقوطی

و با ظرف دیگری بست و در موقعیکه تمام توجه حضار با او بود که چه میکنند شروع بنواختن کرد در اول چنان حال تأثر در حضار ایجاد کرد که همه بشدت گریستند و پس از گرفتن مقداری اشک در نواختن تغییری داد و در نتیجه چنان شغف و انبساط در حاضرین ایجاد شد که بشدت هرچه تمامتر خنده های دامنه دار شروع شد و باندازه ای خوشحالی آنان زیاد شد که همه بیحال شده و از هوش رفتند و شاید جمعی هم در حال بی خبری شلواریهاشان را خراب کردند و عالم مذکور از بیحالی و بی خبری آنان استفاده کرده و بدون آنکه مورد اهانت واقع شود از آن مجلس خارج شد .

۲ - محیط های آرام :

هرچه صداها آهسته تر و محیطها آرام و بی سروصدا باشد امراض عصبی کمتر بوده و آسایش فکر و خیال زیادتر خواهد بود زیرا در محیط آرام انسان بهتر میشنود و بهتر میفهمد و گذشته از آن چون در محیطهای آرام فشار مطالب و شنیدنیها کمتر است ناراحتی اعصاب کمتر خواهد بود و در نتیجه کمی فعالیت اعصاب قوای عصبی کمتر مصرف میشود و خستگی و سستی و رخوت آن نیز کم خواهد بود .

۳ - قدرت تحمل اعصاب :

باید توجه داشت که اعصاب قدرت تحمل و استقامت و یا فعالیت بی پایانی ندارند یعنی فشاریکه میتوان با آنها وارد کرد حد و حدودی دارد صحیح است که قوه استقامت اعصاب در افراد و محللهای مختلف متفاوت است با اینحال اعصاب هر فردی از افراد در هر درجه و مقامی که باشند باز دارای قوه و استقامت بی پایانی نیست و باز در حد مشخصی محدود میگردد لذا سروصدای زیاد برای تمام افراد مضر بوده و بعلمت فعالیت شدید اعصاب برای مقاومت با آن سبب کوتاهی عمر میشود . نیز اگر حساب و کتابی در کار باشد و اگر مقرر گردد گردش کارها روی منافع فردی و اجتماعی تابع قواعد و اصولی باشد باید موضوعهای مهم اجتماعی پس از مطالعه و بحث روی پایهها و قواعد محکمی استوار شده یعنی مطالب مهم بنا بر اصول حیاتی فرد یا اجتماع چنان قوت گرفته و رسمیت یافته و صورت عمل بخود بگیرد که کسی نتواند از رعایت آن خود داری نموده و نسبت بانجام آن بی اعتنا گردد در چنین صورتی اعصاب افراد اجتماع قوی شده و کسانی هم که دارای اعصاب ضعیف میباشند کم کم در اجتماع اعصابشان تقویت یافته و از کسالتها و امراض روحی و یا دیوانه شدن نجات مییابند .

۴- تاثیر صداها در اعصاب :

صداهاى خوب و بد نازك و خشن طبيعى يا مصنوعى موافق يا مخالف ضعيف يا قوى داراى اثرات متنوعى در اعصاب ميباشند مثلاً كسانى هستند كه صداى شكستن يك ظرف و يا تر كيدن يك طرقة و از اين قبيل صداها آنان را ناراحت ميكند و در مقابل آنها هم كسانى هستند كه شنيدن صداهاى خمپاره ها و بمبها براى آنان عادى و بى اهميت است زياد هستند كسانى كه در كارخانهجات با شنيدن خشن ترين صداها عادت كرده اند با اينكه در اثر تماس با انواع صداها ميتوان بشنيدن آن عادت كرد باز بايد دو موضوع ياد آورى شود .

الف - اگر شخص عادى براى اولين مرتبه صداى يك طياره را از نزديك بشنود فشار صدا بنسبت هاى مختلف در دو طرف شقيه و سر او ايجاد درد ميكند.

ب - بفرض اينكه اشخاصى عادت كنند بنسبت هاى مختلف صدا هاى مهيب و خشن و قوى را بشنوند و سر دردى هم ظاهراً براى آنان پيدا نشود فعاليت شديد و قواى زيادى كه اعصاب براى شنيدن و تحمل آن صداها از خود ظاهر ميكند اثر زيادى در اعصاب داشته و نتيجه آن سفيد شدن موهاى سر و كم شدن عمر اين قبيل افراد ميباشد.

بهر حال صداها تاثير مختلفی در اعصاب داشته و اين تاثيرات هم بنسبت هاى مختلف براى بدن گاهى مفيد و زمانى مضر است.

۵ - باقى ماندن اثر صداها در اعصاب :

مطلب بسيار مهمى كه داراى اهميت زياد ميباشد موضوع باقى ماندن اثر صداها تا مدتتها بعد در اعصاب ميباشد براى روشن شدن موضوع ناچار بندگريشاهدى ميباشيم :

شاگرد شوفرى ميگفت از بس ما در روزها داد ميزنيم (حسن آباد - توپخانه - بازار - مربوط بموقعى است كه اتوبوس رانى در تهران شركت نشده بود) شبها كه ميخواستيم با اينكه بعلمت خستگى زياد هر چه مارا براى شام خوردن صدا ميزنند بيدار نميشويم درميان خواب مرتب داد و فرياد ميكنيم حسن آباد . توپخانه . بازار و از بس اين عمل در خواب تكرر شده خانواده ما هم عادت بشنيدن داد و فرياد ما كرده اند فقط تفاوت عمل شب و روز ما اينست كه ما در روز براى گفتن (حسن آباد . توپخانه . بازار) حقوق ميگيريم ولى در شب كار ما مجانى و بى اجرت است.

از شرح بالا این نتیجه حاصل میشود که کلیه صداهائی که ما میشنویم و یاد داد و فریادهائی که راه می اندازیم در اعصاب ما منعکس میشود و حال اگر بعزت زیادی صداها و شلوغی محیط زود عکس العمل صداهائی که ما میشنویم در ما ظاهر نمی شود دلیل از بین رفتن آن نیست و کم و زیاد ما تحت تأثیر صداهائی که شنیده ایم دیر یا زود واقع شده و مسلماً خستگی عکس العمل آن در ما منعکس شده باقی میماند و ممکن است روزی باعث زحمت شود.

۶ - تأثیر صداها در هیجانات عصبی :

صداهاى شدید و صداهاى تند و صداهاى زیاد اول هیجان و بعد خستگی و بعد رخوت و یا مرده گی عصبی ایجاد میکنند و انقلاب روحی و عصبی پدید می آورند که گاهی منجر بجنون و دیوانگی میشود در این قبیل مواقع بهترین راه اصلاح دور شدن از اجتماعات شلوغ و رفتن بمحیط های خلوت و گردش و سیاحت در محلهای آرام و تقریباً از امور عمومی و اجتماعی دور بودن و سر گرم شدن بخواندن کتابهای قصه که مغز را تحریک نکند میباشد.

۷ - تأثیر محیطهای آرام در بدن:

قدیمیها باصل حفظ احترام بزرگان معتقد بوده اند در نتیجه محیط خانه برای حفظ احترام بزرگتران خانه همیشه آرام و بی سر و صدا بوده یعنی محیط آزادی بچهها را کوچکتر می گرفتند تا بزرگترها راحت باشند و امروز مطلب برعکس شده برای ایجاد شخصیت های خیالی در بچهها آنها را در کلیه امور شرکت داده و محیط آزادی آنان را بازتر و وسیعتر میکنند و اگر دو موضوع را خوب بسنجیم می بینیم قدیمیها در عمل خود از ما جاو بوده اند بدلیل آنکه در عملی که آنان میکردند اطفالشانهم باسیر طبیعی و بموقع خود بزرگ شده و از همین جریان استفاده مینموده اند ولی آزادی و ایجاد شخصیت برای اطفال امروز خود سبب شده که آزادی و شخصیت و راحتی بزرگان خانه از بین رفته و روحیه بچهها هم خارج از نوبه و بطور غیر عادی و زودتر از موقع طبیعی بزرگ شده و احساسات آنان تغییر کرده و در نتیجه هم خود آنان ضرر کرده اند و هم پدران و مادران شان بطور کلی روح و اعصاب ما تحت تأثیر انواع صداها واقع میشود و هر اندازه محیط زندگی بی سر و صدا تر و آرام تر و ساکت تر باشد آرامش روحی و عصبی بیشتر است و در نتیجه اعصاب طبیعی تر کار خود را میکنند و بیشتر درک لذایند روحی را می نمایند و بطور قطع عمر چنین مردمانی زیادتر بوده و مردمانی کاملاً سالم میباشند.

۸ - امراضی که از صداها ایجاد میشوند:

با توجه باینکه قدرت تحمل و قبول فشار انواع صداها برای اشخاص متفاوت است و زوی موقعیت مزاج و قدرت و ضعف اعصاب استقامت افراد در مقابل تحمل صدا فرق میکند باید گفت کسانی که در محیطهای پرسر و صدا و شلوغ زندگی میکنند همیشه ناراحت بوده و در مقابل شداید و سختی های حیاتی زود عصبانی میشوند و تدریجاً اعصاب آنان در مقابل صداها حس استقامت و قدرت خود را از دست میدهد و روز بروز عصبانیت و تشنج اعصاب آنان افزوده میگردد و بالاخره دچار بسیاری از امراض عصبی شده و در آخر کار هم ممکن است جنون پیدا کنند و این حال در اشخاص پیر محسوس تر میباشد.

بطور کلی برای حفظ سلامتی و آرامش روح و اعصاب باید از زندگی کردن در محیطهای پرسر و صدا تا حد امکان پرهیز کرد زیرا آنچه مسلم است اینست که فشار سروصدا های محیطهای شلوغ در کوتاه کردن عمر تأثیر زیادی دارد.



فصل هشتم = رنگها

رنگها :

رنگها اعم از رنگهای اصلی مانند سفید و سیاه و سبز و آبی و قرمز و غیره و یا رنگهای فرعی که از ترکیب رنگهای اصلی بوجود می آیند تأثیر زیادی در روحیه و سلامتی و مرض ما دارند و حساس ترین دستگامی که رنگ را در بدن منعکس نموده و بدن را تحت الشعاع قرار میدهد چشم است .

زدست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد در صورتی که چشم سالم باشد در درجه اول رنگ معتدل ، سفید و سبز برای چشم بسیار مفید است و مخصوصاً رنگ سبز و زرد چشم را قوت میدهد و نور آن را زیاد میکند رنگ قرمز قوای شهوانی را تحریک میکند و بعضی رنگهای تند آنهم عصبانیت و خشم ایجاد می نماید رنگ سیاه چون از حد متعارف بگذرد مخصوصاً در اشخاص رطوبی مزاج باعث صدمه چشم میشود و شارع مقدس اسلام پوشیدن لباس سیاه را بنام لباس متکبران نامبرده و تقبیح کرده و برعکس پوشیدن لباس سفید و کفش زرد را تشویق نموده در خاصیت کفش زرد میفرماید چشم قوت میگیرد و قوه باه تقویت میشود (شاید یکی از علل سستی و بی حالی مردان امروز در امور جنسی همان جلب شدن نور چشم بر رنگ سیاه لباس و کفش باشد) وقتی رطوبت و یا برودت در مزاج زیاد میشود نور قرمز برای چشم خیلی مفید است و بهمین دلیل در خاتمه معالجه اشخاصی که بحصه مبتلا میشوند اند قدیمی ها و جمعی از اطباء جدید تجویز میکرده و میکنند پارچه قرمزی یا بنزدیک چشم مریض گذارده شود و یا نور چراغ را قرمز نمایند تا چشم از نور قرمز استفاده کند و همچنین در وقتی که بچه ها بسرخک مبتلا میشوند پارچه قرمز روی سر و بدن آنها می انداختند تا الک های قرمز زودتر بیرون بریزد بهر حال رنگها در بدن ما اثر زیادی دارند حال اثر شدید و قوی هر یک از آنها تا چه پایه است بعد باید روی آنها مطالعه شود.

فصل نهم - حرکات

۱ - حرکات :

هرگاه بدن غذا برسانیم ولی از حرکت آن جلوگیری کنیم مخصوصاً اگر این عمل را در مناطق مرطوب انجام دهیم بدن همان تنبل و سست و بیحال میشود که پس از مدتی قادر نخواهد بود در حال دراز کش مثلاً پهلوی بپهلوی شود و یا حرکتی بنماید و برعکس بنسبت حرکاتی که بدن در روز و شب انجام میدهد باعث اینست که سلولهای بدن هم حرکات و فعالیت میکنند و عمل تعریق را خوب انجام میدهند آبهای زیاد که سبب تنبلی و سستی سلول و اعصاب میشود از طریق عرق کردن از بدن خارج میشوند و اعضاء و اعصاب قوی در اشخاص پدید می آید دهاتیها که خیلی بادست و پا کار میکنند و گاهی روزی از دو تا ده فرسخ راه میروند دارای پاهای خیلی قوی و محکم و مزاجی سالم هستند و خمیرگیرها و ورزشکاران دارای بازوان قوی میشوند بطور خلاصه حرکات در تقویت و تضعیف سلولها یعنی موجودات زنده بدن و تقویت عمومی آن بسیار موثر میباشد و اطفال این قبیل اشخاص هم خیلی قوی میشوند و اگر این حرکات با تغذیه خوب توأم بوده و در هوای معتدل باشد منافعش بسیار زیاد خواهد بود و فعلاً با اشاره باین نکته که از بیکاری و یک جا نشستن و حرکات نکردن بشدت باید خودداری کرد و اگر بدن کم فعالیت و یا بی فعالیت و بی حرکات باشد خیلی زود دچار عوارض بسیار شده و مریض میشود بر عایت اختصار از بحث بیشتری در این مورد خودداری نموده ضمناً نکته مهمی را اضافه می نمایم که ورزش فقط در حال اعتدال خوب است و زیاد روی آن باعث کسالتهای مختلفی شده و ایجاد ناراحتیهای زیادی می نماید و مطلب مهمتر اینست که کسانی که عضلات قوی و بدن ورزیده و نیرومندی دارند کمتر دارای افکار بلند و قوی و مغزهای متفکر نیرومند و مخترع و مبتکر میشوند یعنی اگر بدن را با ورزش و غذا قوی کنند ولی با امور

روحی و عصبی توجہی نمایند بنسبت ترقی جسمی از جهت امور روحی و فکری پیشرفت زیادی حاصل نمیشود مثلاً اغلب ورزشکاران دارای افکاری کوتاه بوده و فعالیت روحی آنان کم است .

۲- اگر حرکات و یا ورزش بدفعات بیشتری تقسیم و بفواصل مختلفی انجام شود چون تنوع ایجاد میشود برای سلامتی روحی و جسمی بهتر است و قطعاً لذت و کیف این دسته بیشتر از کسانی است که مثلاً یا در صبح و یا عصر ورزش میکنند.

باید توجه داشت که اعظم کارهای جاری بعضی از افراد خود ورزش معتدلی میباشد و دیگر احتیاجی به عملیات شدید ورزش صبح و عصر نیست ولی کسانی که کار روزانه آنان با حرکات کمی تماس دارد ورزش و حرکات اضافی برای آنان مفید است .

۳- غذا باید متناسب با حرکت باشد :

گذشته از اینکه هضم غذا در معده ارتباط مستقیمی با موقعیت مزاجی افراد دارد حرکات عادی و غیر عادی هم در هضم غذا موثر میباشد یعنی کار و ورزش و حرکات زیاد اشتها می آورد و استعداد هضم غذای بیشتری را ایجاد میکند .

لذا میزان غذا باید متناسب با کار باشد و اگر کار زیاد است بساید غذای بیشتر و بهتری خورده شود و الا چربیها و پیه و گوشت بدن در مقابل زیادی کار و تحریک معده آب و مصرف شده و بدن لاغر و خطراتی پدید می آید و اگر کار کم باشد باید از زیاد غذا خوردن خودداری شود که تنبلی معدی و عصبی پیش آمده و تدریجاً سوء هاضمه و یبوست پیدا میشود .



فصل دهم - تأثیرات مهم روحی در بدن

۱ - علل مهمی که عقیده ببقاء روح را ایجاد کرده:

الف - علماء روح شناس با شواهد بسیاری ثابت نموده اند که مکرر ارواحی پس از مرگ بشکل قبل از مرگ خود برای فامیل و دوستان خود ظاهر شده و جمع کثیری این قبیل ارواح را مکرر دیده اند و نیز عده زیادی تجسم روح خویشان یا دوستان خود را که در راههای دور بوده با تظاهر بوقایع زمان فوت یا قتل در همان ساعت مرگ و یا قتل مشاهده کرده و بعد خبر پیدا نموده اند که همانطوری که روح بموقع خود تجسم پیدا کرده و قایع زمان فوت یا مرگ دوست و یار فقیشان همانطور بوده است.

ب - در کتب روحی علماء روح شناس که تحقیقات زیادی در اطراف روح نموده اند زیاد اشاره شده بمردوزن و بچه و سگ و اسب که متفقاً ارواحی را دیده اند .

ج - ارواحیکه بخواب مامی آیند و خواب هائی که ما می بینیم و وقایعی که از آینده در خواب بما خبر میدهند و بدون کوچک ترین اختلافی فردای آن شب و یا چند روزی بعد عین آن خبریکه بماداده شده عملی میشود بهترین دلیل بر وجود مستقل روح میباشد .

د - دوستان و خویشان ما که مرده اند مکرر بخواب ما می آیند دستورات شگفت و نصیحت های موثر حکیمانه بما میدهند و ما را از پیش آمد های خوب و بد آگاه میسازند و از زندگی پر نعمت و یا پر عذاب جدید خود ما را مطلع می نمایند و این کار هم بکرات انجام میگیرد و نیز زیاد هستند کسانی که مرده را بخواب دیده اند و مرده دستور پرداخت دیون مجهول خود را داده و یا چیزهایی که در محلهای مخصوص قبلا مخفی کرده نشان داده و یا اسرار بزرگی را فاش نموده است.

ه - پیغمبرانی که از جانب خدا آمده اند عموماً مردم را متوجه بساقی

ماندن روح پس از مرگ و دیدن پاداش اعمال خوب و کیفر کارهای زشت نموده اند.

بطور خلاصه موضوع مرده‌هائی که مردم در خواب می‌بینند و وقایعی که مردگان پس از مرگ خود با اطلاع خویشان و دوستان خود می‌رسانند با اندازه مهم و جالب توجه میباشد که حق اینست که کتابهای متعدد درباره آنها نوشته شود کتابی که کامیل فلاماریون استاد محترم فرانسوی بنام اسرار پس از مرگ نوشته در مقابل اهمیت مطلب کتاب بسیار کوچکی است و میتواند گفت ذره از خروارها مطلب است.

عقاید مختلف راجع بروح

۲ - عقاید مختلف راجع بروح :

عقاید مختلفی که راجع بروح و حیات بعد از مرگ آن موجود است و توجه افکار و پیداشدن عقیده بروح و بقاء آن در مراحل اولیه بشرح زیر خلاصه می‌شود :

الف - نشریات و مطالعات روحی علماء روح شناس از جهات عدیده ثابت نموده که خلقت روح خلقت جداگانه است و روح پس از مرگ باقی میماند و خاطرات خوب و بد دوره زندگی آن پس از مرگ برای آن مجسم میشود و خاطرات خوب دوره حیات روح را محظوظ و خاطرات بد دنیا و اورا متأثر و گرفتار عذاب روحی می‌نماید .

ب - بشر از اولین روزی که توانسته نسبت بحیات و زندگی و مرگ و پس از مرگ خود فکر نماید و از روزگاری که متوجه مردن شده و از زمانی که بشر بخواب آشنا گردیده و مطالب روشنی را در خواب دیده و فردای پس از خواب و یا مدتی بعد مشاهده کرده که عین آن خواب مجسم شده و تحقق پیدا کرده ناچار باین خیال افتاده که خواب چیست و از کجا می‌آید و چه چیزی واقعه خواب را بخواب مسا می‌آورد و چه قدرتی است که آنچه مادر خواب می‌بینیم عملی نموده و آن را مجسم می‌سازد خواهی نخواهی توجه عمومی بحیات و مرگ و خواب و زندگی بعد از مرگ جلب شده است .

ج - مدتها است که معلوم شده تمام افراد و تمام موجودات یکطور فکر نمیکنند و یک روش یکنواخت در امور روحی ندارند و بعضی اشخاص خوب هدایت میشوند و از هر جهت سعادت مند میگردند و بعضی خوب رهنمائی نشده

و بدبخت میشوند در این سعادت و بدبختی هم نه موقعیت و نه پول زیاد موثر است و نه زور مندی و نه خوشگلی و نه علم و نه جهات دیگر و گاهی این وسایل و یا چیزهای دیگری در تأمین سعادت موثر واقع میشوند و گاهی هم همان وسایل و همان چیزها بی اثر میمانند.

خلاصه از دو برادر و دو خواهر و دو رفیق و دو همشهری یکی سعادت مند و دیگری بدبخت میشود حال چرا یکی سعادت مند و یکی بدبخت میشود و یا یکی در زندگی دچار فتح و ظفر میشود و دیگری دچار شکست معلوم نیست اگر بگوئیم یکی خوب فکر کرده و یکی خوب فکر نکرده خوب چطور این اختلاف پیدا شده و چرا شخص بدبخت نتوانسته خوب فکر کند فکر از کجاست آید وقتی دو برادر و دو خواهر مرا حلّی را که طی کرده و از نیستی بهستی آمده و بزرگ شده اند همه یک جور و یک نوع و یک نوع بوده چرا باید یکی از آنها خوب فکر کند و آن دیگری بد اساساً فکر چیست چطور درست میشود وجودش چیست وقتی وجود ندارد و جسم ندارد چطور ما او را میشناسیم بهر حال از موقعی که بشر با فکر آشنا شده مرتب برای حل مسائل روحی و عصبی با خود در کشمکش بوده و گفتگوهای زیادی خود بخود و یا با دیگران نموده تا تدریجاً افکار بشر از تخیلات و خرافات و اوهام بیرون آمده در محلی متمرکز شده و اعتقاد پیدا کرده که همیشه گفت تمام اتفاقات و وقایع و حوادث و کلیه امور یک تاحال در دنیا ظاهر شده تصادفی و اتفاقی و یا تمام روی افکار و خیالات افراد بشر بوده است.

بالاخره باین فکر رسیده که تمام اختلافاتی که در جهان دیده میشود باید منشاء و مسببی داشته باشد خلاصه از راههای بسیاری بشر پی برده که روح انسان پس از مرگ از بین نمیرود و باقی میماند و وقتی باقی ماند مسلماً باید محل و مکان و اوضاع و احوالی داشته باشد و نیز پی برده و معتقد شده که جهان بی ابتداء و بی انتهای با این همه عجایب خلقت بیهوده و خود بخود خلق نشده یا پدید نیامده و باید خالق داشته باشد.

مطالب بسیاری زیر دست و پای ماریخته و از زیادی وضوح و آشکاری ما بآن عنایت نداریم مثلاً اگر قدری فکر کنیم که معنی این شعر و یا اشعار دیگری که مورد توجه و علاقه و استعمال مردم است چیست .

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

خوب چرا شاعر این شعر را گفته چه چیزی او را متوجه معنی شعر نموده و چرا این کلمات را بهم متصل کرده چطور متوجه مکافات عمل شده چه مطالبی او را معتقد نموده که خوب، خوب بار میدهد و بد، بد چه نیروئی

قدرت دارد نتیجه خوب یا بد را خوب و بد بدهد این نیرو کجا است و چگونه
 خوب و بد را تشخیص میدهد ناچاریم بگوئیم این شعر بخودی خود درست
 نشده و بخودی هم تا حال باقی مانده و بیجبهه سالهای متمادی بشر از آن
 استقبال نکرده و او را حفظ نموده است.

بهر حال معتقدات و عقاید بشری با مقدمات زیادی پدید آمده آنهاست که
 پایه محکمی داشته و عامه مردم بآن توجه نموده تا حال باقی مانده و بقیه
 تدریجاً ضعیف شده و از بین رفته است.

د - برخلاف پیشوایان سیاسی جهان که بایک مشت دروغ مردم را
 اغفال نموده و از هر جبهه منافع خود را رعایت میکنند مردمی بنام پیغمبر در
 دنیا ظهور نموده که بدون چشم داشت بمال مردم و یا داشتن فکر استفاده
 از این و آن مطالب عجیب و بزرگی را ادعا نموده و صدق ادعای خود را هم
 با عمل ثابت کرده اند و اگر کمی در تاریخ ظهور پیغمبران مطالعه نمائیم
 عظمت کارهایی که پیغمبران انجام داده اند ما را متحیر و مبهور میکند خلاصه
 این پیغمبران همه متفق گفته اند خدائی هست و خدا موجودات را خلق کرده و
 نظم آنها را حفظ میکند زندگی و مرگ موجودات بدست اوست پس از مرگ
 بحساب و اعمال خوب و بد مطابق حقیقت واقعی مطالب رسیدگی میشود بکار
 های خوب پاداش های خوب و بکارهای بد پاداش بد میدهد.

ه - علماء مادی معتقدند اساساً روحی وجود ندارد تا زندگی پس از
 مرگ وجود داشته باشد و روح را بدون اینکه وجود خارجی برای آن قائل
 باشند نتیجه فعالیت سلسله اعصاب میدانند و برای پدید آمدن موجودات
 هم عقایدی دارند که قبلاً شرح داده شده و از بحث ما هم خارج
 است که وارد بحث و اثبات وجود روح و یا عدم وجود آن بشویم.

۳- وجود روح یا فعالیت سلسله اعصاب

نظر ما از تأثیرات مهم روحی در بدن مطلب دیگری است و میگوئیم
 اعم از اینکه روح وجود داشته و یا نداشته باشد اعم از اینکه روح موجودیت
 مستقلی دارا باشد یا نباشد و یا بعد از مرگ باقی بماند یا نماند و اعم از اینکه
 بگوئیم روح همان حس و فعالیت سلسله اعصاب و یا نتیجه گردش خون و حیات
 انسانی است و یا آن را خالق پدید آورده و یا خود بخود بوده و سیر تکاملی
 نموده خلاصه بهر صورت و بهر کیفیت و بهر اسم و رسمی که مایلید آن را روح
 یا روان و یا فعالیت سلسله اعصاب نام بگذارید و بهر طریقی که آن را اسم

گذاری نمائید ما میگوئیم صحیح است ولی ما مطلبی را بآن اضافه نموده
 و میگوئیم همه خوردنیها و نوشیدنیها و دیدنیها و خواندنیها و شنیدنیها و
 آنچه محسوس میباشد خلاصه همه چیز حتی حرفهای عادی و تعارف راست
 یادروغ تأثیرات مهم و بزرگی در روح یاروان و یا فعالیت سلسله اعصاب
 و یا مغز سر انسان داشته و در بدن هم منعکس شده و حالات مختلف و
 گوناگونی پدید میآورند و اینک برای روشن شدن موضوع باید بمطالب
 زیر توجه شود :

الف - بطوری که قبلاً گفته شده بوسیله اعصاب ریزی بخار لطیفی
 از غذاهائی که میخوریم جذب و بمرکز اعصاب مغز میرسد و آثار روحی آنهم پس از
 صرف غذا فوراً برای ما محسوس میشود گاهی بعد از صرف غذا خوشحال و مسرور
 و زمانی غمگین و عصبانی میشویم و غذا سبب تقویت یا تضعیف اعصاب میگردد.
 ب - هواهای سرد و گرم و مناظر خوب و بد و هوای گلزارها و چمن
 زارها و کوهستانهای سنگی و خاک کی و شنزارها و نمکزارها و کویرها و غیره
 کلیتاً در سلولهای بدن تحلیل رفته و در نتیجه در روحیه ما تأثیر کرده و حالات
 مختلفی پدید می آورند.

انقلاب مساعد و نامساعد روحی در بدن

۴ - چیزهایی که انقلاب مساعد و نامساعد روحی و
 عصبی در بدن ایجاد میکنند :

هرچه چشم ما می بیند و آنچه از راه گوش در مغز ما منعکس میشود
 و هرچه میخوانیم خلاصه همه چیز حتی مطالب بسیار کوچک پیش پا افتاده
 عکس العملهای خوب و بدی در روح و یا مغز و اعصاب ما دارند مثلاً:

الف - اگر بکسی وارد شویم و آن شخص بانشان دادن يك صندلی
 بمانگوید استدعا میکنم بفرمائید و یا خواهش مینمایم بفرمائید یا
 بفرمائید بنشینید و یا بنشین و یا بتمرك . این پنج طریق تعارف که بانشان
 دادن يك صندلی بیان میشود و منظور هم نشستن روی صندلی است آیا يك حال
 در ما پدید می آورد ؟

البته خیر زیرا از تعارف قسمت اول و دوم ما خیلی خوشحال میشویم و
 از قسمت سوم حال متوسطی خواهیم داشت و از قسمت چهارم و پنجم حال
 کسل کننده و برزخی برای ما ایجاد میشود حال هر اندازه شخص تعارف
 کننده دارای شخصیت بزرگتری باشد احساساتی که از تعارفات مختلف

او درما پدید می آید تند تر و شدید تر بوده و شاید تا آخر عمر هم از زیاد مانرود .

ب - صفات عالیہ و آنچه بنام اخلاق خوب معروف شده مانند رحم ، انصاف ، عدالت خواهی ، نوع دوستی ، عفو ، حلم ، حسن خلق ، حسن ظن ، نوازش زبردست ، طرفداری از بیچارگان ، راستگوئی ، امانت - داری ، حق پرستی و غیره اعم از آنچه خودما عامل آن باشیم و یا دیگران عامل آن باشند ایجاد رضایت فوق العاده در ما مینماید که تأثیر کلی در روح و سلامتی جسم ما دارد .

ج - صفات زشت و آنچه بنام اخلاق بد معروف شده مانند . حسد . بخل . کینه . شقاوت . غضب . خودپسندی تکبر . غرور . انتقام . خود خواهی . دروغگوئی . دزدی . هرزگی و غیره کدورت خاطر شدید و التهاب و بد خلقی و فشار روحی برای ما بوجود می آورد .

شرح کامل صفات خوب و بد و اهمیت اجتماعی آنها از بحث ما خارج است و فقط میگوئیم اثرات خوب و بد فردی و اجتماعی صفات نامبرده بسیار زیاد است و اگر خود ما هم دارای چنین صفات و اخلاقی باشیم اثرات خوب و بد آنها برای ما لذت و زجر روح و جسم ایجاد نموده و ما را به نسبت زیادی خوشبخت و بدبخت یا سالم و مریض میکند و بفرض اینکه از وجود صفات مذکور و آثار آن در خود بی خبر باشیم وقتی ظهور و تجلی آنها را در دیگران به بینیم تحت تأثیر قرار گرفته و زبان بمدح یا ذم میگشاییم مثلا کسیکه خودش دروغ می گوید وقتی می بیند دیگری ضرر میکند و خسارت میکشد ولی دروغ نمی گوید و از راه راست منحرف نمیشود و یا با فقر زندگی میکند ولی با امانت خیانت نمیکند و یا دارای صراحت لهجه و شجاعت بیان و عمل میباشد یک حس احترام و محبتی نسبت با او در خود احساس می نماید و همچنین اگر آدم خیانت پیشه و فاسد و دزدی را ببینیم با اینکه شاید حساب و کتاب خود ما هم از او بهتر نباشد باز حس تنفر از او در ما پیدا شده و حاضر نیستیم او را دوست بداریم ممکن است گفته شود که خیلی از اشخاص بد اخلاق بمصداق کور کور را میجوید و آب گودال را رفقای هم صفت خود را دوست میدارند .

باید متوجه بود که این حال وقتی پیدا میشود که با اصطلاح عمومی عادت طبیعت ثانوی آنها شده و بواسطه زیادی عمل غرایز فطری آنها تحت تأثیر صفات و اعمال مخالفی واقع گردیده و بآن عادت کرده باشند

و این قبیل اشخاص مریض و قابل معالجه می باشند و ارتباطی با اشخاص عادی ندارند بهر حال برای اینکه بهتر پی ببریم که تأثیر صفات نامبرده بالا تا چه اندازه در زندگی موثر بوده و ممکن است ایجاد خوشبختی یا بدبختی برای ما بکنند خوب است بعکس العمل های این قبیل صفات توجه کنیم

میگویند در روز گار سابق تاجر حسودی برای اینکه نمیتوانست همسایه و رفیق خود را در سعادت و راحتى به بیند فرمان آزادی غلام خود را نوشته باو داد ضمناً بغلام امر کرد باید مرا روی پشت بسام تاجر همسایه سر ببری تا آن تاجر زندانی و کشته شده و کاخ سعادتش واژگون گردد غلام هم هرچه اصرار کرد که این کار عملی نشودنشد بالاخره اجباراً چنین کاری کرد و فرار نمود و پس از مدتی عبورش بآن شهر افتاد دید تاجر بیگناه متهم بقتل را برای کشتن میبرند غلام پیش رفت و حقایق را گفت و تاجر را نجات داد.

البته بخلها و حسد های امروز هم دست کمی از زمان گذشته ندارد با تفاوت اینکه تظاهرات و آثار آن بصورت متمد نانه تر و بیاطن خطرناکتر و مخوف تر در آمده است بهر حال این صفات خوب و بد با خلقت انسانی همیشه همراه بوده و هر زمانی که افراد جامعه تحت تأثیر تبلیغات دینی و مراقبت دقیق قرار گرفته و بسمت خوبیها کشانیده شده سعادت مند و بزرگ گردیده و هر زمانی که در اثر هرج و مرج محیط بسوی بدیها و فساد اخلاق متمایل گردیده دچار سیاه روزی و بدبختی شده اند.

۵ - کلمات و اخبار:

روحیه و افکار ما تحت تأثیر کلمات و اخبار و حوادث و اشعار و موسیقی و صداهای مختلف حتی تعارفات پسنهیده و ناپسند معمولی و عبارات و جملات و محاوره و گفتگوهای عادی و عمومی و طرز بیان مطلب و گفتار نیکو و یازشت واقع میشود و بشدت هرچه تمامتری ما را بهیجان آورده مسرور و آرام یا غمگین و عصبانی مینماید بطور کلی کلیه امور جهان روی مدار حرف گردش میکند همین حرف و منطق و بیان ممکن است مسبب سعادتها و خوشبختیها و یا دوستیها و یا وسیله بدبختیها و ذلتها و دشمنیها شود با همین حرف و زبان میشود هزاران نفر را راضی و خوشنود نموده و یا ناراضی و عصبانی کرد و وقتی کلمات روی موازین علمی ترکیب شده و توأم با محبت و حسن تفاهم اداء گردد قدرت دارد شکسته ترین و

مخزون ترین قلبها و مأیوسترین و ناراحت ترین ارواح و پریشانترین دلها را اصلاح نموده و قوام آورد و اشخاص ناامیدی را امیدوار کند و اشخاص ضعیف النفس و ناتوان روحی را که در مقابل شکستها و بدبختیها و گرفتاریها تصمیم بخود کشی میگیرند از افکار و تصمیمهای ناصحیح و غلط خود منصرف نموده و بزنگی آنان را علاقمند و امیدوار نماید.

۶. موفقیتها و مغلوبیتهای خیالی:

يك موضوع بی اندازه جالب توجه موفقیت های خیالی و روحی و مغلوبیتها و ناکامیهای آنست که هر دقیقه اعصاب و مغز ما را زیر نفوذ خود گرفته و با اینکه ممکن است تا پایان عمر هم آن موفقیتها و آن مغلوبیتها را نه بینیم باز شدت هر چه تمامتر تحت تأثیر اینوضع خیالی و این روحیه انقلابی قرار گرفته بی جهت حال رضایت آنی و اطمینان بکامیابی آینده و یا یأس و ناامیدی از مغلوبیتها و ناکامیهای گذشته و حال و آینده در ما پیدا میشود و تا آخرین حد امکان ما را محظوظ یا غمگین می نماید و اثرات مفید یا مضر بیشتری هم برای ما دارند.

۷. مکالمات عمومی:

یکی از چیزهای عادی که در روحیه خیلی تأثیر دارد حرف و مکالمات عمومی است اگر در زندگی مردم توجه نمائیم می بینیم سالها دشمنی و کینه ورزی های آنها نسبت بهم از حرفهائی شروع شده که عمدا یا سهوا یا عادتاً میان آنها رد و بدل شده و همچنین می بینیم جمله های کوچکی سبب دوستیهای پر منفعتی شده بطور خلاصه همین حرفهای عادی و سوء تفاهمات و حسن تفاهمات گاهی شدت ما را بخشم می آورد و غضب و عصبانیت شدیدی برای ما ایجاد میکند و گاهی فوق العاده ما را نسکین میدهد و حال خوشی برای ما پدید میآورد و اثر موافق یا مخالف آنها هم گاهی بنسبت زیادی برای ما مفید و گاهی مضر و خطرناکست.

۸. ترس:

يك موضوع دیگری از موضوعات روحی ترس است که گاهی بنسبت زیادی برای ما مفید و گاهی مضر بوده و خطر مرگ دارد علمی که ایجاد ترس میکند گاهی مادی و گاهی خیالی و روحی است در مورد ترس از عمل مادی میتوانیم بگوئیم با استفاده از قوای جسمی غریزه حس فرار از ضرر ما را متوجه خطر و صدمه میکند ولی در مورد ترس خیالی و روحی اینطور نیست.

مثلاً اگر کسی خواب نامساعدی به بیند و یک روح شریری او را در عالم خواب مورد حمله قرار دهد آثار این ترس و وحشت فوراً در جسم او ظاهر شده و اگر کسی متوجه او بشود فوراً میفهمد در اثر خواب بدی شخص خواب رفته ترسیده است و گاهی فکر پیش آمد های نامساعد و یا ضرر های و خسارتها و شکستها ما را آزار میدهد و گاهی ممکن است همین افکار سبب شود که ما تصمیمات مساعد و نامساعدی اتخاذ کنیم که گاهی مفید و زمانی مضر و وقتی بجا و موقعی بیجا است.

بطور کلی ترس از جهت تعدیل اعصاب و روح برای بدن لازم و در صورتیکه ترس از حد اعتدال بگذرد برای بدن مضر و خطرناک است ترس از لحاظ روحی سبب میشود کارهای مفید و مهمی انجام شود و یا کارهای نامساعد و مخالفی انجام نگردد.

۹. قوت فکر یا روح :

قدرت و حرارت روحی و فکری تأثیر مهم موافق و مخالفی در بدن داشته و سبب کارهای بزرگی شده و تحولات فردی و اجتماعی زیادی پدید میآورد و قوت فکر و روح در معالجه و دفع امراض هم موثر میباشد برای دفع سم و یا سایر مواد مضر اهمیت خاصی دارد قدیمی ها حکایتی دارند و میگویند :

روزی زنبور و مار در قدرت تأثیر زهر خود باهم گفتگو داشتند زنبور میگفت زهر تو آنقدرها خطرناک نیست فقط مردم از شکل تو و نام تو میترسند و ما را مدعی بود که اثر زهرش خیلی زیاد است لذا سبب مرگ ما را گزیده ، میشود بالاخره برای اثبات ادعای خود قرار گذارند ما را بکنفران بگزد و زنبور خودش را نشان بدهد و زنبور دیگری را بگزد و ما را خودش را نشان بدهد و این عمل انجام شد کسی که زنبور او را گزیده و ما را خودش را نشان داده بود مرد و آنکس که ما را او را گزیده و زنبور خودش را نشان داده بود زنده ماند بدیهی است کسی ناظر و شاهد این عمل و مذاکره بین مار و زنبور نبوده و ما را های مختلف هم تأثیرات مختلفی دارند ولی منظور اینست که وقتی روح قوت گرفت و نیروی دفاعیه بدن قوی شد هم در روحیه و افکار تأثیر دارد و هم در سلامتی موثر است.

۱۰. توجه روحی :

توجه روحی در بدن تأثیر زیادی دارد و باز برای توضیح منظور حکایتی دیگر نقل میکنیم :

معروف است دو نفر از حکماء و اطباء بزرگ قدیم روزی راجع بزبانی علم خود باهم گفتگو داشتند و بالاخره قرار گذاردند هر دو زهری تهیه نموده و بخورد همدیگر دهند هر کدام خودرا معالجه نمود و زنده ماند زبانی علم و فضلش ثابت شود یکی از آنها شدید ترین زهرهای عصر خود را تهیه نموده و بدیگری داد و آنهم خورد و بسا دوائیکه برای رفع تاثیر زهر تهیه کرده بود خودرا نجات داد ولی حکیم نجات یافته وادار کرد در مدت چهل روز عده زبانی در خانه اش هاو نگهها کوبیدند پس از چهل روز قطره آبی (آب معمولی) بمدعی خود داد چون این شخص در مدت چهل روز بفکر اینککه چه زهری تهیه میشود که اینهمه سر و صدا دارد بکلی روحیه خودرا از دست داده و ضعیف شده بود و ضعف قوای روحیش سبب شد که بمحض خوردن قطره آب خالص مرد.

گذشته از اثری که توجه روحی در معالجه بیماران دارد اصولاً توجه است که منشاء تحولات و انقلابات بزرگ فردی و اجتماعی میشود زیرا گاهی توجه شخص بموضوع و یا چیزی جلب شده و منجر بموفقیتها و پیشرفتها و تغییرات زبانی درزندگی میشود و گاهی هم اصولاً توجه پیدانشده و در نتیجه تغییر و تحولی بوجود نیامده و شخص در حال سکون و توقف باقی میماند.

۱۱- تعلیم و تربیت و عقاید:

بچه های کوچک کلمات را یکی یکی یاد میگیرند تا بالاخره حرف زدن را می آموزند و بعد وارد تعلیم و تربیت میشوند و مطالبی که بآنان آموخته میشود کم کم فرا می گیرند و آنچه می آموزند تدریجاً عقیده آنان میشود.

حال اگر مطالب مفید بیامورند برای آنان و جامعه مفید است و اگر چیزهای بی معنی و کلمات تو خالی و یا مضر فرا گیرند برای خود آنان و محیطی که در آن زندگی می کنند مضر خواهد بود و بطور کلی تعلیم و تربیت و عقیده تاثیر زبانی در روحیه و آرامش و یا انقلابات و هیجانات روحی افراد و اجتماع دارد و عامل بزرگی برای ترقی میباشد.

مثلاً فرض کنیم جوانی دچار بدبختیها و گرفتاریها و ناکامیهای زبانی شده و درزندگی خود همیشه دچار شکست و عقب نشینی گردیده باشد این جوان بهتر است که در فکر تاریکیهای زندگی و فشار بدبختیهای گذشته و خطرات آینده خود غرق و بار روحیه خفه و مأیوس از فعالیت سست و بی حال

و بی اراده مثل يك مجسمه متحرك ادامه حیات داده و یا برای پایان دادن بیدبختی های خود مبادرت بخودکشی کند و یا اینکه بکارهای پست و بی - شرفانه مانند جیب بری ، دزدی ، آدمکشی ... دست زند و یا بجای اینهمه کارهای ناشایسته خدارا بزرگ و همه کارها را منوط باراده اودانسته و قدرتش را در تغییر کلی هر کار خوب و بد موثر بداند و خود را تسلیم خدا و تقدیر اونموده بامید آینده درخشان و روزگار بهتر و رسیدن گشایش با فعالیت و حرارت زیادی باز شروع بکار نماید و بفرض تکرار جدیت و فعالیت و مواجه شدن با عدم موفقیت بنام اینکه در صبر و بردباری و تحمل مصائب دنیا پاداش بزرگی خداوند کریم عنایت میکند و حال که فعالیت های او بیفایده مانده پس قطعاً خیر و صلاح در عدم موفقیتها بوده و با این افکار خود را راضی و خشنود نگاه داشته و با انتظار گشایش و فرج باخوشروئی روز بگذرانند گرچه نظر ما اشاره بکلیات امر و اختصار مطلب است ولی خواهی نخواهی موضوعاتی پیش میآید که باید بآن اشاره گردد تا دایره اعتراضات تنگتر شود بهر حال در توضیحات بالا دو نکته جلب توجه میکنند:

الف - اینکه ممکن است گفته شود اگر آدم مضطرب باشد و بکارهای بی شرفانه مانند جیب بری ، دزدی و غیره دست نزند پس بطور امرار معاش کند با اینکه ممکن است این نظریه طرفدار زیاد نداشته باشد باز ناگزیریم بگوئیم که سابقه تاریخی بمانشان میدهد که در جریان عمر دنیا و در مواقع عادی در میان اجتماع بشری کمتر کسی از گرسنگی مرده اگر ما روحاً مریض نباشیم همان جاذبه و قوه اجتماعی که برای جمع کردن مردم دور هم در کار است کارها را طوری مرتب میکند که کسی از گرسنگی نمیرد و بهترین دلیل هم جریان تدریجی و ادامه حیات اجتماعات بشری است زیرا اگر غیر از این بود و قوه جاذبه یا قوه اجتماع حاکم بر امور نبود نظم و ترتیب بهم میخورد و اجتماع از هم متلاشی میشد و اگر ما هم کسانی را می بینیم که از گرسنگی و فلاکت مرده اند علتش اینست که اجتماع امروز در اثر تصرفات غلطی که در آن شده درهم و برهم گردیده و از طرفی افکار و عقاید افراد هم گاهی بیراهه میرود یعنی چون دنبال افکار و عقاید غلط میروند و نمیخواهند وضع ثابت و روشن را برای خود حفظ کنند لذا بنتایج نیکوئی نمیرسند و این قبیل امور نباید دلیل کلی و عمومی محسوب شود،

ب - ممکن است اشاره شود که عدم موفقیت شاید در اثر عدم توجه بنکات حساس باشد.

یعنی وقتی شخصی کاری را صحیح و خوب اقدام نکرد قطعاً ب نتیجه اش نمیرسد باید گفت در عین حال که این جمله صحیح است ایرادات زیادی هم دارد که مامختصر بآن اشاره می کنیم و میگوئیم بسیاری از چیزها هست که هر اندازه هم مرتب و منظم باشد و یاد قیق ترین وسائل برای انجام آن اقدام شود باز ب نتیجه نمیرسد. موضوع پیش پا افتاده اینست که تمام مردم شیفته و آرزودار ثروت و دولت میباشند و با همه عشق و علاقه ای که عموم مردم باین موضوع دارند همه ثروتمند نمیشوند و چه بسا اشخاصی که در این راه جان نشان تلف می گردند و نیز بسیار هستند محصلین و نویسندگان کتب و مخترعین خلاصه طبقه دیگر که با همه جدیت و کوشش که برای انجام منظور خود دارند باز همه موفقیت حاصل نمی کنند: البته مثال زیاد است و منظور کلی اینست که (خواستن توانستن است) همه جا صدق پیدا نمیکنند و یک نیروی دیگری در جریان است که دوره فعالیت اشخاص را محدود می کند.

خود ما می بینیم برای ترقی و پیشرفت و انجام فکر بعضی اشخاص خود بخود وسیله فراهم میشود ولی برای دیگران مشکلاتی بوجود می آید و چه دلیلی بالاتر از این که بوسیله خاصیت های غذائی ممکن است در اعصاب ایجاد رخوت و سستی کرد وقتی چنین شد اساساً اراده ها و تصمیم های آهنین هم مثل موم نرم میشود و گذشته از همه این توضیحات اتفاقات و تصادفات مساعد و نامساعد که بطور ناگهانی و خارج از محیط قدرت پیش بینی ما پیش آمد میکنند و مطلب را بالا برده یا پائین می آورد میسرساند که مطلب باین سادگی ها که ما تصور می نمائیم نیست که هر کس اراده کند فوری ثروتمند شده و هر ثروتمندی تا ابد ثروتمند باشد بهر حال باید گفت قوه و یا نیروی قوی و قادری متوجه امور و ناظر کارها میباشد و دنیا را بمیل خود اداره می نماید و یک دلیل روشن دیگر سیر تکاملی اشخاص و دنیا میباشد که همه تدریجاً طی میشود.

بطور خلاصه با تعلیم و تربیت میتوان افراد را خوب تربیت کرد و عقاید فردی و اجتماعی خوبی در آنان پدید آورد و با پدید آوردن عقاید خوب در افراد میشود محیط و اوضاع از همه جهت خوبی بوجود آورد و بدین وسیله افراد و جامعه را ترقی داد.

۱۲ - صبر و بردباری :

در قرآن مجید که محکم ترین و ثابت ترین کتابهای آسمانیست زیاد

اشاره شده که در تحمل شداید و گرفتاریها و ناملایمات زندگی که اعم از اینکه شما راضی باشید یا نباشید پیش آمد میکند صبر پیشه نمائید خداوند متعال صبر کنندگان را دوست میدارد حالاهم می بینیم کسانی که در تربیت روح زحمت میکشند و تسلیم خواهشها و هوا و هوسهای نفسانی خود نمیشوند و بطور خلاصه هرچه دلشان خواست و برایشانهم مقدور بود بجا نمی آورند برای خود حد و حدودی قائل بوده و حقوق خود و دیگران را فراموش نمی کنند در سایه صبر و مخالفت با هوای نفسانی روح آنها قوی میشود، وقتی روح قوی شد شخصیت های بزرگ فردی و اجتماعی زیاد میشود و همین موضوع ساده یعنی صبر و بردباری که وسیله تقویت روح میشود اگر مورد عمل قرار نگیرد و برعکس آن بی صبری و بی حوصلگی پیشه شود شخصیت های کوچک و ناتوان و زبونی پیدا میشود و هنگامه ها برپا میشود.

اغلب اعیان و اشراف و بزرگزادگان و کسانی که همه چیز برایشان فراهم است بواسطه فراهم بودن آنچه دلشان میخواهد و غرق بودن در خوشی و کامرانی اغلب روحشان خفه و پژمرده شده بتدریج روح ناتوان و ضعیف مریضی پیدا میکنند و مردمی سست و ناتوان و بی اراده میشوند و برعکس از خانوادهای فقیر و متوسط بواسطه عدم وسایل زندگی و مبارزه دائمی در مقابل خواهشهای نفسانی و احتیاجات جاری بالاخره با پیشه ساختن صبر و بردباری تدریجاً قوه و قدرت روح و اراده آنان زیاد شده و مردمان قوی الاراده میشوند و روی همین حساب زیاد دیده میشود که در اجتماع بسیاری از اغنیای فقیر و بسیاری از فقرا غنی و ثروتمند شده و با اصطلاح بالائیهها پائین آمده و پائینیهها بالا میروند.

بهر حال صبر و بردباری در مقابل شداید و سختیها از موضوعهای مهم روحی بوده و در سایه صبر و بردباری هم ممکن است مشکلات و شداید آسان شده و حل شود و هم در تربیت و تقویت روح بسیار مفید بوده و اثر بزرگی هم در اجتماع دارد.

خلاصه صبر سبب آسایش روح و تقویت آن میشود و بی صبری انقلابات روحی و هیجان پدید میآورد و صبر اجتماعی هم اختلافات زیاد و مهم اجتماع را تعدیل میکند بدیهی است منظور ما این نیست که آنقدر قلندری و درویش بشویم که هر چه بصرمان آوردند بگوئیم بیبینیم عاقبت کار چه میشود.

منظور مقدماتی از صبر اینست که در مقابل کوچکترین پیش آمد ها

شدیدترین تصمیم‌ها را نگیریم از بسیار هم زیاد تردیده شده که اختلافات حل نشدنی امروز فردا حل شده و دشمنیهای خونین امروز بدوستیهای محکم فردا و گریه‌ها و غم‌های حال بخوشیها و خنده‌های آینده تبدیل شده است بهمین‌جهت نباید درپیش آمدها فوراً حاضر به انتقام آنهم انتقامی که با جرم وقوع یافته نسبتش يك بر هزار است بشویم

۱۳- نوش و نیش یا تشویق و تنبیه:

موضوع مهمی که در تعلیم و تربیت و ترقی و اصلاحات اجتماعی اثر کلی دارد نوش و نیش یا اجر و کیفر است که از مظاهر عدالت میباشند و شدیدترین تأثیر را در روحیه فردی و اجتماعی و کارهای اداری و غیر اداری داشته و جنبه دو طرفی آن يك جامعه را کاملاً سعادتمند نموده و جنبه يك طرفی آن جامعه را بروزگار سیاهی مثل وضع فعلی، سوق میدهد اگر فرد و اجتماعی متوجه باشد که اعمال بدش مجازات و رسوائی و بی آبرویی دارد و همچنین اعمال و کارهای نیک او پاداش اجتماعی داشته در میان مردم عزیز و محترم خواهد شد تمام مردم بکارهای خوب میل میکنند و از کارهای بد و زشت دوری میجویند و اگر مجازات و در میان نباشد و تبلیغات دینی هم که سبب تعدیل امور میشود بعلمی یا زمینه‌اش منفی باشد و یا اساساً وجود نداشته باشد ناچار مسابقه استفاده طلبی در میان مردم شروع شده و اغلب مردم در راه طلب استفاده حاضر میشوند با مفاسد اخلاقی دمساز شوند و یاد را اثر بی مجازات ماندن خلافکارها مفاسد اخلاقی در اجتماع ترویج شده زیاد میشود و بطور خلاصه باید گفت از هر جهت بد بخت ملت یا جامعه که غرق در مفاسد اخلاقی بوده کارهای خویش بی اجر کارهای بدش بی مجازات باشد.

۱۴- روحیه مریض:

مریض بستری تحت تأثیر کسالت و مرض واقع میشود و آثار و دور- نمای مرگ و وحشت ترس زیادی در او ایجاد مینماید که اولاً در معالجه‌اش موثر است و ثانیاً با اندازه زودرنج و دلنازک میشود که مانند يك بچه احتیاج بنوازش و تقویت روحی پیدا میکنند.

بهر حال عیادت و تسلی مریض برای او اهمیت فوق العاده داشته و تأثیر بسیاری در تقویت روحیه و ذرات زنده بدن و ایجاد موجبات شفا و بهبودی او دارد و نیز مریض ناتوان روی معتقدات دینی خود اگر معتقد باشد که مرگ وقت معینی دارد و هر کس هم یکمرتبه فقط میمیرد بطور کلی حیات و ممات او با خدا است و بفرض اینکه او بخواهد یا نخواهد مرگ

بموقع خود میرسد در نتیجه سکوت و آرامش را پیشه خود ساخته و فشار و سختی و درد و زحمت دوا و نامالایمات بیماری را باسادگی تحمل نموده و نیروی روح و اراده اش برای فائق آمدن بمرض زیاد شده و زود تر هم معالجه میشود.

۱۵- بیدار کردن شعور باطنی:

بیدار کردن شعور باطنی و یا وجدانی و یا پللیس مخفی بوسیله تعلیم و تربیت یا وعظ خطابه و وسایل دیگری در اشخاص و سیله بسیار بزرگی است برای ایجاد امنیت و آرامش و آسایش اجتماعی و نیز تأثیرات مهمی در کارهای خصوصی و عمومی مادارد.

مثلا امروز با این همه وسائل و سازمانهای مختلف در اثر تربیت های غلط منظم و غیر منظم و اصول و قواعدی که از تعلیم و تربیت ناصحیح فردی و اجتماعی سرچشمه میگردد . خائن بوطن . بد اخلاق . جیب بر . چاقو کش . دزد . آدمکش . ظالم زیاده و امنیت عمومی مختل شده ، گذشته از وضع اجتماعی عمومی و حکایت های بسیاری که هر روز روزنامه ها نقل میکنند و کتابهای بسیاری در این خصوص نوشته شده و همه داد از فساد اخلاق میزنند :

حکایت جالبی دارم که شنیدنی است روزی من پشت میز اداری خود نشسته و مشغول کار بودم جوان فرنگ رفته که مهندس کارخانه وارمنی بود آمد بجای نشستن روی صندلی که ما بین من و رئیس کارخانه بود روی میز من نشست پس از رفتن او من موضوع را مطرح کرده و بر رئیس کارخانه متذکر شدم چطور فلانی پس از سالها تحصیل در فرنگ هنوز نمیداند میز برای کار کردن و صندلی برای نشستن است رئیس کارخانه موضوع را بطرف متذکر شده و او هم فوراً نزد من آمد و دست داد و معذرت خواست قضیه خاتمه یافت. عصر همان روز جوان ارمنی یعنی مهندس فرنگ رفته مرا بمنزل خود دعوت کرد و من با اشاره یکی از رفقای خود عذر خواستم بعد معلوم شد که گله صبح مرا توهینی برای خود دانسته و بقصد مسموم کردن مرا بخانه خود دعوت کرده شاید گفته شود این شخص خوب تربیت نشده بوده جواب اینست که چون تربیت مادی توانائی جلوگیری از قوه غضب و شهوت و طغیان فکری را ندارد لذا تربیت شدگان مادی هر اندازه تحصیل کرده و تربیت شده باشند وقتی تحریک اعصاب و احساسات و روحیه و افکار پیش آمد و یا منافع شخصی آنان در خطر باشد تسلیم هدایت و راهنمایی شیطاقت و هوسبازی

های خود شده و هر جنایت یا خیانتی را استقبال نموده و عمل میکنند این حکایت و هزاران فجایع دیگر که بوسیله روزنامه‌ها و درمان‌ها و حکایتها از آنها با خبریم نتایج تربیت مادی غلط و اصلاح نشدن روح است حال برویم سراغ قدیمیها با نداشتن اینهمه وسائل تعلیم و تربیت و اینهمه معلم و سازمان‌های عریض و طویل فرهنگی دارای وطن دوستهای بزرگ مردمان خیر، نوع دوست و میهمان نواز بوده روح ملیت و شهامت در آنها بمنتهی درجه میرسد و حکماء و عرفا و مردمان بزرگ تاریخی در میان آنها زاده بود که امروز افتخار و استناد تاریخی ما با آنان است آنان با تحمل گرسنگی و بدبختیهای زیاد و قبول هر گونه مشقت و زحمت و دادن قربانیهای متعددی با مشکلات فراوان برای ما مشروطه بوجود آوردند و با فقدان وسائل تحصیلی و هزاران جوان اروپا و آمریکا رفته و دیپلمه و لیسانسیه و مهندسی و دکتر و متخصص و اساتید علوم مختلف مرد کار آمد زیاد داشتند ولی امروز با داشتن جوان تحصیل کرده و روزنامه‌ها و مجلات و هزاران وسائل دیگر این حال و روزمان میباشد که همه می بینیم و کلمه فقط الرجال زیاد شنیده شده و میشود و گذشته از موضوعهای اجتماعی از لحاظ علمی هم هنوز در مراحل مقدماتی بوده و هزاران خرافات و اوهام علمی داریم.

بهر حال مثال و حکایت ها در اصطلاح عمومی و کتاب های روحی علمای روح شناس برای اثبات توجهات روحی زیاد میباشد و برای اختصار از تفصیل آنها خود داری شده و بطور کلی میگوئیم گذشته از بقاء روح بعد از مرگ و تأثیرات مهم اجتماعی آن روی توجهات روحی ممکن است مسا بشدید ترین خیالی که جسم را هم تحت تأثیر خود گرفته و مریض میکند مبتلا شویم و نیز روی تلقینات روحی ممکن است اشخاصی را مریض و یا مریضهائی را معالجه نموده و همچنین با تداوی روحی و اصلاح فکر که یکی از شگفت انگیزترین موضوعهای حیاتی و اجتماعی میباشد و هزاران حقیقی و عجایب قدرت و توانائی آن کاملاً کشف نشده و اگر روزی ترقیات آن بعد کمال برسد تمام بدبختیهای دنیا و ناملايمات زندگی و همه تلخیها مرتفع و صلاح عمومی و سعادت واقعی ایجاد و بهترین زندگیها برای بشر پیدا خواهد شد میتوان امراض مختلف روحی را کاملاً مرتفع نمود و نیز همه مریضهها با اصلاح افکار ممکن است شخص در بدترین وضع زندگی راضی باشد و همچنین با خراب شدن روحیه و فکر ممکن است در بهترین زندگیها و جمع بودن وسائل سعادت و راحت شخص بدترین و فاسدترین روحیات را داشته و مانند بدبختترین و بی ارادهترین و ضعیفترین موجودات مبادرت بخورد.

کشی (انتحار) نماید ما همه داستان های زیادی راجع بفساد اخلاق و تأثیرات آنها و یا خراب شدن روحیه که منجر بخودکشی میشود شنیده و دیده و خوانده ایم و امروز خودکشی و فجایع عالم متمدن زیاد و از وقایع عادی دنیای متمدن امروزه است و اکثر جانیان و خائنین و کسانی که دل فجایع و فساد را در زمانها بازی می کنند و همچنین بیشتر انتحار کنندگان کسانی بوده یا هستند که با داشتن ثروت و همه موجبات سعادت مادی تحت تأثیر فساد روحی و اخلاقی به کارهای ننگین اقدام نموده اند مثلاً در مورد کسانی که خودکشی کرده اند مکرر شنیده میشود که علت انتحار خستگی از مکررات زندگی و زیادی ناز و نعمت بوده و اگر بخواهیم میکرب درشت این امراض همه جائی را که با وضع فعلی روز بروز زیادتر میشود پیدا کنیم فقط باید بگوئیم که در اثر تربیت مادی (بفرض خوب تربیت شدن) که متکی بی پایه محکم و ثابتی نیست روح این قبیل اشخاص در بدو ورود بجامعه ضعیف و ناتوان بوده و وسیله مهیب افکار اجتماعی هم در ضعف و سستی آن تأثیر بیشتری کرده و روح بتدریج ضعیفتر شده و قوه استقامت خود را از دست داده و بالاخره منجر بفساد اخلاق یا انتحار شده و یا کار بجائی کشیده که جوان تحصیل کرده سینه سپر نموده و با شهادت زیادی حکایت فاسد شدن خود و دختر عموی خود را که تحت تأثیر عملیات شهوانی خود آن دو نفر صورت گرفته با اطلاع جامعه میرساند.

در مقابل این دسته اشخاص دیگری نیز هستند که با تعلیم و تربیت صحیح چنان پایبند بحیثیت و آبروی خود و فامیل خود میشوند که در مقابل کوچکترین اهانتی مبادرت با اقدامات مهمی میکنند و یا کسان دیگری با تربیت و تقویت روح و طی مراحل یا بکمالات انسانی و جاهای بلندی رسیده اند که حتی تصور و تفکر در اطراف آن هم برای اشخاص عادی مشکل است و بیشتر آثار آنها بسحر و جادو و یا بکرات و معجزه بجامه معرفی میشوند و یا مقام بزرگی در هیبتتیزم و سایر شعب آن احراز نموده اند عملیات حیرت آور و عجیب مرتاضین هندی نیز از این قبیل است بطور خلاصه بهشت و جهنم دنیا یا سعادت و نکبت و سلامت و مرض در خود شخص است تقویت یا تضعیف قوای روحی و تأثیر آن در کارهای فردی و اجتماعی تمام خوبها و بدیها را ایجاد مینماید تقیسات خوب روحی بزرگترین خدمت را بمملکت عجیب تن میکنند و همچنین با تیره شدن و تیره کردن روحیه ممکن است مهیب ترین خسارتهای را ببدن تحمیل نمود و نیز دستورات اخلاقی و روحی

پیشوایان دین دل بسیار مهم و بزرگی را برای تأمین و تقویت قوای روحی جامعه بشر و ایجاد سعادت مردم بازی میکنند و هر مذهبی که دارای دستورات ثابت تر و روشن تر و محکمتر و معلومات بیشتر و احکام جامعتر در امور روحی و اخلاقی و اجتماعی و خدا شناسی باشد بهتر و کاملتر میتواند روحیه پیروان خود را تقویت نموده و آنها را در سعادت مطلق و بهشت جاوید دنیا و آخرت سیر دهد و چنین دینی هم فقط دین اسلام است که در جزئی ترین امور اجتماعی و انفرادی دنیا و آخرت دستورات ثابت و کاملی داده و مراعات تمام احتیاجات بشر و تمام نکات حساس و مهمی که انسان را بسر منزل کمال و مقصود میرساند نموده و نکته تاریکی باقی نگذاشته است دین اسلام همان جوهر و کیمیای سعادت جامع الاطرافی است که فرد فرد افراد بشر دنبال آن میگردند و در جستجوی آن براههای بیراهه و سنگلاخ میروند .

در دین اسلام بزرگترین نیروها و قوه ها و علل خوشبختی و بدبختی بشر در عین فعالیت و سعی و کوشش باید تسلیم خدا باشد در دین اسلام چون نتیجه تمام اعمال و رفتار شخص مسلمان متوجه پاداش دادن خدای حکیم دانائی که قادر بانجام هر امر محالی است میباشد (محال از نظر کوچک ما است) و مسلمان همیشه و در کلیه امور خدا را حاضر و ناظر دانسته و عزت و ذلت و ترقی و تنزل خود را از خدا و زندگی یا مرگ خود را منوط باراده او میداند و در اثر توجه بیک نیروی واحد عظیمی روح ضعیف خود را که تحت تأثیر خاصیت های مختلف غذایی و کوچکترین عوامل زندگی و حتی حرف واقع میشود تقویت میکند لذا از ترس و خیالهای مشوش و از جهات بسیاری همیشه آرام و آسوده و راضی می باشد خلاصه خاصیت های مختلف غذایی و فکر و خیال و خشم و غضب و ترس و وحشت تعقل و بند و اندرز کم حرفی و پر حرفی انواع خنده ها و انواع گریه ها تشویق و قبیح و کلیه مناظر مادی و محسوسات معنوی و توجه و تأثیر و تکدر روحی و انواع هواها و آبها و دیدنیها و شنیدنیها در انبساط و انزجار و ضعف و تقویت روح اثر دلی دارد و قوه و ضعف روح هم در سلامتی و مرض تأثیر دارد تازه این موضوع از نظر حیات جسمی و زندگی این دنیا میباشد و جنبه اخروی و زندگی پس از مرگ روح اهمیت خیلی مهم و بیشتری دارد و البته عدم توجه ما عظمت مطلب را از بین نمیبرد .

اینک که دانستیم خاصیت وقوه و اثر مواد غذایی غذاها و خوردنیها و نوشیدنیها و انواع حرارتها و برودتها و آبها و بوها و تأثیرات روحی و بطور خلاصه کلیه اثرهای فیزیکی و شیمیائی و روحی و غذایی در بدن و سلامتی و بیماری ما مؤثر میباشند باید يك موضوع مهمی را در اینجا یادآوری نمود و باین بحث خاتمه دهیم .



گوشت و پیه

تمام گوشت ها و تمام پیه ها با هم مساوی نیستند گذشته از اینکه گوشتها بدسته های قرمز مانند گوشت گوسفند - بز - گاو - گاو میش - شتر اردک - کبوتر و گوشت های سفید مانند گوشت مرغ - خروس - ماهی تقسیم میشوند و از لحاظ عناصر متمرکز در آنها ، گوشتها دارای خاصیتها و تأثیرات مختلف غذایی میباشد مثل گوشت آهو و بز را نمیشود باهندوانه و ماست و گوچه فرنگی خورد و گوشت اردک و کبوتر را نباید با مواد پر حرارت خورد و گوشتها غیر از تأثیرات غذایی در بدن تأثیرات روحی هم برای ما دارند کسانی که با تشریفات مخصوصی گوشت مار میخورند خیلی قوی و نیرومند میشوند و اگر کسی بتواند گوشت شیر - پلنگ - ببر - خرس را بخورد گذشته از غیر مطبوع بودن آنها روح وحشیگری و انقلابی در او بوجود میآید همچنین است انواع چربیها و پیه ها ، چربی و پیه گوسفند و بز را میشود تا مقدار معینی خورد ولی از چربی گاو و گاو میش بمیزان نصف چربی گوسفند و بز هم نمیتوان خورد و از چربی و پیه گاو و خرس شاید اگر بمقدار خیلی کم هم خورده شود عوارض زیاد و خطرناکی بوجود آید بهر حال انواع گوشتها و انواع چربیها را نباید بیک چشم نگاه کرد و یکی دانست هر کدام خاصیت و تأثیر خاصی دارند و عکس العمل مخصوصی پدید میآورند و گوشت خوک هم علاوه از میکرب تریشین و عوارض آن روی تأثیری که در بدن و اعصاب و روح انسانی دارد حرام شده و از جهات مختلف روحی و جسمی طبق امر آسمانی برای ما مضر و حرام است .

در اینجا باید نکته دیگری را هم اضافه کرد و آن اینست که اگر گوشت دو بره از یک گله که در یک محل چرا میکنند بدو صورت خورده شود دو کیفیت متفاوت پدیدار میشود یعنی اگر یک بره که مثلا در کوههای

گردستان و یا لرستان مشغول چرا میباشد در همانجا او را سر بریده و
 آبگوشت بپزند و بخورند بهترین کیفیتها از خوردن آن آبگوشت حاصل میشود
 ولی اگر بره دیگری از همان گله را با اتومبیل بتهران بیاورند و تکان
 شدید اتومبیل در سرازیرها و سر بالا میها و دست اندازها آن بره را خسته و
 ناراحت کند و بمحض ورود بتهران آن بره را با حال خستگی سر ببرند و آبگوشت
 درست کنند اگر آبگوشت آن هم مسموم کننده نباشد مسلم مزه و کیفیت آن
 آبگوشت با آن آبگوشتی که در محل تهیه و مصرف شده خیلی فرق دارد
 علت آنهم منعکس شدن خستگی و ناراحتی و تکانهای بین راه اتومبیل در
 اعصاب ظریف بره و عکس العمل آن در جسم و با گوشت آن میباشد.
 بطور کلی خوردن گوشت گاوها و گوسفندها و بزهاییکه از راههای
 دور میآورند و در حال خستگی آنها را سر ببرند خطرناک و مضر می باشد و
 باید از خوردن آنها پرهیز و اجتناب نمود.



گوشت خوک

آنچه طب جدید با آزمایشهای زیاد تأیید نموده اینست که میکربها تا حد معینی در حرارت و برودت می توانند مقاومت کنند و اگر از آن میزان حرارت یا برودت زیادتر باشد آن میکرب کشته و نابود میشود و نیز مسلم است که مواد طبیعی موجود در خوردنیها یعنی مواد قندی و آهنی و آهنکی چربی و غیره که مواد موجود در غذاها می باشند در حرارت و برودت از بین نمیروند وقتی مواد غذایی در حرارت و برودت از بین نرفت قطعی است که اثر یا خاصیت طبیعی آنها هم که بسردی یا گرمی یا حاد یا مرطوب معروف شده و ممکن است آنها را عکس العمل مواد طبیعی نام بگذاریم از بین نمیروند و بطور خلاصه در اثر حرارت یا برودت معینی تا آنجائیکه خود غذاها و خوردنیها از وضع طبیعی خارج نشوند میکربهای موجود در غذاها و خوردنیها کشته و نابود میشوند ولی اثر و خاصیت یا عکس العمل مواد غذایی موجود در خوردنیها بعد از حرارت و برودت باقی میماند و این اثرها است که بزرگترین تأثیرها را در بدن ما دارند اینجا است که پس از سالها مخالفت علما و طرفداران طب جدید بزرگترین منافع محسوس حرام بودن یکی از اوامر الهی ثابت میشود بدینمعنی که خداوند بزرگ در قرآن کریم میفرماید گوشت و پیه خوک حرام است (بدیهی است کلمه حرام در قرآن مجید بچیزهایی اطلاق شده که از نظر طبی و روانشناسی و روحی و سایر خصوصیات فردی و اجتماعی آنها مطابق حکمت کامله خالق معال است که حکمت کل است بر ضرر و زیان فردی و اجتماعی جامعه بشر میباشد) این حکم بی سابقه در ۱۳۶۰ سال پیش یعنی دوره جهالت مطلق ابلاغ شده تا چند سال قبل در میان علماء طب بی مأخذ و بی دلیل تلقی میشد تا کم کم بانکمیل لوازم طبی و میکروسکوب معلوم شد که در گوشت خوک میکربی

هست بنام (تریشین) و این میکرب در بدن انسان ایجاد گرمهای خطرناکی میکند که عوارض بسیار شدید و مهیبی در بدن دارد ولی با آزمایش های بعدی و کشته شدن میکرب در حرارت و برودت عقیده آقایان پزشکان بطوریکه در بالا گفته شد تغییر نموده و باینجا رسید که چون هر میکربی در حرارت و برودت معینی کشته و نابود میشود حرام بودن گوشت و پیه خوک پس از جوشیده شدن یا زیر یخ گذاردن و کشته شدن میکرب موجود در آن دیگر معنی ندارد و از طرفی در کشتار گاهها دستگاههایی برقرار شده که کشته خوک را کاملاً معاینه میکنند اگر میکرب داشته باشد لاشه را آتش میزنند و اگر نداشته باشد آن را برای فروش بیازار میبرند .

ما فعلاً چیز دیگری میگوئیم و آن این است که در سایه تأثیر خاصیت مواد آهکی - قندی - آهنی - چربی (چربیها روی خواص طبیعی و موثعبیت مزاجی حیوانات با انواع مختلف تقسیم و دارای خاصیت های گوناگونی می باشند و اینکه طب جدید همه چربیها را بیک چشم نگاه میکند صحیح نیست) و ویتامین ها و همچنین کلسیم مواد غذایی و خاصیت های مختلف آن ها و سردی و گرمی وحاد و مرطوب که بطور کلی مورد بحث مامیباشد و اثر محسوس و ثابتی که خودمان از غذاها و ما کولات درک مینمائیم و تأثیراتی که همه چیز حتی بوها و هواها و تأثیرات روحی در بدن دارند امروز متوجه میشویم که اثر و خاصیتی که در مواد غذایی گوشت و پیه خوک است و با حرارت و برودت زیاد هم کشته نمیشود و اثر و خاصیت عکس العمل مواد غذایی گوشت و پیه خوک که تا حال مجهول بوده و تأثیر مضر و خطرناکی برای سلامتی روحی و جسمی جامعه بشر دارد سبب حرمت آن شده و نیز اگر توجه طب جدید به تأثیرات غذایی و غیره جلب و متوجه اهمیت مطلب شود و یا زیر نظر استادان فن از نظر روحی و روانشناسی و طبیبی و اخلاقی مابین بکنفر معتمد بگوشت و پیه خوک و غیر معتادی (متناسب باهم) مطالعه و آزمایش شود بهتر معلوم خواهد شد گذشته از خطرات (تریشین) میکرب مخصوص گوشت خوک تأثیرات مواد غذایی گوشت و پیه خوک در بدن و شدت تأثیر آن در سلامتی و مرض جسمی و روحی تا چه اندازه است (بدیهی است تأثیر گوشت خوک را در هواهای مختلف و نسبت آن را با قوای مزاجی اشخاص نباید فراموش کرد .)

نتیجه توضیحات ده گانه

از توضیحات ده گانه نامبرده یعنی تاثیرهای مختلف - ۱ - غذاها و خوردنیها - ۲ - هواهای سرد و گرم و مرطوب و غیره - ۳ آبها - ۴ حرارتها و برودت‌ها - ۵ بوها - ۶ نورها - ۷ صداها - ۸ رنگها - ۹ حرکات - ۱۰ تاثیرات مهم روحی در بدن نتیجه میگیریم که:

۱ - غذاها و ماکولات و آشامیدنی‌ها در درجه اول اهمیت واقع و بدل مایتهلل بدن بوده و سبب ادامه حیات و فقدان آن منجر بمرک میشود و تعادل مواد غذایی تاثیرات مهم و اثرشدهی در بدن دارد و روی فرمول صحیح منظمی اگر بتوانیم تعادل مصرف غذایی را در بدن تامین نماییم زندگی طولانی و باطول عمر از افسانه بودن خارج شده و صورت حقیقت بخود گرفته و دیگر افسانه‌های تاریخی از قبیل اینکه جمشید هفتصد سال سلطنت کرد و یا فلان پیغمبر هزار یا هفتصد سال تبلیغ و یا عمر کرد برای ما ایجاد تعجب و تحیر نمی‌کند.

۲ - خاصیت‌ها یا نیروهای گوناگون غذایی که اثر آنها در میان قدیمیهای ما سردی و گرمی و حاد و مرطوب معروف بوده و باید آنها را عکس‌العمل مواد غذایی نامید تاثیرات مختلفی در بدن داشته و ایجاد و وقعت‌های موافق و مخالفی نموده و همیشه بدن تحت تاثیر این خاصیت‌ها و نیروها واقع و سلامتی یا امراض گوناگون ایجاد میشود.

۳ - در اثر تاثیرهای مختلف مواد غذایی و هواهای متنوعی که در بدن و خون موثر است مزاجهای مختلفی بوجود می‌آید و این اختلاف مزاج هم دو قسم است یا اینکه ذرات زنده یا سلول‌های بدن از قوه‌ها و خاصیت‌های خیلی گرم و یا سرد و یا مرطوب تکوین یا تشکیل شده و یا ماهیت اولیه

ذرات و یا سلولها محفوظ بوده ولی تحت تاثیر موقعیتها و محیطهای غذایی که از تاثیر خواص مختلف غذایی خوردنیها بوجود میآیند واقع میشوند (هر دو موضوع در مزاج و بدن و رنگ بدن فرزندان شخص هم موثر است)

۴ - چون کم و زیاد شدن مواد غذایی یا تاثیرات آنها و همچنین شدت وضعف فشار هوا و حرارت و برودت آن اثرات کلی در بدن دارد و سلامتی و بیماری تولید مینمایند پس در موقع تشخیص مرض و معالجه آن باید علت آن را در درون شخص مریض و موقعیت بدن و آب و هوا جستجو کرد و اعضاء داخلی را اصلاح و تمیز نمود نه شانه و ماهوت پاک کن و کلاه را

۵ - هواهای سرد و گرم و مرطوب و غیره در موقعیت مزاجی تا تاثیر دارد و غذای هر محل با موقعیت آن محل باید تطبیق شود.

۶ - آبها و حرارتها و برودتها و بوهای خوب و بد و نورها و صداها و رنگها و حرکات و تاثیرات روحی در سلامتی و مرض تا تاثیر کلی دارند و در موقع لزوم باید این نکات را در نظر داشت.



فصل یازدهم میکرب و اشتباه پاستور

۱- میکرب :

میکرب عبارت از يك حيوان زنده بسیار ریز ذره بینی است که از زمان پاستور دانشمند عالی مقام فرانسوی دردنیامعروف شده یعنی پاستور روی عمل تخمیر که روی سر که بعمل میآید متوجه میکرب شد و برای اینکه بداند حیواناتیکه عمل تخمیر را انجام میدهند از کجا بوجود میآیند مقداری شیر را گرفت و با وسایل علمی آنرا تمیز کرد و در شیشه تمیز شده ریخت و سر آنرا بست و مدتی آنرا نگاهداشت شیر سالم ماند پس از مدتی سر شیشه را باز کرد شیر فاسد شد یعنی هوا در شیر اثر نمود و شیر را فاسد کرد در اینموقع پاستور معتقد شد يك حیوان یا موجود زنده جاننداری که میکرب نام دارد در هوا بوده و در شیر وارد و شروع بنشوونما کرده و شیر را فاسد نموده است در این جا راجع به تکوین (پیدایش) میکرب دو نظر پیدا شد:

الف- عده زیادی از علماء که پاستور در رأس آنها قرار گرفته بود معتقد شدند میکرب موجود مستقلی است که در هوا بطور آزاد زندگی میکند و هر کجا زمینه مساعدی برای نشوونمای خود پیدا کرد بآن محل وارد و شروع بفعالیت میکند و کلیه امراض موجود در دنیا از همین میکرب ها بوجود میآیند.

ب- جمعی از علماء که بواسطه ضعف استدلال در اقلیت واقع شدند و برور شد و ترقی عقیده پاستور عقیده آنها از بین رفت معتقد بودند که پیدایش عنصر زنده از ترکیب عناصر و مواد آلی میباشد.

عقاید دسته اول که بواسطه تازه بودن موضوع و فرضیه های نو و طرفداران زیاد و نداشتن مدعی زود در سر تا سرد دنیا انتشار یافته و آزمایش و عملیاتی در اطراف آنها شده باین جا رسیده که:

جزء يك - با توضیح اینکه پاستور فقط مدعی وجود میکرب در هوا بوده و بعداً عقیده آمدن میکرب از کرات آسمانی بآن اضافه شده بعضی از علماء میکرب شناس معتقد شدند که ممکن نیست میکرب و یا موجود زنده خود بخود در هوا پیدا شود بلکه میکربها حیوان زنده مستقلاً هستند که در کرات آسمانی توالد و تناسل نموده و با اشعه آفتاب یا همراه سنگهای آسمانی میلیونها فرسنگ راه را برای حرکت از کرات آسمانی بزمین طی نموده و بهوای زمین ما وارد میشوند و با اندازه جان سخت و مهیب هستند که حرارت شدید و کاشنده سنگهای آسمانی و هوای مختلفی که با سرعت زیاد از وسط آنها عبور میکنند و هواهای زمین ما تأثیری در وضع حیاتی آنها نداشته و پس از وارد شدن بزمین مدتها زنده میمانند و بعقیده این دسته از علماء این حیوانات ذره بینی استقامت و دوامشان از سختترین اجسامی که تا حال شناخته شده زیادتر است.

جزء دو - در کوزه‌هاییکه در اهرام مصر پیدا شده و در ثابوت‌هاییکه در هزار سال قبل اجسادی مومیائی گردیده اند و در خرطوم‌فیل‌هاییکه در خاکهای یخ بسته پیدا شده و در ده هزار سال پیش زنده بوده‌اند و نیز در ذغال‌هاییکه بعنق يك هزار متر از سطح زمین بدست آمده و مربوط بدوره های خیلی قبل است مخمرها و باکتریها و قارچ‌های حیوانی و باکتریهای زنده غلاف‌دار و بی غلاف که انواع میکربها میباشند دیده شده و طول عمر آنها را بین ده‌الی صد میلیون سال میدانند

بطور خلاصه عقیده علمای مذکور این شد که میکرب‌های هوایی بوسایلی که ما از آنها بی‌خبریم در کرات آسمانی ایجاد و همراه سنگ‌هایی که بزمین سقوط میکنند و یا همراه اشعه آفتاب بزمین منتقل میشوند و ممکن است تا میلیونها سال هم در هوا یا زمین زندگی کنند و تمام امراض هم از همین میکربها بوجود می‌آیند و باید با دواهای شیمیائی با آنها مبارزه کرد و آنچه از میکرب‌های امراض هم از زمان پاستور تا حال (در مدت هفتاد سال) کشف نشده شاید بتدریج تا چند هزار سال بعد کشف شود.

ج - مقام مسئول و صلاحیت‌داری در موقع مذاکره بامن میگفت کلیه حیوانات و موجوداتی که مامی بینیم روزی ذرات اولیه آنها در هوا بوده و حال هم میلیاردها ذرات اولیه یا تخم موجودات دیگر اعم از انسان و حیوان در هوا موجود میباشد.

نظر تازه راجع پیدایش میکرب

اینک بنده هم با اینکه هیچگونه میکرب و دستگاه میکرب شناسی را ندیده‌ام بفکر فقدان ضرر و احتمال قوی يك منفعت عمومی و اجتماعی و استفاده بزرگی که ممکن است از آن عاید جامعه بشر شده و انقلابی در طرز معالجه بیماران بوجود آمده و از تلفات زیاد جلوگیری شود ایرادها و توضیحات خود را بشرح زیر بیان نموده و امید وارم از این راه خدمتی انجام داده باشم .

الف - ایرادهائی که بفرضیه های بالا وارد میباشد بشرح زیر است :

جزء يك - ذراتی که در هوا موجود است و دارای حس و قوه بوده و بعضی از آنها بخلط بنام میکرب یا موجود جان دار معروف شده هیچگونه امتیازی نسبت بهم نداشته و اختلافی از نظر کیفیت باهم ندارند یعنی همانطوری که ذرات گاز اکسیژن و اذت و سایر گازها نیکه در هوا موجود میباشد هیچگونه تفاوت و امتیازی باهم ندارند ذرات موجود در هوا هم امتیازی باهم نداشته و همه دارای يك صورت و يك ترکیب و يك خصوصیت و خاصیت میباشد خوشبختانه تا حال هیچیک از آزمایشگاههای دنیا هم چنین ادعائی نکرده که در موقع آزمایش هوا و تجزیه اکسیژن و اذت و غیره میکربهای موجود در هوا با اختلافاتی از نظر کیفیت و شکل و سایر خصوصیت های تکوینی دیده شده باشد.

جزء دو - تا کنون آزمایشگاهی اعلام نداشته که در آزمایشها و تجزیه هائیکه در هوا های مختلف بعمل آمده گازها و یا میکربهای هوایی با میکربهای امراض مانند :

میکرب مالاریا - کزاز - سفیلیس - سوزاک - حصبه - تیفوس و غیره یکی بوده و شباهتی باهم داشته و طبقه بندی و دسته گازها با

میکرب های هوایی و طبقه و دسته میکرب های امراض و خصوصیات تکوینی آنها یکی میباشد .

جزء سه - قطعی است که نمیشود گفت میکربها خود بخود در هوا پدید آمده اند پس بعقیده کسانی که معتقد بتوالد و تناسل میکرب در کرات آسمانی میباشد چون میکربها از کرات دیگر بزمین منتقل میشوند و دارای شخصیت و زندگی مستقل میباشد و تحت تأثیر صدمات و انقلابات عجیب و حرارتها و برودتها و اثرهایی که در هواهای مختلف مابین زمین و کرات آسمانی میباشد از بین نمیروند و میلیونها سال هم عمر میکنند پس بواسطه طول عمر و زیاد شدن آنها باید تا حال سطح زمین مملو از میکرب شده و موجود سالمی در روی زمین باقی نمانده باشد در صورتیکه در تمام هوای زمین میکرب یافت نمیشود.

در آزمایشهایی که شده بیشتر میکربها نزدیک اجتماعات بشری و حیوانی و یا خلاصه در محل های خاصی مشاهده گردیده اند و آنهم در محلی زیاد و در محلی کم بوده و در محلی هم اساساً میکربی وجود نداشته است .

جزء چهار - با اینکه عمر میکربها بمیلیونها سال میرسد و از زمان پاستور تا حال هم عده زیادی از علماء میکرب شناس با دقیقترین و حساسترین وسائل در بزرگترین آزمایشگاههای دنیا عقب میکربهای امراضی که تا کنون میکربشان کشف نشده میگردند چطور هنوز نتوانسته اند میکربهای همه امراض را کشف و چاره ای برای مرگهای ناگهانی و تلفات شدیدی که از معالجات فعلی میشود بیاندیشند .

جزء پنج - بطوریکه بعداً توضیح داده میشود بر خلاف عقیده استقامت و طول عمر میکربهای هوایی - میکرب امراض، موجود بسیار بیچاره ایست که با چیزهای عادی و ناچیزی زود از بین میرود.

جزء شش - آنچه روی قاعده بقاء موجودات قطعی و مسلم میباشد اینست که باید رو بتکامل رفت و اینکار هم بدون جلب نمودن منافع بیشتر و دور شدن از ضررها و خسارتها امکان پذیر نیست پس باید در فرضیه پاستور راجع به پیدایش میکرب امراض با این همه وسائل و اختراعات شکفت انگیز و نتایجیکه از آن دامنگیر بشر شده بیشتر تامل شود تا شاید نتایج بهتری بدست آید .

ما عملاً می بینیم مریضخانه های زیادی کوی و محله ها را پر کرده و وسائل کار و لوازم بسیاری اختراع شده و آزمایشگاههای فراوانی در هر شهر بوجود آمده خلاصه برای کار و عمل کوچکترین نقص و عیبی در کار نیست با

این تفصیل نتیجه چیست و با مراعات همه خصوصیات با دوره قبل از پاستور که مردم از میکرب کوچکترین اطلاعی نداشته و در شهرها و دهات با بی خبری کامل از میکرب زندگی میکردند و شهرها تا این اندازه آباد و تمیز نبوده و وسیله شیوع امراض زیاد بوده و توجه مردم بعلمت بی علمی با موربهداشت کم و اموربهداشت هر شهری را چند نفر مردان تحصیل نکرده و احیاناً بی سواد ولی آشنا بخواص گیاهها و تجربیات و دواهای قدیمی بنام طبیب یا حکیم باشی و چند عطاری بنام دارو فروش اداره میکردند و تازه همه مردم قوی و تندرست و خوش هیکل و خوش قواره بودند و نسبت بیماران هر شهری با نداشتن هیچگونه وسایل کار منتها از صدی یک تجاوز نمیکرد نسبتش از چه قرار است برای روشن شدن موضوع و نتیجه معالجات فعلی با این همه وسایل و سرعت عمل باید تلفات را در نظر گرفت و سری ببیمارستانها زد و بسرد دل مریضها و مریض دارها و عزادارها گوش داد و از سر گذشت خانواده هاییکه عزیزان خود را بایک کسالت کوچک یا یک تب و امثال آن از دست داده اند و یا مریضهایی که مدتها مورد معالجه بوده و عاقبت هم بدون تشخیص مرض مرده اند پرسش کرد و لحظه ای برای مرک های آنی و ناگهانی فکر کرد و ساعتی در یک بیمارستان و یا در یکی از مطب آقایان دکترها و یا داروخانهها توقف نمود و تعداد دکترو پزشکیاران و مریضهای روزانه را در نظر گرفت و نگاهی هم بوضع مزاجی و رنگ و رخسار و حال طبیعی و عمر متوسط عموم مردم کرد تا نتیجه عمل و اصل موضوع عملاً روشن شود یک موضوع مهمی اهمیت مطلب را از بین برده و آن عادت کردن و خو گرفتن مردم بجریمان امور است ولی اگر مردم تحت تاثیر مقتضیات وقت و حوادث روزانه واقع نشده و زیاد خبر مریضهای ناگهانی را از قبیل کنین خورد و مرد - سولفات دوسود خورد و مرد - شربت خورد و مرد - آمپول باوزندند مرد دکترو درمدا و اشتباه کرد مریض مرد - نتوانستند مرض را تشخیص دهند بدون معالجه مرد نمی شنیدیم و وقت بیشتر داشته از جریان مریضخانهها و وضعیت مریض دارها آگاه می شدیم و یا اینکه چندین مرده را در اتومبیل های نعش کش با سرعت از نظر مردم دور نمیکردند و قرار میشد همه مردهها را مثل سابق با دوش و وسیله تابوت حمل نمایند (منظور من سیر قهرائی نیست و تجسم مطلب است) آنوقت اهمیت موضوع بهتر روشن میشد گذشته از مراتب نامبرده هر کسی میان دوستان و آشنایان خود جمعی را میشناسد که کسالتی داشته و بفرض تلف نشدن بسا مراجعه بدکترهای متعدد و آزمایشگاههای مختلف چندین ماه و شاید چندین سال

گرفتار معالجه بوده و گاهی هم از معالجه مأیوس شده و تسلیم قضا و قدر گردیده‌اند با این همه وسائل کار و اینهمه پزشک متخصص و اینهمه خدمات مادی و معنوی و جانی و روحی که بمریض و مریضدارها برای رفع کسالت تحمیل میشود چرا باید نتیجه عمل تا این اندازه نامساعد باشد و این همه وحشت و ترس برای معالجه در میان مردم باقی بماند و چرا برای يك مرض کوچکی که سابقاً عطارهای سرگذر و حکیم باشیها با بی سوادی و بی علمی بر رفع آن قادر بوده‌اند امروز پزشکهای تحصیل کرده و بزرگی باید اظهار عجز کنند و مریضهای پولدار برای معالجه مجبور برفتن پاریس - برلن - لندن - مسکو آمریکا شده و مریضهای بیچیز بديار عدم بروند در صورتیکه مکرر دیده‌ایم امراض مختلفی که بنظر پزشکان بزرگ ایرانی و اروپائی غیر قابل علاج بوده بوسیله همین عطارها و حکیم باشیها و ریش سفیدان دهات و شهرها و پیره زنهای قدیمی در حضور خود آقایان دکترها با طرز بسیار ساده‌ای معالجه شده و میشوند بطور کلی پاسخ و علت همه بیانات بالا و هزاران حرفهای دیگر منعکس شدن اثر اشتباه پاستور دانشمند عالیمقام فرانسوی راجع بموجود بودن میکرب در هوا و عدم توجه به تکوین میکرب و ایجاد امراض بوسیله آن و تشبیه تقریبی بدن بیک کارخانه فازی است پاستور و پیشوایان طب جدید میگویند امراض از میکربهای هوائی پیدا میشوند و میکربها هم از کرات آسمانی بهوای زمین ما وارد میشوند و برای رفع مرض باید با میکرب بوسیله مواد شیمیائی مبارزه کرد و عده‌ای هم روی همین فرضیه‌ها مطالعات و تحصیلات خود را تکمیل نموده‌اند و حالا هم باین آسانیه‌ها نمیخواهند تغییری در عقیده خود بدهند اینست که تا هر کجا که با این عقاید پیش رویم نتیجه آن همین است که می بینیم .



زرد آب

جزء هفت - با دکتر میکرب شناسی گفتگو می کردم صحبت از زرد آب (سمیات) بدن شد گفت زرد آب هم میکربی دارد که هنوز کشف نشده امیدواریم که بعدها کشف شود از این بیان بی اندازه متأثر شدم زیرا مثل اینست که ما محکومیم زندگی راحت و چیزهای ساده را برای خود سخت و مشکل نموده و عمر خود را با انواع گرفتاریها پیمان برسانیم و اگر غیر از این بود این همه فرضیه های ناصحیح جای حرفهای صحیح را نمیگرفت و تقلیدهای کور کورانه سعادت جقیقی و راحت زندگی ما را از بین نمی برد و کار ما را باین جا نمی کشانید .

آیا تعجب ندارد که با اینکه برای تبدیل کردن مواد غذایی بخون و پیه و شیرخا نمها و یا مدفوعات و همچنین تبدیل کردن اجن و کثافات که خوکها میخورند بآنهمه چربی و پیه و گوشت میکربی وجود ندارد و نتیجه طبیعی کار سلولها و اعضاء بدن است که این همه محصولات مختلف را از خوردنی ها و غذاها میگیرند باز برای ایجاد شدن زرد آب دنبال میکرب آن میرویم در صورتیکه سابقه زرد آب در میان ماها خیلی زیاد است، زرد آب در طول چندین هزار سال (از بدو پیدایش) در میان جامعه بوده و حتی در قدیم چون مردم بیشتر غذاهای مقوی و طبیعی میخورده اند بیشتر دچار زرداب میشده اند و خیلی هم ساده خود را معالجه میکرده اند یعنی با خوردن انواع ترشپها و آشهای - آلو - گوجه - قره قوروت - انار - زرشک و غیره دفع آن را می کرده اند .

قبل از پیدا شدن نظریه ها و معالجات جدید هم دیده نشده کسی از زرداب مرده باشد و علت پیدایش آنهم اینست که همانطور که بخشی از غذاها تبدیل بخون و بخشی تبدیل به پیه و چربی و شیر و بخش دیگری مورد

مصرف مغز و قسمتی هم بطور مدفوع دفع میشود بخشی از موادی که از غذاها گرفته شده و باید بمصرف بدن برسد در نقاط مختلفی یا بواسطه عدم احتیاج و یا بواسطه عدم تجانس با مواد موجود در بدن زاید تشخیص داده شده بنام سمیات (زرداب) یا مواد زائد باید دفع شود و روغن بیشتر از هر چیزی سبب ایجاد زرداب میشود و آزمایش این موضوع مخصوصاً در آفتاب و نقاط گرمسیر شدیدتر محسوس میشود زیرا بدن کمتر از نقاط معتدل و سرد بچربی احتیاج دارد و چربی کمتر در بدن تحلیل میرود و از طرفی بدن بیشتر از نقاط معتدل عرق میکند و آبهایی که باید زرداب را از مجرای بول خارج کند از سوراخهای پوست بدن بطور عرق خارج شده و کار طبیعی خود را انجام نمیدهد لذا بتدریج زرداب زیاد شده و تب ایجاد میکند و اگر فعل و انفعال دیگری در بدن بشود همین زرداب دوباره در سلولها تحلیل رفته و یرقان زردی پدید می آید یعنی تمام بدن حتی چشمها بشدت زرد میشود (زرداب و عکس العمل آن در صفحه ۲۹ توضیح داده شده)

بهر حال چون سابقه عمل در اجتماع زیاد است و بسیار شنیده و دیده ایم که اشخاص بزرگ و کوچک و بچه های معصومی در اثر عارضه های کوچک و ناچیز مرده اند باید بموضوع طب توجه زیادتری بنمائیم تا دچار حسرت و ندامت و پشیمانی نشویم.

خلاصه منظور اینست که بجای پیدا کردن راههای سهلتری از زمان پاستور تا حال مشکلات و معماهای زیاد و بزرگی در دنیای طب پیدا شده و در نتیجه تشریفات و مقررات و مقدمات عمل بسیار زیاد و دوره معالجات طولانی و خطرات آنهم خیلی زیاد و وحشتناک شده و از حیث خسارت مادی هم ورشکستگی کامل برای مریض و مریض دارها پدید آمده پس اگر با وضع دقیقی طرز معالجات امروز را با زمان قبل از پاستور و یا معالجات ساده ای که هنوز بطور طبیعی دردهات و میان چادر نشینان و یا میان شهرها مطابق تجربیات و عقاید قدیم انجام میگردد و ماهم کم و زیاد از آن آگاهیم با خصوصیات و مقتضیات وقت و وسایل کار و دوره بیماری و طرز معالجات و نتایج حاصله مقایسه بنمائیم بدون شك و تردید اهمیت موضوع و عیب کار کاملاً روشن شده و زودتر متوجه اهمیت اشتباهات نامبرده گردیده و بفکر اصلاح آن می افیم بدیهی است این استدلال دلیل بر سیر قهقرائی با این همه وسایل و اختراعات شگفت نیست و عقیده و نظر بنده هم بطوری که در پایان کتاب خواهم گفت اینست که کاری کنیم که مریض و تلفات ما کمتر شود نه زیادتر

ب - سه قسمت لازم - برای روشن شدن موضوع باید سه قسمت توجه نمود :

قسمت اول - فرضیه‌هایی که آزمایشهای کوچکی لازم دارد.
قسمت دوم - دلایلی که مورد قبول طب جدید و طرفداران آن است
قسمت سوم - دلایل بسیار مفیدی که در خود فرضیات پاستور و عملیات میکروبی امروز بر علیه آن موجود است:

قسمت اول - فرضیه‌هایی که آزمایشهای کوچکی لازم دارد:
جزء يك - گرم‌هایی که در باغچه‌ها پیدا میشوند با اینکه حرکاتی دارند و شبیه بموجودات زنده میباشند از نوع سایر موجودات نیستند و شاید فاقد چشم و دهن بوده و توالد و تناسلی هم نداشته باشند گرم‌های مذکور در اثر رطوبت آب و خاصیت و موقعیت های خاک بوجود می‌آیند و اگر در هوای آزاد گذارده شوند می‌میرند و همچنین شپش و خیلی از حشرات دیگر از کثافت‌ها بوجود می‌آیند و نیز گرم‌هایی که در معده انسان یا حیوان پیدا میشوند مربوط بخاصیت و مواد مختلف خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و موقعیت مزاج و مخصوصاً رطوبت زیاد معده است نه روی آمدن میکرب از هوا و وارد شدن تخم گرم‌ها بوسیله آب یا غذاها بدن.

جزء دو - اگر دو پوست و یاد و نصف خر بوزه و یا هندوانه را یکی در آفتاب که بقول جمعی از علماء میکرب شناس ناقل میکرب از کرات آسمانی میباشد بگذاریم بدون ایجاد پشه و یا موجود دیگری خشک میشود و اگر نصف دیگر آن را در محل سایه داری بگذاریم خیلی زود پشه‌های کوچکی بوجود می‌آید و آنچه میتوان حدس زد اینست که پیدایش پشه‌ها مربوط با اصطکاک و تاثیر در هم رطوبت و مواد غذایی خر بوزه یا هندوانه یا پوستهای آنها با فورمول خاص هوای محیط میباشد.

جزء سه - اگر در زمینی دو اطاق روی هم داشته باشیم که سطح اطاق زیر کمی گودتر از سطح زمین باشد و اطاق زیر از رطوبت زمین استفاده نموده و حالت نمناکی (رطوبت) بخود بگیرد (بدیهی است تمام اطاق‌هایی که برابر سطح و یا قدری از سطح زمین گودتر میباشند همه نمناک نیستند ولی منظور ما اینست که اطاق زیر یا در اثر رطوبت زمین نمناک باشد و یا رطوبت دستی بآن بدهیم و آن را نمناک کنیم خلاصه اطاق زیر مرطوب باشد

و اطاق رو خشك مثل اغلب ساختمانهای تهران که قسمت اعظم آنها اطاق زیرش نمناك است و اطاقهای روی آنها خشك)

حال اگر مقداری نان را دو قسمت کنیم قسمتی از آن را در اطاق نمود و قسمت دیگر را در اطاق خشك بگذاریم و در بهای هر دو اطاق را یا باز بگذاریم که هوا بطور مساوی بآنها برسد و یا در بهارا ببندیم که هر دو يك حال داشته باشند آن تیکه نانی که در اطاق نمود است کپك میزند و آن تیکه نانی که در اطاق خشك است خشك میشود و همچنین اگر مقداری نان را رویهم در اطاق نمناك بگذاریم دو قسمت نان که رویهم باشد وسط آن دو قسمت زود کپك میزند و اگر همان مقدار نان در اطاق خشك بگذاریم بدون کپك خشك میشود و از این عمل نتیجه میگیریم که هوای خشك اطاق بالا رطوبت نان را بخود کشیده و تبخیر کرده و نان خشك شده و در اطاق نمناك نم هوا در رطوبت و خاصیت غذائی خمیر نان تأثیر نموده و ایجاد کپك کرده نه اینکه میکرب مخصوص کفك بوجود آورده است.

جزء چهار - در هوای مرطوب آهن و فلزات عادی زنگ میزنند و همین آهن و فلزات در هوای خشك مدتها سالم یعنی بدون زنگ باقی میمانند قاشق و چنگال که سالها در هوای معتدل تهران بدون زنگ باقی میمانند در هوای مرطوب ما ز ندران خیلی بیش از حد انتظار و زود زنگ میزند و کسانی هم که خواسته باشند قاشق و چنگال آنها از خطر زنگ مصون باشد مقداری روغن وازلین بآنها میمالند البته وازلین را باید در موقعی که با قاشق چنگال کار ندارند بآنها بمالند.

جزء پنج - معروف است که گلها و باغچه هارا در تابستان نباید در وسط روز آب داد زیرا در اثر حرارت آفتاب و آب ، زمین دم می کند لذا گلها پژمرده و خراب میشوند و اگر گندم را در هوای گرم در وسط روز آب بدهند در اثر اصطكاك رطوبت و هوای دم کرده زمین که از حرارت وسط روز ایجاد میشود يك فورمول هوایی و رطوبت مخصوصی تشکیل می شود و بخاری بوجود آورده و در ریشه و ساقه گندم اثر نموده ایجاد زنگ در گندم میکند در اینحال ممکن است ظاهر زراعت گندم هم خیلی سبز و خرم و خوب باشد ولی بالاخره آن زراعت بجز گاه حاصلی نخواهد داد یعنی گندم آن پوسیده و پوك شده از بین میرود.

جزء شش - اگر مقداری سبزی یا علف را در محل سایه دار و

نمناکی بریزیم و مواظبت کنیم که حشرات هم بآنها نزدیک نشوند تحت تأثیر رطوبت و حرارت و هوا کم کم حیوانات ریزی در آنها پدید آمده و تبدیل به حشرات خیلی کوچکی میشوند ولی اگر همین سبزیها و علف هارا در جای خشک یا آفتاب گرم بگذاریم بدون ایجاد پشه خشک میشوند.

جزء هفت - آب حوض هائی که مورد استفاده عمومی ما است اگر رخت کثیف یا ظرف چرب در آن شسته نشود و یا برك و سبزی و چیزهای دیگری از این قبیل در آنها ریخته نشود در مجاورت هوای محیط مدتها بدون خاکشی و کرم تمیز میماند ولی اگر صابون یا ظرف چرب در آن شسته و یا سبزی و برك و چیزهای دیگری در آن ریخته شود ایجاد تعفن نموده خاکشی و بعد کرمهای قرمز رنگی در آن پیدا میشود.

يك آزمایش تازه

جزء هشت - با اینکه وسایل کار یعنی دستگاہ عکس برداری و یا میکروسکوپ این جانب نداشته و ندارم با وسیله ساده يك آزمایشی بعمل آورده ام که برای استفاده عموم بتفصیل آن مبادرت مینمایم.

در ظرف تمیزی مقداری آب خوب جوشیده و سرد شده میریزیم و يك خرمالو قرمز شده ولی نرسیده در داخل آب می اندازیم و سر آن را می پوشانیم و چند روزی بهمین حال باقی میماند کم کم آب در خرمالو اثر نموده و ایجاد لکه های سفید ریز و درشتی بشکل ستاره و یا گل های یاس و شکل های دیگر می نماید و کم کم روی لکه ها سفیدك، یا كفك میزند و آب متعفن می گردد و در روی كفك های سفید هم لکه های بزرگ سبز رنگی پیدا میشود.

فرضیه های ثابت

قسمت دوم - فرضیه ها و دلایل ثابت و آنهایی که مورد قبول طب جدید میباشد از آنهایی که دارای حیوانات ریز زنده میباشد و یا تغییراتی که فاقد موجودات زنده ذره بینی هستند.

جزء يك - آفتاب بآب می تابد بخار پیدا میشود بخار در برخورد با هوای سرد تشکیل ابر و باران و برف و تگرگ میدهد و انقلابات و تغییرات

زیادی در محیط ایجاد می کنند بدیهی است در این تغییرات حیوانات زنده ای بوجود نمی آید فقط اثر و خاصیت آفتاب و هوا و آب بخار و باران و برف و تگرگ ایجاد میکنند و هر کدام خاصیت و خصوصیتی دارند و انقلاب و تغییرات مهم و بزرگ در امور عمومی بوجود می آورند یعنی همین آبی که مایه حیات و زندگی است اگر نباشد هیچ چیزی زنده نخواهد بود و وقتی تبدیل باران و برف و تگرگ شد در بعضی جاها مفید و لازم است و در مواردی مضر و خطرناک و کشنده آمدن يك باران بموقع و آمدن يك باران بموقع و همچنین نیامدن باران بموقع کافی است که زندگی بسیاری از کشاورزان و سایر مردم را بالا برده و یا پائین بیاورد و فراوانی و قحطی ایجاد کند .

جزء دو - چند جسم شیمیائی را که دارای خواص مخصوصی میباشند باهم مخلوط می کنیم يك خاصیت شیمیائی جدیدی بوجود می آید که غیر از خاصیت تفکیکی عناصر تر کیم شده میباشد و همچنین کم و زیاد کردن موادی که فورمول مخصوصی را تشکیل میدهند خواص آن فورمول را تغییر میدهند و همچنین بر خورد دو یا چند مواد شیمیائی باهم ایجاد احتراق و یا بخار های مساعد و نامساعد می نمایند.

جزء سه - هسته میوجات را که فاقد موجودات زنده میباشد بزمین میکاریم تحت تأثیر خاک و آب و هوا و حرارت و برودت کم کم زندگی نباتی پیدا کرده درخت بزرگی شده و میوه ها میدهند و هر منطقه هم روی خصوصیات هوا و حرارت و عناصر تر کیم کننده خاک و آب درخت های مخصوص و میوه های خاصی دارد که اگر در جاهای دیگر کاشته شود نتایج مطلوب نمیدهد و اگر هسته ها بحال خود باقی بمانند دیگر نبات یا درختی پدید نمی آید .

جزء چهار - تخم یرندگان در اثر تماس با يك حرارت ثابت و معینی (طبیعی یا مصنوعی) تبدیل بجوجه میشوند و اگر حرارت آنها کم و زیاد شود جوجه بوجود نمی آید و همچنین است وضع پیدایش مگس یا ماهی که مگس تخم خود را روی زمین و ماهی تخم خود را ته آب و لای لجن میریزند در اثر تأثیر هوای محیط و خاک در تخم مگس و همچنین اثر آب در تخم ماهی ماهی بوجود می آید حال اگر محل تخم مگس و ماهی را باهم عوض کنیم یعنی تخم مگس را در آب و تخم ماهی را در خشکی بگذاریم ممکن نیست مگس یا ماهی بوجود آید .

جزء پنجم - اگر برنج یا گندم را مدتی در انبار بگذاریم تحت تأثیر

هوای انبار در گندم، یا برنج شپشه بوجود می آید ولی اگر در همان انبار گندم با کاه و برنج با پوشال بگذاریم (بدون جدا کردن گندم و برنج از کاه و پوشال) و مدت توقف آنها را هم در انبار خیلی بیش از مدت توقف گندم یا برنج بدون کاه و پوشال قرار دهیم ممکن نیست شپشه که يك موجود جان دار درشتی است پیدا شود و همچنین اگر گندم بدون کاه و برنج بدون پوشال را هم مدتی در انبار بگذاریم و در فواصل معینی آنها را باد بدهیم و یا اینکه در گندم یا برنج مقداری نمک بگذاریم ممکن نیست شپشه بوجود آید.

جزء شش - هنوز در دنیا میکروبی کشف نشده که در چند دقیقه کسی را تلف کند در صورتی که میدانیم اکسیژن و گاز کربن موجود در هوادر حالی که مخلوط شده باشند باعث ادامه حیات ما میباشند ولی کربنی که شبها از درختها خارج میشود برای مامضر بوده و اگر در محیط محدود تنگی باشخص سالمی مواجه شود در مدت کمی آن شخص سالم را خفه میکند و همچنین است تأثیر جدا گانه اکسیژن و ازت خلاصه اکسیژن و کربن و ازت با اینکه دارای میکروبی جان دار موافق یا مخالفی نیستند اگر بنسبت معین و اندازه طبیعی باهم مخلوط شوند با ترکیبات و مواد موجود در بدن ما اختلاط پیدا کرده و باعث حیات مامیشوند و اگر نسبت اختلاط آنها باهم کم و زیاد شود بهمان نسبت در سلامتی و بیماری ما موثرند و اگر بتنهائی بمارو آورند باعث مرگ مامیشوند.

آیا میکروب خطرناک و مهیب است ؟

جزء هفت - طرفداران طب جدید معتقد میباشند بواسطه پراکنده بودن میکروب در هوا هر ثانیه میلیونها میکروب بسطح خارجی بدن مامهجوم می آورند و قوای حا کمه بدن که مرکز آن مغز است بوسیله قوه الکتریکه و اعصاب خیلی حساس ریزی که در تمام بدن پراکنده اند از جریان امر آگاه و فوراً بگلبولهای سفید خون دستور دفاع میدهد گلبولهای سفید بنقطه هجوم میکروب رو آورده و شروع بمبارزه میکنند در اینموقع اگر گلبولهای سفید قوی و کافی باشند میکروبها را بلع و با کمک ترشحات دیگر نابود میکنند ولی اگر گلبولهای سفید قوی نباشند از دفاع عاجز مانده و میکروبها

بدون مانعی بدن وارد و در نتیجه امراضی بوجود می آورند بطوری که قبلاً گفته ایم مواد غذایی است که سبب ضعف یا قوت و زیاد یا کم شدن گلبول های سفید و قرمز میشوند و خود گلبولهای سفید و قرمز دارای هیچگونه توالد و تناسل مستقلی نیستند پس وقتی گلبولهای سفید دارای قوه مبارزه و مقاومت در مقابل ذرات هوایی و یا میکرب میباشند باید بگوئیم که میکرب های هوایی و گلبولهای بدن دارای تجانس طبیعی و میل تر کیمی میباشند که بنا بر زیادی قوه و نیروی یکی از دو طرف گاهی میکرب در گلبولهای سفید هضم و یا گاهی گلبولها تحت تأثیر میکرب واقع میشوند و چون خصوصیت تکوینی و پیدایش میکرب هم مانند خصوصیت تکوین و پیدایش گلبولهای سفید است با تفاوت اینکه گلبولها از مواد غذایی تر کیم میشوند و میکربها از مواد یا خاصیتها و یا ذرات هوایی (تر کیم میکربهای هوایی بعداً گفته میشود) و عناصر مر کبه آنها با هم مانوس و لازم و ملزوم یکدیگرند و هر کدام قوی تر باشند طرف دیگر را تحت الشعاع قرار میدهند پس میکربها دارای يك وضع شاخص برجسته و يك موقعیت خطرناك مهیبي نبوده و نباید از تر کیمات تکوینی آنها ما بوحشت افتاده و زندگی راحتی را بخود حرام ساخته و همانطور که با اصطلاح از عزرائیل و مرک میترسیم (اگر بترسیم) از میکرب هم بترسیم شاعر میگوید.

هر که گریزد ز خراجات شاه بارکش غول بیابان شود
تقریباً مطلب هم بهمین قرار است زیرا وقتی بشر بی مایه و ضعیف و در عین حال مغرور در چند روز موقت زندگی خود را از خالق و آفریننده کون و مکان و جهان هستیها که باز گشت همه ما باوست بی نیاز دانسته و نترسد پس باید از ذره ترین و کوچکترین چیزها و خیالات و اوهام و خرافات بترسد.

تخم یا نطفه اول

جزء هشت - يك موضوع مهم دیگر موضوع پیدایش انسان است وقتی چند قطره آب بنام منی در رحم زن قرار گرفت حیوانات بسیار زیاد وریزدند بینی که تشکیل آن چند قطره آب را میدهند شروع بفعالیت نموده و با استفاده از منی زن شروع بخوردن سایر ذرات زنده همراه خود مینمایند

تأخیر و زنده منحصر به انسان یکی شود در آن موقع نطفه قوت گرفته اگر
توانست با استفاده از محیط استقرار پیدا کند که با طی مراحل چندی تبدیل
به بچه و انسان میشود و اگر نتوانست استقامت بخرج دهد محکوم بزوال
شده از بین میرود .

طب جدید فعالیت و حیات ذرات منی را مربوط بچشم مسادی تخم و
نطفه میدانند و میگویند تخم و نطفه یک مرد همان تخم و نطفه ایست که از
انسان اول تاریخ که میدانیم چند هزار نسل قبلی ما بوده میباشد و نیز معتقد
است که اگر مرد و زنی از حیث ساختمان بدن نقصی نداشته باشند روی قاعده
طبیعی و مطابق اصل تسلسل و قاعده ارث بطور قطع باید تولید مثل کنند
در صورتی که اگر چنین بود انسان میبایستی در مدت‌های معینی تولید مثل
و پیش بینی تولید مثل کردن و تعیین نوع جنین هم قبلاً امکان پذیر باشد و نیز
پسر ها و دختره من جمیع الجهات یعنی از حیث رنگ و قد و صورت و چاقی و لاغری
بلند و کوتاه بودن و خصوصیات بسیار مهم روحی و مسائل زیاد دیگر از پدر و
مادر متابعت نموده و صورت یکنواختی داشته باشند یعنی مثل محصولات
که از یک کارخانه پولادی بیرون می آید همه یکجور و یک رنگ و یک شکل
بیرون بیایند و همه بدون کوچکترین امتیازی مثل هم و تعداد اولاد در تمام
خانواده‌ها مساوی باشند آنوقت ممکن بود ادعا کرد که قاعده تسلسل و قانون
ارث با این خصوصیات که در میان ما مصطلح است صحیح میباشد

ولی وقتی می بینیم هیچگونه نظم و ترتیبی در تولید مثل کردن و بچه
دار شدن و پسر و دختر بوجود آوردن و تعداد آنها در کار نیست و یکی اساساً
بچه ندارد و یکی از زیادی بچه بستوه می آید یکی بواسطه زیادی پسر در
عذاب است و دلش فرزند دختر میخواهد و دیگری از زیاد دختر داشتن
شکایت دارد و دلش فرزند پسر میخواهد.

یکی در بهار دیگری در تابستان و سومی در پاییز و چهارمی در زمستان
بچه دار میشوند و نیز یک مادر و یک پدر در فصل‌های مختلف تولید بچه
میکنند و تازه این اولادها که از یک پدر و مادر و در یک منطقه هوایی وجود
می آیند از همه حیث اختلافات کلی با هم دارند پس مجبوریم مطالعه بیشتری
در قاعده ارث و تسلسل بنمائیم و راضی نشویم باین فتوا و قضاوت عجولانه
میلیونها افراد بشر از جاده توحید و خداشناسی منحرف شده و هزاران بدبختی
و گرفتاری و نکبتهای فردی و اجتماعی مثل وضع حاضره دنیا و وضعیت بدتر
آینده فردا بوجود آید .

اگر قضاوت در امور علمی و اجتماعی و عمومی عجولانه صورت گیرد ممکن است در اثر يك اشتباه مردمی گمراه شده و گناه گمراه شدن آنان بگردن صاحبان اظهار عقاید علمی و اجتماعی باشد پس باید کاری کنیم که عذاب و بدبختی میلیونها مردمی که در اثر فتوا و قضاوت بی مطالعه ما گمراه میشوند بنام پاداش فتوا و قضاوت غلط پای ما ننویسند و ما دچار عذاب روحی یا جسمی نشویم .

بهر حال آنچه ثابت است اینست که حیوانات زنده ذرات منی مردوزن از موجود زنده دیگر بوجود نمی آیند بلکه از ترشحات غدد و سلول های مختلف بدن که ذرات حس دار میباشند نه حیوانات دست و پادار متحرك و جان دار بوجود می آیند و سلولها و غدد مربوطه هم از ترکیبات چندی که بخش بزرگ آن غذاها و خوردنیها و نوشیدنیهاست پیداشده و همانطور که در ذرات ترکیبی گلابی و یا گوجه حیوان زنده نیست که در معده و روده های ما نشوونما نموده و ایجاد اسهال و تردد مزاج نماید و فقط حس یا نیروی نباتی و یا خاصیت گلابی و گوجه است که در ذرات حس دار معده ما تأثیر و رفع بیوست نموده و زیاد خوردن آنها اسهال ایجاد میکند باید بگوئیم ذرات منی تحت تأثیر و یا حس و یا خاصیت غذاها پدید آمده و ایجاد نطفه میکنند و اگر ذرات منی مرد با ذرات منی زن میل ترکیبی داشته باشند یعنی از نظر خاصیت و قوه هائی که بوسیله غذا در آن پیداشده با هم الفت و انس و یا میل ترکیبی داشته و حرارت رحم هم که از خاصیت های غذایی بوجود می آید برای پرورش آن مناسب باشد با هم ترکیب و مزوج شده و ذرات اولین جنین را تشکیل داده و بتدریج جنین را بوجود می آورند و اگر ذرات نامبرده با هم متناسب نبوده و میل ترکیبی نداشته باشند یعنی ذرات منی مرد با عناصر ترکیب کننده ذرات منی زن انس طبیعی نداشته باشند جنین بوجود نمی آید .

بهر حال ذره و حیوانی که نطفه نام دارد و سایر حیوانات بسیار ریز ذره بینی که در منی انسان یا حیوان میباشد در اثر فعل و انفعال و کم و زیاد شدن قوه و اثرها و خاصیت های متضاد انواع مواد غذایی و آب و هوا و حرارت و برودت داخلی بدن پیدا میشوند و دلیل روشن هم اینست که نیروی غذایی است که بصورت های مختلف چند قطره آب و یا يك دانه نطفه یا حیوان ذره بینی را بیک موجود قوی بزرگی تبدیل مینماید و وضع کار بدن هم عیناً مثل عملیات يك کارخانه پارچه بافی است یعنی همانطور که يك

کارخانه فلزی پنبه یا پشم یا چغندر میگیرد و پس از عبور از دستگاہها و کارگاہها و محلہهای مخصوص - محصول مختلفی بیرون میدهد بدن ہم همین کار را میکند با تفاوت اینکه بدن از نیروهای مختلف حیاتی خوردنیها استفاده میکند و ساختمان و مواد مورد مصرفش غیر از ساختمان و مواد مورد مصرف یک کارخانه فلزی و محصول آن میباشد بطور کلی همانطوری که بوسیله خاصیتہای غذائی میتوان گلبولہای سفید و قرمز خون بدن را کم و زیاد نمود حس یا حیات در نطفه ایجاد میشود این نکته را باید اضافه نمائیم کہ تمام ذرات زنده بدن و نطفه هر اندازه ہم ریز باشند تر کیسی از دو جزء کلی میباشد :

یک جزء آن جسم و جزء دیگر آن روح یا خاصیت آن میباشد و این ذرات زنده روی قوه و نیرو و خاصیت نباتی کہ دارند در ہم تحلیل میشوند و گاہی ذرات زیادی تحلیل رفته و نابود میشوند و یا با ہم ترکیب شده و تقویت می یابند و تظاهرات زیادتری نشان میدهند و چون ذرات نامبرده و سایر خصوصیات تکوینی و موقعیت عمل و روحیه زن و مرد و حرارت رحم و کلیه علمی کہ از حیث روحی و مادی در تکوین ذرات حس دار موثر میباشد مختلف و متغیر میباشد لذا اختلافات بسیار مهم و زیادی از هر حیث در اولاد یک پدر و مادر میشود بيمورد نیست کہ بدو موضوع زیر نیز توجه نمائیم :

آیا در مرد های بدون نطفه میشود

ایجاد نطفه کرد

موضوع يك - چطور میشود کہ مرد وزنی مدتها با ہم زندگی میکنند و بچه دار نمیشوند بکمترتبه در چند سال پشت سر هم بچه دار میشوند ہم چنین چطور میشود مرد وزنی بکمترتبه در چند سال پشت سر هم بچه دار میشوند و بعد در چند سال بچه دار نمیشوند و پس از چند سال دیگر باز دارای بچه میشوند و یا جمعی در جوانی وعده در پیری بچه دار میشوند. اگر خواسته باشیم بگوئیم در اثر کثرت کار، اعضاء و غددی کہ در ایجاد نطفه و پیدایش بچه موثرند از کار افتاده و عمل اصلی خود را نمیتوانند

دیگر بطور کلی انجام دهند قاعدتاً پس از خاسته دوره اول دیگر برای آنها نباید بچه بوجود آید در صورتی که زیادهستند خانواده هائی که در چند سال بطور متناوب بچه دار شده اند و نیز خیلی هستند کسانی که در جوانی بی فرزند بوده و در دوره پیری بچه دار شده اند و همچنین می بینیم دواهای شیمیائی زیادی تهیه شده که اگر قبل از عمل خورده و یا استعمال شود دیگر بچه بوجود نمی آید و چون ممکن نیست که بگوئیم میتوان در محیطی اثر منفی ایجاد کرد ولی نمیتوان اثر مثبت بوجود آورد یعنی همان طور که بوسیله ترکیبات شیمیائی میتوان جلوگیری از پیدا شدن بچه نمود ناگزیریم بگوئیم که بوسیله ترکیبات شیمیائی و تقویت غدد مربوطه نیز میتوان موجبات حامله شدن خانم های بی بچه را فراهم کرد و چون اثر غذاها و خوردنیها بطور طبیعی در بدن زیاد تر است پس با غذاها و خوردنیها و نوشیدنیها بهتر میتوان غدد مزبوطه را قوی یا ضعیف نمود و بدین وسیله در پیدایش بچه کمک و یا ایجاد مانع کرد و از این قسمت سه نتیجه زیر مورد نظر است :

نتیجه اول - تقویت وضع بدن و غدد و اعضاء بخصوص تأثیر بموقع و بی موقع خاصیت های مختلف در پیدایش بچه موثر می باشند گذشته از آنکه بواسطه تغذیه خوب و اعتدال مزاج توالد و تناسل در دهات زیاد تر از شهرها هست بین کشورهای دنیا هم ممالکی پیدا میشوند که حد متوسط تعداد اولاد هر خانواده اش دو و سه و چهار و پنج نفر است و همچنین شهرهای مختلف یک کشور هم از حیث حد وسط توالد با هم فرقه های زیاد دارند .

نتیجه دوم - وقتی با مواد شیمیائی یا غذائی میتوان آنهمه حیوانات ذره بینی که در منی زن و مرد موجود است از کار انداخت و یا تحریک نمود باید بگوئیم مواد غذائی و حیوانات ذره بینی منی از یک نوع و یک جنس می باشند که تحت تأثیر موافق یا مخالف یکدیگر واقع میشود .

نتیجه سوم - وقتی نیرو و خاصیت غذائی را سبب تکوین نطفه دانستیم مجبوریم بگوئیم دور یا تسلسل در کار نیست و روی علل و موجبات یا خواص غذائی و موقعیت خاصی نطفه مرد و ترشحاتی که از زن میشود بطور جدا گانه در بدن مرد وزن خلق و نطفه از مرد برحم زن انتقال یافته و با استفاده از موقعیت مساعد رحم زن جنین منعقد شده و نشوونما می یابد .

موضوع دو- با مطالعات علمی زیادی علما، روح شناس استقلال روح و حیات و بقاء آن را پس از مرگ با دلایل غیر قابل تردیدی ثابت نموده اند و خود ماهم کم و زیاد روی آثار و خوابهایی که می بینیم بوجود روح و حیات بعدی آن ایمان داریم حال کیفیت تکوینی روح چیست و چطور ایجاد میشود از بحث ما خارج است و آنچه بطور مختصر ثابت است اینست که همان طوری که هر انسانی روح مستقلی دارد هر ذره هر قدر هم ناتوان و ضعیف باشد روحی دارد و روح است که سبب جان داری ذرات اولیه تکوینی میشود والا ذرات ریزمادی دارای قوه و حرکت نیستند که توانائی تحمل این همه تحولات را داشته باشند و شاید این روح هم از همان خاصیت های مختلف نباتی که در خوردنیها و نوشیدنیها با انواع و اقسام مختلف موجود میباشد باشند و بهترین دلیل هم بطوری که قبلا هم گفته شده اینست که بوسیله خاصیت های مختلف نباتی روحیه ما تغییر کرده و در سلامتی و مرض موثر است .

یعنی در آن واحد ممکن است که دو نوع خوردنی که اثر سریعی در معده و خون ما داشته باشند ما بخوریم و دارای دو نوع روحیه بشویم یا شاد شویم و آرام یا غمگین شویم و عصبانی در این حال باز ناگزیریم تکرار کنیم ذرات مادی منی سبب حیات انسانی میشوند و روح است که تحت تأثیر نفوذ قوه و قدرت مواد غذایی و حرارت و برودت و موقعیت بدن واقع و تقویت یافته و بجسم و اعضاء آن حیات و زندگی بخشیده و آن را موجود زنده (روح دار) می نماید .

روح انسان هم که درجات صعودی و نزولی دارد بوسیله تربیت های مختلف درجات مختلفی را سیر می کند و نتایج عجیب موافق یا مخالف بار می آورد و پس از مرگ و نابود شدن بدن هم باز باقی و زنده بوده و با انواع و اقسام مختلف بخواب بازماندگان و دوستان خود آمده و با آنها پند و اندرز و دستورات عجیب داده و نکات حساس مهمی را یاد آور می نمایند.

توجه بیک موضوع عمومی و مهم دیگر بیفایده نیست و آن اینست که با آزمایشهای مکرری که با آخرین وسایل علمی از مردها و زنهای زیادی (زن و شوهر) بعمل آمده مکرراً اعلام شده که مرد دوزنی از هر جهت سالم میباشد و ایجاد بچه آنها مانعی ندارد با اینحال بچه دار نشده اند و همچنین در منی مرد و زن دیگری یا نطفه و استعداد تولید مثل کردن موجود نبوده و یا

موجبات دیگری بوده که باید تا آخر عمر بی بچه بمانند ولی پس از مدتی یأس و ناامیدی یا بطور ناگهانی و یا در اثر نذر و توجه بخدا و پیغمبران و مقدسات دینی دارای فرزند شده‌اند و این موضوع میان جامعه خیلی نمونه دارد و اینجا باید نکته‌ای گفته شود که چون بدن تحت تأثیر مواد مختلف غذایی قرار میگیرد موقعیت بدن و موقعیت ایجاد نطفه و یا نطفه سالم و یا مریض مرتباً در تغییر است و اطبائی که بنام اینکه فلان مریض نطفه‌اش هم مریض و نسلش هم مریض میشود مبادرت بعقیم کردن مردها می نمایند عمل صحیحی را انجام نمیدهند و در این جا دوا اشتباه میکنند یکی اینکه از معالجه مایوس میباشند در صورتی که بی اطلاعی یکدکتر از دواهای مخصوصی که برای مرض مخصوص لازم است دلیل یأس و ناامیدی نبوده و عذر موجه نیست و دیگر اینکه نسل او را خراب میدانند و مبادرت بعقیم کردن اشخاص مینمایند و از این راه خسارت جانی زیادی بعالم بشریت وارد میکنند.

خلاصه شخص بنده ناظر و شاهد موضوع دیگری بوده‌ام که در اینجا بیان آن را لازم میدانم:

در سال ۱۳۱۹ که من در زاهدان بوده‌ام خداوند متعال پس از چندین سال ازدواج بیکی از رفقای گمرکی من که الساعه در تهران و بازرگ کل گمرک است دختری عنایت فرمود این دختر پس از چندی مرد پدر و مادر از مرگش بی اندازه متأثر شده و زیاد بی تابی میکردند هر چه من و خانم از آنان استمالت و دلجوئی کردیم مخصوصاً در مورد پدر فایده نداشت شب سوم یا چهارم فوت بچه پدر طفل خواب دیدیک پسر را روی زانویش گذارده اند صبح این خواب را برای ما نقل کرد ما هم رای اینکه مرک کودک از نظر آنها محوشده و کمتر بیقراری کنند خواب را چنین تعبیر کردیم که پس از (۹) ماه دیگر دارای پسر می‌شوند شد درست پس از نه ماه دیگر خداوند متعال با آنها پسر عنایت فرمود که الساعه در قید حیات است و چون در میان جامعه و در کتابهای روحی از این قبیل مسائل زیاد است و این موضوع هم مربوط بموضوع مورد بحث ما نیست لذا از آن صرف نظر و مراتب بالا را بشرح زیر خلاصه مینمائیم.

جزء يك - حیوانات ذره بینی جاندار موجود در منی از مواد غذایی و تحت تأثیر حرارتها و برودتهای بدن و روح از غدد و سلولها و اعضاء

مخصوص بوجود می آیند و این غدد و سلولها ذرات حس داری میباشند نه حیوان متحرك فعال جاندار و ذرات منی هم توالد و تناسلی ندارند .
جزء دو - جسم مادی نطفه غیر از قوه و نیروئی است که در آن موجود بوده و سبب فعالیت آن میشود .

جزء سه - روحست که بانسان حیات و زندگی میدهد و تحت تأثیر همین روح است که فعل و انفعال مواد غذایی و خواص آنها در بدن صورت می گیرد .

روح تحت تأثیر خاصیتها و نیروهای غذایی قرار گرفته و موقعیتهای مختلف روحی ایجاد میکند و فعل و انفعالی که زیر نظر روح در کم و زیاد شدن خاصیتهای مختلف غذایی بعمل میآید سبب ایجاد میکرب امراض میشود و از همین راه یعنی کم و زیاد کردن خاصیت های مؤثر میتوان امراض را معالجه کرد .

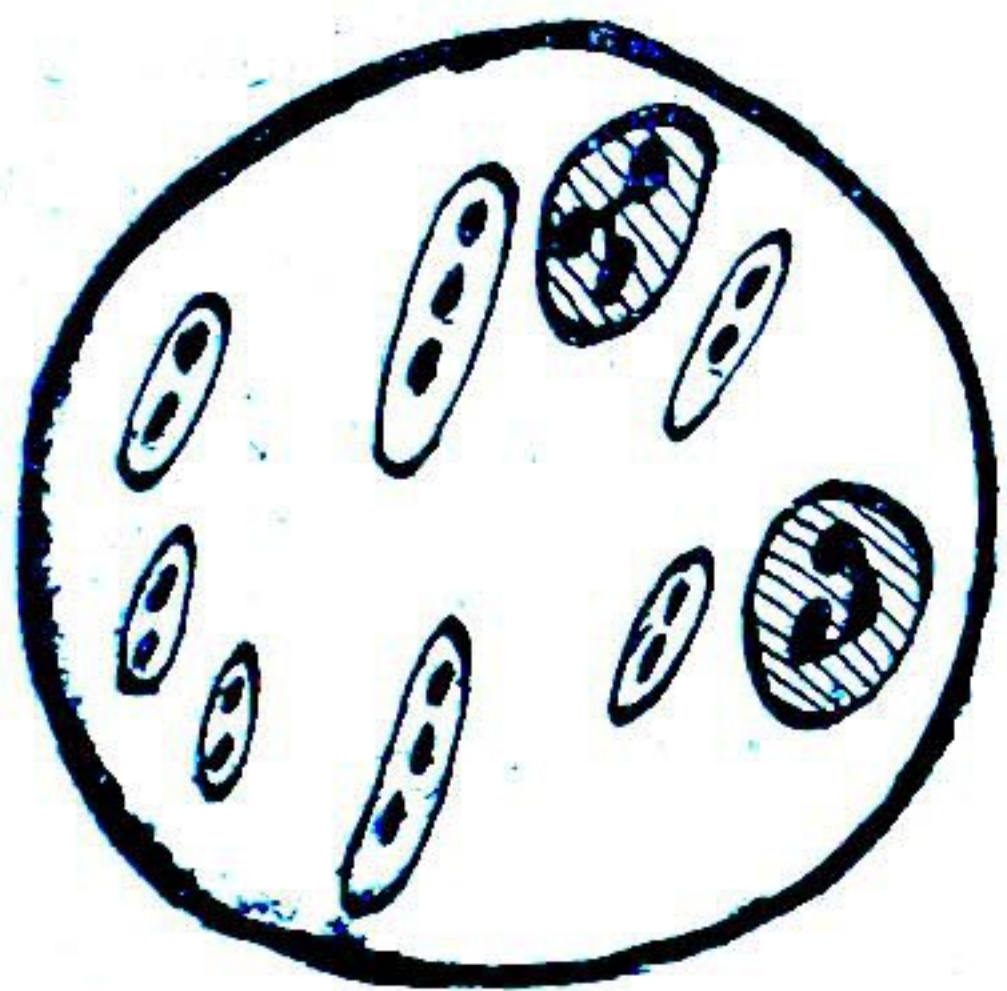
جزء چهار - وقتی خلقت حیوانات ذره بینی و نطفه را از خاصیتهای غذایی دانستیم مجبوریم بگوئیم حیوانات نامبرده ابتدا بساکن در بدن خلق میشوند و وقتی چنین شد موضوع دوریا تسلسل از بین می رود یعنی باید فرض کنیم يك کارخانه قوری سازی یا سماور سازی داریم این کارخانه قوری و سماورهای يك فرم و یکجور (البته از حیث تشکیلات) بیرون میدهد در این قوری ها و سماور ها ممکن است شیر - چای - کاکائو - قهوه و غیره تهیه شود بهر حال هرچه در سماور و قوری ریخته شود حاصلش پس داده میشود و سماور یا قوری خاصیت یا اراده ای ندارند که اختیارش سر خود بوده و بتوانند محصول مختلف بیرون بدهند .

عین مواد تحویل شده بآنها بيك و با چند صورت از آن خارج میشود در بدنهم نیرو و خاصیتهای ایجاد کننده نطفه از غذاها گرفته میشود و نطفه خلق شده ارتباطی با ذرات اولیه نطفه پدرها و اجداد قبلی مرد ندارد .

قسمت سوم - دلایل بسیار مفید و مساعدی که در فرضیات باستور و طرفدارانش موجود میباشد و برای رد فرضیه های خود آنها و روشن شدن مطلب دلایل محکم و ثابتی است :

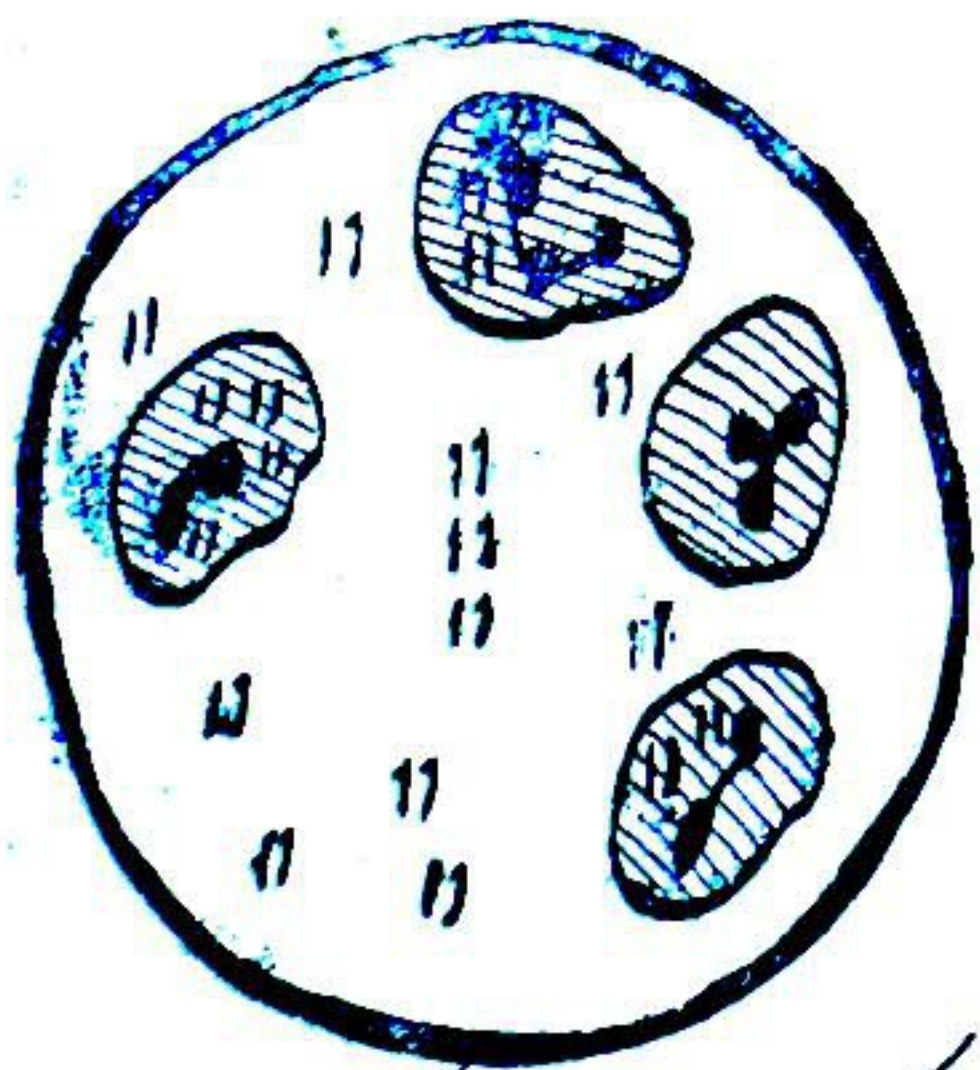
جزء الف - با اینکه از کشف میکرب تا حال نزدیک به هفتاد سال با بیشتر میگردد با همه گونه وسائل کار نتوانسته اند میکرب همه امراض

و علاج آنها را کشف نمایند و تا حال چند نوع میکروب بیشتر کشف نشده که آنها هم در شکل و خصوصیات باهم فرق دارند و بنامهای مختلفی معروف شده اند و همین اختلاف انواع میکروبها شکل ۱۵ تا ۱۸ خود دلیل روشنی برای اثبات اثرها و خاصیتهای مختلفی که در ایجاد آنها مؤثر است میباشد.



میکروب پودونی (سینه پلو)

شکل ۱۷

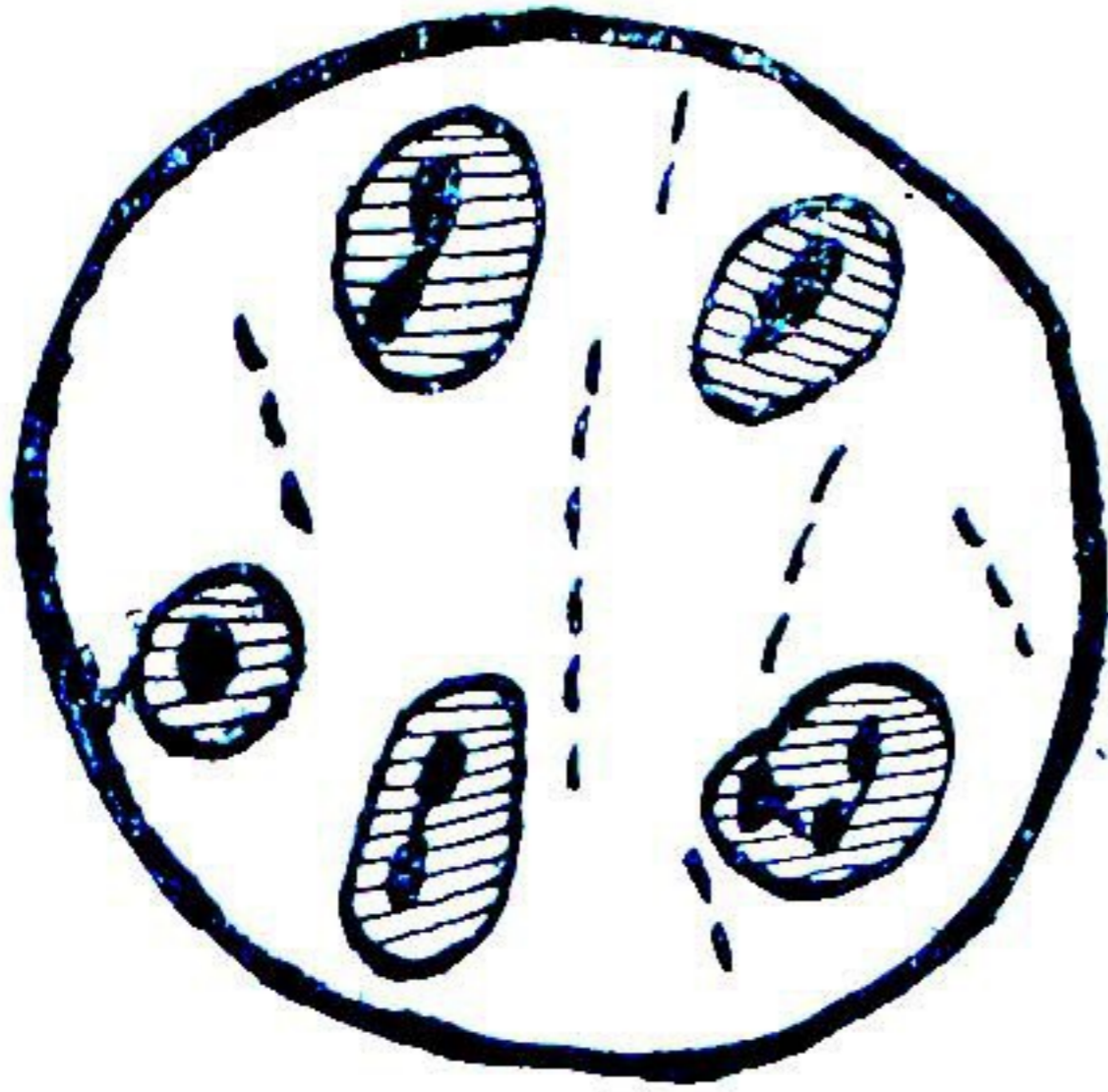


میکروب کونایک

شکل ۱۸

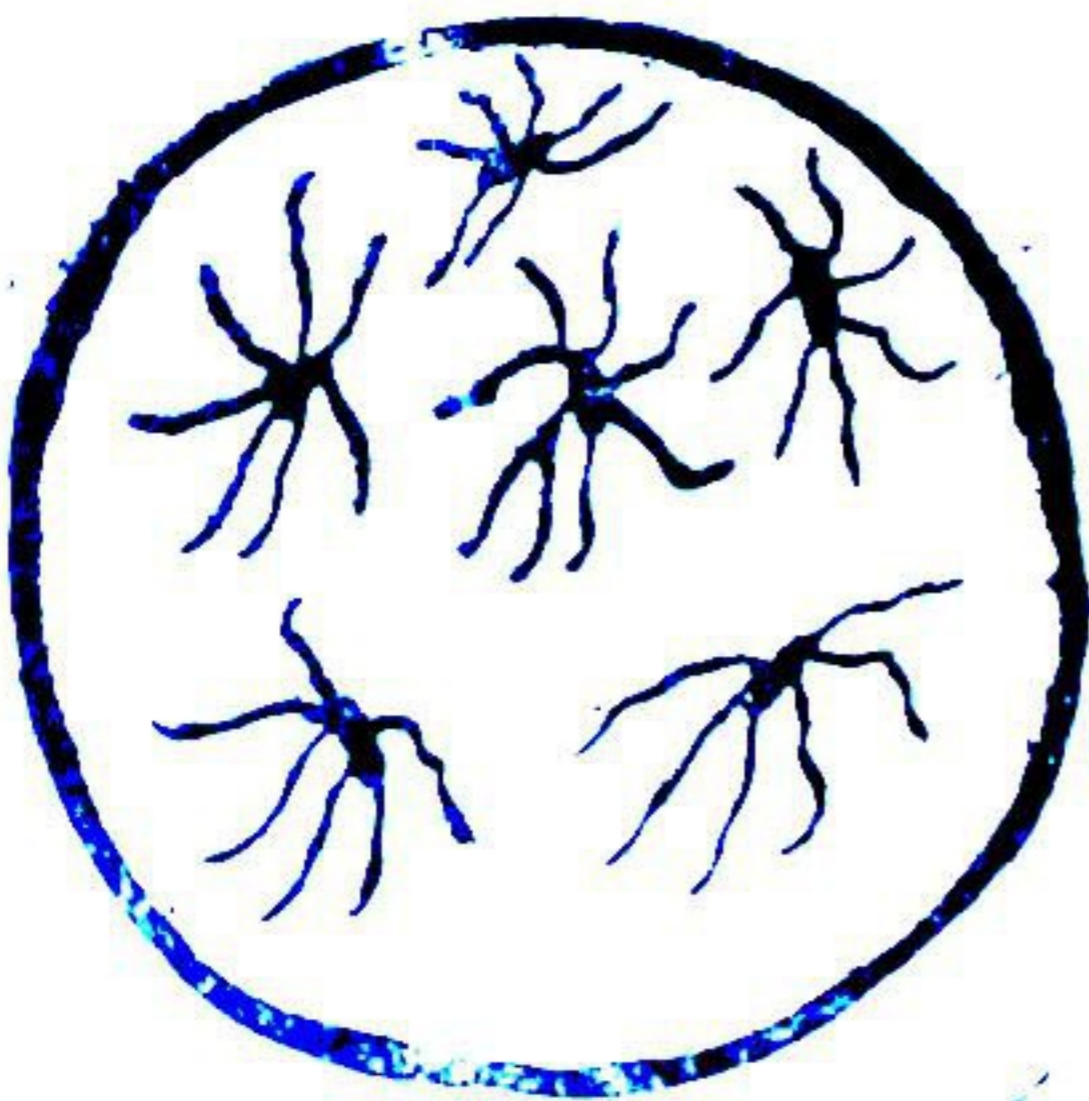
جزء ب- آنچه تا کنون بتجربه ثابت شده اینست که تزریق و سرایت میکروب در تمام بدنها يك نتیجه مثبت نمیدهد و همچنین اگر چند نفر سالم نزدیک بیمار مبتلا به امراض مسری باشند و یا چند مرد سالم بيك زن سفلیسی نزدیک شوند همه آنها مریض نمیشوند و ممکن است یکی دو نفر از آنها مریض و بقیه سالم بمانند پس میکروب مثل آتش که طبیعتش سوزان و هر چیز قابل اشتعال را میسوزاند دارای اثر ثابت و مسلمی نبوده و تأثیرش در همه چیز مساوی نیست و اینکه جمعی از علما معتقدند که میکروب میلیونها سال عمر میکند و در مقابل مشکلات زیاد و محظورات و انقلاب های فیزیکی و شیمیائی سالها مقاومت میکند صحیح نبوده و بالعکس در عین حالیکه ممکن است در محیط دور از انقلابی مدتی بحال خود باقی بماند چناندار بی اندازه بیچاره ایست که در مقابل يك بدن قوی یا

چند گلبول سفید خون و یا مقدار
 مواد غذایی نابود میشود چرا خود
 را بخيال انداخته و بسمت آزمایش
 های زحمت دار برویم وقتی يك
 فیل و يك کرگدن و يك پلنگ با
 آن همه اهمیتی که دارند و یا این
 انسان پر ادعا و مغرور را بشود با
 يك گلوله مهمان کرد و یا قدری
 تریساک و یا غذایی که خاصیت آن
 مخالف مصالح آنی بدن آنان است
 بآنها داد و در دم هلاک شوند و
 وقتی بزرگترین و مهمترین موجودات
 دنیای ما باین سادگی و شاید با
 وسائل ساده تر در خطر مرگ باشند
 دیگر میکروبهای خیالی که اگر با
 میکروسکوپ سه هزار مرتبه بزرگش
 کنیم تازه يك ذره بیش نیست چه
 ارزشی خواهد داشت بدبختی اینجا
 است که ما ضعف و ناتوانی خود را
 حمل بر اهمیت و قدرت طرف میکنیم
کشت یازراعت میکرب



میکرب سیاه زخم

شکل ۱۷



میکرب سیاه خنجر

شکل ۱۸

جزء ج - موضوع خیلی مهم
 اینست که هر میکربی روی مواد
 غذایی معینی کشت میشود یعنی اگر
 بخواهند میکرب تیفوس یا تیفوئید
 را کشت کرده و زیاد کنند باید حتماً
 روی آبگوشت که محیط مساعدی
 برای پرورش میکرب تیفوس و
 تیفوئید است کشت نمایند و اگر
 میکربهای نامبرده روی آب لیمو

یا آب هندوانه یا مواد غذایی دیگری کشت شوند ممکن است آن نتیجه که
 از کشت میکرب روی آبگوشت بدست میآید بدست نیاید بطور کلی از

کشت هر میکرب در هر محیطی یکی از سه نتیجه زیر بدست میآید .

نتیجه اول - محیط مساعد است میکرب کشت شده زیاد می شود.

نتیجه دوم - محیط نامساعد است میکرب بطور کلی از میان می رود.

نتیجه سوم - محیط منفی است نه میکرب از میان می رود و نه زیاد

میشود و بیک حال باقی میماند .

اینک باید بنکات زیر توجه و ضمناً به ببینیم چرا محیط های مساعد و

نامساعد و منفی پیدا میشوند .

توضیح ۱ - بطوریکه در مبارزه گلبولهای سفید خون با میکرب و

نیز تأثیر کردن میکرب در عده و تأثیر نکردن در جمع دیگر گفته شده وجود

محیط های مساعد و نامساعد برای پرورش و زیاد کردن میکرب و نابود

کردن آن زیاد است و آزمایش محیط منفی هم در آب مقطر ممکن است

نتیجه خوب بدهد و بفرض اینکه آب مقطر این نتیجه را ندهد بالاخره با

آزمایش میتوان محیطهای منفی را پیدا کرد .

توضیح ۲ - چون در محیط مساعد موادی موجود است که با مواد

موجود در میکرب و یا عنصریکه میکرب را بوجود آورده انس و موافقت

طبیعی کاملی دارند در اثر فعل و انفعال ، عنصر موجود در میکرب در عنصر

موجود در محیط مساعد میکرب پرورش یافته و زیاد میشود و در محیط نامساعد

بعکس محیط مساعد چون بجای عنصر موافق عنصر مخالف زیاد است مواد

موجود در محیط نامساعد و زیادی فشار و زور آن در عناصریکه میکرب را

تشکیل داده تأثیر نموده و میکرب را از بین میبرند و نیز در محیط های منفی

چون هیچگونه مواد یا عنصر مخالف یا موافقی برای زیاد نمودن و یا نابود

کردن میکرب نیست لذا میکرب بدون کوچکترین تغییری بحال خود

باقی میماند .

توضیح ۳ - چون در محیطهای غذائی نا مساعد حیوانات ذره بینی

جاننداری نیست که بتواند میکرب را که يك موجود زنده است بخورند و

خاصیت غذائی و عناصر موجود در آنها است که ترکیبات میکرب را متلاشی

میکنند لذا باید گفت که مابین میکرب و خاصیت غذائی محیطهای نامساعد

تجانس طبیعی موجود است که میکرب در خاصیت غذائی و عناصر نباتی حل

میشود و همینطور است زیاد شدن میکرب در محیطهای مساعد .

توضیح ۴ - وقتی میکرب در محیط مساعد تقویت مینماید و بالعکس

در محیط نامساعد نابود میشود پس باید گفت مواد موجود در محیطهای مساعد

و نامساعد اثر حیاتی دارند از طرفی قبلاً گفته ایم که اگر بدن قوی باشد برای

میکرب محیط نا مساعد است و اگر ضعیف باشد محیط مساعد و همچنین میدانیم تقویت و ضعف بدن هم بوسیله نیروها و خاصیت‌های غذائی و خوردنیها انجام میگردد پس اگر بطوریکه در مقدمه گفته ایم باز هم تکرار کنیم که بوسیله خوردنیها و نوشیدنیها میتوان امراض: سل - سیفلیس - تیفوس - تیفوئید - مالاریا و انواع عصبانیتها و حتی جنون و عشق خلاصه کلیه امراض را ایجاد و مرتفع نمود ادعای پوچی نکرده ایم.

توضیح ۵ - در دهات و بیابانها و میان چادر نشینها که بطور کلی فاقد دارو و دکتر و سازمانهای بهداشتی بوده و دور از آثار تمدن و عملیات میکروسکوپی و مبارزات شیمیائی زندگی میکنند انواع مریضهای خود را بایکی دو وعده امساک از غذا خوردن و یا دادن غذاهای معینی معالجه میکنند و بدینوسیله عملاً از محیطهای مساعد و تقویت و ضعف بدن که بوسیله غذاها ایجاد میشود بهترین استفاده‌ها را مینمایند و صد درصد حال روزشان هم از شهر نشینان بهتر است.

۳ - آزمایش روی آزمایش پاستور :

الف - بطوریکه قبلاً گفته شده پاستور در موقع امتحان مقداری شیر تمیز شده را در یک شیشه تمیز شده از میکرب ریخته و سر آنرا بست و مدتی آن را سالم نگاهداشت و بعد سر شیشه را باز کرد و به محض باز شدن سر شیشه تحت تأثیر هوا شیر بریده و فاسد شد (پاستور مدعی شد که میکرب از هوا بشیر وارد شده) و این آزمایش پایه و اساس فرضیه معروف پاستور و استقلال حیات میکرب و زندگی آن در هوا قرار گرفت حالاً هم برای روشن و تکمیل شدن همین فرضیه باید یک آزمایش دیگری بنمائیم یعنی در یک محل یا محل های مختلف مقداری شیر که مخصوص یک گاو و یا گوسفند باشد تمیز نموده و در چند شیشه تمیز شده بریزیم و چند روز سر آن ها را ببندیم تا مطمئن شویم که شیرها سالمند و بعد سر شیشه‌ها را باز نمائیم چون نوع امراض و نوع میکربها مختلف است (و انواع میکربها طبق نظریه پاستور در هوا پراکنده میباشند) اگر شیرها بطرزهای مختلفی بریده و فاسد شد و میکربهای مختلفی در آن پیدا شد معلوم میشود خاصیت و اثر هوا بشیر را نبریده و میکربهای مختلفی که در هوا پراکنده میباشند سبب شده‌اند که بانواع مختلفی شیر بریده و میکربهای جور بجوری پیدا شوند در اینحال باید گفت فرضیه پاستور راجع با استقلال حیات میکرب و زندگی میکربها در هوا صحیح می باشد ولی اگر این موضوع عملی نشد

(قطعا نمی شود) یعنی تمام شیرها اعم از یک محل یا محل های مختلف همه بیک طریق بریده و فاسد شد و یکنوع میکرب بوجود آمد معلوم میشود اثر طبیعی هوا شیر را بریده است و نیز این موضوع را باید متوجه شویم که ممکن است آزمایش شیر حیوانات مختلف نتایج مختلفی بدهد بالاخره هر نوع شیری در تمام نقاط کشور بیک صورت بریده و فاسد میشوند نه بصورت های مختلف و مساوی بودن تأثیر هوا در شیرهای نقاط مختلف جهان خود دلیل بزرگی است برای رد کردن اثر میکربهای مختلف و گذشته از آزمایش نامبرده خود طبیعت بسا بهترین وضعی این آزمایش را نمایش داده مثلا هر محصولی یکنوع مخصوص بخود آفت دارد کرم - کاهو - خر بوزه - هندوانه - خیار - بادمجان و غیره و کرمهاییکه در باغچه ها پیدا میشوند همیشه یکجور و مخصوص بخود آن محصول و محل میباشند یعنی اگر زمینی را امسال کاهو بکاریم و سال بعد خر بوزه و یا بالعکس کرمهاییکه هر سال در کاهو و خر بوزه پیدا میشوند باز مخصوص بخود آن محصول میباشند و نیز اگر در یک زمین هم کاهو و هم خر بوزه بکاریم دو جور کرم پیدا میشود یکی کرم کاهو که هم رنگ کاهو و سبز است و دیگری کرم خر بوزه که مخصوص خر بوزه است و نیز اگر زمین را دو قسمت نمائیم و از یک تخم در آن بیاشیم و محصول آنها را دو جور آب بدهیم یعنی یکی را در هوای گرم و یکی را در هوای خنک و معتدل فقط آنکه در هوای گرم آب خورده دچار آفت میشود و همچنین است موقعیت گلها اگر آنها را در وسط روز آب بدهیم پژمرده و خراب میشوند و اگر صبح و عصر آب بدهیم موقعیت خوبی پیدا میکنند .

ب - اگر یک صفحه منفی را که نیروی غذایی در او نباشد مدتها در معرض هوا بگذاریم بطوریکه از عبور و مرور حشرات در روی آن جلوگیری شود ابدأ آثار میکرب زنده در سطح آن دیده نخواهد شد و اگر گفته شود چون محیط مساعد نیست میکرب نشو و نما نمیکند صحیح نیست زیرا محیط هوا هم عیناً بیک صفحه منفی فرقی ندارد و با همان شرایطی که میکرب میتواند میلیونها سال در هوا زندگی کند روی سطح منفی هم باید ادامه حیات بدهد .

ج - بهترین آزمایش اینست که با وسایل طبی که در اختیار داریم هوای یک اطاق را تمیز نمائیم بطوریکه مطمئن شویم که غیر از هوا که عبارت از اکسیژن و ازت و مقداری گازهای دیگر می باشد چیز دیگری در هوا نباشد (یعنی هوا باشد و میکرب نباشد) آنوقت مقداری شیر یا آبگوشت یا نصف خر بوزه و هندوانه و یا قدری انگور در آن محل بگذاریم و ببینیم

چه صورتی پیدا میکنند با نبودن میکربهای هوایی بازمواد نامبرده فاسد میشوند یاخیزا گرموادمذکور فاسد شدند معلوم میشود که خاصیتهای هوایی آنها را بریده و فاسد کرده نه میکربهای هوایی و اگر فاسد نشد آزمایش باستور تکمیل می شود .

د - باز اطاقی را باوسایل علمی از میکرب تخلیه مینمائیم وهوای کافی بآن وارد می کنیم يك نقر آدمیا حیوان سالم را نیز بدرون اطاق می فرستیم وبا لوله بخار آب سرد و گرم اطاق را گاهی گرم و گاهی سرد می کنیم اگر سرد و گرم شدن هوا با نبودن میکرب در آن شخص یا حیوان سرماخوردگی که معروف است میکربی دارد بوجود نیامورد وجود میکرب (میکرب مستقل) در هوا و پیدایش امراض بوسیله آن ثابت میشود در صورتی که مطلب قطعاً غیر از این است و سرد و گرم شدن هوای اطاق باعث سرما خوردگی آن شخص یا حیوان می شود .

زور و قوت میکرب

ه - بطوریکه قبلا گفته شده غذاها وما کولات وهوای سرد و گرم و مرطوب و آبها و حرارتها - برودتها - بوها - صداها - نورها - رنگها - حرکات و مهمتر از همه تأثیرات مهم روحی اثرهای بسیاری در بدن دارند یعنی هر چه از راه چشم می بینیم و آنچه بوسیله قوه الکتریسته و روحی بدن حس می کنیم و آنچه از راه گوش می شنویم و یا بوسیله حس لامسه و یا شامه و یا ذائقه درک می نمائیم خلاصه همه چیز حتی حرفهای عادی و خندهها و گریهها و عصبانیتها و خوشیها و شادیها و فکرها و اصطلاحات عمومی خوب و بد و داشتن لباس نو و کهنه و پولداری و بی پولی سوار بودن و پیاده راه رفتن گرسنه و سیر بودن اثرهای کلی و مهمی در تقویت و یا ضعف روح و بدن و با نتیجه در سلامتی و مرض مادارند و بفرض اینکه (فرض غلطی است) بمعتقدات خیالی باستور راجع بوجود میکرب امراض در هوا و یا زندگی مستقل و تأثیر آن در ایجاد امراض صد درصد تسلیم شویم تازه زور و قوت يك میکرب باندازه تأثیرات علل نامبرده بالا در ایجاد مرض مؤثر نبوده و نمی تواند کار مهمی صورت دهد و منظور اینست که جهت مساعد علل نامبرده بدن را تقویت می کند و تقویت بدن قوه دافعه را در بدن زیاد می نماید و وقتی گلبولهای سفید یعنی سربازان مبارز و مدافع بدن قوی شدند هر نوع

میکربی نمیتواند در مقابل آنها استقامت و پایداری نماید و محکوم بقنا و نیستی است لذا علتی ندارد بیجهت ما از میکرب بترسیم و زندگی را بر خود تباه کنیم .

تخمیر نیرو در گازهای موجود در هوا

و - در اثر حرارت و برودت ممکن است ذرات گاز اکسیژن و ازت و گازهای دیگری که در هوا موجود است پرفعالیت یا کم فعالیت و یا پر قدرت و یا کم قوت شوند و بهترین نمونه عملی آنها این است که وقتی هوا سرد می شود ذرات کم قوت هوا در بدن ما تأثیر نموده پوست بدن ما منقبض می شود و رنگ پریدگی و بی حسی و کم قوتی کاملی در دست و پا و سایر اعضاء بدن ما پیدا می شود و بدن سفید یا کبود رنگ و کم خون نمایش داده می شود و اگر هوا خیلی سرد شود بکلی فعالیت و استقامت ما را از بین میبرد و نیز وقتی هوا گرم است (طبیعی یا مصنوعی) و یا بدن با روپوش کامل و یا غذاهای قوی حرارت آور مجهز است پوست بدن منبسط و قرمز رنگ شده خون از زیر پوست در صورت نمایش زیبایی پیدا می کند و انبساط خاطر و شغف و خوشحالی پیدا شده و فعالیت بدن بسیار زیاد می شود .

ز - آزمایشهای چندی روی غذاها بنمائیم یعنی اشخاص و حیوانات مختلفی را با غذاها و خوردنی های مخصوص آزمایش کنیم و ببینیم با مراعات همه گونه دستورات بهداشتی و تمیز کردن غذاهای معین از هر گونه میکربی می شود امراض معین و میکربهای خاصی را در اشخاص و یا حیوانات بوجود آورد و همچنین ممکن است بوسیله غذا امراض و میکربهای مختلفی را نابود کرد یا خیر - باید يك نکته مهمی را در اینجا یاد آوری نمایم که روی قاعده بقاء موجودات بطوریکه تاریخ نشان میدهد طبیعت نیازمندی های بشر را بطور طبیعی و خیلی ساده تهیه نموده و اگر غیر از این بود امکان نداشت انسان یا حیوان یا موجود زنده در طول تاریخ روی زمین باقی مانده باشد و علت تکثیر و بقاء موجودات با فقدان همه قسم وسائل و اختراعات مهم و خیره کننده پزشکی امروز تا کنون همین موضوع دسترسی انسان یا حیوان به نیازمندیهای طبی خود بطریق ساده بوده و سیر قهقرائی یعنی کم شدن موالید و زیاد شدن متوفیات و کوتاه شدن دوره عمر انسان و اختلال

سلامتی عمومی و تغییر رنگ و تبدیل قیافه‌های خندان و پر خون و زیبا بقیافه های مالاریائی و زرد رنگ و پژمرده و بی حال مردم امروز بواسطه تغییرات غلطی است که روی تقلید از اروپائیها در طرز تغذیه و مداوا و سایر خصوصیات زندگی ما پیدا شده و منعکس شدن فرضیه پاستور و طرفداران آن در طرز معالجه و مداوای افراد بشر و زیاد شدن سم در بدن و ضعف قوای دافعه و کم شدن نیرو و قدرت بدن و انحراف از استفاده مواد طبیعی و نباتی که دارای مواد و خواص مورد احتیاج بدن مامی باشند تأثیرات کلی در جریان امر داشته است و نیز اگر بزندگی حیواناتی که بطور اهلی یا وحشی زندگی می کنند توجه نمائیم و بدانیم که خیلی از آنها از جهات مختلف در خلقت و سازمان بدن با ما مساوی می باشند (مخصوصاً همین جناب میمون که بعقیده غلط و بی پایه عدّه از علمای مادی فقط یکمرتبه در میلیونها سال قبل سیر تکاملی کرده و جد انسان شده و بعد چون دیده انسان شدن تکلیف و وظایفی دارد و انجام این وظائف برای حفظ مقام انسانیت زحمت و مشقت دارد لذا دیگر از تکامل پیدا کردن و انسان شدن صرف نظر نموده و بحال میمون بودن برای همیشه باقی مانده) و از طرفی در میان آنها که علماء میکرب شناس و آزمایشگاه های بزرگ و پزشک فراوان با تجربه و داروخانه های زیاد و هزاران وسائل و سازمان و اختراعات طبی امروز وجود ندارد و روی فرضیه پاستور و طرفدارانش میکرب ها هم که از هوا و کرات آسمانی می آیند و مخصوص یک شخص یا یک محل معینی نبوده و بطور مساوی همه جا پراکنده می باشند.

پس چه معجزه در بین است که این همه میکربها بطوری که در میان ما شایع است امراض مختلفی را در میان آنها بوجود نیاورده و بواسطه عدم وسائل مداوا نسل آنها را منقرض ننموده و چطور در طول تاریخ، حیوانات بی تمیز و بی شعور مقاومت نموده و هنوز هم سالم و باقی و قطعاً حال و روزشان هم از ما بهتر است در این مورد ممکن است اشاره به حیوانات و انسان های ماقبل تاریخ که منقرض شده اند بشود لذا می گوئیم که انقلاب کلی که برای انقراض انسان یا حیوانهای مخصوص یا تغییر شکل آن ها در دنیا بوجود آمده مربوط به انقلابهایی است که در هوا و طرز تغذیه و سایر خصوصیات حیاتی آنها پیدا شده اند مثلاً:

جزء يك - اگر یکسال یا دو سال یا بیشتر باران نیارد قطعی است همه موجودات نابود میشوند و ممکن است این اثر تا حال چندین مرتبه در

محل های مختلف عملی شده و نیز با زهم عملی شود و بزنگی ما خاتمه دهد
مسلم است وقتی چند سال باران آن هم در همه جایبارد از چاههای آرتیزین
با توجه بعدم کفایت آنها کاری ساخته نیست .

جزء دوم - اگر بواسطه را کدیا متحرك شدن هوا تغییراتی در هوا
پیدا شود و یا جاهای سرد سیر گرم و جاهای گرم سیر سرد شود مثل تغییراتی
که در وسط تابستان یا زمستان غالباً پیدا می شود و یا اگر گرما و سرما
مدتی بدون تغییر ثابت بمانند تغییرات کلی در وضع حیاتی ما پیدا خواهد
شد و یا اگر با طیاره یکی از مردمان یا حیوانات مناطق گرم را بنقاط
مسکونی قطب و یکی از مردم قطبی را بنقاط گرمسیر ببرند قطعاً هر دو
دسته نابود خواهند شد و اگر این نقل و انتقال بتدریج صورت گیرد و ناگهانی
نباشد در اثر تماس و آشنائی تدریجی با محیط در اغلب آنها تغییرات زیادی
پدید می آید و نیز زیاد دیده شده که بعضی از مسافرین بعلت حساسیت فوق
العاده مزاج دچار تحولات و انقلاب مزاج شده اند مثلاً اشخاص سالمی مسافرت
هائی کرده اند و از یک محیط مرطوب به محیط گرم و از محیط معتدل بیک محیط
مرطوب یا گرم یا بالعکس رفته اند ناگهان انقلابی در مزاجشان پیدا شده
و بدون تشخیص مرض بیشتر مرده اند البته این موضوع جنبه عمومی ندارد
ولی آنچه ثابت است اینست که هر محیطی هوای خاصی دارد و با عناصر و
ترکیبات معین و مشخصی میل ترکیبی دارد و با عناصر و ترکیبات دیگری
میل ترکیبی ندارد بهر صورت انقراض نسلهای انسانی دوره های پیش و یا
انقراض حیوانات پیش از تاریخ هم مربوط بهمین مطلب مهم و کم و زیاد
یا تغییرات عناصر هوایی و طرز تغذیه و از این قبیل مسائل بوده است.

جزء سوم - اگر اوضاع و احوال بچه های مردمانی که با مشروبات
الکلی آشنائی نداشته و در زندگی روزانه خود همیشه بفکر انتحار نبوده و
سالم زندگی می کرده و قوای طبیعی آنها در حد اعتدال بوده و عقد جنین را
در عادی ترین وضع طبیعی خود منعقد مینموده اند با بچه های مردمان الکلی
و کسانی که همیشه از مکررات زندگی ناراحت و یا تحت تأثیر انقلاب شدید
روحي و خستگی های شبانه خلاصه در وضع غیر طبیعی و غیر عادی مبادرت
بتولید بچه مینمایند مورد توجه قرار دهیم تفاوت بسیاری در روحیه دودسته
اطفال موصوف احساس می کنیم و نیز خود می بینیم که بچه های دسته دوم
بر خلاف دسته اول بسیار عصبانی و تندخو و بداخلاق و مزاحم و خیلی ضعیف
و ناتوان بوده و خیلی زود فاسد شده و بفکر انتحار میافتند بهر حال اهمیت

مطلب امروز زیاد محسوس نیست ولی این امر در آتیہ توجہ زیادتری را جلب خواهد نمود .

بطور کلی پدران و مادرانی که با کله‌های مست از مشروبات الکلی و هزاران خستگی‌های فکری و عصبی ناشی از قمار و شب‌نخوابی و غیره مبادرت بتولید مثل مینمایند در آینده گرفتار عکس‌العمل کار خود شده ندامت و پشیمانی زیادی خواهند داشت و باید آرامش و آسایش خود را از دست بدهند .

۴ - عقاید دیروز و نظریات امروز :

با توجہ ببقاء حیوانات و مردانی که هنوز بطور بیابان گردی و چادر نشینی و دور از همه سازمان‌های طبی امروز زندگی مینمایند و اینکه خیلی از امراض صعب‌العلاج که بعقیده متخصصین طب جدید بعلت پیدا نشدن میکرب آنها تا کنون غیر قابل علاج بوده مکرر با وضع ساده معجز آسایی بادوای ساده قدیمی معالجه شده‌اند - اینک نظریه علماء جدید را خلاصه نموده بانظریه خود بشرح زیر بیان میکنیم:

عقیده علماء جدید

الف - عقیده علمای جدید :

جزء یک - حیوان زنده و وجود مستقلی در هوا زندگی میکند که میکرب نام دارد.

جزء دو - پیدایش امراض:

امراض از میکرب که در هوا زندگی میکرده و میکنند بوجود آمده و بعد نسل بنسل منتقل شده و امراض فعلی هم همان امراضی میباشد که میلیونها سال قبل در میان اجداد قبلی ما شیوع داشته‌اند

جزء سوم - پیدایش انسان در مراحل اول :

در بدو خلقت یعنی زمانی که موجود و ذی‌حیاتی در دنیا وجود نداشته آب دریاها بتدریج تحت تأثیر هوا واقع شده و غلظت پیدا کرده و ذرات حساس‌هوایی در آب نفوذ کرده و غلیظ شده و تدریجاً انواع و اقسام خزنده و حیوانات دریائی و زمینی و سایر موجودات زمینی را بوجود آورده و از حیوانات زمینی یک نوع تدریجاً ترقی کرده تا میمون شده و بعد میمون هم افتاده و انسان گردیده و بعد دوریا تسلسل شروع شده است.

حیات قبلی

جزء چهارم - برخلاف تصریح کتابهای آسمانی، ایجاد موجودات بدون احتیاج بجفت بوسیله فرد هم ممکن است و اگر کسی جسارت بخرج داده و بخواهد سؤال کند که این موجودات ذره بینی و این ذره باین کوچکی که میکرب نام دارد با این همه قدرت و عظمت حیات قبلی را از کجا پیدا کرده آیا با این همه ناچیزی او هم دور یا تسلسل را طی نموده از پدر و مادری بوجود آمده یا خود بخود ایجاد شده جواب خواهد شنید که تا امروز بسا همه مطالعاتی که راجع بمیکرب شده هیچیک از علماء و دانشمندان میکرب شناس چنین ادعائی نکرده اند که میکربهای هوائی توالد و تناسلی داشته و از پدر و مادری بخصوص بوجود آمده اند و اگر هم بخواهیم بگوئیم که خود بخود بدون هیچ سابقه و ابتدا بسا کن خلق شده این هم مدعی زیاد داشته و با علم تطبیق نمیکند.

اینجاست که عده ای از علمای میکرب شناس از تنگی قافیه خیال کرده اند میکربهای هوائی در کرات آسمانی توالد و تناسل نموده و همراه سنگهاییکه بزمین سقوط میکنند و یا همراه اشعه خورشید بزمین وارد میشوند حال در کرات آسمانی این میکربها چطور تکوین میشوند هر کس میل دارد از این معما باخبر شود خودش برود در محل و از جریان امر آگاه شود.

در هر حال با اینکه این موضوع مهم تکوینی بیش از آن اهمیت دارد که مورد بحث چون من ناتوانی قرار گیرد ب فکر اینکه توضیحات ناقابل من شاید سبب حل معمائی شود و انشا... بدین وسیله خدمتی انجام داده باشم خود را اینطور قانع میکنم که عرایض من هر اندازه هم بی ارزش و بیفایده باشد باز از فحاشی باین و آن و هتک حرمت و احترام بزرگان ملی و اجتماعی و یا هم میهنان خود نمودن بهتر است و چون قصد خود من فهم مطلب است و وقتی موضوع مورد بحث عمومی قرار گیرد از عقاید اساتید محترم و اشخاص با اطلاع استفاده کاملی خواهم کرد لذا دل بدریا زده آنچه ب فکر ناقصم میرسد بیان میکنم.

ب- نظریه اینجانب - قبلا باید بمقدمه زیر توجه کامل نمائیم:

آب - خاك - هوا - حرارت

جزء يك - پیدایش یا پرورش :

بطوری که همه میدانیم اگر دانه یا تخم را در هوای خشکی نگاه داری نمائیم سالم باقی میماند ولی اگر هوا تغییراتی بکند و نم یا رطوبت هوا کمی زیادتر شود آن دانه یا تخم یا چیزهای دیگری مثل پیاز ، سیر ، سیب زمینی و غیره شروع بجوانه زدن و سبز شدن نموده و بعد از رشد مختصری فاسد میشود و اگر بهمان دانه یا تخم مثل گندم و عدسها تیکه در شب های عید برای شکون عید مردم در ظرفها (بدون خاك) سبزمی کنند آب کافی و کمی حرارت بدهیم تخم از هوا و حرارت و آب کامل استفاده نموده نمو و رشد خوبی کرده سبز و بلند میشود اما عمرش طولانی نبوده و تقریباً پس از بیست روز (۲۰ روز) بدون آنکه حاصلی بدهد زرد و خراب شده از میان میرود و اگر همین دانه یا تخم را در خاك بکاریم و آب کافی بدهیم سیر طبیعی خود را کرده و رشد و نمو کامل نموده و حاصل میدهد .

بدیهی است ارزش و اثر حرارت و نور را نباید فراموش کنیم زیرا اگر نور و حرارت نباشد ما محصولی نخواهیم داشت و اگر نور و حرارت کم باشد حاصل بهمان نسبت زرد و بی قوت و ضعیف می شود و بالعکس نور و حرارت کافی تقویت زیادی از محصول می نماید .

از عملیات بالا نتیجه می گیریم که فقط قوه یا نیرو یا خاصیت محرکه هوایی یا تخم دارای فعالیت و حرارت و نیروی زنده مستقیم و اختصاصی نیست و غیر از این نیروها یا میکرب های هوایی و نیروئی که در تخم است نیرو و یا میکربهای دیگری هم در آب و خاك و حرارت و نور موجود می باشد که در تکوین نبات و ایجاد حاصل مؤثر می باشد بطور ساده تر هر تغییری که ذرات زنده و یا میکربها یا خاصیت های هوایی در مواد آلی و نباتی ایجاد می نمایند منحصر بفعالیت و حرارت استثنائی و اختصاصی ذرات جاندار هوایی و یا نیروی متمرکز در تخم نیست عین همان قوه یا خاصیت هوایی که در ذرات متحرک هوا بنام میکربها موجود است در مواد خاکی و آبی و نباتی هم موجود است وقتی این قوهها بطور دسته جمعی شروع بفعالیت نمایند نتیجه صحیح و حاصل خوب بدست می آید در این مورد اگر

خواسته باشیم بگوئیم که همان میکرب های موجود در هوا می باشند که در آب و خاک ایجاد نیرو و فعالیت مینمایند و آب و خاک خود فاقد نیرو و خاصیت میباشند صحیح نیست زیرا اگر قوه هائیکه در آب و خاک یا حرارت موجود میباشند مربوط بذرات یا میکربهای هوایی باشند پس خود میکربهای هوایی بدون احتیاج بآب و خاک و حرارت خود بخود باید دارای همان نیروی محرکه که و یا اثر باشند در صورتی که در آزمایش بالا دیدیم که هوا و آب و نور و حرارت هر يك بتنهایی ما را بمقصود نمیرسانند و تا از خاک استفاده نشود عمل تکمیل نشده و حاصلی بدست نمی آید و گذشته از آن موضوع مهم دیگری در پیش است و آن اینست که وقتی قوای چهار گانه بالا یعنی آب - خاک - حرارت هوا جمع شوند تازه حاصلها بيك نسبت و رضایت بخش نیست یعنی یکی خیلی خوب و دیگری خیلی بد یکی سبز و دیگری زرد یکی بر قوت و دیگری کم قوت است یکی درشت و دیگری ریز یکی پر آب و دیگری کم آب یکی خوشمزه و دیگری بد طعم می باشد .

در این مورد اگر بخواهیم بگوئیم تأثیر روی قاعده ارث از تخم و یا ریشه است باز صحیح نیست زیرا عملاً می دانیم که وقتی تخم خوبی در زمین بد کاشته شود حاصل خوبی نمیدهد ولی اگر تخم ضعیفی در زمین خوب و قوی کاشته شود محصول خوبی می دهد و وقتی زمین کم قوت و کم حاصل و یا مستعد خراب شدن می باشد بآن زمین کودهای مختلف می دهند و قوه حیاتی آنرا تقویت می کنند و حاصل رضایت بخشی بدست می آورند .

بهر صورت اگر ذرات قوه دار حاکی با استفاده از ذرات قوه دار آبی و ذرات قوه دار حرارت و نور و ذرات یا میکربهای قوه دار هوایی با هم جمع شوند از تخم یا دانه حاصل بدست می آید و الا خیر در اینجا دو نکته مهم جلب توجه می کند .

نکته اول - آنکه در آزمایش دیدیم که تخم یا دانه در مقابل حرارت و هوا متأثر نمی شوند ولی وقتی رطوبت در هوا پیدا شد جوانه میزنند و اگر آب زیاد تر بآن بدهیم سبز می شود و وقتی در میان خاک قرار گیرد نشو و نمای کامل خود را می نماید و نوزادان جدیدی بوجود می آیند پس معلوم می شود اهمیت خاک و آب برای تکوین نبات و حاصل در درجه اول اهمیت است .

نکته دوم - اینکه برای بدست آمدن حاصلی فورمول مخصوصی از چهار قوه مذکور لازم است و هر يك از چهار قوه کم و زیاد شود بهمان نسبت

نتایج مساعد و نا مساعد گرفته می شود یعنی اگر خاک زیاد و آب کم و یا آب زیاد و خاک ضعیف و یا هر دو خوب ولی نور و حرارت نامساعد باشد و یا هر سه مساعد ولی هوا کافی نباشد حاصلی بدست نمی آید پس موضوع مهم فورمولی است که باید از چهار قوه نامبرده ترکیب شود و ترکیب این فورمول اهمیت حیاتی دارد و هر اندازه متخصصین فن کشاورزی در ترکیب این چهار ماده و اجزاء آنها تخصص بیشتری داشته باشند محصول سالمتر و قویتری خواهند داشت و بطوریکه قبلاً گفته شده در زمستان نباتات (گفتگو از مناطق معتدل است) باستثناء چند نوع از آنها مانند کاج و سرو و گلهای همیشه بهار و غیره برک و میوه خود را از دست داده و عریان شده بخواب یا مرگ موقت دچار میشوند در بهار دوباره درختها سبز میشوند و گل میکنند و تابستان میوه ها می رسند پائیز درختها زرد شده و برک ریزان شروع میشود از طرفی می بینیم که گلهای و درختهای زیادی را در گلخانه ها نگهداری نموده و در غیر فصل طبیعی خود یعنی سرمای شدید زمستان هم آنها را سبز و خرم نگاهداشته و از میوه و محصول آنها استفاده می نمایند و نیز بسیار دیده شده که در اثر تغییراتی که در هوای زمستان پیدا میشود بطور ناگهانی و غیر عادی بعضی از درختها سبز شده و گل میدهند و یا درختی در یکسال دارای میوه های ریزتر و یکسال دارای میوه های درشت تر بدون استفاده از عوامل خارجی می شوند و نیز می دانیم که بوسیله حرارت مصنوعی از تخم مرغها جوجه درمی آورند .

پس کلیه تغییراتی که در فصول اربعه و در محللهای مختلف در نباتات پیدا می شود مربوط به تغییراتی است که در فورمول هوایی پیدا میشوند یعنی اکسیژن - کربن - ازت و گازهای دیگری که در هوا موجود است با درجات مختلف در نباتات حرارتها و برودتها روشنی ها و تاریکی ها و نور ماه و غیره تشکیل یک فورمول مستعد هوایی را میدهند که برای زنده نگاهداشتن و نشو و نما و نباتات لازم و ضروری است و بتدریجی که اجزاء فورمولهای نامبرده به نسبت های لازم کم و زیاد می شود موقعیت های مختلفی را ایجاد نموده و سایر تکاملی نباتات را تکمیل مینماید همینطور این فورمولهای هوایی با بدنهای ما رابطه مستقیمی داشته و به نسبت تغییراتی که در ذرات آن پیدا می شود و تشخیص آن هم با وسایل و اختراعات و اکتشافات و وسائل علمی امروز برای ما غیر ممکن است جهت سلامتی و مرض و بقاء ما هم مؤثر می باشند .

ضمناً ضرری ندارد که کمی تأمل کنیم که در يك هوای دم کرده گرم و سوزان تاستان که آخرین مرحله استقامت انسان ضعیف بوده و هر موجود زنده نزدیک بفنا می شود و زش يك نسیم ملایم برای ما چقدر ارزش دارد و وقتی بدن دچار شدیدترین حرارتهاست خوردن آب خنکی چه تغییر بزرگی در بدن و روحیه ما ایجاد نموده و چطور ما را از مرگ قطعی نجات میدهد بطور کلی ریشه و تخم نباتات دارای قوه کامل و نیروی کافی نیست که بتواند خود بخود رشد نموده درختی بوجود آورد و اگر چنین بود با نیروی طبیعی خود نشوونما نموده و حاصل بیداد و آنوقت ممکن بود دور تسلسل را برای او ثابت بدانیم ولی علت و سبب نشوونمای تخم یا ریشه، فورمولهای هوایی و فورمولهای آبها و خاکها و حرارتها میباشد اگر تر کب هر يك از این فورمولها و عناصر مختلف هم تغییر نماید بمقتضای کم و زیاد شدن مواد و عناصر مربوطه تغییری در ماهیت آنها حاصل می شود .

حال که تأثیر مواد چهارگانه ۱- آب ۲- خاک ۳- حرارت ۴- هوا در نشو و نماي نباتات و ادامه حیات و بقاء موجودات را دانستیم باید متوجه خصوصیات مواد چهارگانه شده و توضیح مختصری در این خصوص بدهیم ضمناً این نکته را باید اضافه کنیم که چهار ماده نامبرده در قدیم بعناصر اربعه معروف بوده و هر يك از آنها را يك عنصر می گفته اند ولی در عصر حاضر معلوم شده که هر يك از چهار عنصر مورد بحث مرکب از چندین عنصر می باشند فعلا ما با تعداد عناصر و اجزاء و ترکیبات و میل و نسبت ترکیبی آنها کاری نداریم و میگوئیم چهار عنصر یا مواد نامبرده که از عناصر مختلف تشکیل شده و باختلاف فصول و جهات دیگری خصوصیتها و خواص مختلفی بخود میگیرند برای نشوونمای نباتی و زندگی کلیه موجودات اثر حیاتی دارند و اگر عناصر و اجزاء و خصوصیتها و کیفیات آنها کم و زیاد شوند بهمان نسبت زندگی و حیات نبات و انسلن را تغییر میدهند .

هوا چطور بوجود میآید

جزء دو - اینک باید متوجه خصوصیات و وجود چهار عنصر نامبرده شده و بگوئیم حرارت خورشید وضع ثابتی داشته و مواد ترکیبی آن مربوط به خصوصیات تکوینی خود خورشید است و خاک و آب هم در زمین مانند خورشید وضع ثابتی در تکوین داشته و موجودیت مستقلی دارند ما نمیخواهیم

در طرز خلقت یا علل تکوینی خورشید خودمان و میلیونها خورشید دیگر که هر کدام چندین میلیون مرتبه از خورشید ما بزرگتر میباشند و همچنین خصوصیت خلقت آنها و زمینها وارد بحث شویم با اینکه ما میدانیم تا اتمبیل سالمی که از زیر دست میکائیک یا کارخانه بیرون می آید با لاستیک و روغن و بنزین مجهز نشود و بکنفراننده هم پشت آن ننشیند و راننده هم که باید متخصص بوده و بکار خود آشنا باشد اراده حرکت نکند اتمبیل بحرکت نمی آید و بطور کلی هیچ زنده و مرده در دنیا وجود ندارد که خود بخود حرکت نموده و عملیاتی انجام دهد حتی خود انسان تا اراده نکند نمیتواند راه برود و کار کند بهر حال با اینکه ثابت و مسلم میدانیم که خدا با قدرت و اراده و علم مطلق جهان را خلق فرموده و با نظم عالم وجود را حفظ می کند باز میگوئیم کاری نداریم که زمین و همه کرات دیگر خود بخود از یک کره مستقل بی ابتدا و انتهای غیر قابل توهم و خیالی مجزا شده و بدون نفوذ صاحب قدرتی باین نظم و ترتیب خیره کننده درآمده یا خالق دانا و عالم قادری آنرا بطور دقیق و منظمی با ترکیب و تجمع عناصر و ذرات زیادی خلق کرده ، در هر صورت در چهار عنصر یا مواد نامبرده بالا سه تا که خورشید و خاک و آب باشند دارای مواد تکوینی و وضع ثابت و موجودیت مستقل می باشند ولی قسمت چهارم که هوا می باشد عارضی بوده و ذرات یا موجودیت اولیه مستقلی نداشته و محصول فعل انفعال عناصر دیگری می باشد یعنی تمام گازهایی که ذرات هوایی را ترکیب می کنند در اثر تابش اشعه خورشید بنقاط مختلف زمین و آنها، از زمین و آب متصاعد شده و تشکیل هوا را میدهند و همانطوری که نباتات در شب کربن و در روز اکسیژن یا خاصیت نباتی پس می دهند آنها هم در اثر تابش خورشید بخار شده و متصاعد می شوند و نیز در اثر تابش خورشید بخار کربن و سنگها و شنها و ریکستان ها و کویرها گازهای مختلفی ایجاد و متصاعد میشوند و در هوا با علل و موجبات زیادی که ما بخیلی از مراحل آن آشنا نیستیم درهم آمیخته و هوای زمین را بوجود می آورند و تشکیل گازهای اکسیژن و اذت و غیره میدهند بطور کلی خورشید و آب و خاک ایجاد کننده هوا و گازهای اکسیژن و اذت و گازهای دیگری که در هوا موجود است میباشند و این هوا فضای زمین را تا ارتفاع معینی احاطه نموده و بعد از آن خلاء کامل است یعنی هوایی مانند هوای زمین ما ندارد و علت اینکه تا حال با مطالعات زیاد فلکی تصدیق شده که موجودات زنده ای در کره ماه زندگی نمیکنند

و دور آنرا هم دودها و گازها و ابرهای تیره فرا گرفته است اینست که کره ماه فقط فاقد آب است و اگر آب می داشت در اثر تبخیر آب و آمیخته شدن با گازهای متصاعد از خاک محیط حیاتی ایجاد و استعداد تولید و پذیرش انسان و نبات را پیدا می کرد اینجاست که باید مسلمین دنیا جشن بزرگی بگیرند و بدنیا بفهمانند که میلیون ها سال دیگر وقت لازم است که مغزهای کوچک و افکار و عقاید موجودات بیچاره و ناتوانی (در عین فعالیت) مثل ما بتوانند متوجه منبع فیض و برکت و منبع قدرت و علم و جلال و کبریائی آسمانی شده و بفهمند که در این قرآن مجید و کتاب آسمانی مسلمین که در دنیای جاهل و نادانی و در روزگاری که علم در درجه صفر بوده و بجاهلترین و وحشیترین افراد بشر نازل شده از زبان خالق موجودات چه گفته و چه میدوید :

خداوند متعال در ۱۳۷۰ سال قبل در قرآن مجید اشاره فرموده که انسان و حیوان را از آب و خاک بوجود آوردیم و از روح خودمان بآن عنایت فرمودیم و در جای دیگر میفرماید :

(از آب هر چیز زنده است) و اینک ما هم بامقایسه زمین و ماه و فقدان آب در کره ماه متوجه اهمیت حیاتی آب و تأثیر آن در تولید و خلقت موجودات شده و پی با اهمیت و برتری علوم آسمانی میبریم.

با توضیحات نامبرده بالا تصور مینمایم جای انکاری باقی نمانده باشد که قوه و نیروهای حیاتی و عاملین بسیار موثر نشوونمای نباتی و بقاء انسان و حیوان همان آب و خاک است که تحت تأثیر تابش آفتاب واقع شده و ایجاد هوا نموده و محیط حیاتی بوجود میآورد و منظور اینست که پاسطور میگوید :

میکرب حیوان زنده ایست که در هوا موجود است و بعضی هاهم از تنگی قافیه میگویند میکرب از کرات آسمانی بهوای زمین ما وارد میشود بنده عرض میکنم اساساً خود هوا وجود مستقلی ندارد و از آب و خاک بوجود میآید قطعی است که میکربها یا ذرات حیاتی هم مربوط بآب و خاک است و فیلاهم توضیح داده و گفته ایم که تمام امراض بوسیله غذاها ایجاد میشوند و بوسیله غذاهم میتوان آنها را مرنفع نمود باقی میماند دو موضوع دیگر یکی پیدایش انسان و حیوان و دیگری موجود بودن میکرب در هوا برای قسمت اول میگوئیم :

اگر بخواهیم بعقیده علماء طبیعی معتقد بشویم و بگوئیم خلقتی در کار نبوده و در اول حیات، آنها بتدریج غلیظ شده و میکربهای هوایی در

آن وارد و تدریجاً در آب نشوونما نموده و قوی شده و موجودات زنده را بوجود آورده اند و یکدسته از آنها در آب مانده و حیوانات دریائی را تشکیل داده اند و دسته دیگر از آب خارج و بزمین آمده و انواع موجودات را بوجود آورده اند بچند اشکال بر میخوریم :

اشکال اول :

اینکه اگر این قاعده صحیح بود حالا و بعد از اینها هم این موضوع باید ادامه داشته باشد و دیگر نباید توالد و تناسل و یا تولید مثل کردن دو موجود نر و ماده سابقه پیدا کرده باشد در صورتی که خلقت وضع ثابتی دارد.

اشکال دوم :

اینکه باز اگر قاعده نامبرده صحیح بود و بفرض اینکه عللی که آنها را بدستجات مختلف تقسیم کرده نادیده بگیریم تازه این اشکال پیدا میشود که موجودات هر دسته باید دارای خصوصیات مساوی بوده و شبیه بهم باشند در حالی که بچه های یک پدر و مادر و آنها در یک محیط کوچک با انواع مختلفی تقسیم و با پدر و مادر خود اختلافاتی از جهات مختلف پیدا میکنند.

اشکال سوم :

اینکه بطور روشن و ثابتی ما می بینیم نیرو های مختلف غذایی تأثیرات کلی در سلامتی و مرض و تغییر قیافه و قد و رنگ بدن دارند و کثرت دلایل ارتباط مستقیم مواد و خاصیت های نباتی و غذایی با جسم و جان ما فرضیه علماء طبیعی را تحت الشعاع قرار میدهند .

مطلب مهمتر اینست که چندین هزار سال از عمر دنیا میگذرد و تازه ما چیزهایی می فهمیم و اختراعات و اکتشافاتی بوجود آورده ایم که در گذشته از آنها بی خبر بوده ایم و در چندین هزار سال بعد هم اگر دنیائی باقی بماند و ما هم باشیم چیزهایی خواهیم دانست که امروز از آن بی اطلاعیم و همین طور نسبت بآینده ها پس وقتی هر دقیقه ما میفهمیم که اطلاعات ما تا دقیقه قبل ناقص بوده باید متوجه شویم که نقطه کمالی در جهان وجود دارد .

از طرفی ادبانی که در دنیا بوجود آمده و تا کنون حقیقت معنوی خود را حفظ نموده و حالا هم ما متوجه میشویم که دلایل و توضیحات کتاب های آسمانی کافی تر و جامعتر از دلایل و توضیحات دانشمندان و علماء مادی

میباشند پس بهتر است ما هم تسلیم عقیده دینی خود شده و بگوئیم ارزش بیان خداوند عظیمی که بر جمیع قوای طبیعی و غیر طبیعی و آنچه بفکر و وهم و خیال هم نمیآید حکومت دارد و میفرماید ما انسان را از آب و خاک خلق کرده ایم و از روح خود بآن دمیده ایم با همه دلایل و فرضیه های خیالی علماء طبیعی باز هم بیش از فرضیه های آنها ارزش دارد پس ما هم این فرضیه های سخیف و گمراه کننده را قبول نداشته و میگوئیم قبول نداشتن يك خیال و فرضیه بی دلیل آنهم بوسیله گویندگان ناتوانی که نتوانسته اند از مرك خود جلو گیری نموده و سعادت واقعی خود را تأمین نمایند دنیا را بهم نمیزند.

ما بعقیده دینی خود باقی میمانیم و میگوئیم یگانگی شیمیست عالم امکان با قدرت کامل خود وجود انسان را از آب و خاک خلق فرموده و حالا و بعد از اینها هم خلق میفرماید و برای خلقت انسان یا پیدایش امراض هم دور و تسلسل یکنواختی در کار نیست و هر انسانی جدا گانه خلق میشود و هر مرضی با علل معینی بوجود میآید و گاهی هم از شخصی بشخص دیگر با شرایطی انتقال پیدا کرده و یا سرایت میکند.

وجود میکرب در هوا

مطلب اول:

بطوری که قبلاً گفته شد میکرب امراض غیر از میکربهای موجود در هوا میباشد و هیچگونه وجه تشابهی مابین آنها نیست و میکربهای امراض بوسیله خاصیت های مختلف غذایی در بدن انسان ایجاد میشوند و با غذا هم میتوان آنها را معالجه و ریشه کن نمود و میکرب امراض برخلاف عقیده عمومی طبی دور و تسلسل ندارد یعنی بطوری که قبلاً گفته شده امراض در اثر خاصیت های غذایی و علل معینی در شخص ایجاد و با معالجه هم میتوان دنبال اش را هم با قطع نمود بدیهی است منکر این نیستیم که ممکن است از شخص مریضی با شرایطی بچه مریض بوجود آید یا میکربی در هوا پراکنده شود

مطلب دوم:

با آزمایشهایی که علماء میکرب شناس با میکروسکپهای قوی در هوا

های مختلف شهر پاریس بعمل آورده اند باین نتیجه رسیده اند که تعداد میکربهای هوایی در نقاط مختلف شهر با هم مساوی نیستند و در قله کوه کوچکی تعداد میکربها از سایر نقاط شهر کمتر بوده است یعنی جاهائیکه بیشتر محل اجتماع و کثافات و مواد آلی بوده میکربش زیادتر و در قله کوه بواسطه کم بودن مواد آلی و موجبات تکوین میکرب کمتر بوده است در اینحال قطعی است هر اندازه از قله کوه بالا برویم بهمان نسبت در عین حال که هوا خواهیم داشت میکربی که حیات مستقل و مبدأ حرکت ثابتی داشته و یا از کرات آسمانی آمده باشد وجود ندارد تازه این نتیجه در هوای زمین بدست میآید و قطعی است که اگر بالاتر برویم تا بجائی برسیم که هوایی مانده هوای زمین ما وجود نداشته باشد خواهیم دید که آنجا از هوا و میکرب هر دو خبری نیست بهر صورت چون ما بین هوای تمیز و زمین یعنی در ارتفاع کمی از زمین و مخصوصاً در محل اجتماع مواد آلی میکرب دیده میشود پس ناچاریم بگوئیم خصوصیات لازمی برای تکوین میکرب لازم است یعنی ذرات هوایی (گاز اکسیژن و اذت و گازهای موجود در هوا) تحت تأثیر عوامل و خاصیت های مختلف هوایی از قبیل حرارتها و برودتها و نورهای مختلف و خاصیت های یا بخارهای متصاعد از زمین های نمکی و کچی و آهکی و معدنی و خاصیت های نباتی و غیره قرار گرفته و دارای حس و حرکت و فعالیت زیاد تری میشود و این ذره قوه گرفته بتدریج با عناصر دیگر تماس پیدا میکند و روی میل ترکیبی از وجود قوه آنها استفاده کرده استعداد و فعالیت زیادتری پیدا مینماید و بتدریج استفاده بیشتر از مواد آلی و قوه مختلف جنب و جوش بیشتر پیدا کرده و زیر میکروسکوپ بنام میکرب دیده میشود و این ذرات قوه دار هوایی در قوه و شکل و خصوصیات تکوینی همه با هم مساوی و بهیچوجه تشابهی با میکرب امراض ندارند یک نمونه ساده آنها بادهای سمی نقاط گرمسیر و کویر و ریگستانها و بادهای خیلی سرد نقاط سردسیر و منجمد میباشد که از دو موقعیت متضاد بوجود آمده و چون ترکیبات گازهای آن دوهوا با فرمول غیر معتدلی تهیه میشود یعنی در هوای سمی نقاط گرم اکسیژن و بخارهاییکه باید از آنها و نبات متصاعد و جزء ذرات هوایی قرار گیرد وجود ندارد و بجای آن گازهاییکه از حرارت شدید خورشید بر ریگستانها و نمکزارها پدید میآید موجود است لذا موقعیت غیر عادی و مسموم کننده و خطرناک بوجود میآورند و ترکیبات بادهای نقاط سرد هم فورمولی شبیه با فورمول هواهای گرم و بادهای سمی دارند.

بطور کلی بخارهاییکه از آبها و چمنها و جنگلها و بیابانهای مرطوب
 یاشنی یا نمکی یا ریگی و انواع زمینهای دیگر متصاعد میشوند در برخورد
 با خاصیت های مانوس با خود چون میل ترکیبی دارند درهم تعلیل میشوند
 و موقعیت های مختلف هوایی را بوجود میآورند بطور کلی علل تکوینی
 ذرات قوه دار و حس دار هوایی انواع گازهای مختلفی میباشد که بوسیله
 تابش آفتاب بآب و زمین متصاعد شده اند و مواد آلی هم دارای حس
 و قوه میباشد و مجبوریم ذرات متصاعد شده از آنها را هم صاحب
 حس و قوه بدانیم علی الخصوص وقتیکه با ذرات آلی مختلف هم ترکیب
 میشوند .

ضمناً باید یادآوری نمائیم که توالد و تناسل در کرات آسمانی و
 آمدن میکروبهای هوایی همراه سنگهای سوزان آسمانی یا عبور از
 محیطهای مختلفی که فکر خصوصیات آنها را هم نمیتوانیم بکنیم یا همراه
 آمدن با اشعه خورشید با اصطلاح عامیانه باید گفت ازون حرفها است که
 اگر کسی باور نکند باید خودش با آسمان یا کرات آسمانی برود و با چشم خود
 تماشا نماید .

مطلب سوم :

با توجه باینکه قبلاً گفته ایم که اگر مقداری شیر تمیز شده را در ظرف
 های مختلفی در معرض هوا قرار دهیم همه یکجور بریده و فاسد میشوند باز
 بر میگردیم بآزمایشی که باستورد در شیر تمیز شده نموده و میگوئیم اگر شیر
 تمیز شده را در هوای ملایمی بگذاریم بتدریج و اگر در هوای نسبتاً گرمی
 بگذاریم خیلی زود فاسد میشود و اگر همین شیر را در آفتاب بگذاریم (بسته
 بشدت و ضعف حرارت آفتاب) دیر یا زود شیر تبخیر میشود و اگر آن را در
 هوای سرد زمستان بادر یخچال نگهداری نمائیم مدتها سالم میماند و در
 این سه مورد باید بگوئیم در مورد اول چون ذرات و عناصر موجود در هوا و
 تأثیر آنها در یک درجه معین از حرارت در مواد غذایی شیر تأثیر کرده و
 آن را بریده و فاسد مینماید و در مورد دوم چون عناصر ذرات موجود در آفتاب
 و تأثیر آن قوی بوده شیر را تبخیر نموده است و در مورد سوم چون ذرات و
 عناصر هوا و اثر آن در درجه برودت قوی بوده از تبخیر و بریده شدن شیر
 مدتها جلوگیری نموده و شیر را سالم نگاهداری کرده است پس غیر از
 میکروبهای هوایی که از اجتماع هوا های مختلف و ذرات بارور شده از بخار
 های تیره و گرفته تحت تأثیر موقعیت های مختلف بوجود می آیند علل

دیگری هم در شیر اثر می‌کند و می‌کرب هوایی فعال منحصر نبوده و اثر و نیروی اختصاصی ندارد بلکه حرارت و برودت هم دارای خاصیتی شبیه بخار خاصیت موجود در گاز هوا و ذرات هوایی و گاهی هم قوی‌تر از آن می‌باشد لذا با اینکه میدانیم بعضی از بدن‌ها که مومیائی میشوند سالها سالم میمانند نباید بگوئیم که اجساد مرده‌ها همه سالم میمانند بلکه باید گفت اجساد مخصوصی که مومیائی می‌شوند باقی میمانند.

بهر حال اجتماع گازهای جمع شده در هوا با خاصیت های موجود در مواد آلی ازدواج نموده و تولید موجود زنده می‌کنند و اگر ما بین آنها سد ایجاد کنیم و از عروسی و اصطکاک آنها جلو گیری نمائیم بچه و نوزادی بوجود نخواهد آمد و تولید مثلی نمی‌شود.

مطلب چهارم:

دستگاه تهیه کننده نطفه که عبارت از بیضه یا تخم میباشند حیوان جان داری نیست فقط غده‌ای میباشند که با اعصاب نازک حساسی مواد غذایی و عناصر تصفیه شده خیلی خیلی لطیفی را که برای تکوین نطفه لازم است و از تمام نقاط بدن جمع آوری شده با هم ترکیب نموده و بصورت ذره قوه دار یا حیوان جان دار زیزی آن را بیرون میفرستند بهر صورت از ترکیب عناصر اربعه خاک، آب، هوا، آفتاب مواد غذایی پیدا میشود و این مواد غذایی در بدن تحلیل میروند و پس از عبور از دستکاههای تصفیه در سلولهای بدن تحلیل میروند قوه و نیروی حیاتی و فعالیت در ذرات نطفه ایجاد و ذرات ریزی که همراه نطفه است ب حرکت آورده و قابلیت تولید مثل را در نطفه و ذرات همراه آن پدید می‌آورد وقتی نیروی حیاتی و فعالیتش کم باشد یا اساساً فاقد آن باشد استعداد تولید مثل را ندارد و اینجاست که زن یا مرد نمیتوانند صاحب اولاد شوند

بهر صورت گفتیم ذرات و ترکیبات خواص فورمول های غذایی و خواص و ذرات نور و حرارت و برودت و ذرات و ترکیبات و خواص آبها خاکها و هواها از نظر زندگی بدن برای ما اثر حیاتی دارند و از نظر تولید مثل هم فورمول مربوطه اهمیت فوق العاده داشته و همچنین زندگی سلول های بدن و سلامتی و مرضها و بقاء نبات و حیوان و جماد ارتباط بسیار مهم و شدیدی با اختلاط و ترکیبات چهار عناصر مرکبه نامبرده دارند. در اینموقع بی‌تناسب نیست که زبان حال سعدی شیرازی شاعر شیرین زبان را تکرار نموده و بگوئیم:

(ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کار است
تا تو نانی بکف آری و بغفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری)

خلاصه خاصیت‌های چهار عنصر مرکب مذکور هم در یکدیگر
تأثیرات موافق یا مخالفی داشته و از فعل و انفعال آنها جوهر و نیروی حیاتی
یا روح حیوانی و یا نباتی بوجود می‌آید و نیز اگر از چهار عنصر
مزبور یکی موجود نباشد و یا نسبت آن از ترکیب و یا نسبت آن از حد طبیعی
کمتر باشد از اجتماع ناقص و یا فشار فردی یکی از چهار عنصر نیروی
تخریب و منهدم کننده پیدا می‌شود که کاملاً ضد نیروی حیات می‌باشد و
متلاشی و خاک شدن بدن انسان یا حیوان هم پس از مرگ و فاسد شدن مواد
غذائی یا نباتی روی همین اصل است ضمناً باید یاد آوری نمائیم که اگر
فورمول معتدل و صحیح غذائی کشف شود و بدانیم که در هر ساعت و زمانی
بدن چه لازم دارد. با استفاده از چیزهای لازم و اجتناب از خوراکیهای
مضر میتوانیم بدون هیچ تردیدی دارای عمر طولانی شویم و هر موقع
هم بخواهیم میتوانیم تغییراتی در بدن و رنگ پوست و موی سر و یا در
قد و قواره خود ایجاد نمائیم.

اگر مختصر تأملی در طرز تغذیه و زندگی دهاتیها و کسانی که در
کوه پایه‌ها زندگی مینمایند بنمائیم و متوجه شویم که چرا عمر متوسط
آنها مابین ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ و ۱۰۰ سال بوده و میان آنها کسان زیادی هستند
که در سن ۱۱۰ و ۱۲۰ و ۱۳۰ تازه با دختر جوانی ازدواج میکنند و هیچ
جوان نیرومندی هم نمیتواند دست آنان را بفشارد و یا تحمل فشار دست آنها را
نماید مطلب روشن تر میشود.

مطلب پنجم :

هیگر بها چطور تگوپن پیشوند:

برای روشن شدن موضوع باید بنکات زیر توجه نمائیم:

الف - امروز اغلب امراض را با قوه منیتیمس معالجه مینمایند و طرز
عمل اینست که بوسیله يك روح قوی روح شخص مریض را تحت تأثیر قرار
میدهند یعنی در روح شخص مریض نفوذ پیدا کرده و عضو روحی مریض را
تقویت میکنند در نتیجه عضو جسمی هم تقویت پیدا کرده قوه دفاعیش زیاد

میشود لذا بمرض فائق آمده و شفامی یابد.

ب - زیاد دیده شده که اشخاصی در اثر فراق خویشان و دوستان و کسانی که مورد منتهای عشق و محبت آنها بوده اند دچار یأس و ناامیدی های شدید روحی شده و بمرک نزدیک گشته و هیچگونه معالجات طبی هم برای آنها مفید واقع نشده است در آخرین فرصت ناگهان خبری رسیده و یأس مریض مبدل بامید گردیده و یا شخص غایب آمده نیرو و فعالیت عجیب روحی در کالبد شخص محتضر پیدا شده و بطور معجز آسایی مرده کامل زنده کامل شده است.

ج - زیاد هستند مریضهائی که بواسطه فشارهای فکری و روحی و تحمیلات غیر طبیعی بروح همیشه پژمرده بوده و دچار حال بهت زدگی مخصوص و بی حوصله گی و بی ارادگی و بی علاقه گی زیادی میشوند و آخرین راه علاج این قبیل مریضهها فقط بیدار کردن و تقویت حس امیدواری و توجه بچیزی داشتن در آنها میباشد و تا این حال در آنها پیدا نشود معالجه طبی بی اثر میباشد.

د - باستناد عقل سالم در بدن سالم است و شخص مریض فکرش هم مریض میشود متوجه میشویم بوسیله تقویت و بسا تضعیف قوای بدن قوه حاکمه مغز هم تحت تأثیر قرار گرفته سالم یا مریض میشود و وقتی چنین شد روح مربوطه هم قوی یا ضعیف میشود و اگر روح قوی شود استعداد و قابلیت او برای انجام کارهای عادی و درک منافع روحی و با اکتشافات و اختراعات مادی و معنوی زیاد میشود و اگر ضعیف شود استعداد و قابلیت خود را از دست داده و بجای صعود و سیر تکاملی قوس نزولی را طی نموده و رو به پستی میرود پس انقلاب شدید روحی و بالا رفتن و بائین آمدن سطح فکر ارتباطی با قوای مادی مغز و سلولها دارد و نیرو و خاصیتها یا روح غذائیکه در مغز مصرف میشود و همچنین تجلیات و تعلیمات روحی تأثیر مهمی در جریان امر نموده و روحها و اراده های قوی و ضعیف و اشخاص مختلف الروح و احساساتی را بوجود میآورد.

ه - فرض کنیم سیم برقی در امتداد خیابانی کشیده شده باشد و خانه ها و مغازه ها و کارخانه های اطراف خیابان با وسایل گوناگون از این برق استفاده نمایند.

مثلا در منازل انواع و اقسام چراغها با انواع لوستر های رنگین و سماور و کوره های طبخ غذا و چای و بادبزنها و اطو ها بنکار

افتد مغازه‌ها با انواع وسایل از نور استفاده نموده و تزمین نمایند کارخانه‌ها هم استفاده‌های مختلفی از برق نموده و کارهای زیادی انجام و محصولات جور بجوری بدست آورند حال باید بگوئیم تمام این تظاهرات مختلف بوسیله برق انجام میشود و یا در هر محلی بنا به مقتضیات کار و استفاده اسم مخصوصی روی برق بگذاریم البته تمام فایده‌های مختلفی که از برق برده میشود باید بنام استفاده از برق نامید.

اینک از توضیحات بالا استفاده نموده میگوئیم همانطوریکه عناصری بنام آب، خاک، هوا، حرارت معروفند برای ما نتایج و اثرات مختلفی دارند بخاریکه از انواع زمینها و آبها متصاعد میشود و تحت تأثیر انواع حرارتها و برودتها قرار میگیرد موقعیت‌های مختلف و ترکیبات هوایی متنوعی بوجود می‌آورند و فعل و انفعال خاصی پیدا میکند و ذرات یا گازهای قوه‌دار هواهای مختلف هم درهم تأثیراتی داشته و فعل و انفعالی دارند بالاخره گازهای قوه‌دار نامبرده از عناصر مختلفی که در هوا پیدا میشود بتدریج استفاده نموده و هرچه بسطح زمین نزدیکتر میشوند از هواهای تماس گرفته با زمین استفاده کرده یعنی گازها غلیظ تر یا قویتر میشوند (نه حیوان دست و پادار زنده) چون هرچه از زمین بالا میرویم ذرات هوایی یا گازهای غلیظ شده کمتر میشوند باید بگوئیم در سطح زمین وسیله تکوین میکربها و یا غلیظ شدن ذرات گازها زیادتر است پس میکربهای هوایی هم از ترکیب هواها و گازهای مختلفی (البته با فورمول مخصوص) تکوین میشود و خاصیتها یکی که در ذرات اولیه تکوین آنها موجود بوده در آنها ایجاد نیرو و قوه نموده و ذرات قوه‌دار میکرب معرفی میشوند و چون ذرات اولیه تکوینی میکربها از موقعیتهای مختلف سرچشمه میگیرد که اساس آن بخار آب و خاک و تأثیر حرارت است پس ما هم با همین عوامل میتوانیم در آنها نفوذ نماییم.

من تصور میکنم بوسیله ایجاد بخارهای مصنوعی از آب و خاک و حرارت و برودت ممکن است در ذرات تکوین میکربهای هوایی و یا گازها غلیظ شده نفوذ پیدا کرده و آنها را تقویت و یا تضعیف و یا بکلی از هم متلاشی نموده و چون این ذرات قوه‌دار یا گازهای غلیظ شده با میکربهای هوایی با مواد آلی یا نباتی انس و الفت طبیعی یا میل ترکیبی دارند همانطوری که در آزمایش‌هاستور عرض شد با خاصیت غذایی

آب گوشت و غیره ترکیب شده و میکرب ها و ذرات جان دار ریزی را بوجود می آورند.

بطور کلی همانطوریکه نیروی برق درزندگی ما بصورت های مختلفی جلوه گرمی شود همانطوریکه باران بزمین های شوره زار و کویر ها و غیره می بارد و محصول نمی دهد و همانطور که خورشید همه جا می تابد و اثرات مختلفی به وجود می آورد هوا هم همین خاصیت عمومی را داشته و در محیط های مختلف اثرات گوناگونی از خود نشان میدهد و نیروی حیاتی یا خاصیت هوایی هم آن خاصیتی است که در ذرات گاز اکسیژن و ازن و گاز های مختلف دیگر موجود میباشد و این خاصیت همه جا مساوی است فقط در محیط های گوناگون با مواد و ترکیباتی که با هم انس طبیعی دارند مخلوط و مزوج شده و موقعیتهای گوناگون ایجاد و تدریجاً تقویت می نمایند و این ذرات تقویت شده چون با خواص یا نیروی حیاتی نباتات و معدنیها و بطور کلی مواد آلی مزوج شوند تأثیرات مخالف و موافقی داشته و تحریکات خاصی نموده ذرات بسیاری را بجنبش درمی آورد و عکس العمل هائی دارند.

برای خاتمه دادن بموضوع میکرب سه موضوع کوچک دیگر را به توضیحات بالا باید اضافه نمایم :

موضوع اول:

اگر شخص سالمی را در معرض هوا قرار دهیم و اول با هوای سرد بدهیم ذرات گاز اکسیژن و ازن و سایر گازهای موجود در هوا که تحت تأثیر برودت قرار گرفته و هوای سرد را تشکیل داده بدن آن شخص حمله ور میشوند و همین ذرات هوایی یا گازهای بی جان سطح بدن او را فرا گرفته و کم کم بداخل بدن جذب میشوند برودت گاز های نامبرده در ذرات و سلولهای زنده بدن تحلیل رفته و در نتیجه بدن منقبض شده رنگ کبود و مایل بسفید کم رنگ میشود هرچه برودت زیاد تر شود استقامت آن شخص کمتر شده و حال کسالت و کم کم سرما خوردگی و غیره ایجاد و بالاخره در صورت شدت منجر بمرک می شود و همچنین زیاد شدن حرارت هم سبب مرک می گردد این دو موقعیت مختلف که تأثیر فوق العاده در سلامت و مرض دارند ابدأ ارتباط یا میکرب موافق و مخالف ندارند فقط ذرات بسیار ریز گاز ها

تحت تأثیر حرارت و برودت قرار گرفته و در بدن منعکس شده و حالات مختلفی بوجود آورده اند .

چون بنده آزمایش علمی نکرده ام نمیتوانم نظریه مثبتی برای تأثیر حرارت و برودت عرض کنم ولی این نکته را باید اضافه نمایم آنچه که محسوس است حرارت و برودت تأثیر فوق العاده در خون و گرم و سرد کردن بدن و حیات و مومات ما دارند و یک نکته مهم دیگر هم اینست که در مورد تأثیر حرارت در ذرات گازها اکسیژن و ازت و سایر گازها آیا ذرات جدا گانه ای بنام ذرات حرارت و ذرات برودت بذرات گازهای هوایی اضافه میشود یا همان ذرات گازهای اکسیژن و ازت و سایر گازهای هوایی است که تحت تأثیر حرارت و برودت قرار گرفته و دارای خاصیت جدیدی شده و تأثیر جدا گانه غیر از اثر اولیه خود ظاهر می سازند.

بنظر من فقط ذرات اکسیژن و ازت تحت تأثیر حرارت و برودت واقع می شوند یعنی حرارت و برودت را بخود جذب نموده و دارای فعالیت خاصی غیر از فعالیت و خاصیت اولیه خود می گردند .

بهر حال وقتی ثابت شد که بطور محسوس حرارت و برودت اعم از طبیعی یا مصنوعی در ذرات هوایی موثر است ما دیگر کاری نداریم که آیا عوالم دیگری از قبیل نور و تاریکی و غیره در ذرات نامبرده تأثیر دارد یا خیر فقط بطوری که قبلاً اشاره شده باز هم تکرار مینمائیم که تأثیر تاریکی و موقعیت فقدان نور است که شب در نباتات تأثیر نموده و کربن یا خاصیت نباتی از نباتات متصاعد میشود و همچنین در روز نباتات اکسیژن میدهند.

موضوع دوم:

فقط هوا و میکرب های هوایی نیست که در ذرات شیر تأثیر نموده و بریدگی شیر ایجاد میکند بلکه ریختن یک قطره سر که در شیر و یا مختصر چرب بودن ظرف شیر هم سبب بریدگی و فاسد شدن شیر میشود.

موضوع سوم:

در نقاط مختلف دنیا اشخاص زیادی هستند که لغت و برهنه زندگی میکنند و بدن آنها در حالات مختلف تماس مستقیم و بی واسطه با هوای آزاد دارد و همیشه هم سالم میباشند . یعنی بدنهای آنان در معرض هوا قرار میگیرد ولی از میکربهای که در هوا موجود میباشند خطری متوجه آنان نمیشود و امراض مختلفی که میگویند میکربهای آنها در هواست در این قبل اشخاص پدید نمیآید.

نتیجه

از توضیحات راجع به میکرب نتایج زیر بدست میآید:

نتیجه اول:

میکرب که عبارت از حیوان جاندار مستقل زنده میباشد از ترکیبات مواد و عناصر آلی و فعل و انفعال عناصر مختلف موجود در خاکها، آبها، هواها، حرارتها بوجود میآیند یعنی (پیدایش عنصر زنده از برخورد گازهای موجود در هوا یا مواد آلی).

نتیجه دوم:

ذرات حس دار و فعال موجود در هوا همان ذرات اکسیژن و ازت و گازهای دیگر هوایی است که تحت تأثیر برودت و حرارت و نور موقعیت های مختلف دیگر واقع شده و دارای نیرو و با خاصیت قویتری میشوند.

نتیجه سوم:

فرضیه آمدن میکربهای وجود در هوا از کرات آسمانی همراه سنگهای آسمانی و یا شعه خورشید افسانه ای بیش نیست زیرا ذرات حس دار از برخورد گازها و هواهای مختلف در هوا تکوین میشوند.

نتیجه چهارم:

ذرات حس دار و فعال موجود در هوا که تا حال بنام میکرب معروف بوده برای بقاء موجودات بسیار مفید و لازم است و خطری مستقیماً از این حیث متوجه جان داران نیست خاصیت های غذاها و کلیه خوردنیها و نوشیدنیها و انعکاسات روحی است که در بدن منعکس شده و کلیه امراض را بوجود میآورند و با وسایل بسیار ساده و مراقبت مختصری هم میتوانیم مثل اجداد خود بدون وحشت از امراض گوناگون بزندگی طبیعی خود ادامه دهیم.

نتیجه پنجم:

مابین ذرات فعال و حس دار هوایی که بنام میکرب معروف شده و میکربهاییکه بوسیله خواص غذائی در بدن تکوین و امراض را بوجود می آورند وجه تشابهی موجود نیست ذرات حس دار هوایی جدا و میکربهای امراض هم جدا میباشند و بطور خلاصه تر میکربهای امراض بهیچوجه از حیث شکل و خصوصیات تکوینی و قوه فعالیت و عمل و غیره ارتباطی با میکربهای موجود در هوا ندارند.

نتیجه ششم :

چون بوسیله خاصیت‌های غذایی ما مریض می‌شویم بوسیله خاصیت‌های غذایی و ایجاد محیط‌های مخالف هم بدون دوا و ورزش‌کستگی کامل اقتصادی می‌توان کلیه امراض را با وضع ساده معالجه نمود .

نتیجه هفتم :

تقویت وضع روح که از تأثیر خاصیت‌های غذایی و تذکرات یا تظاهرات روحی پیدا می‌شود رل بزرگ و غیر قابل توصیفی در سعادت و ذلت یا سلامتی و مرض یا حیات و ممات ما بازی میکند و ما باید منت‌های مراقبت را در تهیه زمینه مساعد برای تقویت روح خود داشته و جدیت زیادی برای آرامش آن که منجر به تکمیل سعادت و خوشبختی ما می‌شود بنمائیم البته منظورم این نیست که بگوشه‌ای بنشینیم و صد مرتبه بخود بگوئیم روح من قوی است بدیهی است این عمل هم اثر روحی دارد ولی این عمل نتیجه زیادی ندارد و باید کاری کرد که روح سرکش در عین فعالیت آرام بوده و قوی شود .

نتیجه هشتم :

موجود فردی که بتواند بدون کمک غیر تولید مثل کند وجود نداشته و نخواهد داشت و تولید هر جان داری احتیاج بجفت یا نرو ماده یا لازم و ملزومی دارد .

بدیهی است این نظر روی کلیات امور طبیعی است والا وقتی يك عظمت مطلق و يك قدرت بی مانند و يك اراده منحصر بفردی که خدا نام دارد اراده کند میتواند هر آنی مانند حضرت آدم ابوالبشر (ع) و حضرت مسیح ابن مریم (ع) را ابتدا بساکن و یا از يك تن خلق نماید و این قبیل خلقتها نمونه‌ای برای نشان دادن آثار قدرت و خلاقیت است والا بصورت طبیعی و آنچه بنام قانون طبیعی مقرر فرموده اند همین است که برای موجودیت هر جان داری پدر و مادر یا لازم و ملزومی ضروری است .

احتمال اشتباه

البته مراتب پیش گفته و اثبات اشتباه باستوار از موضوعهای مهم طبی است و ممکن است بنده هم با کمی اطلاعات علمی و نداشتن وقت و وسیله مطالعه و تحقیق در گفته‌های بالا و تطبیق اصطلاحات علمی اشتباهات زیادی کرده باشم ولی بطوریکه قبلا عرض کرده‌ام چون ثابت است که کلیه علوم

(مخصوصاً طب) روی تجربه و آزمایش بوجود آمده پس برای تأمین سلامتی و حیات عمومی باید بهر تجربه و موضوع طبی بهر اندازه هم که کوچک و عامیانه باشد ترتیب اثری داده شود شاید مشکلات حیات زودتر حل و نفع کلی عاید جامعه شود و بنده هم روی این عقیده و بقصد انجام خدمتی بجامعه بشروم اینم بافقدان همه گونه وسائل درصدد نشر این کتاب برآمده‌ام و امیدوارم که خدمتی انجام و توضیحات ناقابل من رضایت استادان و متخصصین محترم را جلب نماید و ضمناً اگر ندانسته اشتباهی کرده باشم چون مقصودم از نشر این کتاب خدمت است لذا انتظار دارم اساتید محترم از اشتباهات من چشم پوشی فرموده و لطفاً مرا بخطایای خود متوجه و ممنون فرمایند .

چند موضوع و اصطلاح فراطبی امروز

الف - اگر یکمرتبه مریض شویم :

میگویند هر کس برای یکمرتبه مریض و معالجه شود میکربهای آن مرض در بدن او نابود نمیشود فقط در اثر معالجه قوه و فعالیت آنها با اندازه کم میشود که تا بدن قوی است دیگر میکربها قادر نیستند کاری انجام دهند ولی بمحض اینکه بدن ضعیف شد دوباره همان میکربهای ناتوان شروع بفعالیت و ایجاد مرض میکنند يك مثل خوشمزه هم میزنند که این است (کسیکه یکمرتبه مریض شد مثل کاسه شکسته میماند که بندخورده و همیشه صدای مرك میدهد).

این فرضیه معالجات جدید است ولی در طب قدیم مریضها در همان وحله اول در يك مدت خیلی کوتاهی برای همیشه معالجه قطعی و ساده‌ای میشده و با معالجه صحیح هم ریشه هر مرضی را قطعاً قطع میکردند و کمی اطلاعات ما هم دلیل مخالف محسوب نمیشود.

ب - پشه آنوفل :

آنچه تا امروز ثابت شده اینست که پشه آنوفل که شهرتش در ایجاد مالاریا عالمگیر شده تا قبل روی بدن يك شخص بیمار مالاریائی ننشیند و خون آنرا نخورد دارای میکرب مالاریا نمی شود پس پشه آنوفل وسیله سرایت مرض است نه ایجاد کننده مالاریا با اینحال در همه جا گفته می شود پشه آنوفل ایجاد مالاریا میکند و کسی که یکمرتبه مالاریا پیدا کرد تا آخر

عمر باید بآن مبتلا باشد در صورتی که این طور نیست پیدایش مالاریا که روی خصوصیات مختلف انواع مختلفی دارد بوسیله غذا و هوا صورت می گیرد و معالجه قطعی هم دارد و ایجاد مالاریا بوسیله غذا هم مشکل نیست .

ج - دوز و تسلسل امراض:

می گویند امراض دور یا تسلسل داشته و از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد و تمام امراض از اولین میکروبی که از هوا ببدن آدم اولیه وارد شده شروع شده است و کلیه امراضی که تا کنون در دنیا پیدا شده و یا بعداً پیدا شود در بدو پیدایش بوده و آثار تخم یا باقی مانده های همان امراض، امروز و روزهای بعد در جامعه تظاهر می کنند در صورتی که ابداً چنین نیست بشر اولیه بسیار نیرومند و خیلی توانا و سالم بوده و حتی مردمانی که پیش از ما زندگی می کرده اند از ما خیلی سالمتر و قویتر بوده اند و کسالت و مرض را هم از بلاهای مهیب و خطرناک میدانسته اند و حتی روزگار خوش آنها با حسرت و اندوه زیادی امروز استناد تاریخی ما میباشند.

مثلاً حکایت معروف رفتن طبیب حاذقی بمدینه طیبه و توقف چندین سال و مراجعه نکردن مریض باو و عصبانیت طبیب و مراجعه او بحضرت رسول (ص) و عرض جریسان او و شنیدن پاسخ که مردم مدینه تا اگر سینه نشوند غذا نمی خورند و هنوز سیر نشده دست از غذا می کشند و گواهی طبیب بر خوبی عمل و علت سلامتی اهالی مدینه را همه میدانیم بطور کلی اینهمه میکروبها و اینهمه مریضهای امروز آثار تمدن غلط و عدم توجه ما بموضوعهای اساسی و مهم طبی و عوامل زیادی که در سلامتی و مرض موثر هستند میباشند آنچه تاریخ بما گواهی میدهد نسلهای اولیه تا نسل قبل از ما یکی قبل از دیگری قویتر از نسل بعدی بوده و ما هم قویتر از نسل بعدی می باشیم بطوریکه مشهود است بچه های امروز روز بروز ضعیف تر و لاغر تر میشوند لذا خطرات زیادی برای آینده پیش بینی میشود.

بهر حال بطوریکه قبلاً عرض شده کلیه امراض بوسیله غذاها و خاصیت های غذایی بوجود می آیند و قطعی هم معالجه می شوند و دور یا تسلسل هم ندارند البته اگر کسی نتخواست خوب معالجه کند موضوع دیگری است -

د - تجزیه ادرار یا مدفوع:

آنچه امروز شیوع دارد تجزیه ادرار و یا مدفوع است از زمانی که برای تشخیص میکروب مرض و یا مقدار موادی که در ادرار موجود است ادرار مریض گرفته می شود و تا وقتی که نتیجه معلوم و بدست دکترا معالج برسد و

نسخه نوشته و دوا تهیه و برای خوردن حاضر شود بیش از دوسه یا چهار پنج روز طول می کشد در جریان این مدت مریض هر روزی سه وعده یا بیشتر غذا خورده و این غذاها بطور کلی مواد موجود در بدن را زیر و رو نموده و موقعیت بدن را منقلب می سازد در صورتی که تازه د کتر معالج بفرض آزمایش خوب و بفرض خوب تشخیص دادن و بفرض خوب انتخاب کردن راه معالجه پس از سه یا چهار یا پنج روز یا بیشتر می خواهد معالجه غیر وار دیا صحیحی روی نتیجه آزمایش چند روز قبل موادیکه بکلی از بدن خارج شده و یا تغییر نموده بنماید. در صورتیکه اطباء قدیم این آزمایش را در حضور مریض انجام میداده و نتیجه خوبی هم میگرفته اند

ه - يك مريض سيفلیسی :

در مورد يك مريض سيفلیسی د کتر معالج سؤال می کند (آقای خانم) شما بامرد یا زن مظنونی مربوط نبوده و در کافه ها و حمام ها و سلمانی ها و مغازه ها و انوبوسها و جاهای عمومی با کسی تماس نداشته اید خلاصه میان شهر و جامعه و دنیا زندگی نمی کنید از پدر و مادر و خویشان شما کسی باین مرض مبتلا نبوده؟

فرض بفرمائید پاسخ تمام این سئوالات منفی باشد تازه آقای د کتر که نتوانسته برای مرض علتی پیدا کند و در این موقع هم نمیتواند بگوید سفلیس مثل میکرب سل از هوا وارد بدن شده !!! و از طرفی با اثر و خاصیت مواد غذایی و تأثیر هوا در بدن هم معتقد نیست مجبور می شود بگوید اجداد شما این مرض را داشته و بطور ارث بشما رسیده و هر چه استدلال کنید که برادرها و خواهرها و پدر و مادر من و چندین پشت قبل از آنها بطور قطع و یقین خیلی سالم بوده و چنین امراض را بخواب ندیده اند باز جواب همان است که قبلا داده شده و مریض بساید زور کی قبول کند که اجدادش سفلیس داشته اند.

از این حکایت ها و شنیدن مژده های سلامتی یا خبر مرگ مریض و نتیجه معکوس خیلی زیاد است و سفلیس حی درجه سوم آن هم از غذاها و خوردنی ها ایجاد می شود اثر آن هم تابع اصلی است که بعداً عرض می شود.

وراثت

وراثت :

طب جدید و طرفداران آن مخصوصاً علماء طبیعی و مادی معتقد هستند

که موجودات امروز تمام اختصاصات حیاتی خود را از نسلهای اولیه ارث برده‌اند و جمعی پسران فراتر گذاشته و می‌گویند کلیه امراضی که امروز ملاحظه می‌شود از نسلهای قبلی بطور ارث بنا رسیده است در صورتی که این طرز استدلال و وراثت که خیلی زیاد شیوع دارد و هر موقع نتوانستند علت صحیحی برای پیدایش مرض یا تکوین موجودات پیدا کنند بچنین استدلال‌هایی تشبث می‌نمایند و بنا نسبت اختلاف رنگ بچه‌های يك پدر و مادر را بچندین پشت قبل نسبت می‌دهند صحیح نیست و روی ناعلاجی این قبیل استدلال‌ها می‌شود با توجه بتوضیحاتی که قبلا در مورد بچه‌هایی که رنگهای مختلف دارند و توالد و تناسل داده شده باختصار مراتب زیر را یادآوری می‌نمائیم.

الف - پیدایش موجودات از نسلهای قبل:

روی قاعده وراثت یعنی پدید آمدن موجودی از موجودات و نسلهای قبلی چون تمام اجزاء و اعضاء بدن اطفال باید از اجزاء و اعضاء پدر و مادر سرچشمه بگیرند ذرات بدن اطفال باید از ذرات بدن پدر و مادر متابعت نمایند در صورتی که:

جزء يك - بطوریکه قبلا گفته شده از پدر و مادر های سفید پوست و غیره بچه‌های مختلفی در (رنگ . پوست . بدن . موی سر . قد و قواره . رنگ چشم . چاق . لاغر و موقعیت های مزاجی مختلف و غیره) که دارای خصوصیت های مختلفی می‌باشند بوجود می‌آیند و خصوصیات نامبرده بطوری که سابقه عملی زیاد دارد ثابت نبوده و تغییر پذیر است در این مورد باز ممکن است اشاره بجدول مندل دانشمند اطریشی شده و گفته شود پیوند دو موجود مختلف الرنگ چندین دسته موجودات مختلف الرنگ دیگری پدید می‌آورد باید متوجه بود که در توضیحات قبلی نظریه مندل و تأثیر رنگ بدن اجداد قبلی را در پوست بدن بچه‌های مختلف الرنگ چند پشت بعد رد کرده‌ایم و حالا هم مجبوریم بیک نکته دیگر اشاره نمائیم.

مثلا خیال کنیم بیست پشت قبل اجداد بچه‌ای که از پدر و مادر سفید پوست امروز سیاه پوست بدنیا آمده سیاه پوست بوده و بعد از آن نوزده نفر دیگر دارای رنگهای مختلف بوده‌اند اگر خواسته باشیم قانون وراثت را ثابت بدانیم مجبوریم بگوئیم ذراتی که از پدر و مادر طفل جدا شده و سبب تکوین بچه می‌شوند و همچنین تأثیر ارثی ذرات ۱۸ نفر پدر قبلی بمراتب قویتر از آثار و ذرات حیاتی جد بیستم طفل می‌باشد پس اگر فرض مندل صحیح باشد قاعده ارث در مورد خصوصیات رنگ بدن پدر و مادر طفل در بچه باید بیشتر

از رنگ بدن اجداد قبلی او باشد و موضوع مهمتری اینست که بچه پدر مادر
همای کور و بی دست و پا کور و بی دست و پانمی شوند و هر کدام بر خلاف پدر
و مادر خود واصل دور یا تسلسل خلقت کاملی دارند در اینحال بطوریکه قبلا
گفته شده باید بگوئیم:

امتحانی که ژرژ مندل اطریشی دریونند دو نبات (نخود) کرد و پایه
و اساس قانون ارث قرار گرفته بدو دلیل در مورد انسان صدق پیدا
نمی کند .

جزء دو - اگر چند تخم گل لاله عباسی که اصل آن از دسته مخصوصی
بوده و رنگ روشن ثابتی داشته باشد . قبل از کاشتن در آب بشوئیم بعد
مدتی در سر که بگذاریم و بعد این تخمه‌ها را بکاریم با اینکه قبلا رنگ گل
تخمهای موصوف قرمز . زرد . صورتی و غیره بوده در دور دوم و در اثر
تماس تخم با سر که دارای کلهای هفت رنگ می شود و بدون اینکه گل
مذکور با گل و جنس مشابهی پیوند شود در اثر تماس با سر که تغییر رنگ
میدهد .

جزء سه - پیوند نخود سبز و زرد که دارای خاصیت و موقعیت ثابتی
است و تحت تأثیر زمین و خاک و آب هم امکان دارد که رنگهای دیگری
غیر از زرد و سبز پیدا کند غیر از موقعیت متغیر انسان می باشد که هر شب و
روزی تحت تأثیر غذاها و هواها و آبها و حرارتها و برودت‌های مختلفی واقع
شده و دارای موقعیتهای مختلف مزاجی میشود .

بطور کلی علماء مادی و طبیعی دو عقیده دارند یکی اینکه کلیه
موجودات (بتعداد موجودات زنده حال و منقرض شده سابق) ذرات بسیار
ریزی بوده و طی چندین میلیون سال سیر تکاملی کرده تا بوضع فعلی رسیده
و دسته دیگری می گویند دستجات مختلفی در روی زمین پدید آمده و هر
دسته دارای اختصاصات و مشخصات روشنی بوده و بعد این دستجات با هم
پیوند نموده در نتیجه اختلافات رنگ و غیره ظاهر شده یعنی نژاد سفید و
زرد و سرخ و سایر انواع انسان و حیوان و نبات از اول خلقت بهمین حال
و کیفیت بوده و در اثر آزمایش ژرژ مندل هم این فرض اضافه شده که مثلا
اگر انسان سفید یا سیاه پوستی با زن سفید یا سیاه پوستی ازدواج کند ممکن
است بچه‌ها و یا نوه‌های آنان دور که مثلا سبزه تند بشوند .

بطور کلی قانون ارث از نظر پدید آمدن نسلی از نسل قبل صحیح و
ثابت است ولی دو عقیده مذکور بالا صحیح نیست زیرا اگر خلقت بشر ثابت

بود و نظم و ترتیبی در کار بود.

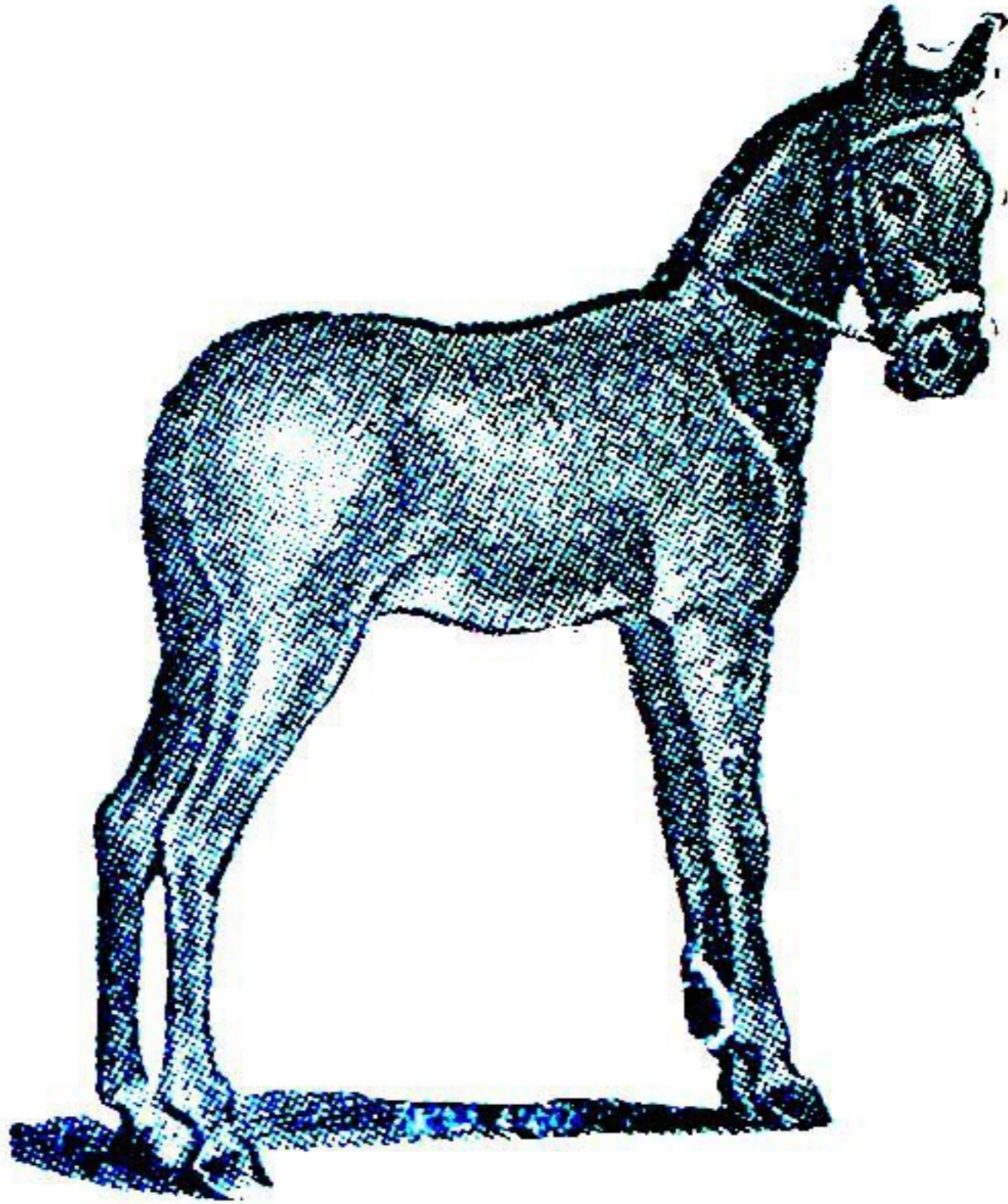
مثلاً قرار می‌شد هر پدر و مادری سه پسر و سه دختر یا سه پسر و یک دختر و یا پنج دختر و دو پسر بالاخره يك رقم و نوع ثابتی بچه می‌داشتند و از لحاظ روحی و رنگ و قد و چاقی و لاغر و قیافه و کلیه اختصاصات روحی و جسمی تمام فرزندانها مثل پدر و مادر خود بودند و عمر همه ثابت و اختصاصات و امتیازاتی در بین نبود می‌شد این نظریه را قبول کرد ولی خوشبختانه برای اینکه فرضیه های غلطی برای بشر پیدا نشود گاهی در تولید مثل کردن بشر تصرفاتی شده و مخلوقات عجیبی که شباهتی با پدر و مادر خود ندارند بوجود می‌آیند.

فرزند ۱۶ انگشتی ۱۸ انگشتی بی انگشت یک چشم و کور یک دست بی دست و پسرهایی ختنه نشده از مردهایی ختنه شده و هزاران عجایب الخلقه دیگر خلق می‌شود که شاید بشر از اعتقاد خلقت يك نواخت منصرف و منحرف شده و عقیده پیدا کند که قطعاً نیروی قوه هست که تصرف در خلقت می‌کند و بطور کلی بحث خلقت های غیر عادی از مباحث بسیار شیرین بوده و جادارد که برای عجایب خلقت و انواع آن کتابها نوشته شود و برخلاف آنچه فعلاً معمول است که اگر نوزاد عجیبی بوجود آید کوشش می‌شود آن را مخفی نمایند باید این قبیل مطالب برعکس روشن شدن افکار مردم نوشته و منتشر گردد اینک برعایت اختصار ما هم از تطویل کلام خودداری نموده و فعلاً بچاپ يك گربه که برخلاف انواع گربه‌ها دمش از وسط کمرش درآمده (شکل ۱۹) و يك اسب که اساساً ندارد (شکل ۲۰) مبادرت می‌نمائیم:



شکل ۱۹ گربه‌ای که دمش از کمرش درآمده

حال با توجه بدو شکل گربه واسب بی مثل و مانند آیا باید گفت نسلی از نوع گربه واسب قبلاً بوده اند که گربه‌ها دمشان در کمرشان بوده و اسبها هم بی دم بوده اند و گربه واسب مذکور هم روی متابعت از قانون ارث باین صورت پدید آمده و یاد ر اثر عناصر اختصاصی که در پدر و مادر آن دو بوده گربه واسب باین کیفیت خلق شده و بوجود آمده اند .



شکل ۲۰ اسبی که اساساً دم ندارد

جزء چهارم در موارد روحی و عصبی یعنی احساسات ، روحیه ، افکار ، هوش ، ادراک ، تعقل ، حافظه ، ابتکار ، اختراع ، بردباری ، عصبیت و غیره اصل وراثت ثابت نیست .

مثلاً آدم دیوانه بچه اش حتماً دیوانه نمیشود و اغلب پدرهای دانشمند و باهوش دارای بچه‌های بی سواد و کودن میشوند و مردمان فکور و با عقل و تدبیر حساس بیشتر از پدران ساده و بی فکر و بی عقل و عامی بوجود آمده اند و همچنین زیاد دیده شده که پدرها خیلی عصبانی المزاج و تند خو و بد فکر بوده و پسرها کاملاً نقطه مقابل آنها شده اند و یا بالعکس

ب - با توجه بتأثیر خاصیت های غذایی در سلامتی و مرض و بفرض این که شخص تحت تأثیر قاعده وراثت (متابعت از موقعیت مزاجی پدر و مادر در حین انعقاد نطفه نمود و بواسطه پدر و مادر مریض بکسالتی مبتلا شد)

قرار گرفت تازه با آب و هوا و مواد غذایی میتوان مزاج و طبیعت و موقعیت مزاجی آنرا دگرگون نمود.

بطور کلی باید گفت صحیح است که هر موجودی از نسل قبلی خود بوجود می آید ولی نه این است که موجودات هر دوره بطور یکنواخت عیناً مثل جد صد پشت قبل خود باشند و یا اینکه اگر در صد پشت قبل اجداد ما مریض بوده اند میکروبهای مرض آنان بتدریج بدن ما منتقل شده باشد بطوری که قبلاً گفته شده و آزمایش آنها خیلی آسانست چون روی خواص و مواد غذایی موقعیت های مختلفی در بدن بوجود می آید وضع مزاجی پدر و مادر همیشه ثابت نیست و بنا بر خواص و موقعیت های غذایی و مقتضیات زمان و مکان در تغییر بوده و موقعیت های مختلفی پیدا و روی متابعت از موقعیت موقتی پدر و مادر بچه های مختلفی در رنگ پوست بدن و چشم و موی سر و قد و قواره و اختلاف مزاج از یک پدر و مادر و در یک محل بوجود می آیند و خصوصیات مختلف ارثی آنها هم تغییر پذیر است.

میکروبها تکوین میشوند یا قبلاً بوده اند

میکروبها کجا تکوین میشوند - آیا میکروب امراض امروز دنباله وزائیده نسل میکروب های امراض روز اول خلقت می- باشند یا ابتدا بساکن بوجود می آیند و آیا کلیه افراد بشر باید بامراض مبتلا شوند یا خیر

۱- طب جدید و علماء مادی می گویند که قبل از خلقت بشر وقتی زمین از خورشید جدا شده و در فاصله فعلی قرار گرفته کم کم سطح زمین سرد شده و هوای ملایمی در اطراف زمین پدید آمده و ذرات زنده جاننداری خود بخود (بعضی ها هم میگویند از سایر کرات آسمانی آمده اند!!!) در هوا پیدا شده و با آنها وارد وسیر تکاملی نموده قسمتی موجودات دریائی و قسمتی موجوداتی که در خشکی زندگی میکنند بوجود آورده و میکروب امراض هم از همان موقعی که موجودات ظاهر شده یا پدید آمده اند بوجود آمده و بعد از نسلی بنسل دیگر منتقل شده تا حال که بیمار سیده است چون در بعضی مواد هضم این قبیل فرضیه ها و باعقاید مشکل است. لذا بعضی از اطباء راه دیگری در پیش گرفته اند مثلاً در مورد میکروب سفلیس میگویند:

میکروب سفلیس از آمریکا آمده

میکروب آن در آمریکا بوده ملاحان همراه کریستف کلمب که برای

کشف امریکارفته بودند باخود باسپانیا سوغات آورده وازاسپانیا باروپا وبعد آسیا وافریقا وسایر جاها منتشر شده است حال اگر کسی جرأت کرده و بگوید میکرب سفلیس از کجا بامریکا رفته آیا در امریکا از زمان خلقت بشر بوده ویا بعد پیدا شده اگر در بدو خلقت پدید آمده چه امتیازی بود که میکرب سفلیس فقط امریکارا برای سکونت اختیار کرده و اگر پیدا شده علل پیدایش آن چه بوده جواب اینست که سؤال کننده باید به امریکا برود خودش تحقیق و مطالعه کند.

بهر حال طب جدید میگوید میکرب امراض در اول خلقت بوده و امراض امروز هم روی قاعده ارث دنباله میکرب های روز اول خلقت است که از نسلهای قبلی بوجود میآید و کلیه افراد هم روی متابعت از ارث باید به امراض اجداد قبلی خود مبتلا شوند .

۲- بطوریکه قبلا گفته شده و آثار آنها مشهود است:

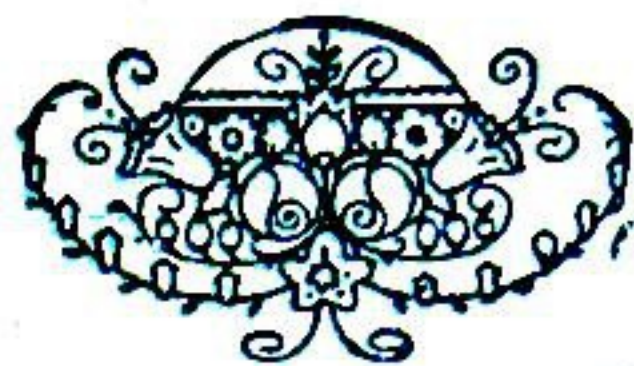
الف - نسلهای قبلی بشر از جهات مختلف سالمتر و قویتر و بزرگتر از نسل فعلی بوده و نسل فعلی بشر سیرقهقرائی کرده و با زهم باوضع حاضر روز بروز نسل مریضتر و ضعیفتر و کوچکتر میشود.

ب - بسیار هستند مردمانیکه نه پدر و مادرانشان مریض بوده اند و نه خودشان مریض شده اند و اگر آمار گرفته شود شاید بیش از چهار پنجم ساکنین روی کره ارض سابقه کسالت نه خودشان داشته اند و نه پدر و مادرشان در حالی که اگر نقل میکرب از بدنی ببدنی صحیح بود و قانون ارث در این قبیل موارد صدق پیدا میکرد باید تمام افراد بشر در سن و سال و روز معینی با امراض خاص یعنی امراضی که در نسل و یا نسلهای قبلی بوده مبتلا گردند پس صحیح نیست بگوئیم میکرب از نسلهای قبل بنسل جدید منتقل شده یا میشود .

ج - بطوریکه قبلا گفته شده میکربها در اثر اصطکاک گاز های هوایی که موقعیت های مختلفی پیدا میکنند یا مواد آلی ابتدا بساکن در بدن افراد بشر و یا در محل اجتماع کثافات و زباله ها تکوین میشوند و تحت شرایطی امکان انتقال بغيرهم دارد و با معالجه هم بطور قطع از میان می- میرود و هر محل و مکانی هم موقعیت خاصی برای پرورش و یا پدید آمدن امراض مخصوص دارد و چون بدن افراد بشر تحت تأثیر: غذاها، هواها، آبها، حرارت ها و برودتها، نورها، صداها، بوها، رنگها، حرکات تأثیرات روحی، واقع میشوند میتوان با رعایت نکات حساس طبی و روانشناسی کاری کرد که همیشه از امراض دور و سلامت بوده و عمر طولانی هم کرد .

۱۱ = سرایت امراض مسری

بطوریکه قبلاً عرض نموده‌ام و طب جدید هم تأیید میکند وقتی در اثر تزریق میکرب و یا سرایت آن و یا بوسیله دیگر ممکن است موجود دیگری مریض شود که محیط بدن او برای کشت و قبول میکرب مساعد باشد یعنی بطور قطع باید رابطه صمیمانه و تجانس طبیعی بین مواد و عناصر موجود در بدن شخص سالم و ماده‌ایکه بنام میکرب از خارج وارد بدن میشود برقرار باشد. در اینحال مرضی که باید از این نوع مواد بوجود آید زود تر ظاهر میشود و اگر چنین شخصی با میکرب هم روبرو نشود ولی غذاهائی بخورد که همان مواد موجود در بدنش را زیاد و یا تحریک نماید باز همان مرض نمودار میشود ولی وقتی بدن بواسطه تقویت و استفاده از مواد غذائی مفید و قوی باشد بمرض اینککه با انواع و اقسام وسائیل میکرب هم بیدن او وارد نمایند میکرب در محیط مخالف و قوی بدن نابود شده و بی تأثیر خواهد ماند برای اثبات این موضوع کافی است که توجه نمائیم که در تمام آزمایشگاهها هر میکربی را در محیط مخصوص پرورش داده و در حیوان مخصوص آزمایش مینمایند و حیواناتی هستند که بدنشان برای قبول و کشت یعنی زیاد کردن بعضی میکربها مساعد و برای بعضی دیگر نامساعد است و همچنین است سایر محیط های غذائی بطور خلاصه وقتی میکرب بذرات جاندار بدن نزدیک میشود اگر ترکیبات میکرب روی خواص ترکیبی قوی باشد ذرات جاندار بدن را تحت الشعاع خود قرار داده و تدریجاً میدان عمل خود را وسیع میکنند و اگر ترکیبات ذرات جاندار بدن روی خواص غذائی قوی باشد ذرات ترکیبی میکرب را بخود جذب کرده و تحلیل میبرد و در صورت اول مرضی که میکرب از آن دسته میباشد بوجود میآید و در صورت دوم میکرب نابود شده از بین میرود و مرض پدید نمیآید.



فصل دوازدهم - نیروهای ناپیدا

۱. قوا و نیروهای ناپیدا - ما در زمانی زندگی میکنیم که علوم شگفت انگیزی پیدا شده و آثار و علائم ناپیدای زیادی کشف شده که بوسیله آن قوای نامرئی میتوانیم متوجه آثار آنها شده و معماهای لاینحل را حل نمائیم در صورتی که در گذشته چنین قوایی کشف نشده بود مثلاً :

الف - از زمان اختراع رادیو ما قادر شده ایم که از چندین صد یا هزار فرسخ بیانات کسی را که حرف میزند در همان موقع بشنویم و همچنین بوسیله تلویزیون عکس گوینده را هم به بینیم در صورتی که اگر کسی در صد سال قبل باین قبیل مطالب اشاره میکرد دیوانه معرفی می شد .

ب - امروز بوسیله قوه رادیو یا دستگاه دیگری صادر شده اند تانکهای سنگینی را بمیل خود بحرکت آورده و تا هزار کیلو گرم یا بیشتر مواد منفجره را با سرعت زیادی در هوا سیر داده و بهر کجا میل دارند رسانیده منفجر نمایند .

ج - تسخیر ارواح - در حیات اجتماعی خود مجبوریم از پدر و مادر و خویشان و آموزگاران و بچه ها و افراد همسن و سال خود خلاصه تمام کسانی که روز بروز با آنان روبرو میشویم و با آنان احتیاج داریم حرف بشنویم و نسبت به معتقدات و عقاید جمع زیادی از آنان تسلیم شده و حتی عقایدشان را عقیده خود قرار دهیم و گفتار آنان را خریدار محکمی بوده و جداً بکار بندیم علت هم اینست که قوه تفکر و بیان و فهم و منطق ابن قبیل اشخاص را قوی تر از خود میدانیم و وقتی بصحیح با غلط تشخیص دادیم که کسانی بهتر از ما میدانند خود بخود در مقابلشان تسلیم شده و حرفهایشان را میشنویم و قبول میکنیم و بکار میبندیم و نیز اشخاص زیادی در

دنیا پیدا شده اند که بوسیله قوای روحی خود قادر میباشند روح اشخاص یا حیوانات زنده را تسخیر و روح ضعیف آنها را مطیع خود کرده و بر آنها فرمانفرمائی نموده و بشخص یا حیوانی که تسخیر شده امر بدهند برخلاف میل خودش بخوابد و راه برود و کارهای مخالف میل و اراده خود انجام دهد و همچنین میتوانند ارواح ضعیفی را تعویب نموده و یا ارواح قوی را تضعیف نمایند و نیز امراضی را بوسیله تقویت روح معالجه کنند و یا از آینده خبر داده و با اصطلاح عمومی غیب بدانند و از آن جمله است عملیات جو کیهان و مرتاضین هندی .

۲ = نیروهای دیگری که در روح ما نفوذ دارند:

الف - قدرت ارواح قوی:

مکرراتفاق می افتد که در خواب با روح دیگری که هیچگونه شناسائی و آشنائی با او نداریم رو برو میشویم و آن روح ، روح ما را بدون کوچک ترین استقامت و استدلال و تفکر و تعقلی مانند يك مجسمه متحرك بیروح زیر نفوذ خود گرفته و بر آن فرمانفرمائی و حکومت نموده و بروح ما او امری صادر مینماید که مجبوریم برخلاف میل خود بدون چون و چرا آنها را اجراء نماییم و یا اینکه بی جهت روح ما را مورد تعقیب قرار داده و روح ما مجبور میشود از مقابل آن فرار نموده و بسر درختها و کوهها و بیابانها و میان سوراخها و اطاقها و صندوقخانهها پنهان شود و یا گاهی غیر از ارواح عادی ارواح مهیب و وحشت آور خطرناکی ما را مورد حمله قرار میدهند که چاره منحصر ما در آن موقع فریاد کردن ضجه زدن و وحشت کردن و عرق ریختن با وحشت و ترس از خواب پریدن و مدتی متأثر بودن است حال ممکن است گفت آنچه برای شخص خواب رفته مجسم میشود روح مستقلی نیست و تجسم خیال و مربوط بخیالات زمان بیداری میباشد فرض میکنیم که اینمطلب صحیح باشد اما چرا بدن در مقابل تجسم خیال مقاومت نمیکند و باید تجسم خیال بر ما مسلط شود و ما را بجایها نیکه در بیداری و خواب هم ندیده ایم فراری دهد و بدترین حالها و ناراحتترین خیالها را در ما ایجاد کند.

ب - فعالیت مغز یا اعصاب - از اول پیدایش انسان سالها گذشته و نسلهای اولیه با اینکه چشمهایشان از ما قوی تر بوده و خوب محیط و اطراف خود را میدیده اند باز خیلی بطی و کند موفق بکشفیاتی میشده اند و بتدریج

رو بگمال رفته و ترقی نموده اند و بیشتر توجهات و کشفیات و اختراعات در اثر برخورد با موضوعهای کوچکی ریشه و پایه پیدا کرده و رو بترقی رفته لذا باید گفت:

مغز مادی مافاقد فعالیت و نیرو می باشد و نمیتواند خود بخود درك همه چیز کند مگر روح هم آنرا كمك کند و اگر روح هم آنرا كمك نماید تازه دوره فعالیت آن محدود است و دلیل آنهم اینست که سیر تکاملی روحی و فکری و اختراعات و اکتشافات بشر بتدریج حاصل و رو بتکامل رفته و قوای مادی و روحی هر کس هم مستعد انجام کارهای خاصی بوده و ذوق و استعداد کارهای مخصوصی را دارد و فهم و عقل و قوه تفکر و تعقل و تشخیص و اراده و عمل و غیره در اشخاص با سواد و بی سواد و هر دسته و طبقه نسبت به افراد همردیف خود متفاوت و مختلف میباشند و علاوه بر اینها آثار تاریخی زیاد داریم از اختراعات و اکتشافات و ابتکاراتی که سر منشاء آنها یاد خواب الهام شده و یا تصادفات و اتفاقات کوچکی سبب وجود آن شده و انسانهای اولیه هم از حیث فکر و روح خیلی ضعیف تر از بشر امروز بوده اند.

ضمناً باید متوجه يك موضوع بزرگ دیگری هم بشویم و آن دیدن و اطلاع پیدا کردن و قایمی است که از آینده مادر خواب می بینیم چه قوه این اطلاعات عجیب ذقیقت را بما میدهد و چه نیروئی آنقدر توانائی دارد که بآن لباس عمل پوشانده و مارا دچار حیرت و تعجب مینماید .

گذشته از خوابهایی که می بینیم و مکالمات عجیبی که با ارواح مردگان و زندگان خود در خواب مینمائیم و اطلاعاتی که از آینده پیدامی کنیم دانشمندان روان شناس اروپائی و امریکائی روی موازین و مدارك علمی و استدلالهای صحیح وجود مستقل روح و زندگی ثابت و مسلم روح را پس از مرگ ثابت نموده اند .

حال روح پس از مرگ کجا زندگی میکند و خصوصیات محیط آن از چه قرار است از موضوع بحث ما خارج است.

۴ - تقویت روح بوسیله تعلیم و تربیت - روح را میتوان بدون ریاضت بدنی و با حرف تربیت و تقویت نمود و اگر مختصرتسأملی در وضع اجتماعی خود بنمائیم زود متوجه میشویم که حرف در وضع روح انفرادی یا اجتماعی ما تأثیرات بی اندازه شدیدی دارد.

یعنی حرفهای نیکو و تعارفات دوستانه هر اندازه سطحی و ظاهری هم باشد در ما حالات و احساسات خوبی پدید میآورد و حرفهای زشت و خشن

و شوخیها و مزاحهای رکیک و سبک و کلمات بی ادبانه و غیر مودبانه در معاکس العمل بدی دارد و تا مدت‌ها ما را ناراحت میکنند و بفرض گذشتن زمان هم هر وقت آن خاطرات خوب و بد بیاد ما می‌آید ایجاد محبت و یا بغض و کینه نسبت بکسی که با ما خوب یا بد رفتار و عمل نموده پیدا میشود و گذشته از تأثیر رفتار خوب و یا بد مردم در ما اساساً سیر تکاملی روحی و یا تعلیم و تربیت شخص روی اصل ثابت فرا گرفتن معانی کلمات و الفاظ و جملات است یعنی از زبان کودک تا تکامل انسان تدریجاً و کلمه بکلمه تعلیم می‌یابد و با فرا گرفتن معنی کلمات و کلمه بعد از کلمه ممکن است شخص بجائی برسد که کلیه رشته‌های مختلف علوم موجود هر زمان را فرا گرفته و عالم منحصر عصر و زمان خودش و ولی اگر شخص دیگری را که از جهات مختلف مثل و مانند این شخص عالم باشد از تعلیم و تربیت محروم نمائیم در سن چهل و پنجاه و شصت سالگی هم ممکن است هیچ نفهمد دردهات مخصوصاً در میان طوایف ایالات ایران مردمان زیادی پیدا میشوند که نود یا صد سال عمر و ریش بلندی دارند ولی باندازه یک بچه عقل و ادراک ندارند بدیهی است مردمان فهمیده هم در میان آنان زیاد هستند.

بهر حال حرف و محاوره و گفتگو تأثیر زیادی در دانا کردن و تحریک هوش و استعداد اشخاص دارد و از این راه است که در دین مقدس اسلام دستورات زیادی وارد شده که یکدیگر را زیاد پند و اندرز داده و امر بمعروف (تشویق بانجام خوبیها) و نهی از منکر (بازداشتن از کارهای بد) بنمائید نسبت بهم مهر و محبت زیادی داشته شریک هم و غصه اجتماع و افراد شوید و مثل برادر و خواهر با هم مهربان باشید تا بدین وسیله فشار و سختی و آلام دنیا برای تمام افراد بدون استثناء تخفیف و تسکین یابد و همه سعادت‌مند و از زندگی خود راضی و خوشحال باشند و گرفتاری‌های اجتماع از میان برود این موضوع و صفات و اخلاقی که از نظر علم النفس برای اجتماع و افراد اهمیت حیاتی دارد خیلی مهم و شرح آن از عهده من و بحث در این مقاله خارج است ضرر ندارد که برای توجه بموضوع تقویت روح بوسیله تعلیم و تربیت بدو موضوع دیگر هم اشاره نمائیم:

الف - با سوادها و بی سوادها - اختلاف ما بین یک نفر تحصیل کرده و تحصیل نکرده که خیلی زیاد است در نتیجه تذکرات معلمین در مدارس بوجود می‌آید و همچنین اشخاص بی سواد ولی خوش فکر و حساس و چیز فهم در اجتماع تربیت می‌شوند این طبقه دو قسمت می‌شوند یک دسته کسانی

که غریزه طبیعی و احساسات باطنی خیلی قوی دارند و خود بخود راه را پیدا میکنند و دسته دوم کسانی هستند که تحت تأثیر موقعیت های اجتماعی غریزه طبیعی و احساسات و افکار و قوه تعقل و تفکر باطنی آنها تحت الشعاع واقع شده ترقی مینمایند.

ب- تلقین- اگرده مرتبه برای جوانی از خوردن مشروبات الکلی و قمار بازی و چاقو کشی و دزدی و آدمکشی توصیف و تمجید شود یا بوسیله سینماها و قصه ها و مسابقه ها و موضوعهای مساعد افکار و روحیه او تحریک گردد روح آن جوان تحت تأثیر واقع شده و البته با تفاوت استعداد مزاجی جوان و توانائی مشوق و محرک، آن شخص بخوردن مشروب و چاقو کشی و قمار بازی و آدمکشی شروع نموده و کم کم عادت او میشود و بالاخره خونخوار معروف علی اصغر بروردی و آدمکشان و دزدان و حشمتناک سابقه دارد دیگر از میان آنها بیرون می آیند و بالعکس اگر برای همان جوان از این مفسد تنقید شده و معایب صحیحی و اجتماعی آنها گوشزد گردد و یا اگرده مرتبه برای همان جوان از صفات خوب و اخلاق حمیده و اعمال و رفتار نیکو صحبت شود تحت تأثیر واقع و عضو مفیدی برای جامعه شده و شاید هم وسیله هدایت دیگران گردد اینست که در قرآن مجید و کتاب آسمانی ما تأکید شده یکدیگر را بندواندرز دهید و امر بمعروف و نهی از منکر نمایید.

۴- تأثیر اعمال خوب و بد در روح

الف- نتیجه مساعد و نامساعد اعمال خوب و بد در روح و قلب- برای روشن شدن مطلب بدو موضوع باید توجه نماییم :
موضوع اول- بچه ای را در حال غرق شدن می بینیم احساسات ما تحریک میشود یا خود ما شنا نمیدانیم و باروی پاره ملاحظات دیگر حاضر نیستیم خود را بآب زده و بچه را نجات دهیم ولی وقتی می بینیم دیگری خود را بآب انداخت و بچه را از خطر مرگ نجات داد با اینکه ما بستگی با بچه نداریم احساس خوشحالی و رضایتی از عمل خیری که دیگری انجام داده در قلب خود کرده و از آن شخص نجات دهنده بچه قدردانی و تشکر نموده و در صورتیکه بعلت غرور و نخوت و تکبر بیجا هم نخواهیم از آن شخص اظهار امتنان و رضایت نماییم باز مقام محترم می در پیشگاه فکر و با قلب ما پیدامی کند و شخص نجات دهنده بچه هم از عمل خیر خود بیشتر از ما احساس خوش

حالی و رضایت در قلب خود مینماید و همچنین است سایر کارهای نیکی که انجام میشود. بحر حال هر وقت این قبیل خاطرات خوب بیاد ما بیاید مدتی ما تحت تأثیر شیرینی ولذت روحی آن واقع میشویم.

موضوع دوم - مرد و یازن محتاج و یا پیری را می بینیم که برای خرید نان و سایر احتیاجات زندگی دست تنها میباشند یا بچه آنها محتاج بد کتر و بیمارستان است و یا گرفتاری دیگری دارند احساسات ما تحریک میشود و بدون اینکه دیگری ما را تحریک و یا سفارش نماید خود ما اقدام بانجام آن کار و حل مشکل آن مرد و یا زن می نمائیم پس از صرف مدتی وقت و تحمل مخارجی بجای اینکه حساب نفع و ضرر خود را نموده از ضرر مصرف وقت و یا تحمل خسارتهای دیگر متاثر شویم خیلی خوشحالیم که کار نیکی انجام داده ایم و یا وسیله کار خوبی شده و مشکلی را حل کرده ایم حال اگر بجای کار خیر کار شر و یا زشتی کرده و دل کسی را آزرده باشیم و یا باعث ضرر و زحمت شخصی شده باشیم تا مدتها زیر فشار روح یا وجدان یا فکر و خیال قرار گرفته و ناراحت میشویم و پس از گذشتن سالها باز هر وقت آن خاطره زشت در ذهن ما مجسم شود مدتی گرفته و متاثر شده و از عمل خود منفعل و پشیمان و نادم میشویم.

بطور خلاصه هر کار خوب و بدی که در باره دیگران انجام دهیم بیش از آنکه نتیجه خوب و یا بد کار بنفع و یا ضرر طرف ما واقع شود خود ما تحت تأثیر نتایج آن واقع و از کار خوب لذت برده و قلب خوشحال و راحتی پیدا میکنیم و یا از عمل بد خود متاثر شده و هر قدر هم خون سرد باشیم کدورت خاطر پیدا مینمائیم و این تأثیر در موارد و مراحل اول خیلی شدید و تند است ولی اگر ادامه پیدا کند دو صورت بخود میگیرد یا در اثر تکرار عمل آن مطلب عادت میشود و یا با تحریکات دیگری توأم شده و کار بجائی میرسد که بکروح تمام وحشی بوجود میآید.

تأثیر موافق و مخالف اخلاق نیک و یا فساد اخلاق و انعکاسی که صفات خوب و بد در ترضیه خاطر و خوشحال نگاهداشتن قلب و روح، دارد و تیرگی و خفقانی که صفات پست در روح و جسم و قلب ایجاد می نماید از نیروهای بسیار مهم نا پیدامیباشد که هر چه در اطراف اهمیت و عظمت آن گفتگو شود کم است.

۵ - نتیجه - از توضیحات بالا اینطور نتیجه میگیریم که اولاً غیر از جسم مادی قوای دیگری هم در دنیا وجود دارد که يك قسمت بزرگ آن روح نامیده میشود.

ثانیاً همانطور که انسان قوی مغلوب آب و هوا و غذا و حرارت و نور
 میباشد از نظر معنوی هم منکوب موقیتهای روحی و اجتماعی و عوامل و
 بیاناتی که در تقویت و تضعیف روح مؤثر میباشند بوده و از کوچکترین حرف
 های عادی مسرور و مغموم میشود و تحمیلات روحی هم کاملاً بر آن وارد است و
 همانطوریکه علل و موجبات زیادی برای مریض کردن بدن موجود است
 موجبات و علل زیادی هم برای مریض کردن روح وجود دارد .

ثالثاً همانطوریکه يك روح قوی ناپیدای انسانی در بیداری و یا يك
 روح ناشناس در عالم خواب قادر است اراده خود را بر روح ضعیف ما تحمیل
 نماید قطعی است که ارواح قویتری هم هست که میتوانند همان عملی که روح
 قوی نسبت بر روح ضعیف تر از خود می نماید نسبت بر روح قوی بنمایند و چون ارواح
 قویتر از قوی زیاد است بالاخره این عمل بجائی میرسد که يك روح بسیار
 قوی و نیرومندی بر تمام ارواح مسلط بوده و قادر باشد هر چه خود صلاح
 میداند با ارواح ضعیف بقبولاند و با توجه باینکه مانند شیمیست های دنیا
 لازم است شیمیست مطلعی باشد تا فورمولهای حیاتی جهان را ترکیب نماید
 و نگذارد ترتیب و ترکیب فورمولهای مختلف هوا و آب و مواد غذایی
 خلاصه کلیه احتیاجات حیاتی ما بهم بخورد و نظم و ترتیب عالم وجود مختل
 شود موضوع مهم دیگری را باید در اینجا اشاره نمائیم و آن اینست که
 بفرض اینکه ما معتقد شدیم فرضیه مادیون صحیح باشد و بگوئیم يك کره
 بی ابتدا و بی انتهای نورانی در عالم بوده و بطور خود کار حرکت میکرد و
 تدریجاً بدون عامل و بی نقشه و بی مقدمه و بی هدف و بطور تصادف و اتفاق
 و خود بخود آنها را بهترین نظم و دقیقترین وضعی کرات بسیاری از آن جدا
 شده و منظومه های شمسی بی حسابی را بوجود آورده است و یکی از کراتی
 که از خورشید جدا گردیده زمین است و زمین بتدریج سرد شده و قابل
 سکونت جانداران شده است .

این فرضیه های بی سروته و این خیالهای افسانه مانند بچه گانه همه
 صحیح ولی در اینجا نکته مهمی هست یعنی وقتی زمین را بسا خیال و حرف
 بوجود آوردیم لااقل باید يك فکری هم برای خلقت آنها بکنیم که سه
 چهارم سطح زمین را پوشانیده اند که از کجا آمده . کره اولیه خورشید را
 دارای آب بود که دیگر آنهمه حرارت نمیداشت، پس آنها چطور بوجود آمده
 و سبب خلقت و پیدایش آنها چیست اگر بگوئیم بخاراتیکه اطراف زمین را گرفته
 بوده در موقع سرد شدن زمین و در روزگار اول تبدیل بآب شده اولاً باید
 بدانیم که هر بخاری تبدیل بآب نمیشود و ثانیاً اگر فقط بخار سبب پدید

آمدن آب و باران میشود پس چرا کره ماه که پوشیده از بخارهای زیادی است بدون آب معرفی میشود اهمیت مطلب وقتی خوب واضح میشود که ما تمام کرات آسمانی را که ستاره شناسان با دقیق ترین وسایل خورشیدهای آن را متجاوز از چندین میلیون میدانند که هر کدام چندین میلیون مرتبه از خورشید و زمین ما بزرگترند و با احتمال کشف میلیونها خورشید و کهکشانیهای دیگر و باد در نظر داشتن حرارت این خورشید کوچولو خودمان مخصوصاً در خط استوا آنهم با این فاصله عجیب بهم متصل کنیم و در عالم خیال بزرگی این کره و حرارت و شعاع آن را در نظر بگیریم آنوقت بهتر میفهمیم که در مقابل چنین حرارتی آب و موجباتی که ایجاد کننده آب است چه دوامی خواهد داشت .

باری بهتر است دنباله خیال بافی را رها کرده و بگوئیم همان قوه و نیروی عجیبی که مسلط بر جمیع قوهها میباشد و خدا نام دارد همانطوری که عالم افلاک را که دقیقترین و عالیترین دانشمندان فلک شناس از نظم و ترتیب و انتظامی که در حرکات منظومه های شمسی آن میباشد دچار حیرت و تعجب شده بوجود آورده و همان کسیکه بخارهای آب متصاعد شده از آبهای زمین را با نظم مرتبی تبدیل بیارانها و برفهای منظم میکند و اگر باران و برف بی نظم بماند فساد زراعت و قحطی حتمی پیدا شده و زندگی ما محال خواهد بود آ بهار هم در زمین بقدرت کامله خود خلق فرموده و بعد قواعد و اصول طبیعی را با حساب بسیار صحیح و منظم و زیر فرمان و اراده خود برای آن مقرر داشته چاره دیگری نداریم.

بدیهی است وقتی میگوئیم خداوند متعال با قدرت کامله خود چیزی را بوجود آورده و یا میآورد منظور اینست که خداوند بزرگ با اراده و قدرت قوی و منحصری که دارد اول روی قواعد طبیعی از عناصر لازم و سائل کار را جمع نموده و بعد با فرمان خود آن چیز را روی حساب و حکمت و منفعت و با خاصیتی پدید میآورد.

بهر حال چون گذشته از تظاهرات روح و قوای نامرئی که تا حال کشف شده و یا بعداً کشف شود اگر نظم و ترتیبی در قوای طبیعی نباشد فقط همین هوا بمیل و اراده خودش خواسته باشد موقعیت های مختلف بخود گرفته اکسیژن یا از تش کم و زیاد شود و یا گازهای دیگرش دارای فعالیت کمتر و بیشتری شده و یا نقصان پیدا کرده و یا افزایش یابد و درجه حرارت و برودتش ناگهان بهم بخورد بدون هیچگونه تردیدی ادامه حیات کلیه جانداران محال و دنیا محکوم بقنا خواهد بود.

پس باید يك قوه عالم و توانا و قادر وجود داشته باشد که مسلط بر همه امور طبیعی بوده و انتظام گیتی را حفظ کرده و فورمول های حیاتی ما را ترکیب نماید و این قوه باید قادر باشد که هر چه خود صلاح میدانند بوجود آورده و هر چه میخواهد بوجودات خود تحمیل کند باید بيك موضوع دیگر هم توجه نمایم و آن اینست که از ابتداء خلقت دنیا هر فکر تازه و هر اختراع و اکتشافی که در دنیا ظاهر شده مخالفین بسیار داشته است و بتدریجی که اختراع پیشرفت کرده مخالفین موافق شده اند. روزیکه چاپ، بخار، برق، طیاره، رادیو و غیره کشف شد هیچکس حاضر نبود آن را قبول نماید در صورتی که امروز هر بچه ای بهم آنها عقیده و ایمان دارد و تظاهرات و اختراعات زیاد اهمیت مطلب را از نظر دور داشته لذا موضوع عادی و انمود میشود پس وقتی وضع مخالفت و موافقت با این اکتشافات و اختراعات علمی اینطور متغیر است و عقاید و افکار ما هم مختلف و غیر ثابت میباشد پس چطور میتوانیم از گفته های اشخاص برگزیده که بنام پیغمبر و فرستاده شده از جانب خدا در جامعه ظاهر شده و در میان يك محیط خرافی و وحشیانه غیر قابل نفوذی نفوذ نموده و دیر باورترین و سخت ترین افراد بشر را با و امر و دستورهای ابلاغی خود مؤمن و مطیع نموده بی اعتنا باشیم اگر کمی تأمل نمایم اظهار عقیده و طرح موضوعی را در محافل دنیای متمدن امروز با وجود مردمان دانشمند تحصیل کرده از حیث اعلام موافقت و مخالفت حاضرین و عقاید مختلف آنها در نظر بیاوریم و همچنین باختلاف عقاید و بالا و پائین بودن سطح فکر افراد بشر و تعصب شدید اکثر مردم توجه نمایم و نیز کمی دقت نموده و عجز خودمان را برای مطیع کردن بچه های مستبد و مردمان مختلف الفکر و عقیده را بیاد آورده و مشکلات و امکان ناپذیر بودن بدست آوردن يك رفیق یا همراهی که من جمیع الجهات در زندگی متابعت از افکار و عقاید ما بنماید بخاطر آوریم و اوضاع هر ج و مرج امروز را با این همه دانشمندان و تحصیل کرده های داخلی و خارجی و این همه مغزهای بزرگ و منور مردم امروزی را از نظر بگذرانیم آنوقت بهتر متوجه اهمیت موضوع شده و خواهیم فهمید که پیغمبر انبیا که در میان وحشیتترین و جاهلترین و نفهمترین جامعه بشری مبعوث به پیغمبری شده و بدون هیچگونه وسیله یکی و تنها اقدام بدعوت کردن متعصب ترین افراد بت پرست بخدا شناسی نموده اند چه مشکلات عجیبی داشته و چه امر بزرگی را انجام داده اند.

در این موقع ناگزیر خواهیم شد که یقین کنیم که يك قوه قوی غیبی

آنهارا كمك ميكرده و متوجه جزئيات عمليات آنها بوده كه با داشتن دشمن هاي خطرناكي توانسته اند مغز خرافي و حشيهاي معاصر خود را مبدل به روشنترين و منورترين مغزها نموده و شديدترين و مهمترين هيچانات روحي را در آن ايجاد و انقلابات اجتماعي و تاريخي زيادي را در دنيا پديد آورند بهر صورت عمل فرستادگان خدا و سرعت انتشار دين آنان با آن محيطهاي خرافي و جهالت و بي سوادى و هزاران مشكلات بساور نكردنى ديگر دليل بسيار مهم و روشنى براى جلب توجهها نسبت بموضوع مورد ادعاى آنها يعنى توحيد خالق متعال و قواى نامرئى او كه كمك و مواظب فرستادگان خود بوده ميباشد.

در اينحال ميخواهم بگويم كه قوههاي موجود در خاك و آب و هوا و حرارت و عناصر و اجزائيكه روح را بوجود مى آورند از يك قوه قوى كسب فيض ميكنند و اين قوه قوى كه مافوق همه قوههاي موجود در عالم وجود ميباشد و ما بهيچوجه از خصوصيات او خبر نداريم خدا نام دارد و خداست كه كلييه ذرات عالم وجود و كون و مكان را در اختيار داشته و بر آن حكومت ميكنند و نظم و ترتيب منظومه هاي شمسي و جهان بزرگى را حفظ نموده و در جزئى ترين امور حياتى و روحي ما نظر دارد و تمام قوهها در اختيار اوست و ذرات و فورمولهاي مختلفى را با حساب دقيق و منظمى تجزيه و تركيب نموده و از قوه و خاصيت هاي آب و خاك و هوا و حرارت و اختلاط عناصر مختلف موجودات ريز و درشتى را ايجاد مي فرمايد و ما هم بوسيله تجزيه و تركيب و با تقويت و تضعيف آن ذرات تا سرحد تكوين آنها جلورفته و آنجا پس از مطالعات و تجسس فراوان زانوى عجز و بيچارگى بزمين زده و فرياد مى كنيم كه خدايـا تواز هر بزرگى بزرگتر و ما از هر ذره اي ناچيز تر يم .

بهر صورت تفاوت قوههاييكه در ارواح جسمهاي مادي موجود است و عجائبي كه ما در خواب مى بينيم قوههاي عجيبى كه در ارواح ضعيف ما پديد مى آيد و ارتباط عجيبى كه مابين ذرات نبات ، جماد ، انسان ، حيوان موجود است و روح و تجليات مهم آن ما را متوجه ميكنند كه قوه ديگرى غير از قواى مادي در كار است پس بايد:

الف - ايمان بخدا - بايد بخدائي كه بوسيله پيغمبران زيادى در زمان هاي مختلف خودش را معرفى فرموده و در فاسد ترين و جاهلترين و وحشى ترين دورههاي زندگى بشر بزرگترين دستورهـاي عمومي خود را (از هر حيث و هر جهت) بصورت دين و كتاب آسمانى بما ابلاغ کرده و در طول خلقت

دنیا و بشر را بطنه خود را با بشر محفوظ داشته و در هر زمان و مکانی بنحوی تجلی نموده و توجه عامه را با هزاران وسیله بخود متوجه کرده و دستورهای آسمانی او در هر دوره با آخرین کشفیات علمی تطبیق کرده و میکنند و بهترین هادی و راهنمای علم و دانش بوده و میباشد ایمان بیاوریم .

ب- قوه مافوق قوه ها - همانطوری که يك روح قوی در خواب یا بیداری با روح ضعیف ما حکومت میکند و فرمانفرمائی می نماید و تا نکپها و طیاره ها بوسیله قوه رادیو و برق و اراده کسیکه پشت دستگاه فرمان قرار گرفته حرکت میکنند و با توجه باینکه جسم مادی و روح ما تحت تأثیر هزاران علل و عوامل قرار می گیرد و از هواها و نورها و خوردنی ها و نوشیدنی ها و دیدنی ها و فکروخیال و خنده و گریه و کوچکترین حرکات و ذره ترین اشارات و بی ارزشترین حرف ها و ناچیزترین تخیلات، تفکرات ، توهمات متأثر میشود باید بدانیم که عالم وجود زیر کنترل دستگاه بزرگ آفرینش و خالق عظیمی که اداره کننده و منظم کننده و گرداننده آنست قرار گرفته و مانند خورشید که ذرات و اشعه حیات بخشش اگر بما نرسد مرگ ماقطعی است ارتباط مستقیم و ثابتی ما بین قوای جسمی و روح همه موجودات با خالق متعال برقرار است که برای همیشه این ارتباط دوام دارد و ذرات رحمت او مانند چشمه فیاضی بر ما وارد و اراده کننده عالم حیات میباشد اوست که بهر چیزی خاصیتی داده و هر جسم جامد یا ذی روحی را برای کاری خلق کرده و با علم کامل و قدرت کامل نقشه اساسی خلقت را بوجود آورده و با حساب بسیار روشن و منظمی اداره کننده آن است و هر لحظه و آنی قادر است با پس و پیش کردن و کم و زیاد نمودن ذرات هوا و شدید کردن گرما و سرما و منفی کردن خاصیت حیاتی آب، خاک و دادن باران بیه موقع و ندادن بموقع آن بزنگی مغروران و خود سران ما خاتمه دهد.

بد نیست که سه فرض زیر را در نظر مجسم نموده و کمی روی آن تأمل کنیم :

جزء يك - ما مکرر می بینیم که در هوای بسیار گرم و بسیار سرد ناگهان هوا تغییر نموده و خنک و یا گرم شده و مسیر خطر مرگ برمی گردد و اگر در هوای خیلی گرم و سرد که با کمی تفاوت ممکن است خطرات بسیاری بوجود آورده و بحیات جمع کثیری خاتمه داده هوا تغییر نکند حیات بیشتر موجودات در خطر می افتد.

جزء دو- مکرر دیده و شنیده شده مادری میخواست در شب بچه خود را شیر بدهد در اثر خستگی و فشار خواب پستان را بدهان بچه گذارده و

خوابیده و بواسطه افتادن پستان روی دهان و دماغ بچه، بچه مرده است حال
اگر تمام مادرها در مدت ۲ سال دوره شیر دادن بچه‌ها یکمرتبه بچنین حالی
دچار شوند تکلیف جامعه بشریت چیست؟

اهمیت موضوع وقتی روشن میشود که زحمات و حرکات و کارهای
خسته کننده خانه و مسافت زیاد خانمها را در نظر بگیریم و توجه کنیم که اشخاصی
که زیاد کار میکنند خوابشان هم سنگین میشود پس چه نیروئی در این کار
مراقبت دارد و نمی گذارد تمام مادران در ۲ سال دوره شیر دادن بچه های
خود فقط یکمرتبه تحت تأثیر خستگی کار روزانه و خواب سنگین واقع شده
و بچه های خود را زیر پستان خفه نمایند و اگر هم گاهگاه مادری را نشان می
دهد که بچه خود را از زیر پستان خفه کرده است آنهم برای روشن شدن مطلب
و جلب توجه مردم به موضوع میباشد.

جزء سه - از روز اول تولد طفل بیالاهای کار ندارند می گوئیم تا ۱۰
یا ۱۵ سالگی بچه مواظبت و مراقبت مستقیم لازم دارد همه مادرها هم نمی
توانند تمام کار خود را کنار گذارده و متوجه اولادان خود باشند پدرها هم که
گرفتار کار و سرگرم تهیه روزی و تأمین معیشت خود میباشند با توجه باینکه
زیاد دیده و شنیده ایم که حتی سگ و گربه هم گاهی تمام و با قسمتی از دست
و پای بچه های نوزاد را خورده اند و باینکه خطرات مرگ برای بچه ها زیاد
است پس چه نیروئی آنها را از هزاران پیش آمدهای ناجور و تصادفات
و اتفاقات کشنده حفظ میکند و نمی گذارد نسل بشر منقرض گردد .

منظور اینست که يك قوه زنده قوی و فعال و توانائی متوجه کلیه امور
حیاتی بشر و حفظ تعادل در میان آن میباشد و باینکه از جهات بسیاری
موجبات و وسائل فساد و نابودی جامعه بشری موجود بوده و میباشد نظم و بقاء
آن را حفظ نموده است.

ج - از اول خلقت نام خدا در میان جامعه بشر بوده و بقاء آن در
طی چندین میلیون سال ، خود دلیل بر وجود او میباشد گذشته از آن
آثاریکه عملاً برای بشر در طول مدت روشن شده و آنها را روی عقیده
بتوحید خداوند کریم ثابت نگاه داشته و تحقیقات علمی که دانشمندان
در اطراف روح و استقلال و حیات آن بعد از مرگ نموده اند.

آثاری که عملاً خودمان در خواب می بینیم و طرز بیان و استحکام کلامی
که در کتابهای آسمانی راجع به بیان خدا و تعریف او موجود است و
انقلاباتی که پیغمبران در دنیا بوجود آورده اند و هزاران علل و موجبات

دیگر اگر باندازه یکذره در عقیده ما تأثیر نموده و بقدریک میلیون نیم عقیده خود معتقد شویم که يك قوه حا کمه و یا روح قوی و یا خدائی هست مجبور خواهیم شد که قدرت و علم و توانائی مطلقى را در اختیار او بدانیم و برای تأمین سعادت دنیا و آخرت خود را تسلیم او و احکام و اوامرش که با مراعات آخرین حد احتیاجات روحی و مادی و اخلاقی و اجتماعی و انفرادی بشر تدوین شده بنمائیم تا در دو دنیا رستگار شویم .

د - آثار عقلی و مآل اندیشی - با اینکه یکی از آثار عقل و کارهای برجسته انسانی مآل اندیشی و نفع طلبی و توجه بعواقب امور و حفظ منافع و استفاده های شخصی و فرار از ضرر و زیان است و با اینهمه تأکیداتیکه پیغمبران خدا راجع بمعاد و عظمت زندگی پس از مرگ نموده اند و دلائل مثبت زیادی که قبلاً گفته شده و صرف نظر از منافع مادی و روحی و فردی و اجتماعی امور دنیوی شرط عقل نیست که خود را نسبت بمعاد و زندگی پس از مرگ تا این درجه لاقید نشان داده و این همه تذکرات راجع بمعاد را نشنیده بگیریم و زمانی از خواب غفلت بیدار شویم که بجز بدبختی و ذلت و تأثر و غم و غصه و پشیمانی و عذاب ابدی فایده دیگری نداشته باشیم .

بنا بر مراتب بالاروی دلائلی که بآن اشاره شده و باروی مشهودات و محسوسات و معلومات خود اگر کوچکترین عقیده و ایمان را بخدای یگانه پیدا کرده باشیم شرط عقل اینست که برای تأمین سعادت حقیقی دنیا و آخرت با سرعت هر چه زیادت و با عجله هر چه تمام تر بسوی خدا و تعالیم او برویم و احکام و دستورات او را که با مراعات کلیه احتیاجات روحی و جسمی و اجتماعی ما بطور کامل و دقیق مقرر و ابلاغ شده باقیمت جان خریداری نموده و در عین فعالیت و کوشش خود را بساو و امر او تسلیم نمائیم البته منظور از عقیده و ایمان بخدا داشتن این نیست که شخص آبهای اقیانوس کبیر را ببرد باقیانوس اطلس بریزد و یا کوههای قطب شمال را بقطب جنوب حمل کند بلکه منظور کلی اینست که ما ایمان بیاوریم و اقرار کنیم که با همه معلوماتی که جهان بشریت دارد ما نمی فهمیم و گذشتگان ما هم نمی فهمیده اند آیندگان ما هم بساز نخواهند فهمید زیرا بواسطه ضعف خلقت معلومات و اطلاعات ما بطور آستین سر خود از خودمان نیست و الهامات روحی است که این همه علوم را تدریجاً در دنیا بوجود آورده و تازه در قرآن مجید خداوند متعال میفرماید:

(از علم بشما داده نشده است مگر بمقدار کمی) از اول دنیا تا حال در مقایسه افراد بشر شخصیت های علمی و اجتماعی و دینی بزرگی ظاهر و ناپدید شده اند و مردمان برجسته و تحصیل کرده های فراوانی هم اکنون در میان جامعه ما و جامعه بشری موجود میباشند هر کدام بمعاصرین و گذشتگان خود امتیازهای فراوانی داشته و دارند و مخترعین ، مکتشفین مردان سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، روحانیون با تقوی ، پزشکان ، جراحان عالی مقام ، متخصصین روح شناس ، نویسندگان توانا و در هر جامعه به نسبت خود زیاد میباشند و همین مغزهای بزرگ و صاحبان کمالات و معلومات بهر اندازه که در علم خود یا بتمام علوم آشنا باشند بهمان اندازه نسبت به مردمان عادی صاحب امتیاز و بزرگ و با ارزش و با اهمیت و دانا میباشند چندین برابر آن نسبت بمجهولات و علوم گذشته و مجموع آنچه فعلا در دسترس بشر است و آنچه در آینده بمعلومات و اطلاعات و علوم موجود اضافه خواهد شد بی اطلاع میباشند .

منظور اینست که اختراعات و اکتشافات و ادراکات و تعقل و تفکر اولیه بشر خود بخود بوجود نیامده بلکه بوسیله انواع الهامات روحی و با بوسیله تعلیمات پیغمبران علوم مختلف در جامعه بشری پیدا شده و پایه برای تحولات بعدی شده و علماء و دانشمندان هم بهر اندازه در علوم جاری هر عصری متبحر و دانا باشند باز نسبت بعلوم و تحولات و انقلابهاییکه برور در تاریخ و عقاید افکار و علوم مردم پیدا میشود بی اطلاع خواهند بود.

خلاصه چون ما عملامی بینیم که کلیه علوم سیر تکاملی و تدریجی دارند هر روز کشف تازه ای شده و معلومات جدیدی بر اطلاعات سابقمان اضافه میشود پس لازم نیست ما فلسفه و حکمت احکام الهی را تمامی فراگیریم بلکه میتوانیم از آنچه بر ما معلوم شده استفاده نموده و نسبت بآنچه فعلا برای ما تاریک است سکوت کنیم و همان طوری که اگر دانشمندان مورد اطمینانی بما دوا ی ناشناس و دستوره های مختلفی بدهد ناچاریم دستوره های او را اطاعت کنیم و یا اگر بگوید زهر را نخور حرام و کشنده است مشروبات الکلی که دشمن جان تو و نسل تو و سعادت تو میباشد نخور تریاک خانمان سوزنکش برای حفظ ناموس اجتماعی و یکدنیا منافی که تواز آن بیخبری زنانکن برای آسایش روحی و جسمی خود و برای اینکه مورد آزار دیگری واقع نشوی ، کسی را آزارنده برای آنکه آرامش و راحتی و نظم و ترتیب روح تو بهم نخورد و اجتماع منقلب نشود دروغ نگو حرفهای بی آرایش

و بیغرضانه او در روح ما تأثیر نموده و ما تحت تأثیر واقع میشویم بهمان نسبت و شدید تر از آن باید خود را برای اطاعت او امر الهی و فرمانهای آسمانی او حاضر و آماده نموده و فرمانهای او را سر مشق عملی خود قرار دهیم

تیفوس

۱- علت پیدایش تیفوس - قبلا گفته ایم که حرارت و برودت و انواع مختلف قوه ها و اثرها و خاصیت های موجود در خوردنیها و نوشیدنیها و ذرات یانکاتی که در روح ارتعاشاتی بوجود میآورند در بدنها منعکس شده عکس العمل هایی دارند و عکس العمل قوه های گوناگون در بدن و همچنین ذرات و سلول های بدن تأثیر نموده و روی تأثیرات مختلف و ترشحات بموقع یا بموقع اعضاء داخلی بدن ذرات ریزی را بنام میکرب تولید کرده و زنده نگاه میدارد و هلاک کننده این میکربها هم مواد و خاصیت های غذایی ضد آن میباشد اینک برای اینکه بدانیم تیفوس چگونه بوجود میآید باید بنکات زیر توجه نماییم .

الف - یکی از خصوصیات بدن ما اینست که تابستان چیزهای خنک کننده و زمستان چیزهای گرم کننده لازم دارد یعنی زمستان برای مقاومت با هوای سرد چیزهای گرم و غذاهای مولد الحرارة احتیاج شدیدی داریم و در نتیجه چیزهایی را باید بخوریم که مواد گرم را در بدن ما تقویت و حرارت را زیاد کند و با خوردن غذاهای پر حرارت چربیها و پیه هایی که در اطراف قلب و معده و جاهای مخصوص بخود بنام ذخیره جمع میشوند از مواد پر حرارت و قوی تشکیل میشوند و وقتی این ذخیره ها زیاد شود و واکنش شدیدی در بدن دارند (اثر حرارت و برودت در مورد اشخاصیکه در زمستان لباس کم یا زیاد میپوشند خوب معلوم میشود یعنی کسانی که حرارت بدنشان زیاد است کمتر لباس احتیاج دارند و کسانی که برودت بدنشان زیادتر باشد بیشتر)

ب - بواسطه موادی که بتدریج از مواد غذایی پر حرارت وارد خون میشوند گلبول های سفید و قرمز خون از ترکیبات قوی و پر حرارت تشکیل شده و قوت و حرارت زیاد گلبول های خون و فشار آن در ایجاد کسالت مؤثر است .

ج - بطوری که در مورد لوله های فلزی گفته شده و همان طوری که در اثر حرارت آفتاب ، گردن و صورت ما سوختگی پیدا میکند و مدتها

ناراحت میشوند در اثر عبور غذاهای گرم و داغ (هوای غذایی) و حرارت طبیعی غذاها (اثر خاصیت غذایی) اعضاء داخلی، بشدت متأثر میشوند و ادامه وضعیت و زیاد شدن شدت و تأثر و تألم اعضاء داخلی از این حرارتها ایجاد عکس العملهایی مینماید.

د - حرارتیکه در موارد غذایی (مولدالحراره) موجود است و برودتی که اثر بعضی غذاها و خوردنیها میباشد ایجاد یک جزرومدی از هوای گرم و سرد در اعضاء حساس داخلی شکم مینماید و این پس و پیش شدن هوای سرد و گرم در شکم تأثیراتی در سلامتی دارد و همچنین در اثر فعالیت های اعضاء داخلی در راه رفتن بموقع یا بموقع حرارت های مساعد و نامساعدی در بدن پیدا شده که تأثیر کلی در موقعیت بدن دارند.

ه - حرارت های لباس زمستانی و عملیاتی که برای گرم کردن بدن در زمستان انجام میگردد و حرارت های مصنوعی و برودت های مختلفی که مخصوصاً مطابق معمول امروز بدون قاعده و حساب صحیحی متوجه ما میشود در اعضاء داخلی بدن منعکس شده و تأثیرات گوناگونی دارد و نیز فشار لباس های زمستانی برای بدن ایجاد زحمت و تألم و فعالیت غیر عادی مینماید.

و - مواد غذایی که بذرات بسیار ریزی تقسیم میشوند خود بخود زنده و دارای نیرو بوده و تحت تأثیر موقعیت های مختلف و شدت و ضعف درجه حرارت و برودت بدن دارای فعالیت و حرکت قوی تری شده در گلبول های سفید و قرمز و سلول ها بدن تحلیل رفته روی خواص طبیعی خود ذرات متحرک مساعد و نامساعدی بوجود میآورند که همیشه با هم در کشمکش بوده و این کشمکش ها که گاهی شدید و گاهی ضعیف است عکس العملهایی در بدن دارند.

ز - همان طوری که برای خود ما محسوس است و میزان الحراره ها درجه سردی و گرمی هوارا در شبانه روز بدرجه های مختلف نشان میدهند هوا در جریان روز و شب تغییرات زیادی نموده گازهاستیکه در آن موجود است تحت تأثیر علل مختلفی قرار گرفته و موقعیت های خاصی بخود میگیرند و چون چنین شد و درجات سرد و گرم و معتدل بوجود آمد خواص مختلف ذرات هوا در بدن ما تأثیر نموده سلول ها و ذرات زنده بدن را تحریک مساعد و گاهی تحریک نامساعد کرده و تأثیرات مختلفی در بدن و جریان عمومی آن مینمایند.

ح - چون بدن و اعضاء داخلی و ذرات زنده آن موقعیت های مختلفی پیدا میکنند و رود اکسیژن هوا (کم و زیاد شدن آن) بوسیله ریه ها و یا سوراخ های پوست بدن و برخورد آن با مواقع مخصوص بدن همیشه یکنواخت نبوده و تأثیرات مختلفی در بدن دارد.

۲ - **ظهور تیفوس** - حرارت های نامبرده بالا در زمستان برای بدن و مقاومت با سرما تا اندازه کافی لازم است ولی گاهی این حرارتها از حد طبیعی خود تجاوز نموده و چون هوای زمستان هم تغییراتی نموده و سرما کم و زیاد میشود و گاهی هوای بهار و یا کیفیتی که شبیه به هوای بهار است در زمستان پیدا شده و سبب میگردد بعضی درخت ها گل میکنند و برخی جوانه میزنند و همچنین در اثر رسیدن فصل بهار و تحت تأثیر همان عواملی که بهار در سبز کردن درختها و روئیدن آنها و لطیف کردن هوا و مجبور کردن ما بکم کردن لباس زمستانی دارد هوای خنک و مفرح بهار تحریک و تکان زیاد و فعالیت در اعضاء داخلی شکم که تحت تأثیر حرارت های نامبرده و فعالیت زیاد و کار خسته کننده زمستانی واقع و بکلی فرسوده شده پیدا میشود و برای خارج کردن و بیرون ریختن حرارت های زاید و ذرات قوی یا میکروب های نامساعدی که از موقعیت های مختلف در شکم پیدا شده بدن شروع بفعالیت مینماید و عیناً مثل آنکه هوای دو اطاق سرد و گرم برای گرفتن جای یکدیگر بهم فشار میآورند و یا مثل وقتیکه خود ما در زیر زمین های پست و جاهای کم هوا و کثیف هستیم قلبمان خفه شده و گرفتگی و التهاب شدیدی در خود احساس مینمائیم و اگر به هوای آزادی برسیم با ولع و اشتیاق زیادی شروع باستنشاق هوای آزاد مینمائیم اعضاء داخلی بدن هم بچنین حالی دچار شده و میخواستند با همان شدت از هوای بهتر و یا تر کیباتیکه مخصوص هوای بهار است استفاده نمایند.

در این موقع فشار و مبارزه شدیدی مابین حرارت های موجود در بدن و اعضاء داخلی و یا حرارت های داخلی و هوای خارجی برای تهویه هوای داخلی شکم و بیرون کردن حرارت های زاید و ذراتیکه موجب آنها میباشند در میگیرند و این هیجان یا انقلاب کم کم سبب کلافه شدن و پیدایش تب میشود و اگر فشار حرارت در بدن و خون کم باشد سرخک و منخملک پیدا میشود و اگر قوی تر باشد حصبه یا تیفوئید و اگر خیلی شدید باشد محرقة یا تیفوس بوجود میآید.

۳ - **معالجه تیفوس** - تیفوس را از دو طریق میتوان معالجه کرد :

الف - ذرموقعی که در هوای زمستان تغییری پیدا و کم کم هواهای بهاری ظاهر میشود و عکس العمل آن در بدن سبب میگردد که در بدن هیجانی برای بیرون کردن حرارتها اینکه بیشتر در زمستان در بدن جمع شده پیدا شود در اینموقع اگر متابعت از عقاید و تجربیات قدیمها نموده و با گرفتن خون و خوردن غذاهای که دارای مواد خنک کننده باشند از قبیل آش های پرسبزی (مرکب از سبزی های خنک) آلو، زرشک، انار و غیره زور و قوت حرارتهای داخلی بدن و خون را کم و از آن اعضاء داخلی و تأثیر بهار را زیاد نمائیم بدون ابتلاء سرخک، مخملک، حصبه، تیفوس حرارتهای زائد از بدن خارج شده و سلامتی برقرار میشود.

ب - بطوری که تجربه ثابت نموده حصبه، تیفوس یا معالجات ساده ایرانی یعنی خوردن یکی دوفلوس (نه سولفات دوسود و کنین) و مقداری دواهای خنک کننده ایرانی مانند آب کاسنی، شاهتره و غیره و غذاهای پرسبزی و ترکیبات چیزهای خنک زودتر معالجه میشود و هر اندازه اطلاعات ما در شناسائی دواها و غذاهای خنک و مفید و قوی زیادتر باشد دوره معالجه بنسبت زیاد و حیرت آوری تقلیل مییابد.

۴ - تیفوس و شپش - پیدایش تیفوس از شپش و کثافت کاملاً اشتباه است و روشن ترین دلیل عملی هم اینست که بسیاری از ثروتمندان و کسانی که منتهای نظافت و دستورات بهداشتی را رعایت کرده اند به تیفوس مبتلا شده و برعکس فقراء و بیچارگانیکه در گوشه و کنار خیابانها و مزبله و خرابه ها بابتدترین وضع و در یک معدن کثافت و میان میلیونها شپش زندگی میکنند سالم مانده اند.

(بطوری که قبلاً عرض شده نقل و سرایت تیفوس هم از بدن شخص مریض به بدن شخص سالم بوسیله شپش و تأثیر آن بنسبت یک درصد است نه صد درصد و نیز منظور از اشاره بشپش و فقراء برای روشن شدن موضوع است و الا طبق دستورات دینی رعایت کامل نظافت برای همه لازم است.

خطرناکتر از میکرب

۵ - خطرناکتر از میکرب ضعف روحیه است - باید یک نکته را یادآور شوم و آن اینست که در طب جدید گذشته از اشتباهی که در توضیح علت پیدایش میکرب و ایجاد کلیه امراض بوسیله میکربهای هوایی شده از نظر ضعیف کردن روحیه بشر که خود بخود ضعیف خلق شده در مقابل

ترس از میکرب خدمت خوبی نگرده اند زیرا ترس از میکرب خطرناکترین و بدترین موضوعی است که دامنگیر بشر شده و او را بنسبت غیر قابل توصیفی مستعد قبول میکرب و مرض و بدبختیهای زیاد میکند.

بطور کلی ترس از میکرب شدیدترین صدمه را با اعصاب و روح انسانی وارد و گذشته از آنکه فشار و عذاب روحی بسیار شدیدی ایجاد میکند بواسطه تأثیر شدیدی که در ضعیف کردن اعصاب و روح و بالنتیجه در بدن دارد قوه و استقامت بدن را کم کرده و استعداد شخص را برای قبول امراض مختلف به نسبت زیادی تقویت میکند و در اینحال با توجه بساثر روحی يك ضرب المثل ساده فارسی که میگوید: (آمد ب سرم از آنچه میترسیدم)

باید بگوئیم که خطرناکتر و مهیب ترین میکربها ترس است و از ترس باید خیلی ترسید و با سرعت هرچه زیادتر و قوت هرچه بیشتر از او باید فرار کرد.

۶- اختلافات نظری و عملی طب جدید:

الف - طب جدید پیدایش امراض را از میکرب های هوایی و تابع دور و تسلسل میداند در صورتیکه بهم خوردن تعادل و کم و زیاد شدن مواد غذایی در بدن و تأثیر خاصیت های خوردنیها و نوشیدنیها در ذرات زنده بدن و همچنین تأثیر مواد غذایی در خون و کمی و زیادی مواد ترکیبی و کثافت خون و زرداب و صفرا که عموماً بوسیله مواد غذایی و مسأ کولاتی بوجود میآیند و تأثیرات فیزیکی و شیمیائی حرارت و برودت و هوا و نور و انقلابات بر اهمیت موافق و مخالف روحی و فکری و معتقدات ملی و اجتماعی و دینی بطور خلاصه همه چیز حتی حرفهای عادی و کلمات بی ارزش در سلامتی و مرض ما مؤثر بوده و سبب امراض مختلف میشوند و میکرب هائیکه در بدن پدید میآیند در خود بدن تکوین میشوند و ورود اتفاقی میکرب هم از خارج بدن مانعی نداشته و امکان دارد.

ب - طب جدید بتأثیر سردی و گرمی و مرطوب و حاد و انواع دیگرش که همان اثر و تأثیر مواد آهکی قندی، آهنی، ویتامینها و غیره در مزاج میباشد معتقد نیست و خود این موضوع شدیدترین و بدترین صدمه و اطمه را به تشخیص امراض و معالجه آنها زده و دوره معالجات را طولانی و خطر مرگ را زیاد میکند.

ج - طب جدید بدون تجزیه خون و ادرار و گاهی پس از چندین مرتبه تجزیه در آزمایشگاههای مختلف بازم نمیتواند مرض را تشخیص داده و

راه علاج آن را معین کند لذا بیشتر معالجات روی تصادف و اتفاق انجام میگیرد در صورتیکه حکماء قدیم آزمایشگاه و وسائل علمی فراوان امروز را نداشتند و روی ظاهر مریض و آثار و علائمی که در صورت و بدن ، چشم ، گوش ، زبان مریض در اثر تأثیر مواد سرد، گرم ، حاد ، مرطوب در مزاج پیدا میشود تشخیص مرض را داده و آن را معالجه مینموده اند موارد اشتباهی آنها هم با فقدان این همه وسائل و اختراعات خیره کننده جدید خیلی کمتر از موارد اشتباهی حکماء جدید بوده و همچنین امراض بی علاج هم برخلاف حال در آن زمان کمتر بوده است بد نیست دوسه موضوع کوچک که از وقایع بسیار عادی معالجات قدیم بوده و تاریخ ما و مجلات خارجی با تعجب و حیرت فوق العاده آنها را نقل میکنند با وضعیت فعلی ما هم باید با حسرت آنها را بشنویم شرح میدهم.

جزء يك - شيخ الرئيس ابوعلی سینا در روز های اول ورود خود بگرگان بدون داشتن آزمایشگاه و هیچگونه وسائلی تب عشق جوانی را که در فراق معشوقش میسوخت تشخیص داده و با استفاده از هوش خود معشوق خیالی بدون هویت و آدرس جوان را با عمل عجیبی پیدا کرد و بابر پا کردن عروسی فوراً جوان را از خطر مرگ نجات داد از این جهت میگوئیم خطر مرگ که عشق قدیمها غیر از هوس های امروزی ما بود. زیرا در قدیم برخلاف امروز که همه نوع تسهیلات برای انواع استفاده های شهوانی پسرها و دخترها فراهم است آزادی بیحد و حصر خانواده ها و محیط های خراب و مفتضح مدارس آرایش و خود آرائی فراوان پسرها و دخترها لا قیدی و بی عقیدگی و بی اتعمد و غرض های سیاسی بعضی آموزگاران و تغییرات کلی که در اعتقادات و قیود اجتماعی و خانوادگی امروز پدید آمده و موجود است نبوده و قدیمها دارای قیود فراوان و معتقدات قرص و محکمی بوده اند و با اینکه سواد زیادی نداشتند مردانشان مرد واقعی و مورد اعتماد و اطمینان بود و زنانشان هم در حد خود دارای مزایای بسیاری بوده اند لذا اگر در میان زن و مرد آنان تلاقی و یا برخوردی میشد و مرد ناگهانی زنی را میدید و یا زنی بمردی توجه میکرد چون دست رسی بمعشوق کار آسان و ساده و پیش پا افتاده ای نبود لذا روح و اعصاب بعلت شتاب و عجله و با عشق و علاقه ای که برای رسیدن به هدف داشت دچار انقلاب شدید روحی میشد و واقعاً در تب و تاب بودند و راستی راستی آنقدر در حرارت تب و یا انقلاب روح میسوختند که وضع آنان برای هوسبازان امروز قابل فهم نیست

و این دسته مردم تا بوصول نمیرسیدند راحت نمیشدند و چه فداکاریها و از خود گذشتگیها برای رسیدن بمقصود صورت میگرفت که نتیجه آن حکایات شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون و هزاران حکایات دیگر از این قبیل است .

باید اضافه شود که تأخیر وصال و دیر رسیدن بمعشوق و عبور از موانع و مشکلات چندی لذت و کیف زیادتری پدید میآورد زیرا وصل واقعی پس از فراق و دوری و التهاب و انتظار شدید و انقلاب حقیقی آنهم در مردمانی که دروغ گفتن برای آنان ننگ و گناه کبیره بود و دارای عقاید محکم و صداقت و راستی طبیعی بوده اند دارای ارزش و کیفیتی است که با وضع فعلی جامعه ما و آنچه از این بابت فعلا در جریان است قابل مقایسه و تطبیق نیست بهر حال توجه روحی که ایجاد تب میکرداگر بوصول نمیرسید بدیوانگی یا مرگ منتهی میشد .

جزء دو - محمد ز کربای رازی حکیم معروف مرد رنگرز یا چرمسازی را که در بازار عطر فروشان بیهوش شده و بزمین افتاد و نزدیک بموت بود دید و با انتقال او بمحل کسب خودش از خطر مرگ نجاتش داد .
جزء سه - جوان سالمی که خون از گلویش میآمد بحکیم بزرگ و مایه افتخار ما ایرانیان یعنی محمد ز کربای رازی مراجعه کرد حکیم عالی مقام معاینه مختصر ساده و طبیعی از جوان کرد و در مقابل پرسش خود از جوان شنید که بسا دهن از جوئی آب خورده است فوراً دستور داد مقداری خزه (علفی که در آبها میروید) حاضر و بخورد جوان دادند در همان دم حال تهوع بجوان دست داد و خزه بلع شده بایک دانه زالو از او دفع شد علت تشخیص مرض و این معجزه ساده بدون دریدن گلو و یکماه بستری شدن در مریضخانه با ورشکستگی کامل را از حکیم پرسیدند حکیم جواب داد که این جوان بادهن از جوئی آب خورده و بدون اینکه توجه کند زالو بمعلقوم او وارد و بدیوار گلویش چسبیده بود و چون مزاج زالو مرطوب و میل فراوانی بآب و رطوبت دارد و خزه هم دارای این خاصیت بود خزه باو دادم و نتیجه گرفتم .

این سه نوع نمونه مثالهای کوچکی از طرز معالجات قدیم بود و از این قبیل نمونهها و معالجههای بسیار ساده طبیعی که در قدیم میشده و حالا هم در میان مردمان بعضی شهرها و دهات جریان دارد و سبب تعجیر و تعجب علماء و دانشمندان جدید شده بسیار زیاد بوده و میباشد .

د - طب جدید و طرفداران آن باختلافات مزاجها و تأثیرات مهم مواد و عناصر غذایی در بدن اهمیت نمیدهند و بدن را تقریباً مثل يك کارخانه پولادی میدانند و تا در اثر تجویز يك دوا عملاً متوجه نشوند که حال مریض خطرناک شده عقیده بمضر بودن دواي مورد نظر خود و مغایرت آن با مزاج مریض پیدا نمیکنند.

ه - طب جدید بحراراتها و برودتهای داخلی بدن و تأثیر اثرهای مختلف مواد و ترکیبات رنگ بر رنگ غذاها و ماکولات و سایر حوادث در اعضاء و ببالنتیجه در سلامتی و مرض بی عقیده است. لذا در آگهی های مصور و انتشارات وزارت بهداشتی راجع به تیفوس دستور داده شده :

شانه و ماهوت پاک کن و کلاه و قسمت خارجی بدن را تمیز کنید و اسمی از تمیز کردن اعضاء داخلی بدن برده نشده است .

و - طب جدید بدوا خیلی اهمیت میدهد و بغذا اهمیت نمیدهد (اگر هم بعضی از آقایان دکتورها متوجه این مطلب باشند عقیده شخصی آنها است و مربوط بعقیده عمومی نیست) در صورتیکه غذا بیش از دوا اهمیت دارد و اساساً با خاصیتهای غذایی میتوان محیط مخالف در بدن ایجاد و کلیه امراض را مرتفع نمود (عدم توجه با اهمیت غذاها بفرض اینکه مرض خوب تشخیص داده شده و دواهای انتخابی هم مؤثر باشد یکی از علل طولانی شدن دوره معالجات فعلی است)

ز - طب قدیم در بسیاری از موارد خون گرفتن را تجویز میکرد و علت آنهم اینست که چون بخشی از هر غذا تبدیل بخون میشود خون حاصله از مواد غذایی زود جای خونهای دفع شده را میگیرد پس ضرری از فقدان خون دفع شده متوجه شخص نمیشود و در عین حال بوسیله گرفتن خون قوه و زور و فشار خون کم شده و از نظر دفع امراض که از زیادی خون پیدا میشوند منافع زیادی میدهد و از سکت و امراض قلبی و پاره شدن رگهای شرايين و غیره جلوگیری میشود .

قدیمها با اینکه در جریان سال چندین بار خون میگرفته اند و با داشتن زندگیهای خیلی کثیف و آشنا نبودن با اصول بهداشتی باز از هر حیث از ما سالمتر و قویتر بوده اند بهر حال طب جدید مکرر در موارد خیلی استثنائی اجازه خون گرفتن نمیدهد و در نتیجه امراضی پیدا میشوند که معالجه آنها بسیار دشوار و طولانی است و بعضی امراض هم معالجه ندارد البته بنده هم منکر این نیستم که اشخاص ناتوان و ضعیف بی خون نباید خون بگیرند ولی دو جمله میخواهم

اضافه نمایم یکی آنکه اشخاص کم خون را بوسیله غذا می توان دارای خون کافی نمود و دیگر اینکه چون از هر غذائی مقداری تبدیل بخون میشود خون گرفتن اشخاص غیرضعیف ایجاد خطر و زحمتی نمیکند و برعکس برای دفع بسیاری از امراض مفید و لازم است .

ح - طب جدید روی فورمولهای عملی و آزمایشهای خود اهمیتی بروح نباتی و تأثیر فوق العاده مهمی که آنها در سازمان عجیب بدن دارند نمیدهد زیرا روی آزمایش و تجزیه و ترکیب مواد ، روح حیوانی یا نباتی یا انسانی بشکل ماده بدست نمیآید در صورتیکه گذشته از آنکه بوسیله علماء روحشناس و مشهودات عمومی و موضوعهای جذابی حیات و زندگی مستقل روحی (روح انسانی و حیوانی) و بقاء روح انسان و حیوان ثابت شده ما عملاً میدانیم که هر چیزی اثرات مختلفی دارد که باید بگوئیم روح آن چیز است مثلاً :

روح انسانی که غیر از جسم مادی بوده و آثار آن انواع تجلیات روحی است که ما بوسیله اعصاب و قوه الکتریسیته بدن و فکر و خیال و عقل و قوای دریا که درک مینمائیم و برای ما تأثیر حیاتی دارد و همه چیز حتی حرفهای عادی هم در آن موثر است و با حرف میتوان آنرا اصلاح و به نیکو-ترین کارها و ادار نمود و یا آنرا فاسد کرده و بدترین و زشت ترین کارها واداشت .

بطور کلی در مواد مختلف غذائی اثرات مختلف و خاصیتهای خاصی است که در بدن ما تأثیرات جور بجوری دارد و نیز در ذرات هوا و شدت و ضعف حرارت اشعه خورشید منافع و مضرات فراوانی برای ما موجود است که بوضع روشن و محسوسی از آن آگاهیم و همچنین ذرات آب هم غیر از شست و شوئی که در بدن میکند اثر رطوبتش برای بدن ما تأثیر غذائی دارد و روح بوسیله آب و خاک و هوا و حرارت و محصولاتی که از این چهار عنصر اصلی بوجود میآیند در بدن تقویت شده و بهمین علت انواع مواد و حرارت و برودت و هوا و همه چیز حتی حرف در آن مؤثر بوده و حال فرح و نشاط و یا تنفر و انزجار برایش ایجاد میکند و روح حیوانی گاهی خیلی قوی میشود که منتهای بدبختی و بیچارگی برای فرد و جامعه ایجاد میکند و گاهی تحت تأثیر تربیت صحیح واقع شده منتهای سعادت را بوجود می آورد و این روحها مانند قوه برق کارخانه بدن را بحرکت در میآورند و بر آن حکومت میکنند در هر حال ما خیلی چیزهایی را که جنبه مادیت ندارند روی آثار و علائم و وصف حالشان مثل نیروی برق شناخته و پی بوجودشان

می بریم ولی طب جدید بیشتر در اطراف ترکیبات مسادی دور میزند و نتیجه اش همین اختلافاتی است که دوره معالجات امروز از حیث نتیجه و خسارت مالی و جانی و مدت معالجه بصورت وحشت آوری در آمده و بازار طبابت رونق بسیار و ابهت و عظمت فوق العاده گرفته و دوا فروشی از بازرگانی های بسیار مهم و پر منفعت شده و بیمار همیشه زیاد است و هر اندازه هم دکترها و داروخانه ها و بیمارستانها و سازمانهای بهداشتی و وسایل کار زیاد شود عیوب و علل اساسی مرتفع نشده و جلوی وحشت عمومی ما را از مرگهای ناگهانی و امراض گوناگون بی علاج نخواهند گرفت و حتی ممکن است خطرات بیشتری هم از جهات دیگر ایجاد شود در اینجا از نظر تشریح مطلب يك حکایتی را باز یاد آوری مینمائیم :

در زمان پیغمبر بزرگ اسلام فخر عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله طیبی برای طبابت بمدینه که پایتخت دنیای اسلامی بود رفت مدتها در آنجا ماند و کسی برای معالجه باورجوع نکرد بالاخره شکایت نزد حضرت پیغمبر (ص) برد و از حضرت علت را پرسید پاسخ فرمودند که ساکنین مدینه را عادت بر اینست که تا گرسنه نشوند غذا نمیخورند و هنوز سیر نشده دست از غذا میکشند طیب تحسین زیادی کرد و گفت همین است علت سلامتی عمومی .

يك خبر دیگر میگویند برای دوسه میلیون مردم شهر نشین متمدن و علاقمند به طب جدید در ایران بیش از یک هزار نفر دست تحصیل کرده و سه هزار نفر طیب مجاز و معین پزشک و پرستار و اینهمه وسایل طبی و داروخانه های موجود کم است و احتمال می رود کار بجائی برسد که لااقل هر خانواده برای همیشه يك دکتر با تمام وسایل لازم در دسترس داشته باشد حال بازار نتیجه عمل راضی خواهند بود یا خیر دیگر بمانر بوط نیست.

۷- آیا احتیاج به طب قدیم داریم - موضوع اینست که آیا بطب قدیم احتیاجی داریم یا خیر موضوع مهمی بوده و باید روی آن مذاکره و بحث کافی شود و بعلمت رعایت اختصار فعلا ناچارم مطلب را خلاصه نموده و با اظهار تاسف از اینکه ما موجبات سلامتی و سعادت واقعی را رها کرده و دنبال فرضیه های ناصحیح رفته ایم نظر خود را راجع به بهداشتی خودمان با توجه بنکات زیر ذیلا عرض مینمائیم :

الف- آب و هوای کشور ما با سایر کشورهای دنیا اختلاف کلی دارد

(حتی در داخله کشور هم این اختلاف محسوس است) و بهمین علت ما باید راههایی را در پیش بگیریم که ما را زودتر بآبها و هواهای کشور خودمان و احتیاجات آن آشنا کند.

ب - بطوریکه تا حال دیده ایم دواهای ساخت خارجه گذشته از آنکه ممکن است با آب و هوای کشور ما سازگار نباشد برای ما هم گران و هم مشکل تهیه میشود و مخصوصاً اگر بمانعی مانند جنک و وضع فعلی برخورد نماید که دیگر هیچ حال بتقلبات يك مشت مردم سود پرست کاری نداریم.

ج - معروفست که در تهران يك نسخه ۷۰۰۰ ریال تهیه شده حال بنتیجه آن کار نداریم آنچه میدانیم اینست که با يك نسخه ۷۰۰۰ ریالی مریض خوب نمیشود و از این قبیل نسخه ها که گاهی هم یکدهم آن مصرف نمیشود باندازه باید تهیه شود که بالای سر مریض دواخانه بی مصرفی که اثر معالجات سریع و شگفت انگیز قرن اخیر است افتتاح شود.

با در نظر گرفتن حق الزحمه هائی از صد تا دویست و پنجاه و پانصد ریالی و کرایه اتومبیل برای آوردن و بردن آقایان دکتورها و هزینه غذا و سایر احتیاجات مریض و بفرض اینکه تمام مریض ها هم وسیله معالجه داشته و هم خوب شوند باید گفت رفع کسالت و مرض يك بیمار مساوی با ورشکستگی و فنای کامل خود و خانواده اش بوده و این امر برای ما قابل دوام نیست.

د - گذشته از تحمل همه گونه خسارتهای مادی و دوندگی و صدمات تهیه دوا و دکتر و اشتباهات دوا سازها و دکتورها و آزمایشگاه ها و هزاران گرفتاریهای دیگر تازه بسیاری از امراض هست که بواسطه کشف نشدن میکرب و علاج آن در طب جدید معالجه قطعی ندارد لذا برای معالجه اینگونه امراض هم که میکرب آن کشف نشده عمر نوح (۴) و صبر ایوب (۴) لازم است و نتیجه مثبت و منفی آنها با خدا است.

ه - با آنها سابقه و کتب و تجربیات مفیدی که ما ایرانی ها در طب داریم و اینهمه مرده هائیکه در طالار تشریح دانشکده پزشکی مورد تشریح قرار گرفته و میگیرد و با توجه باینکه معلوم نیست چند صد و یا چند هزار و یا چند میلیون بدن دیگر باید تشریح شود تا ما بکلیه امراض آشنائی پیدا کنیم و یا آیا میتوان هر مرضی را از تشریح بدنی تشخیص داد و معلوم کرد خلاصه با اینهمه تشریح و اینهمه سابقه تازه گفته میشود تیفوس از

شپش بوجود میآید که میکرب را از هوا بلع کرده و مقامات صلاحیتدار ما هم روی اشتباه پاستور و طرفداران آن میگویند برای اجتناب از مبتلا شدن بتیفوس باید ماهوت پاك كن وشانه و كلاه را تمیز نمود ابدأ بتمیز کردن اعضاء داخلی بدن که قطعاً از آهن و سنك ساخته نشده و بفرض اینکه از سنك و آهن هم ساخته شده باشند باز تحت تأثیر هوا و حرارت و برودت قرار گرفته و متاثر میشوند توجهی ندارند .

بنا بر مراتب بالا چون در این هفتاد سال اخیر بنا بر فرضیه های پاستور و معتقد بودن بآمدن میکرب از کرات آسمانی و با وجود آن در هوا و ایجاد کلیه امراض بوسیله آن خسارتهای زیادی دیده و بیک نتیجه ثابت قطعی و مفیدی هم نرسیده ایم و با تحمل همه گونه صدمه و ضرر جانی و مالی و آزمایش ها و تشریحات زیاد ، معماهای لاینحل بسیاری در پیش داریم و تازه وصف الحال ما اینست که (هنوز اول عشق است اضطراب مکن) پس با توجه باینکه موضوع طب از مهمترین و باقیمت ترین موضوعهای حیاتی و اجتماعی است و با سعادت عمومی ها تماس فوق العاده مهمی دارد و باید با نظر بازتر و روشن تر متوجه مطلب شده و خود را باین موضوع اساسی با علاقه تر نشان دهیم یعنی وقتی عمل می بینیم و میدانیم که آزمایشها و تجربیات قدیمیها فوق العاده آسان و در عمل مؤثر بوده و صد درصد نتایج ثابت و روشنی داشته و معماهای لاینحل را که در دوره اخیر حل نشده با وضع ساده حل میکنند نباید از آن صرف نظر نموده و با انتظار کشف علمی و اثر روح انسان یا حیوانی و نتایج آنها بنشینیم و تحمل خسارتهای مختلف زیاد تر را بنمائیم . تصور مینمائیم وقت آن رسیده که روی حفظ منافع و حیات اجتماعی توجه بیشتری بملل پیدایش امراض و دواهای طبیعی و آنچه اجداد ما از آن با ساده ترین وجهی استفاده میکردند و مخصوصاً اهمیت و ارزش غذاها و مأكولات و مشروبات بنمائیم بطور کلی اگر برای وارد کردن طب و تجربیات قدیم بدان شکده پزشکی مطالعه و بررسی صحیحی بنمائیم یقین است که حیات عمومی ما بهتر تامین شده و از نظر سادگی معالجه و کوتاه شدن دوره بیماری و کمی خرج مریض داری کمک فوق العاده مهمی بجامعه ایران نموده و نتیجه حیرت آوری نصیب ما خواهد شد و گذشته از آن از نظر استفاده از دواهای طبیعی ایرانی و اهمیت خاصی که دارو سازی ایران روی اصول طبیعی پیدا خواهد کرد و آشنائی بنحواص غذاها و خوردنیها و مواد طبیعی و اثرات آنها نتیجه بزرگی عاید ما شده و واردات دواهای خارجی و صادرات

طلاز کشورما و تلفات جانی رمالی مردم کم میشود و بواسطه کوچک شدن سازمان بیمارستانها و بهداریها و نتیجه گرفتن زیادتر از کار و وسائل کمتر تمام کشور از منافع کلی بهداری منتفع خواهد شد و در اینموقع میتوان امیدوار بود که مستشاران عالی مقام بزرگی در طب از ایران بکشورهای خارجه بروند در این مورد اگر کسی بمن بگوید آرزو بجوانها عیب نیست من ابدأ متأثر نمیشوم زیرا حس میهن دوستی در هر کسی باشد این قبیل افکار و احساسات در او پیدا میشود حال نمیگذارند اقدام مثبتی بشود و موضوع ب نتیجه نمیرسد نرسد بهر حال او مقصر نیست .

چند تذکره مفید طبی

۱ - بزرگترین دشمن سلامتی شما بیکاری است از بیکاری باندازه بترسید که از عزرائیل میترسید بیکاری غیر از تنبلی بدن و خستگی روح و کسالت جسم از لحاظ اجتماعی خفت و بی آبرویی پدید میآورد و کار کردن گذشته از منافع مهم جسمی و روحی آبرو و حیثیت اجتماعی ایجاد میکند .

۲ - اگر بسلامتی بدن خود خیلی علاقمند هستید و مایل میباشید بدن شما زود تنبل نشده و آثار پیری در شما ظاهر نشود بدن را هر روز بکارهای عملی و ادار کنید اگر وسیله ندارید که بدن را بکارهای عملی و ادارید و در منزل هم کاری نیست که سبب اشتغال شما شود با ورزش هم انس و الفتی ندارید برای اینکه بدن بیکار نماند میتوانید با کشیدن آب حوض، روفتن برف، شکستن هیزم و حتی در موارد خیلی بیکاری با جابجا کردن و تغییر محل اثاثیه منزل خود برای خود کاری ایجاد نموده و بدن را ب حرکت آورید فایده این عمل اینست که غیر از انحراف روحی که برای شما پدید میآید در اثر حرکت و کار و فعالیت اعضا مقدار زیادی از رطوبت هائیکه در سلولهای شما متمرکز شده است و بیشتر باعث کسالتها و امراض متعددی میشوند بطور عرق از بدن خارج میشود و در اثر کار هر مقدار عرق از بدن زیاد تر دفع شود بسا که شما بیشتر کمک خواهد شد .

۳ - نزدیک بفصل بهار تا میتوان از انواع سبزیجات مخصوصاً اسفناج، برگ چغندر، سبزیجات خنک دیگر بخورید آشپهای ترش مانند آش آلو، آش گوجه، آش انار و آشهای ترش دیگر را در اواخر زمستان و اوایل بهار هرگز فراموش نکنید .

۴- اگر خیلی سلامتی خود علاقمند هستید در خرید و مصرف شیرینی جات خیلی دقت کنید و شیرینی صحیح بدست آورده و مصرف کنید خوردن شیرینی اعصاب را تقویت میکند .

۵ - فراموش نکنید که خنده و تفریح زیاد بدن و روح را میمیراند و همان طوری که خنده در حد متوسط خود برای بدن لازم است گریه هم از ضروریات بدن و سلامتی است موقعیکه گریه میکنید مقدار زیادی اعصاب چشم و دماغ ترشح اضافی میکند و همین ترشح برای سلامتی عمومی مخصوصاً چشم شما بسیار مفید است .

۶- بسیار کوشش کنید که در محیط آرام سکونت نمائید از محیطهای پرهیاهو زود دور شوید و از سروصداهای ناهنجار پرهیز کنید .

۷- اگر سلامتی اعصاب خود علاقمندید کوشش کنید تحمیلات زیاد بمغز و روح خود وارد نکنید بسیار دیده شده که از شدت فکر و خیال در اثر یک شب زندانی شدن موهای مشکی سر خیلی از اشخاص سفید و صورتهای آنان چروکیده و پیر شده .

۸- از ناامایمات و سختیها و ناکامیها و ناامیدیها هرگز نترسید اگر مقدر باشد این خطرات از شما دور نمیشود پس استقامت کنید و بخدا امیدوار باشید که قادر است فردائی بهتر از لهر روز بشما بدهد .

۹ - اگر میخواهید بمرض جنام روحی و عصبی دچار نشوید از اشخاصی که عمداً یا سهواً اختیاری یا اجباری دچار بدبینی مطلق هستند یا تبلیغ بدبینی میکنند فرار کنید البته منظور هم این نیست که در محیط شلوغ امروز خیلی زود باور و خوش بین باشید در حالی که احتیاط میکنید بآینده بیشتر خوش بین و امیدوار باید بود .

۱۰- در غذا مراقبت شدید کنید و اگر میل دارید بسستی اعصاب زیاد مبتلانشوید از خوردن برنج زیاد و سیب زمینی مخصوصاً در مناطق معتدله و حاد خودداری کنید و خوردن برنج زیاد بسستی عصب و عصبانیت شدید و دردهای استخوانی بوجود میآورد .

۱۱ - خوردن دائمی پنیر برای اعصاب تعریف زیاد ندارد و شاید عکس العمل بدی هم مخصوصاً در اشخاص حساس داشته باشد ولی خوردن پنیر با گردو برای مغز و بدن خیلی مفید است .

۱۲- برای سلامتی خود خیلی خوشرو و متبسم و خندان باشید در مقابل محرومیت های زندگی غمگین نشوید زیرا بعلت غم و غصه سلامتی خود را از دست میدهید و ضرر شما زیاد میشود .

۱۳- بسیار کوشش کنید عصبانی نشوید و اگر عصبانی شدید اگر ایستاده‌اید بنشینید و اگر نشسته‌اید پاهای خود را دراز کنید یا بخوابید و یا مختصری آب و با چیز دیگری بخورید و اگر همه اینها فایده نکرد فوری بخاطر بیاورید که هر عصبانیت یک سال از عمر شما را کم میکند و دو سال شما را پیری نزدیک میکند.

۱۴- از گردش قبل از طلوع آفتاب و در جاهایی که خالی از گرد و غبار و سروصدا میباشد و همچنین گردش در آفتاب پائیز خودداری نکنید که سلامتی خود خیانت کرده‌اید آفتاب رل بزرگی را در تقویت بدن و دفع امراض بازی میکند.

۱۵- در کوران هوا بنشینید عرق دار آب سرد نخورید اگر راه زیاد رفته‌اید تا پا گرم است آنها را با آب سرد نشوئید که پیا درد شدید مبتلا شده و ممکن است عاقبت مجبور شوید از پای خود در اثر بی مبالاتی چشم بپوشید.

۱۶- از استحمام و شستن بدن در آب گرم که بیشتر امراض را از بدن دور نموده و بواسطه سرعت دوران دم سلامتی را تضمین میکند خودداری نمائید بدیهی است اشخاص ضعیف یا پیر نباید در آبهای داغ وارد شده و یا در آبهای گرم زیاد توقف کنند.

۱۷- برای علاقه سلامتی خود از محل‌هایی که مملو از دود سیگار و تریاک و قلیان است و همچنین مجالس قمار و مشروبات الکلی تامیتوانید پرهیزید و دور شوید.

۱۸- آیا بدن ما از سنک و آجر و آهن مهمت تر است

البته توجه نموده‌اید که فولاد، آهن، آجر و سنک در مقابل گرما و سرما متأثر و گرم و سرد شده و متلاشی میشوند و قطعاً سینه و پا و بدن شما هم از فولاد و آهن، سنک، آجر سخت تر نیست پس اگر میل دارید مسلول نشوید و یا پاهای شما را روزی نبرند در مقابل سرما شدت سینه و پاهای خود را حفظ کنید و کور کورانها تقلید از مد نکنید زیرا خسارت و ضرری که شما وارد میشود جبران شدنی نخواهد بود و پشیمانی بعدی هم سودی ندارد.

۱۹- اگر بتنبلی بدن مبتلا شدید و احساس کردید که خیلی کسل هستید و یا بدن و حرکت شما سنگین است کوشش کنید زیاد تر یعنی سه روز در میان

و دوروز در میان و یک روز در میان حمام بروید و در حمام مقید باشید مشیت و مال خوبی بطور عادی از شما بنمایند .

حمام رفتن و آب گرم دوران خون راتند و سربع میکنند و بهمین جهت مقدار زیادی از آب بهائیکه در خون و سلولهای بدن است تبخیر میشود و در اثر مشیت و مال هم خستگیهای زیاد بدن مرتفع میگردد باید توجه داشت که آب گرم را اول باید روی پاها ریخت تا خون بیشتر متوجه پا شود و از فشار آوردن به مغز جلو گیری گردد .

۲۰- اگر در هوای سرد دچار دل درد شدید احتیاجی نیست زود به دکتر مراجعه کنید فوری با حوله و دستمال که روی لوله چراغ یا سماور و سایر وسائل دیگر گرم شده باشد شکم را گرم کنید پس از گرم کردن شکم مالیدن مقداری روغن کرچک بشکم بسیار نافع است در سایر مواقع مخصوصاً بعد از غذا اگر دچار دل درد شدید و در موقع غذاهم ماست و گوجه فرنگی خیار، اسفناج، بادمجان، کدو و برنج از این قبیل غذاها خورده باشید خوردن یک گیلاس نبات با آب مفید است در هوای سرد نبات با آب گرم خوب است و چای گرم هم برای رفع درد دل مفید است .

۲۱- اگر میل دارید اعصاب مغز شما سست و ضعیف نشود از حرفهای بی ارزش و موضوعهای بی فایده و چیزهایی که اثرات زیادی در آن نیست صرف نظر نمائید .

۲۲- اگر میخواهید جامعه شما ترقی کند باید از حرفهای سبک و شوخیهای رکیک و کلمات زشت که تنفر روح می آورد خودداری نموده و کوشش کنید که در مکالمه و محاوره رعایت احترام اشخاص را بنمائید اگر در اجتماعی ادب و احترام پدید آید آن جامعه زود ترقی میکند ولی فراموش نکنید که بمنظور اصلاحات اجتماعی گفتنیها را باید گفت

۲۳- اگر بسلامتی خود خیلی علاقه دارید و از گریبهای سخت و سل ریوی خیلی میترسید بنحیابانهائی که دارای هوای کثیف و پر گرد و خاک و دود کازوئیل اتومبیلها میباشد و یا بوهای متعفن و بد دارند وارد نشوید و از این قبیل محلها فرار کنید مخصوصاً اجازه ندهید اطفال شما که دارای ریههای لطیفتر میباشد باین قبیل جاها وارد شوند. مخصوصاً فراموش نفرمائید که استعمال عطرهای طبیعی و ملایم اعصاب را تقویت نموده و بدن را قوت میدهد

۲۴- بآرامش اعصاب و روح خود که در طول عمر شما خیلی مؤثر میباشد توجه زیاد کنید و ساعاتی را برای آسایش و آرامش آنها اختصاص دهید

۲۵ - داشتن مال خوب است ولی سلامتی و تعادل روح و جسم از آن مهمتر است برای حفظ سلامتی ساعات کار و خواب و رسیدگی بامور زندگی را کنه باید بسه قسمت ۸ ساعته تقسیم شود تثبیت نمائید و زیاده از حد بجمع کردن مال حریص نشوید و اینمطلب را بدانید که بچه‌های شما هم خدا و قسمتی دارند .

سه تذکر لازم :

۱ - عرایض و منظور من با قسمت های بسیار مهم طب جدید از قبیل جراحی و عکس برداری و سایر اختراعات مفید و مؤثر و مهم آن مغایرتی ندارد نکته مورد ایراد در کتاب حاضر اینست که مرحله اول و پایه مقدماتی یا هسته مرکزی طب جدید در مورد طب داخلی و علل پیدایش امراض خراب و غلط است و چون پاسطور و طرفدارانش بنام پیدایش امراض بوسیله میکروبهای هوایی و زندگی گانی مستقل میکروبها در هوا و نقل و سرایت آن از نسلی بنسل دیگر و تسلسل امراض دچار اشتباه بزرگی در مراحل مقدماتی طب شده‌اند .

۲ - اهمیت موضوع کتاب حاضر ارزش آن را داشت که مفصل تر و روشن تر مورد بحث قرار گیرد ولی متأسفانه بواسطه عدم وسائل و ناراحتی خیال و اشکالات زیادی که برای چاپ کتاب در بین بود بهمین اندازه قناعت شد .

۳ - بطوری که قبلاً هم عرض نموده‌ام من دانشکده پزشکی ندیده و اطلاعات علمیم کامل نیست و ممکن است در طرز بیان مطلب و تطبیق آن با اصول علمی و یاپس و پیش شدن جملات اشتباهاتی کرده باشم چون یگانه منظوم خدمت بجامعه بشر و میهنم بوده و برای اولین مرتبه است که با گرفتاری های زیاد کتاب مینویسم و در این موضوع هم هیچ شخص با اطلاعی در راه مقصود مرا یاری نکرده و فقط تجربیات و مطالعات خود را بقلم آورده ام امید وارم هر نوع اشتباه و غفلی کرده باشم و یا اگر طرز بیان و توضیحات بنده خارج از دایره ادب فرض شود چون فسد سوئی نداشته و ندارم مورد عفو استادان و متخصصین فن واقع شده و اگر مقدور باشد لطفاً مرا با اشتباه خود متوجه و سپاسگذاره فرمایند .

بهمین ۱۳۳۵ تهران کل گمرک - ابراهیم نیک سیر

توجه فرمائید

برخلاف مطالب بویچ و مبتدل و چیزهایی که نه بدرد دنیا میخورد و نه برای آخرت فایده دارد و اعصاب را خسته و مریض میکند و نوشته‌های محرك شهوت که روح و جسم را فاسد مینمایند کتب و مطبوعات عام المنفعه و مفید سبب سلامتی و تقویت روح و جسم شده و معلومات شخص را زیاد و شخصیت را بزرگ می‌کند. لذا سفارش میکنیم که از خرید و مطالعه کتاب :

(روانشناسی)

که جلد دوم کتاب حاضر است و در خرداد ۱۳۳۶ منتشر میشود و دارای مطالبی تازه و ابتکاری و ساده و سلیس روحی بوده و مطالعه آن برای هر با سوادی مفید میباشد خودداری نفرمائید زیرا مسلماً بضرر شما میباشد.

فهرست مندرجات کتاب روانشناسی

- | | |
|--|--|
| ۷- علاقه های مختلف روحی | مقدمه در اثبات روح ! |
| ۸- آزادی یا مقید بودن روح | اول - فعالیت مجموعه سلسله اعصاب و یا روح و کلیات مربوط بآن : |
| ۹- استقامت روح | ۱- فعالیت سلسله اعصاب یا روح |
| ۱۰- اعتدال روح | ۲- تاثیر افکار مردم در ما |
| ۱۱- احساسات | ۳- روحیه های مختلف |
| ۱۲- فطرت انسان طالب خوبی ها است | ۴- روح شدیدالتاثير است |
| دوم - تاثیر حالات مختلف در روح و اعصاب | ۵- حساسیت روح |
| ۱- انعکاس نتیجه اعمال خوب و بد در قلب و روح خود عامل | ۶- عادت و خو گرفتن روح |

۲- رحم و شفقت یا شقاوت و سنگدلی
۳- تاثیر عمل در زنده بودن یا مرده گی
روح و اعصاب

۴- خوشبخت یا بدبخت

۵- شدید ترین امراض روحی بعد
از ترس

۶- تاثیر افکار و روح روی قلب و خون

۷- رذالت و شرف روحی

۸- بسته و باز شدن یا انبساط و

انقباض روحی

۹- عکس العمل کاربرد

۱۰- دو روح وحشی و اهلی

۱۱- اثر اخبار خیر و یا شر یا خوب

و بد روی اعصاب و روح

۱۲- تشویق و تنقید یا امر بمعروف

و نهی از منکر

۱۳- امید و امیدواریها

۱۴- بیم و امید یا خوف و رجاء

۱۵- اثر فکر در سلامتی و مرض

سوم - اطلاعات لازم روحی:

۱- آیا ما همه چیز را میدانیم

۲- آیا افکار و احساسات و قوای

روحی عکس العمل غده های عصبی

میباشند

۳- آیا متابعت از هوا و هوس صحیح

است

۴- عقیده و تاثیر آن در اجتماع

۵- ظرفیت و قوه روح و قدرت

استقامت آن

۶- قوت روح

۷- مجهولات و معماهای حل شده

۸- ظرفیت علمی روح

۹- تکان یا جهش های روحی

۱۰- آیا میشود عمر طولانی کرد

۱۱- تذکرات روحی لازم است و

یا انسان خود بخود میداند

۱۲- تحریک قوای روحی و عصبی

۱۳- توانائی روح برای درک مطالب

۱۴- فهم

۱۵- میل یا خواستن

۱۶- تفاوت دو عمل

۱۷- انتظار غلط

۱۸- دو پرده مخالف

چهارم - فسادهای روحی: و

۱- اشتغال و خستگی های روحی

۲- تحمیلات زیاد با اعصاب و روح

۳- تاثیر هیجانات روحی در بدن

۴- حیرت و سرگردانی و اتخاذ تصمیم

های مساعد و نامساعد

۵- طغیانهای روحی

۶- چطور محیط ده مرد را احسب

میکند

۷- شخصیتهای فراموش شده

۸- اجتماع زنده و مرده

۹- جنونهای سبک و سنگین روحی

۱۰- هرج و مرج در اجتماع

پنجم - اصلاح و یا کمال روح

۱- تزئین کلام و اثر آن در اعصاب و

روح

۲- پدید آوردن شخصیهای بزرگ

فردی و اجتماعی

۳- تعادل روحی

۴- تمرکز قوای روحی

- ۴- تقویت یا تضعیف روحیه و اعصاب
- ۵- اثر همنشین یا سیر تکاملی و قهقرائی روحی
- ۶- آثار وضعی
- ۷- محیطهای صالح و ناصالح
- ۸- اثر محیط
- ۹- مراقبتهای اجتماعی
- ۱۰- تربیت روح
- ۱۱- سه نوع تربیت
- هفتم - نتیجه

۵- اثر رفیق خوب در تقویت روح و ترقی شخص

۶- چیزهایی که تقویت روح فردی میکند

۷- چیزهایی که تقویت روح اجتماعی میکند

ششم - تربیت یا تقویت و تضعیف

روح

۱- اشتباه چشم یا عقیده غلط

۲- تربیت و پرورش صفات نیک

۳- پند و اندرز و تاثیر روحی آن

امیدوارم همانطور که با چاپ و نشر چاپ اول کتاب (چند موضوع طبی و روانشناسی) و دریافت گواهی کتبی دانشکده پزشکی ایران و اساتید محترم و متخصصین فن مبنی بر تائید صحت مندرجات کتاب و تازه و قابل استفاده بودن مطالب آن توانسته‌ام خدمتی انجام داده و موفق بجلب توجه اساتید و متخصصین فن شوم خداوند متعال توفیقی مرحمت فرماید که بتوانم مشکلات چاپ جلد دوم کتاب را بنام (روانشناسی عمومی و اجتماعی) حل نموده و بچاپ آن توفیق حاصل کرده و در خرداد ۱۳۳۶ بنشر آن موفق گردم.



از مطالعه کتاب روانشناسی عمومی و اجتماعی
که جلد دوم کتاب حاضر است و دارای
موضوعهای نو و ابتکاری میباشد
خودداری نفرمائید

خرید آن ۱۳۳۶ منتشر میشود

مرکز گل پنخس :

تهران میدان شاهپور جنب مسجد مهدیخان الکتریکی نیک

